

سوسیالیسم چینی
محمد زارع



همه اصلاح طلب ها
خط امامی نیستند
گفت وگوبا هادی غفاری

دوران بی اعتمادی فراگیر
ابراهیم متقی



اصلاح طلبان رادیکال فرزندان
مهندسی بازرگان هستند
گفت وگوبا محمدصادق کوشکی

گفت وگوبا منصور غلامی گزینه پیشنهادی وزارت علوم

اصلاح طلب معتدل



روحانی جدید

چرا حسن روحانی یک
چهره ناشناخته را برای
وزارت علوم پیشنهاد کرد؟

**مانور فراکسیون
مستقلان**

گفت وگوبا محمد قمی
مهرداد لاهوتی و
موسوی لارگانی
درباره نگرش مجلس به
منصور غلامی

بازگشت به خانه اول

حسن روحانی جلساتش را
با جامعه روحانیت مبارز آغاز کرده است

**تذکراتی دادیم، روحانی
خود را ترمیم کرده است**

روایت محمد تقی رهبر از دیدار
جامعه روحانیت مبارز با حسن روحانی

**از اسلام گرایی
به سکولاریسم**

چرا اصلاح طلبان به
نهضت آزادی نزدیک شدند؟

تکیه بر ریاض

ترامپ، سیاست دوستونی نیکسون را
تبدیل به ستون علیه ستون می کند

**ائتلاف جمهوری خواهان و
دموکرات ها علیه برجام**

رابطه کاتسا با طرح کاتن - کورکر چیست؟

ظهور مائوی دوم

آیا لیبرالیسم اقتصادی به نهادهای
سیاسی چین سرایت می کند؟

با کوثر کارت

از تیم محبوبتون حمایت کنید



• امکان افتتاح حساب در هر یک از ۳۵۱ شعبه موسسه اعتباری کوثر در سراسر کشور
• حمایت از تیم بدون پرداخت هزینه و تنها با افزایش تراکنش های مالی با کوثر کارت





تولید و پخش زبرا و کرکره در طرحها و رنگ های مختلف

تولید و پخش دکورهای پرده ای مثبت کار دست

آماده عقد قرار داد و اجرای کار با منازل،

سازمان ها و نهادهای دولتی و خصوصی

با مدیریت رضا رضی خط مستقیم مدیریت: ۰۹۱۲۶۱۵۲۰۵۸





ماه اول

www.mci.ir

هر هفته هزینه یک موتور ۱۰۰۰
به ارزش هزار میلیون ریال!

* ۱۰۰ * ۲ #

ویژه کاربران بسته‌های اینترنت همراه اول



فرهنگ معاصر فارسی

نام مؤلفین: غلامحسین صدری افشار، نسرین حکمی، نسترن حکمی

ناشر: فرهنگ معاصر

تعداد صفحات: ۱۳۵۴



ویرایش قبلی این کتاب، با عنوان «فرهنگ زبان فارسی امروز»، در سال ۱۳۶۹ و توسط مؤسسه نشر کلمه منتشر شده بود و بعدها ویرایش‌های بعدی آن با عنوان «فرهنگ فارسی امروز» و نهایتاً «فرهنگ معاصر فارسی» به مخاطبان عرضه شد. انتشارات فرهنگ معاصر، ویرایش چهارم این فرهنگ‌نامه عمومی را در سال ۱۳۸۱ منتشر کرده است و تا سال ۱۳۹۳ به چاپ هفتم رسیده است.

ویرایش سوم این فرهنگ‌نامه در سال ۱۳۷۷ برنده جایزه کتاب سال شد و به لحاظ روانی و سادگی، روشن بودن و دوری از ابهام و کاربردی و عملیاتی بودن، از بهترین فرهنگ‌های لغت کنونی به‌شمار می‌رود. ملاک تدوین این فرهنگ، زبان فارسی امروزی است. این فرهنگ، هر واژه را ساده و روان تعریف می‌کند، از مثال‌های متعدد برای روشن‌تر شدن کاربردهای گوناگون واژه‌ها سود می‌برد و از پیوست‌های سودمندی نظیر جدول‌های اندازه‌گیری وزن، سطح، انرژی، حجم و غیره نیز استفاده کرده است. مؤلفان این فرهنگ، معتقدند که بیش از هر فرهنگ فارسی دیگری که تاکنون منتشر شده، توانسته‌اند واژه‌های رایج زبان فارسی امروز را گردآوری، تعریف و عرضه کنند و نیز ادعا می‌کنند که شاید کار آن‌ها، نخستین فرهنگ فارسی باشد که در آن، همه واژه‌هایی که به کار رفته، تعریف یا به واژه رایج‌تر از خود ارجاع شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَكَلِّكَ جَعَلْنَاكَ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ
وَيُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مصطفی آجورلو

سردبیر: سعید آجورلو

خودبینی منشاتمام فسادهای عالم

ما آن طوری را که خیال می کنیم، قرآن کریم در قصه آدم - که باید گفت یک قصه رمزی است، لکن بسیار آموزنده - به ما یک دستوراتی داده است که اگر به آن دستورات بشر عمل بکند، حل همه مشکلات می شود. قبل از این که آدم را خلق بکند به ملائکه می فرماید که می خواهیم یک همچو کاری بکنم. ملائکه جنبه تقدس خودشان را نظر می کنند و جنبه فساد آدم را. از این جهت، می گویند که شما چرا خلق می کنی یک جمعیتی را که در زمین فساد کنند و سفک

دما کنند؟ ما تقدیس تو را می کنیم. خودشان را می بینند در صورت تقدس و آدم را می بینند در صورت فساد. جنبه خوبی خودشان را و جنبه بدی آدم را ملاحظه می کنند. خدای تبارک و تعالی هم بهشان می فرماید که شما نمی دانید، شما همان خودتان را می بینید، خودبین هستید و از آدم کمالات را نمی دانید.

و بعد هم قصه را تمام می کند که به آدم «اسما» را که واقعه «اسماء الله» است - همه چیز اسماء الله است - تعلیم می کند، و بعد می گوید عرضه کنید! آنها می بینند که عاجزند. آنها، خوب! عقب نشینی می کنند. بعد از این که خلق می کند آدم را، امر می کند که سجده کنند، «ملائکه الله» همه سجده می کنند، لکن ابلیس نمی کند. نکته این که ابلیس نمی کند، این است که خودبین است. می گوید:

خبرنامه

۹-۱۳

بدنه در مقابل راس

تصمیم شورای نگهبان غیر قابل تغییر است

سایتی برای مادران یا ترویج سبک زندگی غربی؟

اخبار تجاوز به کودکان پایان ندارد

گفتارها

۱۴-۲۳

دوران بی اعتمادی فراگیر

پایان خوشی بینی

ویترین غرب پسند

ترامپ «چک»

سیاست

۲۸-۴۱

اصلاح طلب معتدل

نظر فراکسیون مستقلان مهم است

جو برای غلامی خوب نیست

مواضع روحانی تغییر نکرده است

تحریریه:

دبیر تحریریه: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - علی حاجی ناصری - امید کرمانی ها

حنیف غفاری

بین الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

اقتصاد: محمد مهدی صدرزاده (دبیر)

دیدار: افشین خماند (دبیر)

ورزش: مهدی ربو شه (دبیر)

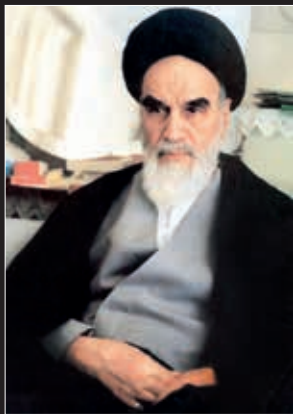
فکر نو: علی حاجی ناصری (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش صحبتان (دبیر)

بازار: محمد شکر الهی (دبیر)

مشاور هنری: نیما ملک نیازی

مثلاً: هفته نامه ای خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشارات است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مرامش تقویت گفتمان انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزش رواداری و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب مان نجابت قلم و روزنامه نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت و گو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت مان صادق، بر مرام مان مستمر و دائم، بر چارچوب مان مستقر، بر آرمان مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق مان استوار بمانیم.



شیطان است، از صدر عالم این قضیه بوده است. وقتی هم که وسوسه می کند به آدم، باز آدم را اغوا می کند به این که تورا می خواهند این جا کائنه حبس کنند. تو اگر حرف من را بشنوی، بیشتر از اینها داری. آدم هم به آن جنبه دیگری از او قبول می کند. این یک تعلیم عمومی است که از قبل از خلقت آدم تا حالا باید برای ما عبرت باشد؛ بدانیم که ارث شیطان، خودبینی است.

تمام فسادهایی که در عالم واقع می شود، چه فسادها از افراد و چه فسادها از حکومت ها و چه در اجتماع، تمام فسادها زیر سر همین ارث شیطان است. و تمام مقسدهایی که در عالم پیدا می شود، از این بیماری خودبینی است.

خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ؛ من از آتش خلق شدم، او از خاک خلق شده است؛ او پست تر از من است، من بالاتر از او هستم. آن هم جنبه خودبینی دارد، و روی این زمینه سجده نمی کند و مطرود می شود.

بعد هم خدا را تهدید می کند، بعد از این که انذار می کند و می گوید، به من مهلت بدهید.

بعد از آن که مهلت را می گیرد و خاطر جمع می شود، آن وقت خدا را تهدید می کند به این که؛ به آن عزت قسم، به آن اسمی که من را اغوا کردی قسم که اینها را نمی گذارم که اکثرشان به تو توجه کنند. از بین یدشان می آیم، از خلفشان می آیم، از یمین شان می آیم، از شمال شان می آیم. و لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ خدا هم جواب را می دهد. ما از این جا می فهمیم که قضیه خودبینی، ارث

تاریخ سیاسی

۴۲-۴۹

از اسلام گرایی به سکولاریسم
راهبردهای خروج از بحران
همه اصلاح طلب ها خط امامی نیستند
اصلاح طلبان از نگاه ایدئولوژیک خود عدول کرده اند



سیاست خارجی

۵۰-۵۵

ائتلاف جمهوری خواهان و دموکرات ها علیه برجام
تاکتیک بازی با واژه ها
دوراهی کاذب
برجام بدون آمریکا عملی نیست



بین الملل

۵۶-۶۷

ترفند
پوپولیسم پر خاشاک رایانه
فقدان تجربه سیاسی
ساتترالیسم چینی



طراح جلد: مصطفی مرادی



با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آیتاله ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی
مهندس صدوقی حسین محمد پورزندی - محمدابراهیم محمد پورزندی
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - علیرضا حسن زاده - هادی انباردار

سازمان آگهی ها: تلفن: ۸۵۰۵۸۴۸-۰۹۱۲

چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان
توزیع: نشر گستر امروز

نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (توانیر)، خیابان نظامی گنجوی، کوچه پناه،

پلاک ۱۹

تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

گرافیک و صفحه آرایی: فاطمه قناتی - علی آجورلو
افشین جم و محمد محمودی
پردازش تصاویر: هومن سلیمیان
عکس: امیر طلایی کیوان - عدنان جعفری و محمد برنو
ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی، نرگس حاجیلو و فاطمه پورمهر
مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار
سازمان آگهی ها: محمد شکر الهی
بازرگانی و بازاریابی: محمد علی آجورلو
امور اداری: علیرضا اسدالهی - علی اکبر پیمانی
انفروماتیک: شهرام زحمتی
ناظر چاپ: بابک اسکندرنیا

مذاکره بی مذاکره

ایالات متحده آمریکا و متعاقب آن ترویجی اروپایی، در صدد مذاکره بر سر توان موشکی و دفاعی ایران با هدف تحدید قدرت تسلیحاتی کشورمان هستند. این در حالی است که در جریان مذاکرات هسته‌ای ایران و اعضای ۵+۱ نیز بارها تاکید شد که قدرت دفاعی و موشکی ایران اساساً قابل مذاکره نیست. در چنین شرایطی لازم است آقای رئیس‌جمهور نیز روی این موضع پافشاری کرده و انجام هرگونه مذاکره در این خصوص را خط قرمز راهبردی کشورمان قلمداد کند.

رهبر معظم انقلاب:

قدرت دفاعی کشور به هیچ وجه قابل مذاکره و معامله نیست



تیتریک

ارزیابی و تاکید کردند: «راه مقابله با این مخالفت‌ها، این است که برخلاف خواسته آنها، بر عناصر اقتدار ملی، تکیه و ایستادگی کنیم.»

باید بر عناصر اقتدار خود تکیه کنیم

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در همین خصوص گفتند: «همان‌طور که قبلاً بارها اعلام کرده‌ایم و باز هم اعلام می‌کنیم، امکانات و قدرت دفاعی کشور قابل مذاکره و چانه‌زنی نیست و در خصوص ابزارهای دفاعی کشور و هر آنچه اقتدار ملی را تأمین یا پشتیبانی می‌کند، هیچ‌گونه چانه‌زنی و معامله‌ای با دشمن نداریم و راه اقتدار را با قوت به پیش خواهیم برد.»

رهبر انقلاب اسلامی خطاب به جوانان گفتند: «این کشور متعلق به شما است و باید همانگونه که جوانان دیروز به وظیفه خود عمل کردند، شما نیز در سایه اسلام و در چارچوب آرمان‌های انقلاب اسلامی، کشور را به اوج عزت برسانید.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین با تشکر از فرماندهان و اساتید دانشگاه افسری امام‌علی (ع)، این دانشگاه را فیهیة ارتش خواندند و یاد و خاطره شهدای ارتش به‌ویژه شهدای دانشگاه افسری امام‌علی (ع) را گرامی داشتند.

در این مراسم، امیر سرلشکر موسوی، فرمانده کل ارتش ضمن خیر مقدم به رهبر معظم انقلاب اسلامی، گفت: «متعهد می‌شویم که ارتش دست از دست سپاه پاسداران در نیارد تا پایه‌های رژیم سلطه فروریزد و عمر رژیم صهیونیستی هر چه زودتر به پایان رسد.»

«وابستگی اقتصاد به نفت، یک مشکل تاریخی و به‌جامانده از دوران قبل از انقلاب است و همین موضوع موجب شده است که ما در دوران‌های مختلف در زمینه فروش نفت و درآمد حاصل از آن، دغدغه داشته باشیم.»

رهبر انقلاب اسلامی با تاکید بر اینکه تا وقتی اقتصاد کشور از نفت فاصله نگیرد، بنیان صحیح و امنی به وجود نخواهد آمد، خاطر نشان کردند: «بیان این موضوع اقتصادی در این محیط نظامی، برای نشان دادن اهمیت امنیت در همه بخش‌ها است.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همه مردم به‌ویژه جوانان را به دانستن قدر امنیت موجود و عزت و آرامش و سربلندی کشور که به برکت نظام جمهوری اسلامی به وجود آمده، توصیه کردند و گفتند: «روزگاری، ایران عزیز با گذشته تاریخی و درخشان خود و با استعداد‌های بی‌پایان، زیر پای مستشاران آمریکایی و صهیونیستی و انگلیسی بود و به دست حاکمان وابسته و ضعیف و پست، تحقیر می‌شد اما اسلام، این کشور را نجات داد و جمهوری اسلامی، ایران را عزیز و مقتدر کرد.»

ایشان، با اشاره به ناراحتی و عصبانیت قدرت‌های استکباری از اقتدار منطقه‌ای ایران، افزودند: «دشمنان نظام اسلامی عناصر اقتدار ملی کشور را عامل مزاحم خود می‌دانند و با آنها مقابله می‌کنند و بر همین اساس با افزایش اقتدار جمهوری اسلامی در میان ملت‌ها، در منطقه و فراتر از منطقه مخالفند زیرا این اقتدار، عمق راهبردی نظام اسلامی است.»

رهبر انقلاب اسلامی، مخالفت قدرت‌های استکباری با توان دفاعی کشور را نیز در همین چارچوب

مراسم مشترک دانش‌آموختگی، تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش، صبح روز چهارشنبه (سوم آبان) با حضور حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، فرمانده معظم کل قوا در دانشگاه افسری امام‌علی (ع) برگزار شد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در ابتدای ورود به میدان، در محل یادمان شهدا حضور یافتند و با قرائت فاتحه، یاد شهدای مجاهد را گرامی داشتند. فرمانده کل قوا سپس از یگان‌های حاضر در میدان سان دیدند. ایشان همچنین جانبازان سرافراز حاضر در میدان را مورد تقدیر قرار دادند.

در این مراسم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، فرمانده کل قوا در سخنانی، مهم‌ترین وظیفه و مسئولیت نیروهای مسلح را تأمین امنیت کشور خواندند و با تاکید بر اینکه پیشرفت در عرصه‌های مختلف از جمله علمی، صنعتی و اقتصادی منوط به وجود امنیت است، گفتند: «امنیت بستری برای رشد همه عناصر قدرت و پیشرفت است زیرا در فضای ناامنی، آرمان‌های بزرگ و درخشان از ذهن‌ها فراموش می‌شوند.»

اقتصاد کشور باید امن باشد؛ اقتصاد وابسته به نفت ناامن است

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به اینکه در شرایط کنونی مهم‌ترین مسأله کشور، موضوع اقتصاد و معیشت مردم است، افزودند: «بنای اقتصاد کشور نیز باید یک بنیان امنی باشد.»

ایشان بنیان اقتصادی کشور را به دلیل وابسته بودن به درآمد نفت، ناامن خواندند و تاکید کردند:

بدنه در مقابل راس

تصمیم شورای نگهبان
غیر قابل تغییر است

سایتی برای مادران یا ترویج
سبک زندگی غربی؟

تی تی سایت

مجله تخصصی برای مادران ایرانی

موشک، خط قرمز است

نگاهی بر سخنان اخیر رئیس جمهور

نظر مثلث

❖ روسیاهی

در جریان فتنه اسرائیلی-آمریکایی که برای جدایی اقلیم کردستان از کشور عراق طراحی و در حال اجرا بود در داخل ایران برخی چهره‌های اصلاح طلب که اتفاقاً از شخصیت‌های دانشگاهی و به اصلاح روشنفکر آنها به شکل خیره کننده و غیر قابل باوری به چنین ایده‌ای روی خوش نشان داده و حتی از آن استقبال کردند.

حمایت اصلاح طلبان تندرو از جدایی طلبی کردستان عراق همان اشتباه راهبردی و محاسباتی است که سال‌ها در باره سوریه و جبهه مقاومت ارائه می دادند. آنها اصلاً به این مساله توجهی نداشتند که تجزیه یک کشور در منطقه به معنای شروع دمی‌نوی سرسام آور و خونین تجزیه دیگر کشورهاست. همانگونه که کاندولیزا رایس، وزیر خارجه وقت آمریکا در سال ۲۰۰۶؛

جنگ رژیم صهیونیستی علیه لبنان را درد زایمان خاورمیانه جدید تعبیر کرد، بحران‌های خونین آینده در زمینه تجزیه کشورها نیز در راستای راهبرد بلند مدت بالکانیزه کردن منطقه خواهند بود که مسلماً منافع ایران در آن شرایط تامین نخواهد شد.

حالا هر چه هست با اتحاد قابل ملاحظه سه کشور عراق ایران و ترکیه توطئه اسرائیلی و آمریکایی جدایی اقلیم ناکام ماند و حالا نه تنها نقشه جغرافیایی منطقه به هم نخورده است بلکه حتی بارزانی که تا همین چند روز پیش با غرور خاصی در پازل بدخواهان و دشمنان منطقه بازی می کرد اکنون استعفاي خود را ارائه داده است. کردها اکنون از این فتنه رها شده‌اند. نکته اما این است که حالا زمستان رفت روسیاهی برای کسانی مانده که یکبار دیگر در محاسبات خود اشتباه کردند. اصلاح طلبانی که مانند اتفاقات سوریه بار دیگر دچار یک اشتباه محاسباتی بزرگ شدند.

❖ اقتدار ملی

مهمترین نکته‌ای که در تحولات روزهای اخیر مربوط به برجام به چشم می آید نوعی تقسیم کار میان اروپا و ایالات متحده است. در آخرین روز هفته گذشته تحریم‌های تازه‌ای در مورد مسایل موشکی ایران در آمریکا تصویب شد. آن هم درست در زمانی که در اروپا هم تلاش‌هایی برای وادار کردن ایران برای ورود به مذاکره موشکی آغاز شده است. آنها از ایران قدرتمند هراس بزرگی پیدا کرده‌اند. پس باید مراقب بود تا این قدرت ملی همچنان در صدر باشد. اروپا و آمریکا تقسیم کار کرده‌اند باید این رافهمید و مقابل آن ایستاد.



قدرت‌های استکباری از اقتدار منطقه‌ای ایران، تاکید کردند: «دشمنان نظام اسلامی عناصر اقتدار ملی کشور را عامل مزاحم خود می‌دانند و با آنها مقابله می‌کنند و بر همین اساس با افزایش اقتدار جمهوری اسلامی در میان ملت‌ها، در منطقه و فراتر از منطقه مخالفند زیرا این اقتدار، عمق راهبردی نظام اسلامی است. مخالفت قدرت‌های استکباری با توان دفاعی کشور نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است. راه مقابله با این مخالفت‌ها، این است که برخلاف خواسته آنها، بر عناصر اقتدار ملی، تکیه و ایستادگی کنیم. همان‌طور که قبلاً بارها اعلام کرده‌ایم و باز هم اعلام می‌کنیم، امکانات و قدرت دفاعی کشور قابل مذاکره و چانه‌زنی نیست و در خصوص ابزارهای دفاعی کشور و هر آنچه اقتدار ملی را تأمین یا پشتیبانی می‌کند، هیچ‌گونه چانه‌زنی و معامله‌ای با دشمن نداریم و راه اقتدار را با قوت به پیش خواهیم برد.»

واقعیت امر این است که ایالات متحده آمریکا و متعاقب تروییکای اروپایی، در صدد مذاکره بر سر توان موشکی و دفاعی ایران با هدف تحدید قدرت تسلیحاتی کشورمان هستند. این در حالی است که در جریان مذاکرات هسته‌ای ایران و اعضای ۵+۱ نیز بارها تاکید شد که قدرت دفاعی و موشکی ایران اساساً قابل مذاکره نیست. در چنین شرایطی لازم است آقای رئیس جمهور نیز روی این موضع پافشاری کرده و انجام هرگونه مذاکره در این خصوص را خط قرمز راهبردی کشورمان قلمداد کند. متعاقب امضای توافق هسته‌ای، مقامات آمریکایی اعم از دمورات و جمهورخواه، در صدد اعمال محدودیتی دیگر علیه قدرت روزافزون کشورمان هستند. این در حالی است که حفظ و گسترش توان و قدرت موشکی و دفاعی کشورمان برای مواجهه با توطئه‌ها و طرح‌هایی که اتفاقاً واشنگتن و متحدان اروپایی و منطقه‌ای آن بانی به وجود آمدن آنها هستند یک الزام محسوب می‌شود. ►

اخیراً رئیس جمهور کشورمان در همایش بزرگداشت چهلین سالگرد شهادت آیت الله سیدمصطفی خمینی به نکات قابل تاملی در خصوص تحولات هسته‌ای و موشکی اخیر اشاره کرد. حسن روحانی برجام را مورد توجه قرار داد و گفت: «از هیاهوی این و آن باکی نداشته باشیم ما یک توافقنامه بین‌المللی که امروز حتی رئیس جمهور آمریکانیز بعد از ۱۰ ماه که هر روز می‌گفت این توافق بدترین توافق ممکن است و باعث شرم آمریکاست، هنوز نتوانسته با آن کاری بکند و این نشان از عظمت ملت ایران و دیپلمات‌های کشورمان است.»

اما نقطه تامل برانگیز اظهارات رئیس جمهور، مربوط به موضوع توان تسلیحاتی و موشکی ایران است. وی در این خصوص می‌گوید: «تسلیمات ایران مثل تسلیحات همه کشورهای دنیاست. ما در دنیا مقررات بین‌المللی داریم، خود نیز قانون اساسی داریم. بنابراین نیروی ما باید بازدارنده باشد. چیز دیگری نمی‌خواهیم. قدرت نظامی ما در برابر تهدیدات باید بازدارنده باشد تا در شرایط میاداد، دفاع موثر و کاملی انجام دهد. همه دنیا هم همین‌طور است کسی نمی‌تواند قدرت نظامی کشور را که بر مبنای قانون اساسی و تدابیر دفاعی و دکتین دفاعی طراحی شده، محدود کند. این وسط برخی دوست دارند با ما حرف بزنند تشریف بیاورند حرف بزنند. ببینیم چه کسی ضرر می‌کند.» بدیهی است که اساساً مذاکره بر سر توان موشکی و دفاعی و تسلیحاتی کشور خط قرمز پررنگ حوزه امنیتی و سیاست خارجی کشورمان محسوب می‌شود. به عبارت بهتر، اساساً این بار کار به مذاکره‌ای دیگر نخواهد کشید که کسی بخواهد در این بازی برنده یا بازنده باشد! همچنین در این خصوص، بازی برد-برد نیست و مفهوم ندارد.

سخنران رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم دانش‌آموزی دانشجویان دانشگاه افسری ارتش، نشان از موضع قاطعانه جمهوری اسلامی ایران در این خصوص دارد. ایشان، با اشاره به ناراحتی و عصبانیت

از روحانی پست نخواهید

هشدار بهزاد نبوی به اصلاح طلبان

خودی‌های اصلاح طلبان انتقاد کرده می‌گوید: «برخی از دوستان مطرح می‌کنند که ما زحمت کشیده‌ایم و پست و مقام به سایرین رسید. من از این برخوردها شرمند می‌شوم و چنین اظهاراتی را و هن اصلاح طلبان می‌دانم. چنین اظهاراتی این تصور را ایجاد می‌کند که اصلاح طلبان به هدف گرفتن مزد زحمت کشیده‌اند، حال آنکه مجموعه جریان اصلاحات چون انتخاب آقای روحانی را در جهت منافع ملی و مصالح کشور و ملت می‌دانست، برای انتخابش تلاش کرد، نه به خاطر گرفتن پست و مقام. این قبیل اظهارات در واقع ضایع کردن اجر اصلاح طلبان است.»

نبوی همچنین با حالتی اغراق گونه در مورد وضعیت روحانی گفته: «شرایط امروز و فشار بر آقای روحانی با فشارها بر رئیس دولت اصلاحات متفاوت است. در آن دوره هر ۹ روز یک بحران برای دولت ساخته می‌شد، اما امروز به نظر می‌رسد برای دولت روحانی هر ۹ ساعت یک بحران ساخته می‌شود.»

سیاست خارجی و اقتصاد، از دولت حمایت می‌کنند. در زمینه سیاست داخلی هم اشتراکات زیادی با دولت و اصلاح طلبان دارند. موضع گیری‌های مجلس شورای اسلامی با تعداد قابل توجهی اصولگرای میانه‌رو و معتدل در قبال انتخابات شورا و انتخاب اعضای کمیسیون ماده ۱۰ احزاب و کمیسیون شوراها و هیات نظارت بر مطبوعات موید این اشتراکات است. «او راهی را هم برای ارتباط مستقیم با این طیف باز کرده می‌گوید: «به این ترتیب من امکان تعامل مستمر اصلاح طلبان با این طیف را ممکن و مفید می‌دانم.»

اما مهم‌ترین بخش از این مصاحبه جایی بود که او به

هفته گذشته بهزاد نبوی در یک مصاحبه با روزنامه آرمان به نکته‌ای اشاره کرد که برای جریان اصلاح طلب خصوصا جوانان آن قابل هضم نبود. او از اینکه برخی از اصلاح طلب‌ها گلایه می‌کردند که چرا دولت به آنها پست نداده احساس شرمندگی کرد.

نبوی در مورد نگاه اصولگرایان به منافع ملی می‌گوید: «اصولگرایان معتدل و میانه‌رو و حتی تندروهای آنان را معتقد به منافع ملی و مصالح کشور و ملت می‌دانم.» او ادامه می‌دهد: «به اعتقاد من اصولگرایان معتدل و میانه‌رو خصوصا پس از حوادث سال ۸۸، صف خود را از تندروها جدا کرده و در دوره آقای روحانی حداقل در زمینه



تاثیر گذاری حق است و شما با چند جمله نمی‌توانید آن را نادیده فرض کنید. فضای ذهنی شما با واقعیت موجود جامعه بسیار متفاوت است. اگر خود را پیرو اصلاحات می‌دانید لطف بفرمایید و آماری از شغل‌های متعدد و حضور پر شمار سران همیشگی اصلاحات یعنی اعضای شورای عالی اصلاح طلبان را در امور مختلف مدیریتی و نظارتی تهیه فرمایید سپس در مورد هن اصلاح طلبی و به کار بردن این واژه نادرست اندیشه کنید. «سؤال اساسی برای سران اصلاحات و پیرومردهای این طیف این است که ببینند آیا می‌توانند این انرژی منبسط شده علیه خود را مهار و آنها را همچنان به تبعیت وادار کنند؟»

به یاد دارند. همان طور که ائتلاف انتخاباتی مجلس دهم را به یاد دارند. اما در نقد به این بخش از حرف‌های نبوی یکی از فعالان اصلاح طلب که یادداشتش را با عنوان: «کولبران ثابت قدم عرصه‌های مختلف انتخابات» امضا کرده، می‌نویسد: «برادر بهزاد تمام شعارهای تان را طی سالیان سال دیدیم و شنیدیم و غیر عملی بودن آن را با روش‌هایی که پیشنهاد می‌دادید نیز به وضوح شاهد بودیم.» نوشته‌هایی انتقادی علیه بهزاد نبوی و سایر سران اصلاحات بوی عبور بدنه از این راس را به مشام می‌رساند. کافی است به این بخش از نوشته همان نویسنده دقت کنیم: «مطالبات اصلاح طلبان برای رسیدن به قدرت و

بدنه در مقابل راس

صابر کرامت

خبرنگار

حرف‌های بهزاد نبوی آنجا که می‌گوید: «من از این برخوردها شرمند می‌شوم و چنین اظهاراتی را و هن اصلاح طلبان می‌دانم.» با مخالفت بدنه فعال در میان اصلاح طلبان روبه رو شده است. آنها به این بهانه به او نقد می‌کنند.

نبوی درست یک روز قبل از انتشار این صحبت‌ها، طی مصاحبه با کنایه اظهار کرده بود: «تا آنجا که من اطلاع دارم حتی ائتلافی با آقای روحانی صورت نگرفته که ایشان نسبت به مفادش عهد شکنی کرده باشد. علت رای اصلاح طلبان به آقای روحانی، صرفا به دلیل مصالح کشور و نظام بوده است.» این در حالی است که افکار عمومی هنوز جلسات پیاپی سران اصلاحات از جمله آقایان موسوی لاری و حسین مرعشی با رئیس جمهور را برای برنامه‌ریزی بهتر در جهت انتخابات ریاست جمهوری ۹۶

حملات متعدد اراذل به چند طلبه

هنوز ماجرای حمله به یک روحانی در شهرری که منجر به کشته شدن ضارب شده بود در اذهان باقی مانده که دو حمله دیگر در تهران صورت گرفت که یک فقره آن منجر به قتل شد.

در اولین اتفاقا یکی از اراذل و اوباش منطقه شرق تهران به طلبه‌ای که به همراه همسرش در حال خروج از مسجد بود با قمه حمله ور شده و با ضربات متعدد قمه،

این طلبه را راهی بیمارستان کرد. همچنین یک روز بعد یک روحانی در پلکان مترو امام خمینی (ره) مورد ضرب و شتم یک نفر قرار گرفت و ضارب که قصد فرار داشت دستگیر شد. اما متأسفانه این روحانی فوت کرد.



انتقاد محمدی کلیپ‌گانی از بازی نهنگ آبی

حجت الاسلام والمسلمین محمد محمدی کلیپ‌گانی، رئیس دفتر مقام معظم رهبری طی سخنانی در مراسم افتتاح

۲۰۰ مسجد و مرکز فرهنگی توسط بنیاد برکت با اشاره به خطر بزرگی از ناحیه تبلیغات مسموم در فضای مجازی و تلگرام که جوانان را تهدید می‌کند، گفت: «خانواده‌ها در خطر هستند، در یک خانه پسر و دختر و حتی بزرگ‌تر موبایل دستشان است و با این وسیله مشغول هستند.» وی با اشاره به اغواگری‌هایی که در نرم‌افزارها و محتوای فضای مجازی و بازی‌های اینترنتی است، تصریح کرد: «اخیرا چیزی به نام نهنگ آبی ایجاد شده که مخاطب را اغوا می‌کند خود را از طبقه چندی یک ساختمان به پایین بیندازد.»



صدور حکم اعدام یک جاسوس

جعفری دولت آبادی، دادستان تهران با اشاره به پرونده‌های امنیتی جدید اظهار داشت: «برای ۹ نفر به اتهام عضویت در داعش و همکاری با این گروهک، کیفرخواست صادر شده و پرونده دو متهم نیز به اتهام عضویت در گروه‌های تکفیری با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال شده است.» وی همچنین خاطر نشان کرد: «حکم اعدام در خصوص یک عامل موساد صادر شده است و یکی از اقدامات محکوم علیه، اعلام نشانی و برخی مشخصات سی



نفر از افراد شاخص پروژه‌های تحقیقاتی، نظامی و هسته‌ای از جمله شهیدان شهریاری و علی محمدی به افسران اطلاعاتی موساد بوده که به ترور و شهادت آنان متهمی شده است.»

دستمزد فوق العاده برای مدیری که سازمانی را نابود کرد



مسعود زنگنه کیان با مطرح کردن این سوال که چه میزان از تصمیمات مسئولان بر اساس داده‌های صحیح است گفت: «اگر بخواهیم مشکل قاچاق، رشوه و زمین خواری را حل کنیم باید علاوه بر استفاده از مدیران کارآمد به داده‌های صحیح دسترسی داشته باشیم.»

وی ادامه داد: «ناگهانی اعلام می‌شود در یک بانک ۱۰ هزار میلیارد تومان پول گم شده است، این چالش نتیجه عدم دسترسی به داده‌های صحیح است.» نایب رئیس مجلس با اشاره به اینکه علاوه بر دسترسی به آمارهای دقیق باید از مدیران کارآمد نیز استفاده کنیم گفت: «متأسفانه شاهد بودیم مدیری که یک سازمان را نابود کرده است در فیش حقوقی اش «فوق العاده‌های مدیریتی» پیاپی می‌گرفت.»

اختلاف روحانی و جهانگیری شایعه است

برخی از منابع خبری در فضای مجازی اخباری مبنی بر اختلاف میان جهانگیری و روحانی منتشر کردند.



در همین رابطه اکبر ترکان، عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه درباره جایگاه آقای جهانگیری در دولت و شایعه تنزل جایگاهش گفت: «من چنین شواهدی ندارم و چنین چیزی برای من اثبات نشده است. این حرف‌ها را آدم‌هایی مطرح می‌کنند که یا واقعا مطلع نیستند و اینها را به صورت جار و جنجال‌های رسانه‌ای می‌خواهند مطرح کنند یا دنبال چیزی هستند که برای ما آشکار نیست. شواهدی دال بر وجود شریاطی که تأییدکننده این حرف‌ها باشد، ندیدم.» برخی از منابع خبری مدعی بودند قرار است واعظی به جای جهانگیری معاون اول دولت شود.

صحن علنی درباره تخلفات احمدی نژاد تصمیم می‌گیرد



غلامرضا تاجگردون درباره تخلفات احمدی نژاد و برخی مسائل مربوط به دیگر روسای جمهوری پیشین کشورمان اعلام کرد: «نباید به این گمانه‌زنی‌ها توجه کنیم.» او ادامه می‌دهد: «ما تصمیم گرفتیم این موضوع را به صورت

تکلیف قانونی در بیاوریم چرا که بعضا می‌گفتند اختلاس یا مسائلی از این دست صورت گرفته، اما تخلفی جدی رخ داده و دیوان محاسبات نیز گزارش خود را تهیه و به کمیسیون ارائه کرده بود. بنابر این تصمیم گرفتیم گزارش دیوان محاسبات که به کمیسیون ارائه شده بود تا پس از بررسی به صحن برود را عینا منتشر کنیم تا ابتدا مشخص شود کل تخلفات صورت گرفته، چه بوده تا پس از آن در صحن علنی بتوانیم تصمیم‌گیری کنیم.»

چالش قانونی

تصمیم شورای نگهبان غیرقابل تغییر است

نماینده دارند و می‌توانند درباره مصوبات مجلس اظهار نظر کنند اما درباره جاهای دیگر نمی‌توانند اظهار نظر کنند. آیت الله یزدی همچنین بار دیگر به موضوع غیرقابل تغییر بودن این مصوبه اشاره کرده و معتقد است: «هیچ کس هم نمی‌تواند این مصوبه را برگرداند.» او همچنین ادامه می‌دهد: «بنده در جلسه شش نفره فقها حضور داشتیم، این حکم قطعی، شرعی و متن قانون اساسی است.» در طرف دیگر اما علی لاریجانی با این مصوبه مخالف است و قرار است آن را به هیات حل اختلاف قوا ارجاع دهند. اگرچه حسن روحانی نیز در این باره اظهار نظری صریح و رسمی نداشته اما برخی از فعالان سیاسی و احزاب از او خواسته بودند تا به پاسداری از قانون اساسی بپردازد. آیت الله یزدی اما معتقد است که رئیس‌جمهور باید از شورای نگهبان دفاع کند: «هیچ کس نمی‌تواند قانون اساسی را زیر پا بگذارد، حتی رئیس‌جمهور هم که خودش حافظ قانون اساسی است باید از فقهای شورای نگهبان حمایت کند و بگوید که این مصوبه شورای نگهبان قانونی است و قانون اساسی هم می‌گوید که اطلاق دارد و شامل همه قوانین است.» این عضو فقهای شورای نگهبان که مصوبات قانون اساسی هم اشاره کرده می‌گوید: «در اصل ۴ قانون اساسی به صراحت آمده که تمامی مسائلی که در کشور تصویب می‌شود، چه مصوبات مجلس، دولت و چه مصوبات دیگر که جنبه تصویبی و قانونی دارد، حتی آنهایی که مربوط به رکن مصوبه است، مانند بعضی از تصمیمات شورای عالی انقلاب فرهنگی که امام (ره) فرمودند حکم قانون دارد، هر چیزی که جنبه قانونی پیدا می‌کند، می‌بایست به تأیید اعضای فقهای شورای نگهبان برسد و این اصل قانون اساسی می‌گوید که این مصوبات حتما باید مطابق شرع باشد، یعنی نه مجلس و نه دولت حقی ندارند که مصوبات خلاف شرع داشته باشند.» به نظر می‌رسد اساسا ابلاغیه‌ای که آیت الله جنتی از ابتدا آن را صادر کرد، از اساس برای خارج کردن سپنتانیکام از شورای شهر یزدی بود چرا که آیت الله یزدی در این مصاحبه اشاره می‌کند: «این امری است که فقهای شورای نگهبان چندی پیش بر اساس گزارش‌هایی که واصل شده بود، در جلسه‌ای در رابطه با یکی از استان‌ها (ایزد) تصمیم گرفت و این تصمیم را ابلاغ کرد که صد درصد شرعی و قانونی است و هیچ کس حق ندارد تخلف کند.»

فروردین ماه امسال و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری شورای‌های اسلامی شهر و روستا، آیت الله جنتی، دبیر شورای نگهبان تفسیر جدیدی را از قانون انتخابات ارائه کرد که براساس آن اقلیت‌های قومی و مذهبی نمی‌توانند عضو شورا باشند. براساس این تفسیر حکم سپنتا نیکام که چهار سال قبل هم عضو شورای شهر یزد بود، تعلیق شد.

هفته گذشته آیت الله یزدی ضمن دفاع از ابلاغیه آیت الله جنتی آن را نظر تمام فقهای این شورا دانست. عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه صحبت‌های آیت الله یزدی نظر نهایی شورای نگهبان است، عنوان کرد: «بله، چون مرجع دیگری برای قانون‌گذار در نظر گرفته نشده است.» آیت الله یزدی در گفت‌وگو با تسنیم با لحنی قاطعانه از غیرقابل تغییر بودن این تصمیم حرف زد و گفت: «اینکه فقهای شورای نگهبان راجع به یک اقلیت مذهبی تصمیم گرفته‌اند، این تصمیم قانونی، شرعی، قطعی و غیرقابل تغییر است و بدون تعارف عرض می‌کنم که اگر کسانی دنبال این هستند که مصوبه قانونی را برگردانند، در حقیقت مقابله با اصل نظام جمهوری اسلامی ایران است و نظام قطعا در برابر آن می‌ایستد و نمی‌تواند تحمل کند.» آیت الله یزدی در پاسخ به اینکه مبنای این استدلال چه بوده توضیح می‌دهد: «فقهای شورای نگهبان طبق تبصره یک ماده ۲۴ قانون تشکیلات و وظایف انتخابات شوراها و انتخاب شوراهای اسلامی شهر و روستا را، مصوب سال ۱۳۷۵، نسبت به چنین مناطقی فرمایشات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۲ مهر ۱۳۵۸ مذکور در جلد شش صحیفه نور را مستند قرار داده و عضویت اقلیت‌ها در شوراها و شورای شهر و روستا را مغایر و خلاف موازین شرع شناخته است.»

برخلاف کسانی که انتقاد می‌کنند چرا اقلیت‌ها می‌توانند در مجلس نماینده داشته باشند اما در شوراها و شوراهای اسلامی شهر و روستا نمی‌توانند نماینده داشته باشند آیت الله یزدی معتقد است: «مسئله‌ای اخیرا پیش آمده که تصور می‌کنند دخالت در مسائل سیاسی و اجتماعی است. در مجلس اقلیت‌های مذهبی نماینده دارند، اعم از یهودیان، ارمنه، زرتشتیان و... و حتی اصناف ارمنه هم در مجلس دو نماینده دارند، به این معنا که اقلیت‌های مذهبی در مجلس

باهر: هاشمی گفته بود روحانی ۵ درصد رای داشت



محمدرضا باهر گفته: «رئیس‌ی چهره شاخص اصولگرای کاریزما نیست، همچنان که در جریان

اصلاح طلبی نیز کسی کاریزما نیست. چنانا شروع کننده خوبی در جهت وحدت بخشی به اصولگرایان بود اما به اصلاح ساختاری نیاز دارد و آنها اکنون در حال مذاکره، گفت‌وگو و بازسازی ساختاری خود هستند.» باهر ادامه داد: «سال ۸۸ به محسن رضایی رای دادم چون موسوی و احمدی نژاد مطلوبم نبودند. در انتخابات سال ۹۲ که آقای روحانی رای آورد، گویا مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی در جلسه‌ای دلخور شده و گفته بودند اگر ما حمایت نمی‌کردیم ایشان ۵-۶ درصد رای بیشتر نداشت و همین هم بود.»

رضایی: از فرانسه فناوری موشکی بخواهیم

محسن رضایی، در خصوص اظهارات اخیر ترامپ خطاب به ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه مبنی بر اینکه نگران تحریم‌ها نباشید و تا می‌توانید از ایران امتیاز بگیرید، گفت: «در آینده نزدیک مقامات فرانسه سفری به تهران خواهند داشت. به اعتقاد من در این سفر دولت‌مردان ما باید از آنها بخواهند که پاریس فناوری‌های مربوط به مسائل موشکی را به تهران منتقل کند.» وی تصریح کرد: «به اعتقاد من هیچ



دلیلی وجود ندارد که جمهوری اسلامی در صنایع خودروسازی بافرانسوی‌ها همراهی کند اما این همکاری در سایر زمینه‌ها مثل صنعت موشک‌سازی وجود نداشته باشد.»

روزانه حجم بسیاری از عکس های خبری به ما می رسد. تعداد این عکس ها آنقدر زیاد است که گاهی به راحتی از کنار آن عبور می کنیم اما شاید بهتر باشد روی بعضی از عکس ها تامل بیشتری داشته باشیم. مثلث در این صفحات، هفته را با مرور عکس ها از نو یادآوری می کند.

تصویرنگاری



اعطای سردوشی به افسران
ارتش توسط رهبر انقلاب



هدیه رهبر انقلاب به جانباز ارتشی



دیدار معاون اسماعیل هنیه با لاریجانی



همایش همدلی ارتش و سپاه



جلسه معاون و مشاور رئیس جمهور به صرف آبگوشت



بهترین جای ایران از نگاه سفیر آلمان

سیدعلی آقای خمینی در نماز جمعه تهران



دیدار جهانگیری و اردوغان



کنگره بزرگداشت آیت الله سیدمصطفی خمینی



نشست خبری هشتمین جشنواره فیلم عمار



تشییع پیکر مرحوم ابراهیم آشتیانی



دیدار دوبازیگر پیشکسوت در بیمارستان



به اینستاگرام مثلث ببینید

اینستاگرام هفته نامه مثلث فعال شده است. کاربران این شبکه اجتماعی می توانند با پیوستن به اینستاگرام مثلث تصاویر مربوط به هفته نامه را مشاهده کنند.

mosalas_magazine

سایتی برای مادران یا ترویج سبک زندگی غربی؟

و معرفی آرایشگاه و سالن زیبایی و مزون های لباس گرفته تا بحث های فلسفی و عرفانی تا کپ هایی که پیرامون ازدواج و شروع زندگی و البته مسائل کاملاً خصوصی زناشویی مطرح می شود. حتی باور و

هم سخت است و حتی بین نظرات نوشته شده در سایتی که از داخل کشور هدایت می شود به راحتی می توان توهین به رهبری، نظام و حتی اسلام را رصد کرد و البته از آن سخت تر باور کردن این حقیقت که این سایت در داخل کشور هدایت می شود و مسئولان و مدیران سایت بدون هیچ گونه نظارتی

چنین نظرات سخیفی را در فضای مجازی منتشر می کنند. حتی در این بین می توان به توهین های بیشمار کاربران به شعائر اسلامی نیز مشاهده کرد. علاوه بر بی ضرر دانستن شرب خمر، اینکه نداشتن حجاب امری بلا اشکال است که تنها در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی به این شکل ممنوع شده است! در بسیاری از بحث های موجود در این سایت می توان حتی به رد پای همجنس گرایی نیز دست یافت. افرادی که با پیش کشیدن موضوع همجنس گرایی در جامعه سعی در مظلوم نمایی این گروه دارند و می خواهند به هر طریق و با بیان سبک زندگی این افراد در کشورهای غربی انحراف آنها را توجیه کنند. داستان اما به همین اظهار نظر ها و بحث های ختم نمی شود. گروهی سازماندهی شده به دور از نظرات های مسئولان سایت و نهادهای نظارتی اقدام به طرح مباحثی در این سایت می کنند که در بسیاری از موارد حتی امکان انتشار آن نیز وجود ندارد. اشخاصی که حتی به سطح مدیر برخی صفحات و بخش های نیز در این وب سایت رسیده اند سعی دارند با به چالش کشیدن موضوعات مختلف، سبک زندگی غربی را به نرمی بین خانواده ها نهادینه کنند و روابط آزادانه زن و مرد، بی مورد بودن رعایت حجاب توسط زنان و حتی مصرف مشروبات الکلی در جمع خانواده ها را به عنوان موضوعی جا افتاده در خانواده های با سطح فرهنگ بالا نهادینه کنند! ▶

داستان این روزهای برخی سایت ها و پایگاه های اطلاع رسانی که با ظاهری خوش خط و خال، هم فعالیت سیاسی دارند و هم سبک زندگی غربی را بین خانواده ها، به ویژه زنان ترویج می کنند، شهر فرنگی است که در آن همه چیز می توان یافت؛ از اظهار نظر های سیاسی و انتقاد به نظام و انقلاب که بدون هیچ گونه محدودیت هایی توسط مدیران سایت همچنان در فضای سایت حضور دارند تا پیشنهاد ها و راهکار های به دور از اخلاق در روابط زن و مرد که بنیان خانواده ها را به عنوان

کانون اصلی و تاثیر گذار یک جامعه هدف قرار داده است. کافی است نام نی سایت را از زنانی که قصد بارداری دارند، کودکشان به زودی به دنیا می آید یا در خانه فرزند کوچکی دارند بپرسید. سایتی پربازدید که ویژه مادران است و از دوران پیش از بارداری تا نوبا شدن بچه ها برایشان اطلاعات و مطالب جالبی تهیه کرده و به صورت رایگان در اختیارشان می گذارد. در این بین اما گشت و گذاری در گروه های تبادل نظر این سایت به ظاهر کودکانه و خانوادگی نشان می دهد که تا چه اندازه مطالب این سایت سمت و سوی مخالفت با نظام دارد. نام و مطالب اصلی منتشر شده در نی سایت آن قدر تخصصی است که کسی حتی فکرش را هم نمی کند در گروه های تبادل نظر این سایت چه مطالب تند سیاسی و غیر اخلاقی بین کاربران رد و بدل می شود. آن هم در سایتی که مخاطب اصلی آن مادران و زنان جوانی هستند که بیشتر وقت خود را در این فضا می گذرانند و هریک از این مطالب می تواند تاثیر بزرگی در سبک زندگی، اخلاق و چشم انداز آنها به زندگی خود، خانواده و فرزندشان داشته باشد.

ترویج سبک زندگی غربی در سایتی با لباس کودکان!

گشت و گذاری در این سایت کافی است تا با موضوعات و موضع گیری های شدیدی مواجه شویم. اینجا همه چیز درهم است، از مطالب مرتبط با سبک زندگی

به ما پیامک بزنید:

۳۰۰۴۱۱۷۱۱

✓ ساخت سد گتوند در نزدیکی گنبد نمکی گچساران باعث خشکی نخلستان ها و تغییر اکوسیستم جلگه سرسبز خوزستان شد. آیا نمی شد با نصب دستگاه های آب شیرین کن در مسیر سد از فاجعه ای زیست محیطی جلوگیری کرد؟

✓ مسئولان هسته ای در دومین سال صدور فرمان حضرت آقا درباره الزامات اجرای برجام پاسخگو باشند. چرا به این الزامات توجه نکردند؟

✓ بعد از ۲۵ سال کار با مدرک کارشناسی در وزارت نفت هنوز به صورت قرارداد مدت موقت مشغول کاریم و امنیت شغلی نداریم.

✓ آیا خنده دار نیست که به رغم نتیجه ندادن برجام و نقض های بی دری این توافق توسط آمریکا معاون اول رئیس جمهور پشت بلندگو از محاسن ذهنی و خیالی برجام بگویند.

✓ در زمان جنگ هشت سال دفاع مقدس ما فقط جنگیدیم. شهید دادیم. اسیر دادیم. مجروح دادیم. مفقود دادیم. ولی کسی به ما پول و سلاح نداد، حالا که با خون همین شهیدان داریم سلاح می سازیم شما می خواهید سلاح مان را بگیری؟! ما اجازه نمی دهیم.

✓ معتقدم ساده لوحی است که آمار اعتیاد دانش آموزان را از دفتر آسیب های اجتماعی باور کنیم.

✓ برجام و فرجام به ما مردم که سیاسی نیستیم ربطی ندارد. اقتصاد را زودتر درست کنید که مردم دارند اذیت می شوند.

✓ آیا برای مسئولان و دولتمردان کشورمان عیب نیست که بعد از گذشت ۳۸ سال از انقلاب نتوانند وابستگی ریال کشور به دلار را حل کنند؟

✓ انگلیس خبیث موبدانه و بدون هزینه به وسیله خبرنگاران بی بی سی در منطقه جنگ افروزی می کند. مثلاً کسری ناجی با بزرگنمایی حمله داعش، باعث سقوط موصل شد و نفیسه کوهنورد در اقلیم کردستان طرفین دعوا را به جنگ تشویق می کند. تا انگلیس باشد، دنیا نفس راحت نخواهد کشید.

✓ نهایت ناجوانمردی و بی تقوایی است که بعضی سیاستمداران در موضوع فساد اقتصادی فقط فساد های دولت قبل از دولت یازدهم و دوازدهم را مطرح و با بزرگنمایی آنها به دنبال فراری دادن عاملان فساد اقتصادی در شرایط فعلی هستند.

تصویری از سرلشکر قاسم سلیمانی در حرم حضرت رقیه (س) که برای نخستین بار در صفحه اینستاگرام وی منتشر شد



توصیه پناهیان به دست اندرکاران اربعین

جنجال عکس دو دختر موتورسوار در دزفول

تصاویر دو دختر هنجارشکن که در حال موتورسواری در خیابان‌های شهر دزفول بودند در فضای مجازی پخش شد و بازتاب‌های زیادی داشت. این دو دختر توسط نیروی انتظامی شناسایی شده و با آنها برخورد لازم صورت گرفت. فرمانده نیروی انتظامی دزفول اعلام کرد: «دو دختر هنجارشکن که تصویر آنها در حال موتورسواری در فضای مجازی پخش شد، شناسایی و با آنها برخورد شد.» همچنین فرمانده انتظامی دزفول دی ماه سال گذشته از دستگیری دو دختر هنجارشکن موتورسوار دیگر در این شهر و تحویل آنها به مراجع قضایی خبر داده بود که تصاویر آنها در فضای مجازی پخش و سرو صدای زیادی به راه انداخته بود. این دو دختر در حالی که تعدادی جوان موتورسوار آنها را همراهی می کردند، در بوستان جنگلی لاله در ابتدای جاده بخش سردشت-دزفول موتورسواری می کردند.

مجید اهری، رفتارشناس و استاد دانشگاه درباره موتورسواری دختران در جامعه می گوید: «سبک زندگی در هر جامعه‌ای مشخص کننده مسیر تفکر، اندیشه و فعالیت‌های روزمره افراد آن جامعه است. با توجه به این تعریف از نگاه رفتارشناسی، بسیاری از رفتارها از لحاظ قانونی و شرعی ممکن است مباح باشد و شخص مرتکب جرم نشده باشد اما از نظر عرف و سنت اجتماعی انجام بعضی رفتارها برای افراد جامعه مورد قبول نیست.»

وی اضافه کرد: «موتورسواری دختران اگر در محل ورزشی و موتورسواری باشد آن هم با رعایت ضوابط حقوقی و مدنی ممکن است مشکلی نداشته باشد اما در شهر آن هم شهرهای مذهبی و کوچک ممکن است الگوهای منفی رفتاری برای دیگر نوجوانان و جوانان ایجاد کند.»

اخبار تجاوز به کودکان پایان ندارد

یک بار دیگر اخبار مربوط به تجاوز در کودکان فضای مجازی را پر کرد. یک هفته بعد از خبر تجاوز به کودک دوساله در رشت، این بار سیرایدار مدرسه دخترانه‌ای که در ارومیه دست به آزار و اذیت جنسی یک دانش آموز دختر ۱۲ ساله زده بود، خشم مردم ارومیه را برانگیخت.

عصر دوشنبه برخی از خانواده‌های مدرسه‌ای در خیابان اسلام آباد ارومیه دست به تجمع زدند. برپایه این گزارش، تعداد مردم معترض که به سمت این مدرسه دخترانه می‌رفتند هر لحظه بیشتر می‌شود. شهروندان ارومیه و مردم معترض خودروی سیرایدار را واژگون کرده و شیشه‌های مدرسه را شکسته‌اند.

فرماندار ارومیه نیز بین مردم خشمگین رفته و سعی کرد مردم را آرام کند. اندکی بعد مدیرکل آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی توضیحاتی را درباره خبر اذیت و آزار دختر دبستانی توسط سیرایدار ارائه کرد.

فریدون مصطفوی در خصوص خبری که در فضای مجازی منتشر شده و از اذیت و آزار یک دختر دبستانی توسط سیرایدار مدرسه خبر می‌داد، گفت: «طبق اظهارات این کودک در روز گذشته سیرایدار مدرسه او را در آغوش گرفته و اقدام به اذیت و آزار کرده است. البته هنوز جزئیات دقیق موضوع برای ما روشن نیست، همچنین پدر این کودک در کالنتری نیز رضایت داده است.»

یک روز بعد مسئولان انتظامی استان خبر دادند که با افرادی که به این بهانه آشوب کردند و مدرسه را به آتش کشیدند، برخورد شد و برخی از آنها دستگیر شدند.

بررسی رسانه‌ای هفته

سلیمی نمین: چرا بهزاد نبوی تی شرت با برند اسرائیلی می پوشد



عباس سلیمی نمین در گفت و گو با روزنامه ایران به رفتارهای گذشته و حال برخی از سیاست‌پسندان انتقاد کرده است. او در مورد بخشی از اصلاح طلبان که تصور می کنند جمهوری اسلامی به پایان رسیده می گوید: «کسانی که جمهوری اسلامی را از دست رفته تلقی می کنند، می پندارند در جمهوری اسلامی دیگر پیوند ارزشی وجود ندارد؛ بنابراین نوعی ولنگاری نسبت به ارزش‌ها در آنان شکل می گیرد که این وظیفه رسانه‌هاست که در این حوزه فعال شوند. زیرا اگر ولنگاری شکل بگیرد، دیگر متوقف نشده و به نوعی ابتذال سیاسی منجر می شود.

مثلاً چندی پیش آقای بهزاد نبوی با پیچه‌های خیرگزاری ایستادگانی داشت. ایشان در این ملاقات رسمی، تی شرتی پوشیده بود که روی آن با حروف درشت انگلیسی نام یک شرکت مدلینگ غربی که از قضا مال صهیونیست‌هاست، درج شده بود. یا می بینیم آقای عباس عبدی با عباس امیرانتظام اطلاعیه مشترک می دهد. آقای امیرانتظام نزدیک به دو دهه با ریچارد کاتر ارتباط داشت؛ اطلاعات می داد و ضد منافع ملی عمل می کرد. خود نیروهای نهضت آزادی از او اعلام برائت کردند». سلیمی نمین در توضیح تفکیک میان جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی معتقد است: «به گفته امام (ره) انقلاب اسلامی، انفجار نور بود. این یعنی آن نورانیت می تواند مقدس باشد و هست. اشکالی ندارد که بگوئیم فلان تصمیم غلط بوده است؛ زیرا بر اساس مبانی، چیزی را استنباط یا برداشت کردیم. بنابراین یکی دانستن انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی غلط است. در مقابل، این دورا کاملاً از هم جدادانستن هم غلط است. برخی از اصولگرایان در باور اول دچار خطا هستند و برخی از اصلاح طلبان در باور دوم. این دسته از اصلاح طلبان می گویند چیزی که اکنون وجود دارد، هیچ ارتباطی با انقلاب اسلامی ندارد؛ ارزشی نمانده تا برای آن ایثار کنیم. در نتیجه هر دو نگاه، خسارت به بار می آورند.»

هواپیمای ۳ میلیون یورویی را ۱۱ میلیون یورو خریدند

کیهان گزارشی از خرید هواپیمایی با ۸ میلیون یورو دلالتی منتشر کرد و نوشت: «یک شرکت انگلیسی از شرکت فرودگاه‌های ایران به دلیل خرید هواپیمای فلایت چک از یک شرکت دیگر، ۸ میلیون یورو بالاتر از رقم پیشنهادی این شرکت شکایت کرده است، رئیس سازمان بازرسی کل کشور نیز در این زمینه اعلام کرده است این سازمان به موضوع ورود کرده و در قالب یک پرونده مشغول بررسی آن است.» رسانه‌ها گزارشی از شکایت یک شرکت انگلیسی از شرکت فرودگاه‌های ایران خبر دادند که براساس این گزارش «یک شرکت انگلیسی از شرکت فرودگاه‌های ایران؛ به دلیل خرید هواپیمای فلایت چک از یک شرکت دیگر، ۸ میلیون یورو بالاتر از رقم پیشنهادی این شرکت؛ به سازمان بازرسی کل کشور شکایت کرد.» موضوع شکایت از شرکت فرودگاه‌ها، خرید هواپیمای فلایت چک از سوی این شرکت با واسطه‌گری شرکت آلمانی «ایرو دیتا» بوده که رقم پیشنهادی ایرو دیتا ۱۱ میلیون یورو بود. این خبر نشان از یک دلالتی ۸ میلیون یورویی دارد، دلالتی که براساس آن شرکت فرودگاه‌ها هواپیمای فلایت چک را با واسطه‌گری یک شرکت آلمانی به نام «ایرو دیتا» به مبلغ ۱۱ میلیون یورو خریده که در نتیجه این اقدام ۸ میلیون یورو از منابع ارزی ایران به هدر رفته است. در پی انتشار خبر فوق شرکت فرودگاه‌ها و نوابری هوایی ایران جوابیه‌ای منتشر و اعلام کرد: «این مدل از هواپیمای فلایت چک و تجهیزات مدرن آن، هم اکنون هم در کشورهای طراز اول در صنعت هوانوردی در حال استفاده است.»



یک نفر هم در طرح کارورزی مشغول کار نشد



فرهیختگان درباره طرح اشتغالزایی دولت گزارش داده است: اظهارنظر هفته پیش معاون اول رئیس جمهور درباره ایجاد شغل ۱/۵ میلیونی فصل بهار و تابستان کافی بود تا شاهد موج اظهارنظر درباره صحت و سقم این اعداد و ارقام باشیم. بعد از این واکنش‌ها دفتر اسحاق جهانگیری، این برداشت از آمار اعلام‌شده را اشتباه رسانه‌ای خواند و شغل ایجادشده برای یک سال گذشته را حدود ۷۰۰ هزار اعلام کرد. اما آیا همه این ۷۰۰ هزار شغل واقعی است؛ چه مقدار از این عدد اشتغال ناقص است و... ابهاماتی از این قبیل باعث شد تا سراغ حمید

حاجی عبدالوهاب، معاون وزیر سابق کار برویم. او در گفت‌وگوی تفصیلی با «فرهیختگان» معتقد است که تعدادی از این ۷۰۰ هزار شغل ایجادشده نیز اشتغال ناقص است. این گزارش همچنین می‌افزاید: «ما قانون کسب و کارهای خانگی را رانیز داریم که آن هم خوب اجرایی می‌شود، در حالی که نگاه دولتمردان ما به صنایع بزرگ است. مثلاً قسمت مونتاژ ساعت‌های سوئیسی در خانه‌ها انجام می‌گیرد. باید از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم. اگر فقط دنبال این باشیم که بنگاه‌های متوسط و بزرگی که درصد آنها هم در مقایسه با بنگاه‌های خرد بسیار کمتر است، ایجاد شغل صورت نمی‌گیرد. همه هم و غم دولت توجه به بنگاه‌های بزرگ است. در حالی که بنگاه‌های خرد حدود ۸۵ تا ۹۰ درصد صنعت را تشکیل می‌دهد. بنگاه‌های بزرگ هم نیاز به تکنولوژی زیادی و هم نیاز به آرز دارند. با این محدودیت‌های کشور که تحریم هم هستیم، نمی‌شود. دولت شعار می‌دهد که مشکل بنگاه‌های کوچک را حل می‌کند، اما کار خاصی در این حوزه انجام نمی‌دهد. به عنوان مثال در طرح کارورزی که در بودجه امسال هم گنجانده شده، هنوز یک نفر هم به صورت رسمی مشغول کار نشده است!»

ترامپ علیه مردم ایران

جامعه ایرانی دارای رویکرد احساسی بوده و بسیاری از الگوهای رفتار سیاسی باز یگران منطقه‌ای را بر اساس همکاری‌های سازنده و همبستگی مشارکت‌آمیز تبیین می‌کنند. در شرایطی که برنامه جامع اقدام مشترک از سوی زمامداران ایرانی به عنوان نماد بازی برد-برد و دیپلماسی سازنده مطرح شد، طیف گسترده‌ای از شهروندان ایرانی در خیابان‌ها حضور پیدا کرده و نسبت به آینده همکاری‌های سیاسی ایران و آمریکا ابراز شادمانی کردند.



دوران بی‌اعتمادی فراگیر پیامدهای اجتماعی و سیاسی ایران ستیزی ترامپ چیست؟

دانست که زیرساخت‌های لازم برای مقابله هوشمند و فراگیر با اهداف امنیتی و فرآیندهای سیاست خارجی ایران را امکان‌پذیر می‌سازد.

۲. ادراک جامعه ایرانی

ترامپ در فرآیند سخنرانی خود از مفاهیمی بهره گرفت که ایران را به عنوان نمادی از «تروریسم» معرفی می‌کرد. تروریسم را باید به عنوان مفهومی دانست که کشورها می‌توانند با استناد به آن زمینه توجیه خصومت علیه سایر کشورها را فراهم آورند. در حالی که واقعیت‌های سیاست خارجی و الگوی رفتاری ایران به گونه‌ای است که همواره در معرض شدیدترین اقدامات گروه‌های تروریستی قرار داشته و برای امنیت‌سازی خود از سازوکارهای رویایی به تروریسم داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بهره گرفته است.

رویکرد ایران در ارتباط با تروریسم ماهیت عام‌گرایانه دارد. بنابراین جمهوری اسلامی نه تنها از سازوکارهای کنش تروریستی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود بهره نمی‌گیرند، بلکه در سال‌های گذشته به عنوان محور اصلی جبهه مقابله با تروریسم همانند داعش و القاعده ایفای نقش کرده است. نقش ایران در محیط منطقه‌ای همواره مورد ستایش شهروندانی قرار گرفته که در معرض تهدید امنیتی و کنش تروریستی بوده‌اند. به همین دلیل است که بهره‌گیری ترامپ از چنین مفاهیمی به عنوان نمادی از خصومت و تضادهای هیستریک ترامپ علیه ایران محسوب می‌شود. موضوع دیگری که زمینه‌های واکنش جامعه ایران نسبت به دونالد ترامپ را به وجود آورد، بهره‌گیری از مفهوم جعلی دربار «خلیج فارس» بوده است. لازم به توضیح است که بیان چنین مفهومی با پیروکتل وزارت امور خارجه آمریکا در مورد خلیج فارس مغایرت دارد. وزارت خارجه آمریکا در تمامی ادبیات و گزاره‌های سیاسی رسمی خود از واژه تثبیت‌شده «خلیج فارس» بهره گرفته و این مفهوم را در ادبیات دیپلماتیک خود نهادینه کرده است. بیان چنین مفاهیمی از سوی دونالد ترامپ را باید

آورد. محورهای اصلی دیپلماسی اجبار و سیاست تهدید دونالد ترامپ در برخورد با ایران را موضوعات مختلفی به‌ویژه تحریم‌های اقتصادی جدید و محدودیت‌های منطقه‌ای تشکیل می‌دهد. ترامپ به این موضوع اشاره داشت که دولت آمریکا پایبندی ایران به برنامه جامع اقدام مشترک را تأیید نمی‌کند. بیان چنین رویکردی به مفهوم آن است که آمریکا از الگوی «فرار به جلو» برای متهم‌سازی ایران استفاده می‌کند. کشوری همانند ایالات متحده که از سازوکارهای قدرت و اعمال محدودیت علیه سایر کشورها برخوردار است، طبیعی است که تمایلی به پذیرش قواعد بین‌المللی ندارد. تمامی نظریه‌پردازان موضوعات راهبردی آمریکا به این مساله اشاره داشته‌اند که واحدهای سیاسی به‌جای پذیرش قواعد بین‌المللی، می‌بایست به منافع و ضرورت‌های راهبردی خود توجه داشته باشند. به همین دلیل است که ترامپ ایران را به عنوان کشوری معرفی کرد که بخشی از متن و روح حاکم بر برجام را مورد پذیرش قرار نداده است. بیان چنین ادبیاتی به مفهوم بهره‌گیری از سیاست اجبار و تنظیم قواعد جدید علیه جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

بررسی الگوهای رفتاری آمریکا از سال ۲۰۱۶ یعنی دوران ریاست جمهوری باراک اوباما تا ۱۳ اکتبر ۲۰۱۷ یعنی زمان سخنرانی دونالد ترامپ علیه ایران مبتنی بر محدودیت‌های تاکتیکی و راهبردی بوده است. واقعیت‌های موجود بیانگر آن است که از دسامبر ۲۰۱۶ تا آگوست ۲۰۱۷ طیف گسترده‌ای از تهدیداتی علیه ایران شکل گرفته که می‌تواند زمینه‌های لازم برای افول تدریجی برجام را فراهم سازد. در این دوران تحریم‌های اقتصادی آمریکا و تهدیدات کارگزاران اجرایی و راهبردی ایالات متحده در ارتباط با ایران افزایش یافته است.

رویکرد محوری ترامپ را می‌توان در مقابله با ابزارها و نهادهای قدرت ایران مورد ارزیابی قرار داد. تحریم اقتصادی به منزله تلاشی برای محدودسازی قدرت ابزاری جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. در حالی که اجرای «قانون کاتسا» و سخنرانی دونالد ترامپ را باید نمادی از سازوکارهایی

◀◀ ابراهیم متقی

استاد دانشگاه تهران



۱ سخنرانی ۱۳ اکتبر ۲۰۱۷ دونالد ترامپ را می‌توان به عنوان محورهای اصلی سیاستگذاری راهبردی آمریکا در برخورد با ایران دانست. ترامپ در این سخنرانی تلاش کرد تا زمینه‌های «توجیه خصومت» علیه ایران را فراهم آورده و به این ترتیب، جهت‌گیری آینده سیاست خارجی آمریکا را در برخورد با ایران ترسیم نماید. رویکرد دونالد ترامپ در ۱۳ اکتبر را می‌توان تکرار بسیاری از مواضع نامبرده در دوران‌های تاریخی گذشته دانست. شاید مشابهت بسیار زیادی بین رویکرد ترامپ در اجلاس سالانه مجمع عمومی ملل متحد با رویکرد ارائه‌شده در تبیین استراتژی آمریکا در ایران وجود داشته باشد. به هر ترتیب ترامپ تلاش کرد تا الگوی ایران‌ستیزی را به عنوان محور اصلی سیاست‌های منطقه‌ای و راهبردی آمریکا تبیین و تفسیر کند. سفر رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا به عربستان و قطر را باید به عنوان بخش تکمیلی رویکرد ترامپ در ارتباط با ایران و کشورهای منطقه‌ای دانست.

۱. محورهای اصلی سخنان ترامپ در برخورد با ایران

سخنرانی ترامپ در شرایطی انجام گرفت که چند ساعت قبل از آن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در معرض تحریم‌های اقتصادی سازمان یافته قرار گرفت. وزارت خزانه‌داری آمریکا در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۷ قانون کاتسا را در معرض اجرا قرار داد. چنین اقدامی را باید به عنوان بخشی از سیاست راهبردی ایالات متحده برای محدودسازی قدرت، اعتبار و اثربخشی ایران در محیط منطقه‌ای دانست. ترامپ تلاش دارد تا از طریق «سیاست تهدید» زمینه محدودیت‌های اقتصادی جدیدی را علیه ایران به وجود

پایان خوش بینی

چطور لفاظی های ترامپ موجب سقوط اعتماد ایرانیان به آمریکا شده است

رضا حیدری

روزنامه نگار

۲ موضع اخیر که آقای ترامپ در خصوص مواجهه مستقیم با ایران در پیش گرفته است تازگی ندارد. می توان سبقت این رفتارها را در جورج بوش پسر هم دید؛ زمانی که تهران با شعار «گفت و گو ی تمدن ها» به دنبال تنش زدایی بود اما از سوی آمریکا «محور شرارت» نام گرفت. در واقع با کمی تسامح می توان اینطور بیان کرد که هرگاه دولت و یا جریان غربگرا در ایران بر سرکار بوده است و با خوشبینی تمام سعی بر آن داشته است که خود را به اروپایی ها و آمریکا نزدیک کند، سیاست ها به گونه ای پیش رفته که موجب بیش از پیش بلندشدن دیوار بی اعتمادی بین دو کشور شده است. سیدمحمد خاتمی بسیار بیشتر از دولت اول روحانی به اروپایی ها خوشبین بود و سعی داشت که به نحوی تنش های سیاسی بین دو کشور را کاهش دهد. این تلاش با مذاکرات و ریزنی در خصوص برنامه هسته ای ایران به صورت جدی آغاز شد اما به تعبیر هوشنگ امیر احمدی هیچ کاری از پیش نبردند. او در گفت و گو با خبرگزاری دانشجو در این باره گفته است: «آنها در آن سال پیشقدم شدند و گفتند ما این مساله را حل خواهیم کرد. سه نفر فرستادند سعدآباد و در آخر هم هیچ غلطی نتوانستند انجام دهند. این روند ادامه داشت تا به مذاکرات اخیر و برجام رسید.» نهایتاً حسن روحانی با همین نگاه خوشبینانه برجام را به ثمر رساند و روزنامه شرق آن روزها در حمایت از تیم مذاکره کننده تیرتی ماندگار انتخاب کرد: «امضای کری تضمین است» که نشأت گرفته از خوشبینی مغرور دولتمردان ایرانی به طرف های غربی بود. البته ناگفته نماند که عموم مردم نیز از این توافق حمایت کردند. جدای از بحث های حقوقی و نقد های جدی که به برجام وارد شد، افکار عمومی ایران همیشه گزینه مذاکره را انتخاب کرده اند و حامی اقدام دولت بودند. ایرانیان نیز تا پیش از روی کار آمدن دولت جمهوریخواه آمریکا با نگاه مثبت به برجام می نگریستند که اما اینکه ابراهیم موسوی محقق «مرکز مطالعات مریلند» و مدرس دانشگاه تهران هم گفته ایرانی ها به برجام امیدوارند و نسبت به آن خوشبین هستند. بنابراین این خوشبینی تا پیش از روی کار آمدن جمهوریخواهان وجود داشت. اما این نگاه و خصوص پس از روی کار آمدن دولت ترامپ رو به افول است. نحوه سیاست ورزی وی و صحبت های اخیر که او علیه ایران ایراد کرده موجب بی اعتمادی جامعه ایران به آمریکا شده است. طبق گزارش مرکز «مطالعات بین المللی و امنیتی» دانشگاه مریلند، ایرانی ها پیش از روی کار آمدن ترامپ ۶۲ درصد از برجام حمایت می کردند و این عدد پس از انتخاب وی با کاهش محسوس به ۵۵ درصد رسیده است. در همین باره آسوشیتدپرس گزارش جالبی منتشر کرده است. این خبرگزاری بین المللی در گزارش خود آورده است که در سپتامبر ۲۰۱۵ نتیجه یک نظرسنجی تلفنی مرکز «ایران پل» در تورنتو، کانادا نشان داد ۴۵ درصد از ایرانی ها به پابندی آمریکا به تعهداتش در قبال برجام اعتمادی نداشتند. اما در سپتامبر سال جاری نتیجه نظرسنجی مشابه تلفنی این مرکز نشان می دهد این رقم به ۷۷ درصد رسیده است. «امیر فرمانش»، رئیس مرکز نظرسنجی «ایران پل» در این باره به آسوشیتدپرس گفته است: «بی اعتمادی به آمریکا در نظرسنجی ها به نحو قابل ملاحظه ای افزایش یافته است». البته رفتارهای اشتباه ترامپ محدود به این مساله نمانده است. وی در بسیاری از مسائل ایران را به چالش کشیده

به مثابه نمادی از واکنش خصمانه زمامداری دانست که تمایلی به اتخاذ سازوکارهای کنش سازنده در ارتباط با ایران ندارد. سخنرانی دونالد ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل را می توان به عنوان نمادی از تهدیدات هشدار دهنده ای دانست که به گونه ای اجتناب ناپذیر انعکاس سیاست های آمریکادر برخورد با ایران و برجام خواهد بود. در حالی که وزیر امور خارجه ایران در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل به این موضوع اشاره دارد که ایالات متحده مواد ۲۴، ۲۸ و ۲۹ برنامه جامع اقدام مشترک را نقض کرده است. هریک از رویکردهای در هم تنیده یادشده را باید به عنوان بخشی از سازوکارها و فرآیندی دانست که زمینه افزایش تضادهای سیاسی و راهبردی ایران و ایالات متحده را امکان پذیر می سازد. بخشی از سازوکارهای مربوط به سیاست کارگزاران اجرایی آمریکا به ویژه سخنرانی ۱۳ اکتبر ۲۰۱۷ دونالد ترامپ در راستای بی اعتبارسازی برجام نزد نهادهای بین المللی و کشورهای جهان است. گزارش رکز تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا در ارتباط با سیاست های منطقه ای ایران را باید به عنوان بخشی از سازوکارهایی دانست که زیرساخت ها و زمینه های تهدید بالقوه علیه جمهوری اسلامی را به وجود آورده است. طبیعی است که بهره گیری از الگوهای همانند تهدید، بلوف و افزایش ریسک را می توان در زمره سازوکارهایی دانست که محدودیت های بیشتری را علیه ایران ایجاد خواهد کرد. تحریم های جدید علیه ایران درباره موضوعات موشکی و روندهایی است که از آن به عنوان نقش ایران در حمایت از تروریسم نام برده می شود. هر یک از این اقدامات دارای ریشه های تاریخی خاص خود بوده و زمینه لازم برای ایجاد محدودیت علیه ایران در گذشته را به وجود آورده است.

۳. واکنش جامعه ایرانی

جامعه ایرانی دارای رویکرد احساسی بوده و بسیاری از الگوهای رفتار سیاسی باز یگران منطقه ای را بر اساس همکاری های سازنده و همبستگی مشارکت آمیز تبیین می کنند. در شرایطی که برنامه جامع اقدام مشترک از سوی زمامداران ایرانی به عنوان نماد بازی برد برد دیپلماسی سازنده مطرح شد، طیف گسترده ای از شهروندان ایرانی در خیابان ها حضور پیدا کرده و نسبت به آینده همکاری های سیاسی ایران و آمریکا ابراز شادمانی کردند. در حالی که واقعیت های مربوط به دیپلماسی هسته ای و نگرش آمریکا نسبت به ایران با ادراک جامعه ایرانی متفاوت بوده است. چنین تفاوتی زمانی خود را نشان داد که دونالد ترامپ از ادبیات تهاجمی بهره گرفته و به این ترتیب واقعیت نهفته سیاست قدرت در برخورد با جامعه ای که دارای الگوی کنش مبتنی بر حسن نیت و همکاری سازنده هستند را در کرد. در چنین شرایطی، جامعه ایرانی نه تنها نسبت به ادبیات دونالد ترامپ در برخورد با جامعه و زمامداران ایرانی، بلکه با سیاست های آمریکا در مورد امنیت، اقتصاد و نقش منطقه ای خود تردید دارند.

نتیجه

ادبیات و سیاست ترامپ، واقعیت های الگوی قدرت و فرادستی ایالات متحده در برخورد با کشوری همانند ایران که دارای رویکرد دفاعی و سیاست های همکاری جویانه است را آشکار کرده است. چنین فرآیندی را باید به مفهوم ظهور فرآیند جدیدی دانست که می توان از آن به عنوان دوران بی اعتمادی فراگیر نسبت به سیاست های آمریکا نام برد. سیاست هایی که می تواند چالش های اقتصادی بیشتری برای شهروندان ایرانی به وجود آورد. سیاست تحریم و ادبیات خصمانه دونالد ترامپ علیه ایران را باید نشانه ای برای واکنش متقابل شهروندان ایرانی نسبت به الگوهای فرادستی و سیاست تهدید آمریکان نسبت به جمهوری اسلامی ایران دانست.

است. اولین اقدام جدی وی اجرای قانون محدودیت صدور ویزا (ایسا) بود که موجی از انتقادات را روانه کاخ سفید کرد. این رفتار او ایرانیان را به چالش کشید و بر بی اعتمادی آمریکا افزود. امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل آمریکا همین موضوع را تایید می کند و معتقد است که این قبیل رفتارها ایرانیان را تحریک می کند. او در گفت و گو با اینلا گفته است: «ممکن است عموم مردم ایران از گفتمان رسمی که در خصوص مواجهه با آمریکا وجود دارد، همراه نباشند و از آن حمایت نکنند یا دغدغه ای نسبت به آن مساله وجود نداشته باشند ولی این اقدام ترامپ آن دسته از جامعه ایرانی را هم که به گفتمان رسمی نسبت به آمریکا همراهی نداشته اند، علیه دولت آمریکا تحریک می کند.» در واقع سیاست های اشتباه آمریکا در ۴۰ سال گذشته کاملاً موجب همگرایی گروه های مختلف در جامعه ایران شده است. می توان این ادعا را داشت که قبل از توافق جامع هسته ای بخشی از جامعه ایران واگرا و به سمت غربی ها تمایل داشتند و اساس این رفتار هم بر خوشبینی استوار بوده است. اما پس از رفتارهای اخیر دولت آمریکا این امیدها هم رنگ باخته است و نگاه به درون بیش از پیش شده و مساله و وحدت سیاسی پررنگ تر شده است. مصداق این رفتار را می توان در حملات اخیر آمریکا به سپاه پاسداران شاهد بود که گروه های سیاسی و اجتماعی مختلف در حمایت از این نهاد موضع گیری کردند. ۲۰ مهر ماه سال جاری هم خبرگزاری آسوشیتدپرس با انتشار گزارشی میدانی از کوچه و خیابان های تهران با مردم این شهر درباره تهدید رئیس جمهور آمریکا به لغو برجام گفت و گو کرده و نظر آنها را در این باره جویا شده است. این خبرگزاری در گزارش خود آورده است که: «آنها (مردم تهران) می گویند تهدیدهای اخیر دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا مبنی بر لغو برجام کاملاً شعارهای ضد آمریکایی مردم ایران در نزدیک به ۴۰ ده گذشته از جمله درباره عدم اطمینان به آمریکارا تایید می کند» اخبار در میزگردی که رادیو بین الملل الجزایر در برنامه ای با عنوان «منتهی السیاسه» برگزار کرد: «بکیس»، کارشناس آن برنامه بر همگرایی ایرانیان پس از لفاظی های ترامپ صحه گذاشت. او در این برنامه رادیویی گفت: «این سخنان او به نفع ایران تمام شد و نه آمریکا! نخستین نتیجه ای که این سخنان ترامپ در پی داشت، تقویت اتحاد و همبستگی مردم ایران بود... اینها باعث همبستگی و اتحاد بیشتر مردم ایران می شود و به آنها ثابت می کند که دولت آمریکا آنها را هدف قرار داده است و به هیچ عنوان به فکر منافع مردم ایران نیست». این رویکرد پس از حمله ترامپ به خلیج فارس بیش از پیش شده است و با موج شدیدی از واکنش های ایرانیان در فضای مجازی روبه رو شد، به نحوی که ایرانیان با ثبت بیش از ۳/۵ میلیون نظریه و آخرین پست ترامپ علاوه بر اعتراض شدید به موضوع او رکورد جدیدی هم در فضای مجازی و حملات کامنتی به نام خود ثبت کردند. این روزها کمتر ایرانی و یا سیاستمداری است که با عینک خوشبینی، سیاست های اخیر دولت آمریکا را نگاه کند. هرچه که هست، رفتارهای ترامپ همانند جورج بوش برای ایرانیان بسیار آشناست و موجب شده است که احساسات ضد آمریکایی به نحوه قابل توجهی افزایش پیدا کند؛ رفتاری که محمدجواد ظریف را هم به واکنش واداشت. او در مصاحبه ای که در تهران با شبکه «سی بی اس» انجام شده، گفت: «دیگر هیچ کس به هیچ دولت ایالات متحده اعتماد نخواهد کرد». ترامپ ناآگاهانه نقش بسیار پررنگی در وحدت ایرانیان دارد، کاری که شاید هیچ رسانه ای توان آن را نداشته باشد. ▶

در میان همسایگانش منحصر به فرد است و در جهان نیز تنها شاید بتوان با مالزی آن را مقایسه کرد، اما همچنان که آن همان سلطنت موروثی هزاران ساله است؛ هفت امارت تحت حکمرانی یک امیر موروثی کشور امارت متحده عربی را تشکیل داده‌اند که امیر ابوظبی سلطنت کشور را نیز بر عهده دارد و امیر دوبی صدارت اعظم یا ریاست وزاری آن را. شاید در ظاهر امر این واقعیت تباینی با برگزیدن وزیر زن نداشته باشد، اما باید توجه داشت که عرصه سیاست سنتی هزاران ساله، همواره عرصه‌ای مردانه بوده است و به ندرت زنانی را می‌توان سراغ گرفت که از طریق مگر خون و شرافت به مقامی چشمگیر رسیده باشند. حال امارات متحده عربی خرق عادت کرده و در آن سیاست مردسالار به یکباره ۹ وزیر زن وارد کرده است. با در نظر داشتن این تعارضات لاجرم باید به این نتیجه برسیم که آنچه در سیاست این کشور در حال وقوع است، نه تحول بنیادی و منتج شده از روند تکاملی آن جامعه، که تغییری سطحی، از بالا به پایین و دستوری بوده است. بنابراین عواملی تصمیم‌سازان اماراتی را ناچار به صدور این دستور کرده‌اند؛ از جمله مهم‌ترین این عوامل را می‌توان این موارد برشمرد: ۱- کشور امارات متحده عربی و به ویژه شهرهای دوبی و ابوظبی و تا حدی شارجه و رأس الخیمه، سال‌هاست که خود را در اشل‌های جهانی مطرح کرده‌اند و مقصد و منزلگاه سرمایه‌داران و مشاهیر جهانی شده‌اند. زمانی که پا به درون این شهرهای گذارید، کمتر اثری که از شهری شرقی نمی‌بینید که هیچ، آنها را حتی از شهرهای غربی نیز غربی‌تر می‌یابید. طبیعی است زمانی که مراودات با جهان غرب و تقلید از آن تا این حد گسترش می‌یابد، تلاش می‌شود آن مواردی که باعث شرمساری در مقابل قبیله تمدن! شمرده می‌شوند را تا حد امکان کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر کرد، تا ویتترین کشور شکل‌تر نیز شود. ۲- امارات از بدو تاسیس در پیمان‌های همه‌جانبه دفاعی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی با کشورهای غربی وارد شده و البته که این روابط منافع سرشاری برای کشورهای غربی به همراه داشته است؛ چنان که آنها هرگز در فکر تخریب این روابط نبوده‌اند.

اما اذهان عمومی در کشورهای غربی و البته رقابت‌های سیاسی فشارهای گاه و بیگاهی را به دولت‌های مربوطه وارد آورده است که چگونه مدعیان دفاع سفت و سخت از حقوق بشر و ارزش‌های والای انسانی می‌توانند با ناقضان حقوق بشر وارد چنین معاملات گسترده‌ای شوند. از این رو این کشورها با بیانیه‌های بی‌رقم رسمی هر از گاهی تلنگری به سیاستمداران عرب خلیج فارس زده‌اند و البته که در خفا نیز فشارهایی را بر آنها وارد کرده‌اند که با اتخاذ تمهیداتی قدری از فشار اذهان عمومی روی دولت‌های غربی بکاهند. ۳- تغییراتی که در سنتی‌ترین کشور حاشیه خلیج فارس، یعنی عربستان سعودی صورت گرفت، اماراتی‌ها نیز راه را بر خود هموار دیدند تا از آن پیروی کنند و خود را در مسیر تحول نشان دهند. با این همه، نباید تمام این ماجرا را بزک و ویتترین امارات محسوب کرد و به کل آن را خالی از ارزش دانست. باید این واقعیت را مدنظر داشت که تمامی تغییراتی که امروزه بشر در عصر طلایی خود قرار داده و او را از رنج‌های هزاران ساله رها نموده، از تحولاتی کوچک سرچشمه گرفته‌اند. مانند منشور مگنا کارتا که در قرن ۱۳ میلادی تنها پیمانی میان شاه و اربابان بود اما پایه‌ای شد بر دموکراسی بریتانیا. با در نظر گرفتن اینکه تحولات کوچکی که در اروپا پایه تغییرات شگرف قرون ۱۹ و ۲۰ شد و قریب به دو سده سال زمان برای این تطور نیاز داشتند، این سوال مطرح می‌شود که در خاورمیانه به چند سال نیاز دارد. به عنوان مثال، این تحول چندسال دیگر به استقرار دموکراسی در امارات ختم خواهد شد و آیا اصلاً چنین خواهد شد؟ ▶



ویتترین غرب پسند

امارات با روی کار آوردن ۹ وزیر زن دنبال چیست؟

را سیدتی خطاب کنند؟ برای پاسخ به این سوال در وهله اول باید به تعارض‌های اجتماعی و سیاسی حاد موجود در امارات متحده عربی پرداخت تا این تغییر ناگهانی موجب گمراهی مان نشود. به لحاظ اجتماعی، با آنکه ثروت سرشار نفتی و تبدیل شدن برخی شهرهای امارات به پایلوت تجاری منطقه و البته مرکز مالی جهانی که ثروت این شهرها و به تبع آن کل کشور را مضاعف کرده است، ریخت کلی شهرها، قصبات، اجتماع و افراد اماراتی را کاملاً تغییر داده اما هنوز هم «سنت» جایگاهی مستحکم در آن جامعه دارد. برخلاف محمد رضا شاه پهلوی که مدرنیته را در اعراض مستقیم با سنت می‌دید و سعی بسیار در مواجهه مستقیم و غیرمستقیم با سنت داشت اما در کشورهای حاشیه خلیج فارس، سنت تا آنجا که به سیاست کاری نداشت، به حال خود رها شد و از این رو، بسیاری از باورهای مذهبی و سنتی به موازات توسعه اقتصادی به حیات خود ادامه دادند و همچنان در جامعه امارات نیرومند هستند.

هرچه از شهرهای پرزرق و برق به سوی قصبات و بیابان‌ها و مناطق قبایلی پیش برویم نیرومندی آن فزونی می‌یابد. این را حتی می‌توان در چهره وزرای جدید نیز دید، چه با اینکه در امارات حجاب اجباری نیست، هشت تن از آنها محجبه هستند. اگر این را در قیاس آورییم با کشورهای مسلمانی چون ترکیه، مصر، سوریه، تونس و... عمق سنتی ماندن جامعه امارات محسوس‌تر نیز می‌شود. به لحاظ سیاسی نیز سیاست امارات متحده ابتدا بر گونه حکمرانی سنتی دارد، با اینکه وضعیت سیاسی امارات

◀◀ جواد قربانی آثانی

کارشناس مسائل سیاسی



۱ بمب خبری چندروز گذشته، حداقل در ایران و البته بیشتر در فضای مجازی، نه حواشی مربوط به برجام، نه داعش، نه فاجعه میانمار، نه توفان آمریکا، نه پیروزی شینزو آبه و نه هیچ خبر دیگری نبود، جز انتخاب شدن ۹ وزیر زن در کابینه ۲۷ وزیره امارات متحده عربی. این یعنی اکنون به ازای هر دو مرد، یک زن در کابینه این کشور آرام گرفته در آن سوی خلیج فارس حاضر است؛ رقمی شگفت‌انگیز حتی در قیاس با کشورهای غربی. به عنوان نمونه در بریتانیا و ایالات متحده که همواره خود را مدافع این ارزش‌ها قلمداد می‌کنند، در هر یک تنها سه وزیر زن در کابینه حضور دارند. این خبر در ایران بیشتر از جهتی دیگر در بوق و کرنا شد و آن اینکه یکی از این وزرا ایرانی تبار نیز هست که این خود معنای دیگری بر ماجرا بار می‌کند، مبنی بر اینکه آنها نیز به درجه‌ای از توسعه سیاسی رسیده‌اند که بدون تبعیض به شهروندان خود بنگرند و بدون توجه به پیشینه و اصل و نسب فرد، تنها کارایی و شایستگی‌ها را در کانون توجه قرار دهند. اما وجه مهم‌تر آن که کشوری که تا نیم قرن پیش در تار و پودش جز سنت نمی‌شد یافت و بالطبع زن در جامعه‌اش جایی جز پستوی خانه نداشت، چگونه شد که اکنون مردان بسیاری باید زنانی

اصلاح صوری پاتریمونیالیسم

۹ زن در کابینه امارات عربی متحده چه معنایی برای حکومتداری عربی در خلیج فارس دارد؟



کامران کرمی

کارشناس مسائل خلیج فارس

از گسترش و گرایش دولت‌های عربی خلیج فارس به اصلاحات اجتماعی از جمله حقوق زنان می‌توان به این گفته دانشمندان علوم سیاسی رسید که با توسعه اقتصادی، زمینه برای تغییرات و اصلاحات اجتماعی و سیاسی فراهم می‌شود. چه این اصلاحات واقعی و چه از سر اجبار و نمادین باشد، اما نکته مهم در واقعیت و ضرورت این فراماسیون برای عبور از بحران‌های موجود و تحقق مطالبات است. در این میان اقدام شیخ محمد بن راشد آل مکتوم، نخست‌وزیر امارات متحده عربی و حاکم دومی در تعیین وزرای زن برای کابینه امارات را می‌توان از این منظر مورد توجه قرار داد که هسته سخت پاتریمونیالیسم عربی در حال شکستن است و ترک‌های آن در حال نمایان شدن. در این نوشتار این پرسش مورد تبیین قرار گرفته است که قرار گرفتن ۹ زن در کابینه دولت امارات چه معنایی برای سیاست‌ورزی عربی در خلیج فارس دارد؟ آیا روند اصلاحات اجتماعی در عربستان و امارات ناشی از تحمیل واقعیت‌های انکار شده در لایه‌های اجتماعی است یا از بالا و برای عبور از بحران‌های موجود صورت می‌گیرد؟ شیخ محمد بن راشد آل مکتوم با تغییراتی در کابینه این کشور که خودش آن را «کابینه عبور به سده جدید» می‌داند، چهار زن را به عنوان وزیر و وزیر مشاور برگزید تا تعداد زنان کابینه امارات به عدد ۹ برسد. شیخ محمد که نقش مهمی در شکوفایی اقتصادی دومی و بالابردن امتیازات امارات در شاخص‌های جهانی داشته است، هشت وزیر جدید در دولت تعیین کرده که در این تغییرات، زنان چهار کرسی وزارتی را از آن خود کردند.

شیخ محمد بن راشد، درباره این تغییرات در صفحه توئیتر خود، تغییرات جدید در شورای وزیران کشورش را «کابینه عبور به سده جدید» در امارات توصیف کرده و گفته است که هدف از آن توسعه دانش و حمایت از علوم و پژوهش و مشارکت جوانان در رهبری کشور است.

بر اساس تغییرات جدید کابینه امارات، «ساره الامیری» ۳۰ ساله وزیر مشاور در علوم و تکنولوژی پیشرفته، خانم «نورا الکعبی» وزیر فرهنگ و توسعه و خانم «حصة بنت عیسی» وزیر توسعه جامعه و خانم «مریم المهریری» وزیر مشاور امنیت غذایی شدند. همچنین «عمر بن سلطان» جوان ۲۷ ساله وزیر مشاور در امور هوش مصنوعی معرفی شد. شیخ لوبنا بنت خالد القصبی وزیر دولت در امور تسامح، نجله بنت محمد العوار وزیر توسعه جامعه، جمیله بنت سالم المهریری وزیر آموزش عمومی، دکتر میتا بنت سالم الشمسی وزیر دولت، اوحد بنت خلفان الرومی وزیر دولت در امور شادی پیش‌تر نیز در کابینه این کشور حضور داشته که در دوره جدید نیز همچنان عضو کابینه هستند.

قابل ذکر است که رتبه امارات در شاخص توسعه انسانی در خاورمیانه سوم و در تراز جهانی نیز رتبه ۴۲ را به خود اختصاص داده است. از این حیث شاخص این کشور در این مقوله جزو کشورهای بسیار بالاست. مقامات اماراتی بنا دارند تا با تغییرات جدید در کابینه این کشور، رتبه امارات را ارتقا و بهبود بخشند. از این منظر امارات به دنبال نهادینه کردن شاخصه‌های حکمرانی خوب است. در واقع، حکمرانی خوب مفهومی است که از اواخر دهه ۱۹۹۰ در ادبیات توسعه به عنوان کلید معمای توسعه مطرح گردید. این مفهوم برگرفته از نظریه نهادگرایی است و محصول مشارکت سه نهاد دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است. بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، کارایی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد تعریف می‌کند.

ماهیت اصلاحات

انتصاب و تمدید حضور زنان در کابینه امارات به خصوص باتوجه به کارنامه این زنان نشان می‌دهد که دولت این کشور نقش زنان در توسعه اقتصادی و اجتماعی را درک کرده و به حضور آنها در امور مملکت‌داری توجه دارد. به خصوص که فراگیر شدن توسعه اقتصادی در

این شیخ‌نشین، لزوم بهره‌مندی از پتانسیل‌های زنان را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. به‌ویژه آنکه گرایش امارات در سال‌های اخیر به اصلاحات در این کشور باتوجه به بافت جمعیتی و ساختارها و عناصر کارکردی در آن عمدتاً نخبه‌گرایانه بوده است. از سوی دیگر همگی این زنان از نخبگان و پیشروان در جهان عرب محسوب شده، تحصیلکرده عمدتاً دانشگاه‌های غربی و دارای سوابق مدیریتی و اجرایی در سطوح بالا هستند. از این‌رو این مساله به این فضای نخبه‌گرایانه دامن زده و منجر به تشدید آن شده است. به‌خصوص که عمده کارکرد این کابینه معطوف به عناصر و شاخصه‌های اقتصادی بوده و طبیعی است از زنانی که دارای گرایشات مدیریتی باشند استفاده می‌شود. به‌رغم این جنبه، اما همچنان عرصه‌های سیاسی و مشارکت در جامعه مدنی و انتخابات در امارات و سایر دولت‌های عربی بسته و در صورت وجود هم تشریفاتی است.

بنابراین طبیعی است که بسیاری از نخبگان سیاسی منتقد و معارض عملاً شانس برای حضور در عرصه اجتماعی امارات ندارند. از این زاویه است که مساله اصلاحات اجتماعی واقعی در دولت‌های عربی خلیج فارس همچنان تا تحقق مطلوب، راه دشواری در پیش دارد و نمی‌توان این تغییرات هرچند مثبت را به کلیت عرصه اجتماعی بسط داد و نتیجه گرفت که زنان به‌طور اعم بهره‌مند از این اصلاحات خواهند بود. چون نهادهای پیشاسرمایه‌داری که در بافت اجتماعی دولت‌های عربی خلیج فارس وجود دارند و معطوف به تعریف کارکرد اجتماعی زن در عرصه عمومی هستند، همچنان از خود مقاومت نشان می‌دهند.

نکته پایانی نیز به این مساله مهم برمی‌گردد که حاکمیت عربی در فرآیند حکمرانی جهانی با این روند رو به رشد از گرایش‌های سیاسی و اجتماعی که اتفاقاً محصول توسعه اقتصادی در امارات و قطر و سایر دولت‌های عربی است، مواجه است. به میزانی که شاخصه‌های توسعه اقتصادی همچون درآمد سرانه، بهبود آموزش، کیفیت خدمات رفاهی و بهداشتی افزایش یابد، زمینه برای مطالبات اجتماعی نیز فراهم می‌شود. مطالباتی که روند آن به دلیل برخورداری از درآمد‌های نفتی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به تاخیر افتاده و طبیعی است با بروز اخلاص در این فرآیند، شاهد آزمون سخت و دشوار برای دولت‌های عربی خلیج فارس خواهد بود. ►



آتش زیر خاکستر

ایران باید با جریانات سیاسی میانه‌رو اقلیم کردستان عراق ارتباط بگیرد

داود احمدزاده

کارشناس مسائل خاور میانه



۱ اقدامات اخیر اقلیم کردستان در برگزاری همه‌پرسی استقلال و فرصت‌طلبی مسعود بارزانی، رهبر سیاسی این اقلیم بدون در نظر داشتن منافع دولت مرکزی عراق و بی‌اعتنایی به خواست همسایگان قدرتمند خود یعنی ترکیه و ایران، ضمن پیچیده کردن بحران، زمینه‌ساز ائتلاف خارجی در مخالفت با این موضوع هم شده است. شرایط موجود از شکست کامل سیاست در اقلیم کردستان حکایت دارد. چرا که بروز دودستگی در میان جناح‌های مختلف کرد به ویژه در خصوص حوادث کرکوک به عنوان گلوگاه استراتژیک اقلیم کردستان و تشکیل ائتلاف جدید دموکراسی و عدالت از سوی ریویرا کریم محمود و نیز عدم همسویی همسر و فرزندان جلال طالبانی به عنوان میراث‌دار بزرگ رئیس‌جمهور میهنی و فقید عراق دموکراتیک و یکپارچه نشان می‌دهد که بیشتر سیاستمداران دوراندیش اقلیم کردستان تنها راه برون‌رفت از وضعیت موجود را تغییر در سیستم سیاسی اقلیم و نگاهی واقع‌بینانه به مسائل داخلی و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی می‌بینند. در هر صورت شتاب بی‌مورد بارزانی برای جدایی‌طلبی و متعاقب آن، بروز ناآرامی در کرکوک و نیز دادن فرصت تاریخی به رژیم اسرائیل در همسویی کامل با این مطالبه، آغازگر بحران گسترده‌ای است که فراتر از جغرافیای عراق و کشورهای همسایه این کشور را نیز دربر می‌گیرد. این اقدام، واکنش جدی دولت مرکزی عراق و نیز همسایگانش یعنی ترکیه و ایران را در پی داشته است. به‌طوری که ورود نیروهای دولت مرکزی به کرکوک و تصرف همزمان دیگر بخش‌های اقلیم کردستان و محاصره اقتصادی و گسترش تحریم‌های نظامی و سیاسی منطقه‌ای اقلیم کردستان امکان هرگونه مانور را از بارزانی سلب کرده است. این درحالی است که دوره معیوب مدیریت بارزانی برای رهبری اقلیم چند سال قبل تمام شده بود و همچنین بایستی در تطبیق این مطالبه تاریخی، انتخابات مجلس اقلیم کردستان نیز در سال ۲۰۱۵ برگزار می‌شد؛ انتخاباتی که کمترین خواسته قانونی بودن همه‌پرسی جدایی‌طلبی در سطح محلی را تأیید می‌کرد. بنابراین یک‌سری اشکالات ساختاری در برگزاری این رفراندوم و تلاش برای استقلال طلبی کردستان وجود دارد. مخالفین داخلی بارزانی، رهبر خودخوانده اقلیم کردستان ضمن متهم کردن وی به خودرایی و فساد سیاسی بعد از حوادث اخیر کرکوک از لزوم تغییرات اقلیم کردستان و تشکیل حکومت انتقالی سخن می‌گویند که هدف اصلی تغییر، بازگشت مجدد آرامش، کاهش تنش‌های سیاسی ناشی از برگزاری رفراندوم و آغاز گفت‌وگوهای شفاف و دوستانه با دولت مرکزی عراق است؛ این به مفهوم سلب اعتماد بیشتر گروه‌های کرد عراقی از رهبر فعلی است. بنابراین بقای سیاسی بارزانی و حزب‌وی و مشارکت احتمالی‌اش در ساختار و هندسه قدرت اقلیم کردستان و عراق، در مذاکره مجدد و تفاهم با دیگر گروه‌های کرد و نظر به منافع ملی و نیز دغدغه‌های امنیتی همسایگانش نهفته است. به نظر می‌رسد که هرگونه زیاده‌خواهی و تلاش برای اتصال کردستان عراق به اسرائیل علاوه بر مخالفت‌های داخلی با واکنش بیشتر ایران و ترکیه هم مواجه خواهد شد. در چرایی واکنش سخت کردستان باید گفت که خاورمیانه به دلیل اختلافات قومی و مذهبی و دخالت‌های خارجی که ریشه در تاریخ این منطقه بحران‌زا دارد، همواره آستان تحولات خشونت‌زا توانا با جنگ‌های ویرانگر بوده است. ظهور و بروز گروه‌های تکفیری

که در راستای تجزیه کشورهای منطقه به ویژه عراق، سوریه و لبنان... صورت گرفت، نشان می‌دهد که برخی از کشورهای غربی به ویژه آمریکا همچنان به دنبال عملیاتی کردن طرح خاورمیانه جدید و تضمین هرچه بیشتر امنیت اسرائیل، شریک استراتژیک خود در خاورمیانه هستند. سودای تشکیل کردستان بزرگ که راهبری آن به این رژیم و اگذار شده است، مساله جدیدی نیست. باتوجه به نداشتن عمق استراتژیک اسرائیل و نفوذ ایران در مرزهای آن به نظر می‌رسد این هویت خواهی و استقلال از دولت مرکزی علاوه بر تضعیف دولت مرکزی عراق، صفحه جدیدی را برای بروز ناآرامی در کشورهای منطقه که دارای اقلیت قومی کرد هستند، باز کرده است که این علایم خطر در قه سوریه مشاهده می‌شود. به‌طوری که بعد از فتح مرکز خلافت داعش از سوی کردهای سوریه، این گروه ضمن حمایت کامل از استقلال طلبی کردهای عراق با افراشتن پرچم این اقلیم و نصب عکس‌های او جالان، رهبر تبعیدی کردهای ترکیه در میادین این شهر با مطالبات بارزانی و نیز سران اسرائیل هم‌داستان شدند. همچنین قبل از بروز این بحران در سال‌های گذشته نیز برخی اطلاعات امنیتی خبر از دیدارهای بارزانی و ارتباط محرمانه‌وی با سران اسرائیل داشت. در این بین، هدف اسرائیل علاوه بر مقابله با نفوذ ایران در منطقه به ویژه در سوریه و لبنان، با توجه به افزایش روزافزون خطر حزب الله لبنان برای این رژیم، تشکیل ائتلاف فراگیر منطقه‌ای در قالب جریان سنی، وهابی، سعودی و نزدیکی بیشتر به مرزهای ایران برای جاسوسی و تهدید بیشتر کشورمان بوده است؛ خواسته‌ای که به‌رغم مخالفت‌های ظاهری عربستان با مطالبه استقلال طلبی اقلیم کردستان، حمایت می‌شود. لذا همسویی با ترکیه، تشدید تماس دیپلماتیک برای مهار این بحران و دفاع از وحدت و یکپارچگی عراق با همراهی ترکیه و دیگر کشورهای منطقه اقدام مناسب و شایسته‌ای بوده که همچنان از سوی ایران پیگیری می‌شود؛ این مواضع قدرتمند از سوی مرجعیت شیعی عراق، آیت الله سیستانی حمایت شده است. چرا که علاوه بر ساز ناکوک برخی از جریان‌های کرد در همراهی با اهداف مغرضانه سیاسی بارزانی، گروه‌های سنی عراق نیز از حفظ عراق یکپارچه حمایت می‌کنند. این مواضع ایران در حمایت از حفظ استقلال و یکپارچگی عراق به نوعی از سوی ترکیه نیز حمایت می‌شود و همین امر باعث شده است که خطر جنگ گسترده، قطب‌بندی طایفه‌ای سنی-شیعی و جنگ قومی خونین جدید بر سر بحران کردستان عراق تا حدودی مدتی شود. از دیگر سو هم‌رایی بیشتر تهران-آنکارا بر سر مبارزه جدی با تجزیه‌طلبی در عراق در منطقه، ناکامی بیشتری را نصیب اسرائیل خواهد کرد. این رژیم در محاسبات خود نسبت به جدایی اقلیم کردستان اشتباه بزرگی مرتکب شده است. زیرا علاوه بر دوری بیشتر ترکیه از این رژیم، فصل جدیدی را از همکاری دوسویه مشترک میان تهران-آنکارا بر سر پرونده‌های امنیتی منطقه به ویژه در سوریه و عراق گشوده است. به نظر می‌رسد وجود ۲۰ میلیون کرد در ترکیه و ترس تاریخی اردوگان از شروع دور تازه‌ای از بروز ناآرامی‌های قومی و مذهبی در منطقه، باعث شده که تشکیل محور سه‌جانبه تهران، آنکارا، بغداد بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد که سفرهای مقامات دو کشور و ملاقات‌های دیپلماتیک نیز حکایت از همین امر مهم دارد. بنابراین فرصتی که برای اسرائیل برسر بحران اقلیم کردستان ایجاد شده در راستای همفکری بیشتر تهران-آنکارا فعلاً منتفی است؛ فرصتی که در صورت عدم تحرک ایران و واکنش قاطع، می‌توانست فرصت‌بادآورده‌ای را برای این رژیم با هدف ایجاد شراکت استراتژیک با عربستان و برخی کشورهای همسود در قالب گسترده ائتلاف سنی-عربی در مقابله با نفوذ ایران ایجاد

کند. در شرایط فعلی نمی‌توان از منتفی شدن تهدیدهای امنیتی برای ایران و کل منطقه بحث کرد؛ چرا که آمال کردستان بزرگ برای تجزیه‌طلبی بیشتر و نیز تداوم خشونت ساختاری در منطقه خاورمیانه از سوی اسرائیل و برخی اندیشکده‌های غرب همچنان حمایت و هدایت می‌شود. بنابراین ایران اگرچه در آغاز مساله همه‌پرسی کردستان و استقلال از عراق، با اتخاذ موضعی نرم در قالب گفت‌وگو تلاش کرد مقامات اربیل را به انصراف از انجام رفراندوم ترغیب نماید ولی آشوب‌طلبی رهبران اقلیم، تهران را به واکنش سخت‌تر وادار کرد. در این میان به دنبال حضور برخی از گروه‌های حشد الشعبی عراق در کنار نیروهای امنیتی دولت مرکزی، تلاش‌هایی برای رعب‌افکنی در اقلیم کردستان و ایجاد فضای منفی رسانه‌ای علیه ایران از سوی غرب و اسرائیل صورت گرفته است و حتی سفر رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا به عراق و تلاش وی برای ایجاد گسست در روابط تهران-بغداد و نزدیک کردن حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق به ملک سلمان برای حذف حشد الشعبی و ادعای خشونت علیه کردها، نشانه‌هایی از همین اقدامات ناکام است. از دیگر سو به نظر می‌رسد دستگاه دیپلماسی کشور برای تبیین مواضع روشن ایران در حفظ یکپارچگی و همپوشانی آن با منافع کردها در این اتحاد و یگانگی باید بیش از گذشته از خودواکنش نشان دهد. ایران اسلامی اگرچه در مبارزه با داعش و آزادی مناطق اشغالی عراق از دست این گروه تروریستی تمام‌قد پشت سر ملت و دولت عراق ایستاد و در عمل نشان داد که حفظ امنیت عراق را جزء امنیت ملی خویش می‌داند اما در موضوع کردستان عراق نیز نباید اسیر جنگال‌های رسانه‌ای غرب و رژیم اسرائیل در ارانه چهره خشن و ترسیم فرضی ایران به عنوان دشمن کردها شود. آنچه مسلم است کردها به عنوان نژاد خالص ایرانی بیشترین قربایت قومی، فرهنگی و تاریخی را با دیگر اقوام ایران زمین دارند و در جنگ تحمیلی رژیم بعثی صدام حسین علیه ایران در کنار ما بودند. بیشتر رهبران اقلیم کردستان به این حسن همسایگی با ایران اذعان داشتند و بنابراین نباید اقدام اخیر تنش‌زای بارزانی را به حساب کل مردم کرد نوشت. از سوی دیگر همان‌طوری که اشاره شد در وضعیت فعلی اگرچه با حضور نیروهای امنیتی عراقی در کرکوک و مناطق دیگر کردنشین این حس جدایی طلبی فروکش کرده ولی ممکن است تحت تأثیر مولفه‌های داخلی عراق و منطقه با دیگر این موضوع در سایه زنوندهای سیاسی از سوی قدرت‌های خارجی و حتی منطقه‌ای به نوع دیگر مطرح شود.

بنابراین حفظ ارتباط با جریانات سیاسی میانه‌رو اقلیم کردستان و تثبیت ایران به عنوان دوست قابل اعتماد برای آنان، همچنان باید در دستور کار قرار گیرد. ▶



دالان تاریکی

اقلیم کردستان عراق روند قهقرایی را طی می‌کند



جعفر قنادباشی

کارشناس مسائل خاورمیانه

پیش از برگزاری همه‌پرسی استقلال در اقلیم کردستان عراق، برخی از کارشناسان مسائل منطقه از ورود قریب الوقوع این اقلیم به دالان تاریکی سخن می‌گفتند که خروج از آن (از دید آنها) به آسانی امکان‌پذیر نخواهد بود. اینک هفته‌ها از این پیش‌بینی می‌گذرد و همه‌پرسی استقلال با وجود مخالفت‌های صریح اکثر قریب به اتفاق دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، برگزار شده و نتایج آن نیز اعلام گردیده است. این درحالی است که علاوه بر کارشناسان و تحلیلگران مسائل سیاسی، بسیاری از مردم منطقه نیز مترصد نشانه‌هایی هستند که سمت و سوی اوضاع آینده کردستان عراق را ترسیم کند و افقی را که پیش روی اقلیم کردستان قرار گرفته، آشکار نماید.

حال مسلم آن است که در تعیین این سمت و سو و ترسیم افق پیش روی اقلیم کردستان، عوامل و پارامترهای داخلی و خارجی بسیاری، نقش دارند و از این لحاظ، جمع‌بندی و محاسبه برآیندی که از این عوامل حاصل می‌شود را بسیار دشوار می‌سازند. با این همه، این دشواری سبب نشده است تا اظهارنظرها و دیدگاه‌های فراوانی در خصوص ادامه روند کنونی در اقلیم کردستان ارائه نشود و سناریوهای احتمالی متعددی درخصوص چگونگی وضع موجود در این منطقه از عراق شکل نگیرد. بنابراین در فضاهای رسانه‌ای و به ویژه در عرصه تحلیل‌های سیاسی، به اظهارنظرها و به عبارت بهتر به سناریوهای برمی‌خوریم که هر یک با محاسبه و جمع‌بندی بخشی از خبرها و گزارش‌های رسیده درخصوص تحولات داخلی و خارجی اقلیم کردستان، تصاویری را از آینده این اقلیم ترسیم می‌کنند و به پیش‌بینی روند احتمالی اوضاع کنونی می‌پردازند.

مروری گذرا بر این اظهارنظرها و پیش‌بینی‌ها، حکایت از آن می‌کند که آنچه به مردم کرد عراق وعده داده شده، در عرصه عمل، نه تنها هیچ نشانه‌ای از تحقق ندارد

و بلکه مع الاسف، اقلیم کردستان به سبب یک سلسله قدرت‌طلبی‌های تنگ‌نظرانه مقامات خود، به تدریج به سوی وضعیتی نامعلوم پیش می‌رود؛ به‌ویژه آنکه حمایت آشکار رژیم صهیونیستی از بارزانی و اقدام غیرقانونی او در برگزاری همه‌پرسی استقلال، در داخل و خارج اقلیم کردستان، حساسیت‌ها و مخالفت‌های مردمی را به شدت برانگیخته و عقبه لازم برای اقدامات دولت عراق جهت پایان دادن به اجرای توطئه‌های صهیونیستی در استان‌های شمالی این کشور پدید آورده است.

در واقع چنانچه از مخالفت‌های منطقه‌ای با جریان تجزیه‌طلبی در کردستان عراق، صرف‌نظر کنیم و از وظایفی هم که قانون اساسی عراق جهت صیانت از تمامیت ارضی، بر دوش دولت این کشور گذاشته چشم‌پوشیم، خبرهایی که به صورت روزمره از داخل اقلیم کردستان به بیرون درز می‌کند، کافی است تا از روند قهقرایی که در این اقلیم آغاز شده است، اطلاع پیدا کنیم. چنان که براساس این خبرها، احزاب سیاسی در کردستان عراق، یکی بعد از دیگری به مخالفان استقلال می‌پیوندند و در اولین مطالبات و خواسته‌هایشان، ضمن مقصر دانستن بارزانی در پیدایش اوضاع متزلزل کنونی، از وی می‌خواهند تا از ریاست اقلیم استعفا دهد و این جریان به سبب مقاومت لجوجانه بارزانی در باقی ماندن در مقام خود، نیز کافی است تا مناقشات سیاسی کنونی را به درگیری‌های فلج‌کننده و بسیار پرهزینه تبدیل کند. البته دعوا و مناقشات محلی بر سر سوخت و یا بر سر مواد غذایی و دارو، در شرایطی که کردستان عراق به آب‌های آزاد دسترسی ندارد نیز بعد دیگر مشکلات در حال گسترش در اقلیم کردستان را تشکیل می‌دهد و تصویر تیره‌واری از اوضاع این منطقه در میان مدت ترسیم می‌کند. حال در چنین بحبوحه‌ای، خبرهای دیگری از تلاقی جوی‌های قضایی اقلیم کردستان با دولت عراق به گوش می‌رسد که بخش دیگری از توان کردهای مظلوم عراقی را که مخالف جدی همسویی با رژیم صهیونیستی هستند به خود مشغول می‌سازد. البته موضوع بازپرس‌گیری کرکوک و آزادسازی این شهر از سیطره نیروهای تحت سرکردگی بارزانی، به خودی خود این واقعیت را نشان داده است که دولت بغداد در صدد است تا بنا به وظایفش از روند

غیرقانونی در کردستان عراق جلوگیری کند و توطئه بزرگی را که تنها حامی خارجی آن رژیم اشغالگر صهیونیستی است در ابتدای راه متوقف سازد؛ اقدامی که با حمایت همه‌جانبه دولت‌های منطقه همراه است و به ویژه ایران، ترکیه و سوریه (همسایگان عراق) به شدت و با تمام توان از آن پشتیبانی می‌کنند.

به هر حال آنچه مسلم است اوضاع اقلیم کردستان، آن گونه که بارزانی و حزب او انتظار داشتند و وعده تحقق آن را به کردهای عراق داده بودند، پیش‌نرفت و این درحالی است که هیچ نشانه‌ای از روزنه‌ای هم که نمایانگر رهایی از وضعیت کنونی باشد به چشم نمی‌خورد.

بر خلاف انتظار و وعده‌های بارزانی، دولت عراق توانست در ظرف زمانی کوتاهی حاکمیت خود را بر مناطقی که کردها پس از شکست داعش به صورت غیرقانونی به تصرف در آورده بودند، اعمال کند و علاوه بر کرکوک، بسیاری از نقاط، روستاها و شهرک‌های راهبردی را از سیطره نیروهای تحت فرمان بارزانی خارج سازد. بدیهی است که آزادسازی کرکوک به معنی سیطره دولت عراق بر منابع نفتی است که اسرائیل نیز به آن چشم طمع دوخته بود.

حال در چنین احوالی، بارزانی و دوستانش به هیچ وجه نمی‌توانند به همکاری دیگر کشورهای منطقه و پشتیبانی آنها امیدوار باشند، چرا که گام در راهی نهاده‌اند که براساس مبنای‌ترین اصول حقوق بین‌الملل و همه موازین پذیرفته‌شده در جامعه جهانی، خطایی آشکار محسوب می‌شود. در واقع بر این اساس است که مقامات کنونی اقلیم کردستان هیچ‌امیدی به حمایت جمهوری اسلامی ایران ندارند و از سرگیری روابط حسنه با کشورمان را غیرممکن می‌دانند.

به هر ترتیب روند تحولات اقلیم کردستان عراق، بعد از برگزاری همه‌پرسی استقلال، به سمت و سویی پیش‌رفته است که اغلب تحلیلگران نسبت به آینده آن ابراز نگرانی می‌کنند و حتی از امکان افول بیشتر و مناقشات سیاسی و نظامی دامنه‌دارتری در این اقلیم سخن می‌گویند. مناقشاتی که تنها یک راحل مسالمت‌آمیز دارد و آن بازگشت بارزانی از اقدامات غیرقانونی و کناره‌گیری از پستی که دوران قانونی آن مدت‌هاست که سپری شده است. با این همه نباید از توطئه‌های آمریکایی که همسو با خواسته‌های تل‌آویو در حال اجراءست غفلت کرد؛ توطئه‌هایی که با هدف جایگزینی داعش در دوران پس‌داعش طراحی شده و دامن‌زدن به خصومت‌های قومی و تشدید آن را راهی برای جلوگیری از قدرتمندتر شدن کشورهای عضو محور مقاومت می‌داند. ▶

دشمنان در پوستین دوست

تیلرسون به دنبال دوستی عراق - عربستان است

سید جلال ساداتیان

کارشناس مسائل بین الملل



رکس تیلرسون، وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا طی سفری دوره‌ای به خاورمیانه و حضور در عربستان سعودی در جلسه مشترک پادشاه عربستان، ملک سلمان و حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق شرکت کرد که به نظر می‌رسد اصولاً این جلسه با تلاش و اشنگتن برای نزدیک کردن عربستان و عراق صورت گرفته باشد. بنابراین اکنون این سوال مطرح است که هدف از این

۱۰ سال بعد با حمله مجدد بوش پسر به عراق، صدام را ساقط کردند و شرایط روی کار آمدن اکثریت شیعه در عراق فراهم شد.

قانون اساسی جدید این حاکمیت، امتیازات ویژه‌ای برای اقلیم و نیز اهل سنت عراق در نظر گرفت تا در قالب حکومت فدرالی بتوانند همزیستی مسالمت آمیز را داشته باشند. با نارضایتی اهل سنت و در نهایت خروج مقامات آنان از پارلمان و سمت‌های دولتی، زمینه‌های تهاجم گروه‌های تروریستی مورد حمایت عربستان سعودی از سویی و ترکیه از سوی دیگر فراهم شد تا آنکه با همکاری و خیانت مقامات محلی متمایل به بعثی‌های باقی‌مانده در عراق و سکوت و یا حتی مساعدت ایالات متحده

و فصل نماید؛ به خصوص آنکه اقتدار حکمرانی عربستان عملاً به دست محمد بن سلمان، پسر پادشاه بیمار و فرتوت فعلی عربستان افتاده که با برخی اصلاحات ظاهری تلاش دارد تا وجهه خود و عربستان را در نزد جهانیان ترمیم نماید.

نکته دوم آنکه هنوز عربستان برای آمریکا از پتانسیل و امکانات قابل توجه اقتصادی و تجاری برخوردار است و بنابراین می‌تواند دوباره برای آمریکا، جایگاه قبلی‌اش را احراز کند. سوم آنکه ریاض بیش از دیگر بازیگران این منطقه می‌تواند برای آمریکا به عنوان یک نیروی پرنفوذ در میان اعراب پولدار اقدام کند و چهارم آنکه بازویی قوی برای آمریکا در پیشبرد اهداف آن کشور در منطقه از جمله حفظ امنیت اسرائیل تلقی می‌شود. پس تلاش برای امید دادن به عربستان دارای اشکالات فراوان در این منطقه از جمله ناکامی شدید در موضوع یمن، می‌تواند انگیزه‌های فراوانی برای فعالیت دور جدید سیاست‌های آمریکا در این منطقه باشد.

ثانیاً نقطه قوت سیاست‌های جبهه مقابل یعنی ایران در منطقه اتصال خط ارتباطی عراق و سوریه تا مرز اسرائیل است که باید این خط قطع شود؛ بهترین نقطه نیز عراقی است که نفوذ فرهنگی و مذهبی ایران و پایگاه مردمی‌اش در آن کشور بسیار قوی است و علاوه بر آن به دلیل مساعدت‌هایی که به عراق کرده تا مناطق تحت اشغال داعش را آزاد کند و آرامش نسبی را بازگرداند، نقش آفرینی و نفوذش در این کشور افزایش یافته است.

بنابراین آمریکا در تلاش است با توان مالی عربستان و نیاز شدید عراق در چنین وضعیتی به کمک‌های اقتصادی (زیرا عراق هم از شمال و ناحیه کردستان، هم از ناحیه مناطق اهل سنت نشین و هم حتی مناطق شیعه نشین و برخی جریان‌های مثل مقتدا صدر تحت فشار مضاعف است) عراق را از ایران دور کرده و ارتباط معنادار مثبت فعلی دو کشور را با توجه به وجود موانع و مشکلات عدیدة مخدوش سازد.

ابتدا مقتدا صدر به عربستان دعوت می‌شود و اظهارات ضد ایرانی او در آنجا برجسته می‌شود و اینک هم با وساطت مقام آمریکایی ملاقات حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق با پادشاه عربستان تدارک دیده می‌شود. این در حالی است که عربستان، کشوری است که بیشترین گرفتاری برای عراق را از طریق حمایت گسترده از داعش و دیگر گروه‌های تروریستی در منطقه ایجاد کرده است. با این شرایط این پرسش مطرح است که آیا عراق به این دام خواهد افتاد و تلاش‌های آمریکا و اسرائیل برای غلبه بر ناکامی‌های متعدّدشان در منطقه با این اقدام جدید به ثمر خواهد نشست؟

ثالثاً، نکته این است که آمریکا موفق خواهد شد که عراق را همراه با عربستان در تقابل با ایران قرار دهد. زیرا عراق کنونی از سویی دارای روابط خوب با ایران و از سوی دیگر با آمریکا است. آمریکا حتی در موضوع همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق، جانب دولت مرکزی عراق را گرفت و با عدم حمایت از اقلیم از سویی و سکوت در برابر ورود نیروهای عراقی به کرکوک و مناطق مورد منازعه از سویی دیگر، تلاش در جلب حمایت عراق داشته و دارد. این مسأله که آیا عراق با کمک عربستان و آمریکا در تقابل با ایران قرار خواهد گرفت یا خیر، نیاز به گذر زمان دارد. ►



آمریکا، داعش بر بخش قابل ملاحظه‌ای از عراق و سوریه مسلط شود.

با اعمال تروریستی و اقدامات بسیار خشن و سبعانه داعش و از بین رفتن حیثیت و اعتبار آنان نزد همه جهانیان و به خصوص حامیان آنان، مانند عربستان و به تبع آن، آمریکا، نگاه‌ها به این موضوع تغییر کرد. آمریکای باراک اوباما، خود را میرا از حمایت داعش خواند و نه تنها تلاش کرد فاصله معنادار خود را با داعش آشکار کند، بلکه با حامی اصلی او یعنی عربستان نیز زاویه پیدا کرد و روابط سردی بین دولت ملک عبدالله و اوباما حاکم شد.

اینک در دوره دونالد ترامپ، تلاش ایالات متحده آمریکا آن است تا اولاً روابط خود را با عربستان به سطح متحد استراتژیک ایالات متحده آمریکا در منطقه ارتقا دهد و تمامی مشکلات ایجاد شده مابین دو کشور را حل

نزدیک‌سازی چیست؟ برای پاسخ به این سوال، ضروری می‌نماید که مروری کوتاه به سابقه حضور ایالات متحده آمریکا در عراق داشته باشیم. آمریکا در جنگ تحمیلی، کاملاً جانب عراق را گرفت. با قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از جانب ایران و آغاز مکاتبات طرفین مربوط به رفع مشکلات مابین که از سوی صدام حسین خطاب به مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت آغاز شد، اشغال کویت توسط صدام حسین، آمریکا را به دشمن عراق تبدیل کرد و حملات آمریکا علیه عراق برای بازپس گیری کویت آغاز شد. در ادامه بوش پدر به قصد سقوط صدام حملات را به داخل عراق ادامه داد. اما حوادثی مانع ادامه تحرکات نیروی نظامی آمریکا شد؛ تنها مقررات پرواز ممنوع بر فراز منطقه شمال عراق و اقلیم کردستان برقرار شد و صدام نیز بر جا ماند تا حدود

این در حالی است که تا چند سال قبل اساساً حذف جریان راست افراطی از معادلات سیاسی اروپا هزینه‌ای نداشت. هم‌اکنون کار به جایی رسیده است که علاوه بر احزاب داخلی در کشورهای مختلف عضو منطقه یورو، سران اتحادیه اروپا و منطقه یورو نیز تقابل خود با جریان راست افراطی را علنی کرده‌اند. اگر رشد آرای جریان راست افراطی (که طی سال‌های اخیر به صورت تصاعدی صورت گرفته است) به همین شکل ادامه یابد، در آینده‌ای نزدیک شاهد وقوع دردهای بیشتری برای اتحادیه اروپا و منطقه یورو خواهیم بود؛ موضوعی که بسیاری از تحلیلگران و کارشناسان مسائل اروپا نسبت به آن هشدار داده‌اند.

طی هفته‌های اخیر و متعاقب برگزاری سه انتخابات سراسری در اروپا، جریان‌های راست افراطی و ملی‌گرا و ضد اروپا توانسته‌اند نمایش خیره‌کننده‌ای داشته باشند. در کشور آلمان، حزب جایگزینی برای آلمان که وابسته به جریان راست افراطی است، توانست به سومین حزب قدرتمند این کشور تبدیل و راهی پارلمان این کشور شود. در کشور اتریش نیز حزب آزادی توانست به دومین حزب قدرتمند اتریش تبدیل شود و در دولت ائتلافی (میان حزب مردم و حزب آزادی) حضور پیدا کند. هم‌اکنون در کشور جمهوری چک نیز ملی‌گرایان توانسته‌اند از دیگر احزاب این کشور پیشی گرفته و پیروز انتخابات شوند.

نکته دیگر اینکه پس از برگزیت، مقامات اروپایی احساس تزلزل و آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به گذشته می‌کنند. هم‌اکنون انگلیس عملاً از اتحادیه اروپا خارج شده است. در چنین شرایطی، سرکارآمدن دولت‌های ملی‌گرا منجر به افزایش احتمال خروج کشورهاشان از اتحادیه اروپا می‌شود. این موضوع بدترین خبر ممکن برای سران اروپایی محسوب می‌شود. حتی در کشوری مانند فرانسه نیز شاهد افزایش محبوبیت جبهه ملی فرانسه (جریان راست افراطی) هستیم. این روند پس از برگزاری انتخابات سال ۲۰۱۷ در فرانسه تقویت شده است.

لازم به ذکر است که مارین لوپن در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری فرانسه بارها رویکردی تقابلی در قبال منطقه یورو و اتحادیه اروپا اتخاذ کرده و حتی خبر از خروج کشورش از منطقه یورو داده است. در هر حال اگر هر یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا از این مجموعه خارج شوند، ما شاهد تحقق اروپای دفرمه‌شده خواهیم بود؛ در چنین شرایطی ستون‌های اروپای واحد از بین می‌رود و این ساختار که معرض فروپاشی قرار می‌گیرد. نکته مهم‌تر اینکه بحران‌های جاری در اتحادیه اروپا طی سال‌های آتی تشدید خواهد شد و نظرسنجی‌های صورت گرفته در اتحادیه اروپا و منطقه یورو نشان‌دهنده اقبال زیاد شهروندان به گروه‌های ملی‌گراست. این در حالی است که گروه‌ها و احزاب سنتی در اروپا مانند سوسیال دموکرات‌ها و محافظه‌کاران در بدترین شرایط ممکن به سر می‌برند. هم‌اکنون راست‌گرایان افراطی و ملی‌گرایان اروپا برای فتح سنگر به سنگر ۲۸ کشور اروپایی خیز برداشته‌اند. بدون شک، پیروزی اخیر ملی‌گرایان در انتخابات سراسری جمهوری چک، آخرین حلقه از پیروزی این جریان در اروپای واحد نخواهد بود. بسیاری از سران اروپای واحد نسبت به احتمال راهپایی صدها نماینده جریان راست افراطی در انتخابات آینده پارلمانی اروپا نگران هستند. در جریان انتخابات پارلمانی اروپا در سال ۲۰۱۴ میلادی نیز شاهد راهپایی تعداد زیادی از ملی‌گرایان و راست‌گرایان افراطی به پارلمان اروپا در بروکسل بودیم. این پیروزی ممکن است در انتخابات آتی با شدت بیشتری تکرار شود. ►



ترامپ «چک»

مانور پوپولیست‌ها در پراگ آغاز شد

علی گنجی

خبرنگار

سال از تاسیس حزبش می‌گذشت، جایگاه دوم‌رادر میان احزاب حاضر در پارلمان به دست آورد و در دولت ائتلافی به رهبری سوسیال دموکرات‌ها حاضر شده و وزیر دارایی جمهوری چک شد.

از این رو طی سال‌های آتی شاهد مانور ملی‌گرایان در فضای سیاسی پراگ خواهیم بود. نتایج این دوره از انتخابات جمهوری چک به برتری ربع‌قرنی سوسیال دموکرات‌ها در عرصه سیاسی چک خاتمه داد و سوسیال دموکرات‌ها با کسب تنها هفت درصد آرا در جایگاه ششم قرار گرفتند و حتی از حزب کمونیست که جایگاه پنجم را کسب کرده، کمتر رای آوردند. نتیجه نگران‌کننده دیگر این دوره از انتخابات جمهوری چک، کسب رای بالای حزب دست راستی «آزادی و دموکراسی مستقیم» (SPD) است. این حزب به شدت دست راستی با کسب نزدیک به ۱۱ درصد آرا توانست در جایگاه سوم قرار گیرد و آرای خود را در مقایسه با انتخابات دوره پیشین چک، دو برابر کند.

واقعیت امر این است که جریان‌های ضد اروپایی و راست افراطی توانسته‌اند در میان افکار عمومی اروپا پایگاهی برای خود کسب کنند. در حال حاضر، احزاب راست افراطی در کشورهای فرانسه، هلند، سوئد و اتریش توانسته‌اند دست به یاریگیری گسترده‌ای بزنند. بدیهی است که ادامه این روند، آینده اروپای واحد را به خطر خواهد انداخت. چنانچه در حال حاضر شاهد هستیم، رشد جریان راست افراطی به گونه‌ای بوده است که احزاب راست میانه و سوسیالیست ... ناچارند جهت شکست دادن آن در انتخابات با یکدیگر هم‌پیمان شوند.

در حالی که مقامات اتحادیه اروپا در شوک ناشی از پیروزی حزب افراطی «آزادی» در اتریش و راهپایی آن به دولت ائتلافی این کشور قرار داشتند، پیروزی پوپولیست‌ها در پراگ پازل ناکامی سیاستمداران سنتی در اروپای واحد را تکمیل کرد. آنچه امروز در پراگ می‌گذرد، یک تراژدی تمام‌عیار برای اروپای واحد محسوب می‌شود. هم‌اکنون اتحادیه اروپا وارد مرحله‌ای شده است که باید حضور پوپولیست‌های ضد اروپا در معادلات قدرت را بپذیرد.

ترامپ جمهوری چک کیست؟

«آندری بابیس» ۶۳ ساله، وزیر دارایی کابینه کنونی و دومین فرد ثروتمند در جمهوری چک و رهبر حزب عوام‌گرای «آنو» (ANO) - به معنی پله - که در جریان کارزار انتخاباتی خود شعارهای ملی‌گرایانه و مخالف اتحادیه اروپا سر داده بود، با کسب دست کم ۳۰ درصد از آرا برنده انتخابات سراسری جمهوری چک شده است. رسانه‌های جهانی به دلیل تشابه او با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به او لقب «ترامپ چک» داده‌اند. او با داشتن حدود ۴ میلیارد دلار ثروت، دومین فرد ثروتمند در جمهوری چک است و در شعارهای انتخاباتی خود نیز وعده‌هایی مشابه ترامپ به رای‌دهندگان چک داده است. بابیس در انتخابات دوره پیشین جمهوری چک که در سال ۲۰۱۳ برگزار شد توانسته بود با وجودی که تنها یک

خیز دوباره سناتور مستقل برای حضور در انتخابات آمریکا

صدای پای سندرز

حنیف غفاری

روزنامه‌نگار



اعلام خبر نامزدی سندرز در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ آمریکا، رسانه‌های این کشور را تحت تأثیر خود قرار داده است. طی روزهای اخیر و در حالی که رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا به بحران سازی در معادلات سیاست داخلی و خارجی این کشور ادامه می‌دهد، برنی سندرز، نامزد مورد حمایت دموکرات‌ها در انتخابات سال گذشته ریاست جمهوری آمریکا از تصمیم

است. بدیهی است که هضم این مساله برای ترامپ و همراهانش آسان نیست. در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته، بسیاری از آرای سندرز به سود ترامپ به گردش درآمد زیرا طرفداران سندرز از حيله سیاسی هیلاری کلینتون و همراهانش در حزب دموکرات به شدت ناراضی بودند. این ناراضی سبب شد تا به رغم اعلام حمایت رسمی سندرز از هیلاری کلینتون، آرای وی به سود وزیر امور خارجه اسبق آمریکا به گردش در نیاید. طرفداران سندرز به درستی معتقدند که اگر نامزد آنها به دور نهایی انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا راه می‌یافت و قربانی زد و بندهای درون حزبی دموکرات‌ها نمی‌شد، می‌توانست بر دونالد ترامپ، نامزد



جنبالی حزب جمهوریخواه غلبه پیدا کند و راهی کاخ سفید شود. طرفداران سندرز همچنان از سران حزب دموکرات به علت حمایت هدفمند و غیر عادلانه از هیلاری کلینتون ناراضی هستند. تصمیم اخیر سندرز مبنی بر حضور مستقل در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ نیز در همین راستا قابل ارزیابی است. او دیگر قصد ندارد به قربانی بزرگ زد و بندهای داخلی حزب دموکرات تبدیل شود. با این حال، احتمالاً سران حزب دموکرات که نسبت به آرای بالای سندرز، آگاه هستند، سعی خواهند کرد با وی در این خصوص وارد مذاکره شوند.

پس از اینکه هیلاری کلینتون در جریان رقابت‌های درون حزبی توانست با کمک سران ارشد حزب دموکرات بر برنی سندرز رقیب سرسخت خود پیروز شود، بسیاری از طرفداران سندرز حاضر به پشتیبانی از هیلاری کلینتون نبودند. پس از افشای ایمیل‌های مربوط به هیلاری کلینتون، که در بخشی از آن به زد و بند وی با سران حزب دموکرات برای شکست سندرز اشاره شده بود، خشم طرفداران سندرز از هیلاری کلینتون دوچندان بود. حتی اعلام حمایت سندرز از هیلاری کلینتون نیز نتوانست منجر به گردش تمام عیار آرای طرفداران وی به سود کلینتون

خود برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ این کشور خبر داده است. این بدترین خبر ممکن برای ترامپ محسوب می‌شود. چنانچه منابع آمریکایی خبر داده‌اند، «برنی سندرز» نامزد دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته آمریکا از تصمیم خود برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ این کشور و البته این بار به عنوان نامزد مستقل خبر داد.

سندرز در این خصوص عنوان کرده است: «من مستقل هستم و در حالی که عضو تشکیلات دموکرات‌ها هستم، همیشه در انتخابات (ایالت) ورمونت هم به عنوان نامزد مستقل شرکت کرده‌ام. این همان کاری است که برای مدت‌ها انجام داده‌ام و به آن ادامه می‌دهم.»

اعلام حضور سندرز در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در حالی صورت می‌گیرد که وی در انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته قربانی لابی‌گری پشت پرده سران حزب دموکرات شد حمایت سوپر دلیگیت‌ها و سران حزب دموکرات از هیلاری کلینتون سبب شد تا در نهایت وی به عنوان نامزد نهایی دموکرات‌ها در رقابت با دونالد ترامپ انتخاب شود. هم‌اکنون سندرز بار دیگر برای حضور در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری آمریکا خیز برداشته

شود. نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نشان می‌دهد که بخش مهمی از آرای برنی سندرز به سود هیلاری کلینتون به گردش در نیامده است. مسجل است که در این خصوص بخشی از طرفداران سندرز اساساً رای نداده یا آرای خود را به سود ترامپ واریز کرده‌اند.

نکته دیگر در خصوص رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری آمریکا اینکه هیلاری کلینتون، دیگر نامزد حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته، عملاً شانس برای حضور مجدد در انتخابات ندارد. کلینتون هم‌اکنون به نمد شکست در دو انتخابات ریاست جمهوری سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۶ تبدیل شده است. در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته، هیلاری کلینتون مطابق نظرسنجی‌های صورت گرفته، در ایالات میسیگان، کلرادو و ویرجینیا وضعیت بهتری نسبت به نامزد حزب جمهوریخواه داشت، در ایالت سرنوشت‌ساز فلوریدا و کارولینای شمالی آرای نوسان بود و در ایالت جورجیا نیز پیروزی ترامپ تقریباً قطعی به نظر می‌رسید. با این حال هیلاری کلینتون در جریان انتخابات هشتم نوامبر، ایالات کلیدی را به رقیب سرسخت خود واگذار کرد. در چنین شرایطی برتری کلینتون در کسب آرای که به صورت سنتی به حزب دموکرات متعلق بود نتوانست کمکی در راهیابی وی به کاخ سفید کند. اگرچه هیلاری کلینتون در سه ایالت نیویورک، کالیفرنیا و واشنگتن توانست ترامپ را با اختلاف زیادی شکست دهد اما در مقابل، ترامپ با کسب آرای ایالات کلیدی و سرنوشت‌ساز معادله را به ضرر حزب دموکرات بر هم زد. دونالد ترامپ در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، بسیاری از موسسات نظرسنجی را در خصوص جانبداری از هیلاری کلینتون متهم می‌کرد. نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا سخن ترامپ را به اثبات رساند. در نظرسنجی‌های ایالتی و الکترال، هیلاری کلینتون با اختلافی بسیار زیاد از ترامپ پیش بود. حتی در روزهای منتهی به انتخابات، موسسات نظرسنجی ادعا می‌کردند که وضعیت هیلاری کلینتون در رقابت‌های ایالتی بهتر شده و پیروزی وی مسجل است!

در هر حال، برای جوانان آمریکایی و تعداد زیادی از افراد که در جریان رقابت‌های انتخاباتی سال گذشته هوادار سندرز بودند، اعلام حضور زودهنگام وی برای حضور در رقابت‌های انتخاباتی سال ۲۰۲۰ خبر خوشایندی محسوب می‌شود. با این حال هنوز مشخص نیست که تا سال ۲۰۲۰ چه اتفاقی رخ می‌دهد! امکان دارد لابی‌های قدرت در ایالات متحده آمریکا (در هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه) بار دیگر برای مهار سندرز با یکدیگر متحد شده و مانع از راهیابی وی به دور نهایی رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ شوند. حتی ممکن است در صورت راهیابی سندرز به دور نهایی رقابت‌های انتخاباتی، وی از سوی این لابی‌های پشت پرده محدود شده و عملاً امکان حضور موثر وی در کاخ سفید وجود نداشته باشد. تاریخ آمریکا نشان داده است که نمی‌توان این پدیده (حضور سندرز در رقابت‌های انتخاباتی آینده) را با رویکردی خوشبینانه مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

در نهایت اینکه باید در انتظار واکنش سران دو حزب دموکرات و جمهوریخواه در قبال حضور سندرز در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ ماند. اعلام حضور مستقل سندرز در رقابت‌های انتخاباتی، این روند را تشدید خواهد کرد. هنوز سران حزب دموکرات در خصوص استراتژی همراهی یا مهار سندرز با یکدیگر به توافق نرسیده‌اند. با این حال سوء رفتار سران حزب دموکرات در قبال سندرز، جای هیچ گونه اطمینانی را از سوی سناتور ایالت ورمونت باقی نگذاشته است! لازم است که سندرز در رقابت‌های انتخاباتی میان‌دوره‌ای سنای آمریکا نیز به صورت مستقل حضور پیدا کند. ▶



عنوان کتاب: هنر بافتنی بزرگسالان

نام مؤلف: مریم یوسفی

ناشر: بین المللی حافظ



عنوان کتاب: هنر بافتنی خردسالان

نام مؤلف: اکرم ذاکری

ناشر: بین المللی حافظ



از دریچه‌ای دیگر

ما در این صفحات سعی خواهیم کرد موضوعات مختلف را از دریچه علوم انسانی بنگریم و در عین حال به برخی از حوزه‌ها مانند محیط زیست، دانشگاه، حوزه‌های علمی، فرهنگ و هنر نگاهی داشته باشیم. در واقع این صفحات، صفحات فکر و ایده و اندیشه مجله است. نوعی عقلانیت ارزش مدار برعکس علوم انسانی غربی که ابزار مدار هستند.

چشم انداز انقلاب

گرامشی؛ انقلابی یا محافظه کار؟



نیست که طبقه کارگر صنعتی ناپدید شده است. در ایالات متحده بر تعداد آنان تا شش سال پیش اضافه می‌شدو حتی در بریتانیا نیز با وجود این کاهش میلیون‌ها نفر از چنین کارگرانی وجود دارد. مهم‌تر اینکه طبقه کارگر فقط محدود به صنایع بزرگ نیست و فقط با کارگر صنعتی تعریف نمی‌شود. ایده این کتاب بر این مبناست که سرمایه‌داری به‌عنوان یک شیوه تولید، به‌طور مداوم در حال تغییر و تحول تولید و ابزار آن است. این تغییر و تحول در پی خود دوره‌هایی از کساد و رونق به‌همراه می‌آورد و زندگی مردمان را مرتب دستخوش تغییرات می‌کند. چنین تغییری در هستی انسان‌ها، تحول در آگاهی آنها را نیز در پی دارد و مقاومت مردمانی را برمی‌انگیزد که ایزدهای تغییر سرمایه‌اند. هارمن تلاش احزاب چپ برای کسب کرسی‌های پارلمان را اگرچه لازم اما ناکافی می‌داند. او بر این باور است که احزاب پارلمانی پس از پیروزی نمی‌توانند قوانین محدودکننده سرمایه را تصویب کنند و حتی اگر چنین کنند از تحمیل آن به سرمایه‌داران ناتوان‌اند. هارمن پیشنهاد می‌دهد مبارزه پارلمانی باید با مبارزه خیابانی و مبارزه در محل‌های کار پیوند بخورد تا بتواند مانورهای سرمایه‌داران را برای فرار از قوانین مصوب به شکست بکشد. استدلال اساسی او بر این مبنای قرار دارد که هیچ انتخاباتی توان به‌زیر کشاندن صاحبان کارخانه‌ها، بانکداران و بورس‌بازان و سلب مالکیت از آنان را ندارد؛ به همین سبب دولت‌های مترقی همواره در محاصره سرمایه‌داران و بوروکرات‌های دستگاه‌های دولتی‌اند که نه تنها میلی به تغییر ندارند بلکه در برابر آن با تمام توان می‌ایستند.

کریس هارمن، نویسنده مقاله «گرامشی، یادداشت‌های زندان و فلسفه» در مقاله‌ای تحت عنوان «گرامشی در برابر کمونیسم اروپایی» به تفکر انقلابی گرامشی پرداخته و می‌کوشد تفاسیر باب روز را از گرامشی رد کند. هارمن، نویسنده مارکسیست، فعال سیاسی و عضو کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری بریتانیا بود. او تا هنگام مرگ سردبیر مجله تئوریک «سوسیالیسم بین‌الملل» بود و علاوه بر مقالات متعدد و موشکافانه چند کتاب نیز به رشته تحریر درآورده است. کتاب «انقلاب در قرن بیستم و یکم» به بازخوانی سرمایه‌داری، اتحاد جماهیر شوروی، انقلاب، طبقه، حزب و دیگر مسائل مبتلا به جنبش‌های مترقی جهان در قرن جدید می‌پردازد. دو پدیده‌ای که زندگی انسان را در قرن بیستم و یکم بیش از هر چیز دیگری تحت تأثیر خود قرار داده است شکل‌گیری اقتصاد فراصنعتی از یک سو و جوامع فراملی و جهانی از سوی دیگر است. جنبش‌های انقلابی قرن بیستم طبقه کارگر صنعتی را هدف گرفته بودند. تعداد بی‌شماری از دانشگاهیان و مفسران رسانه‌ای این مساله را مطرح می‌کنند که در قرن بیستم و یکم دیگر سخن از رابطه طبقه کارگر و انقلاب بی‌معناست؛ زیرا از کمیت طبقه کارگر به‌عنوان یک نیروی اجتماعی کاسته شده و اگر هم سخنی از خواست برای تغییر هست فقط در لوای جنبش‌های نوین اجتماعی بیان می‌شود. شکی نیست که نسبت کسانی که در کارخانه‌ها و معادن به کار مشغولند در بریتانیا و دیگر کشورهای پیشرفته صنعتی کم شده و امروز تعداد کارخانه‌های بریتانیا به نصف میزان سال ۱۹۷۳ رسیده است. اما این به معنای این



نظریه پسااستعماری و کردشناسی

مطالعات پسااستعماری یکی از جلوه‌های اصلی مطالعات انتقادی و هدفمند ضدژئومونی غرب است. گفتمان شرق‌شناسی، شرق را با توسل به منظومه‌ای از عناصر توصیف و تصویر و در نهایت آن را به کلیتی در قالب «غیر»، در مقابل غرب خودی، تبدیل کرده است. نمونه بارز مطالعات پسااستعماری، کتاب شرق‌شناسی ادوارد سعید است که به ویژگی‌های دانش قرن نوزدهم می‌پردازد که محققان تعلیم‌دیده، سفرنامه‌نویسان، شاعران و رمان‌نویسان پدید آوردند و شرق را تبدیل به مخزنی برای دانش غربی کردند و نشان می‌دهد چگونه اروپاییان در دوران پس از روشنگری، نخست شرق را به‌گونه‌ای نوشتاری تصاحب کردند. شرق‌شناسی، استعمارگری اروپایی را به‌عنوان یک گفتمان مورد بحث قرار می‌دهد؛ یعنی بازنمایی، تخیل، ترجمان، دربرگیری و اداره شرق ناسازگار و غیرقابل درک از رهگذر رمزها و قراردادهای متنی. تا قبل از قرن ۱۷ میلادی کردستان چندان مورد توجه کشورهای غربی و به تبع آن شرق‌شناسان نبود. از آن تاریخ به بعد، بر اثر رقابت‌های استعماری شدید بریتانیا، فرانسه و آلمان، گرایش به تصرف و شناخت ممالک شرقی از جمله خاورمیانه و مناطق زندگی کردها به وجود آمد و کردها نیز در مقام مردمی متمایز از دیگران و حتی مهم جلوه کردند. در سده نوزدهم، سیاست‌نامه‌های بسیاری درباره شرق نگاشته شد ولی شمار آنهایی که تنها به کردها و کردستان پرداخته باشند بسیار کم بود. کردشناسی تا میانه‌های قرن بیستم در چارچوب ایران‌شناسی صورت می‌گرفت. پس از آن، بخش پژوهش‌های کردشناسی در دانشکده شرق‌شناسی آکادمی علوم سن‌پترزبورگ به‌صورت مستقل به کار خود ادامه داد. مطالعات اخیر نشان می‌دهد رویکرد رسمی به کردستان هنوز هم شرق‌شناسانه است و بر مبنای منافع و نه واقعیت‌ها و حقایق صورت‌بندی می‌شود. در کتاب «نظریه پسااستعماری و کردشناسی» فرض اصلی نویسنده این است که بیشتر مطالعات کردشناسی از منطق گفتمانی شرق‌شناسی تبعیت کرده‌اند. در این کتاب «شرق» جای خود را به «کردستان» داده است. شکل پنهان نگاه شرق‌شناسانه بیشتر در آثاری دیده می‌شود که با همدلی و دقت بیشتری درباره شرق نوشته شده‌اند.

جنگ، صلح و خرد ایرانی

منوچهر آشتیانی



قیام کردند و خواست استقلال داشتند در انقلاب اسلامی بود. البته مشروطه نیز خواست استقلال داشت و موفق شد ولی به محض اینکه بیج کوچکی به سمت ضدامپریالیسم برداشت بورژوازی داخلی و خارجی متحد شدند و انقلاب مشروطه را فروختند؛ دقیقاً همین کاری که سرمایه‌داری داخلی ایران و سرمایه‌داری جهانی می‌خواهند انجام بدهند و انقلاب را ساقط کنند. «او یادآور شد: «خواست استقلال مهم‌ترین چیزی است که جمهوری اسلامی می‌خواهد و این مهم‌ترین جریانی است که نظام را حفظ کرده است. سرمایه‌داری جهانی به رهبری امپریالیسم جهانی رژیم بعث را ملزم کرد تا بیاید و ایران را به پیش از انقلاب و استقلال ببرد. دو ویژگی بزرگ نبرد میهنی مادر جنگ ایران و عراق یکی نبرد استقلال طلبانه است که زنجیره‌ای است از نبردهای استقلال طلبانه میهنی ۲۵۰۰ ساله ما که امروز بسیجیان در حال ادامه این نبرد هستند و دیگری نبرد مستقیم با امپریالیسم است چرا که نبرد عراق یک نبرد فرمایشی از سوی آمریکا بود. میان استقلال خواهی و مبارزه با امپریالیسم سرمایه‌داری تفاوت است. امروز خیلی از کشورها می‌خواهند مستقل باشند اما در عین حال سرمایه‌دار هم باشند.»

اولین نشست از سلسله نشست‌های «تاملاتی در باب اجتماعات جنگ» در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد. منوچهر آشتیانی، جامعه‌شناس و پژوهشگر فلسفه در این نشست با موضوع «جنگ و صلح» به ایراد سخنرانی پرداخت. او با طرح این سوال که چرا در جامعه تصادم روی می‌دهد؟ اظهار داشت: «اساسی‌ترین سوال این است که اصلاً چرا جنگ؟ ما در تمام جوامع انواع تضادها را شاهد هستیم که برخی آشتی‌پذیرند و با گفت‌وگو حل می‌شوند اما آنچه با سیاست و گفت‌وگو قابل حل نیست به دست نظامیان سپرده می‌شود. سیاست چیزی نیست جز زبان نرم. هرگاه سیاست جوابگو نباشد جنگ شروع می‌شود. جنگ و صلح هر دو ابزار سیاست‌اند و مکمل یکدیگر. هر گاه سیستم به هر نحوی بخواهد بماند و تغییر در آن رخ ندهد آن سیستم محکوم به شکست است. از طرفی اگر تغییر دائمی هم اتفاق بیفتد آن سیستم متلاشی می‌شود. منوچهر آشتیانی گفت: «انقلاب حداقلی‌ترین دستاوردش استقلال ملی بوده که ما قرن‌ها از داشتن آن محروم بوده‌ایم. ما از اعراب تا صفویه دولت ملی نداشتیم و همیشه وابسته بودیم. بعد از صفویه تنها جایی که توده مردم



آیین مردم‌شناسی

رابطه دوسویه دین و مناسک

«مناسک و شعائر دینی و راهبری اجتماعی»، عنوان سلسله نشست‌هایی است که توسط خانه طلاب تهران برگزار می‌شود. در دومین نشست از این جلسات که با موضوع «بررسی مردم‌شناختی مناسک عزاداری در ایران امروز» برگزار شد، جبار رحمانی، معاون پژوهشی و آموزشی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، به ارائه نظرات خود در این رابطه پرداخت. او با تبیین نسبت دین و آیین از منظر مردم‌شناسی، به ویژگی‌های آیین‌های عزاداری در ایران امروز پرداخت. جباری، دین را از منظر مردم‌شناسی، یک مقوله فرهنگی دانست و بیان کرد: «این دانش، به دنبال صحت یا عدم صحت گزاره‌های دین نیست بلکه به دنبال خاستگاه و اثرات دین در زندگی مردم است. از این دیدگاه، دین امری مرکب است و از عناصر مختلف تشکیل شده است؛ به عبارتی دین از فرهنگ و مناسک وام‌گیرنده است.» او ادامه داد: «از دیدگاه مردم‌شناسی، تجربه خداشناسی، از طریق آیین شکل می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، امر قدسی و اخلاقی، در خلال آیین و مناسک به وجود می‌آید. یعنی آیین‌ها هستند که نظام‌های اخلاقی و دینی ما را می‌سازند به همین علت، کنار گذاشتن آیین منجر به کنار گذاشتن دین می‌شود. تجربه نشان می‌دهد هر کجا آیین‌ها منسوخ شده، هویت مذهبی هم مضمحل شده است. در واقع، فرم‌های متفاوت، تمایز هویتی

ایجاد می‌کند.» رحمانی در بیان سه ویژگی آیین گفت: «نخست اینکه آیین‌ها تاریخ‌مندند؛ به این معنا که آیین‌ها در یک بازه زمانی خلق می‌شوند و تکامل می‌یابند و بعد از سپری شدن تاریخ مصرفشان، از بین می‌روند. دوم اینکه آیین‌ها زمینه‌مندند، کانتکست و به عبارتی، شرایط مختلف فرهنگی و اجتماعی و... روی آیین‌ها اثر می‌گذارد مثل سبک‌های مختلف عزاداری در نقاط مختلف جهان. و سوم فرم اصیل در آیین‌ها وجود ندارد؛ و فرم‌ها، قابل تغییرند.» عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی ادامه داد: «جماعت‌های آیینی یعنی جمعی از انسان‌ها که بدون در نظر گرفتن مقام و منصب مادی در جهت خودسازی و برگزاری آیین مذهبی دورهم جمع می‌شوند. در فرهنگ شیعه، هیأت، مهمترین نمود و بستر بروز و ظهور آیین‌هاست؛ در واقع به وجود آمدن هیأت مذهبی، سازمان اجتماعی جدیدی بود که در واکنش به مدرنیته شکل گرفت. امروز هم هیأت مذهبی، پناهگاه ایمانی مردم هستند.» جباری، در بیان ملاحظات و تحذیراتی در نسبت با آیین‌های عزاداری اظهار داشت: «آیین‌های اجتماعی، پدیده‌ای مردمی هستند و باید با فرآیندی مردمی پیش بروند. تکثیرها باید در آیین‌ها پذیرفته شود و براساس مشارکت عمومی، آیین‌ها شکل بگیرند و تحمیل فرم یکسان، مطلوب نیست.»

اقتصاد سیاسی

قطع بودجه ۶ دستگاه دولتی

مشکل آمار در کشور همچنان لاینحل باقی مانده است و در بسیاری از حوزه‌ها کمبود آمار به چشم می‌خورد. با این وجود، مرکز آمار ایران تلاش می‌کند به عنوان نهاد رسمی متولی آمار، به روزترین و جدیدترین متدها را برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برنامه‌ریزان فراهم کند اما در این راه با مشکلاتی مانند کم‌کاری دستگاه‌های دولتی در ارائه آمار و اطلاعات مواجه است. این کم‌کاری‌ها کاسه صبر امیدعلی پارسا، رئیس مرکز آمار ایران را لبریز کرده است. او هفته گذشته در مراسم روز ملی آمار، از قطع بودجه ۶ دستگاه دولتی به دلیل تشکیل ندادن حتی یک جلسه برای تدوین برنامه آماری خود خبر داد. در روز ملی آمار مراسمی با حضور محمدباقر نوبخت، رئیس سازمان برنامه و بودجه برگزار شد. در این مراسم، پارسا، رئیس مرکز آمار ایران، در حضور نوبخت از تلاش شورای عالی آمار برای هدایت و نظارت بر دستگاه‌ها به منظور حرکت از نظام آماری سنتی به مدرن سخن گفت. به گفته او، دستگاه‌های اجرایی در حین انجام وظیفه خود، سامانه‌های قوی و قابل اعتمادی طراحی می‌کنند. در حال حاضر کد منحصر به فرد کسب و کار وجود ندارد و فقط کد اقتصادی اعمال می‌شود؛ این در حالی است که راهبردهای ۱۴ گانه نیز در شورای عالی آمار تصویب شده است. پارسا با اشاره به اینکه ۱۵ دستگاه پیش‌نویس برنامه آماری خود را تا مهلت مقرر تعیین شده (۳۰ مهر) ارائه ندادند، از تشکیل نشدن حتی یک جلسه از سوی ۶ دستگاه دولتی خبر داد. او در این باره گفته است: «بر این اساس، بودجه این دستگاه‌ها قطع خواهد شد و جلوی تخصیص اعتبار به آنها گرفته می‌شود.» رئیس مرکز آمار ایران موازی کاری را عامل تولید خوراک برای منتقدان غیرمنصف و سرگرمی برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران معرفی کرد. پارسا با اشاره به انعکاس مطالبی به نقل از معاون اول رئیس جمهور در زمینه اشتغال زایی برای ۱/۵ میلیون نفر بیان کرد: «من در سخنان آقای جهانگیری ندیدم که به عدد اشتغال ۱/۵ میلیون نفر اشاره کرده باشد؛ اما این موضوع در رسانه‌ها بازتابی گسترده داشت.» او توضیح داد: «اهداف اقتصاد مقاومتی جز با کار و تلاش و به کارگیری مدیران جهادی محقق نمی‌شود؛ ضمن اینکه نسخه‌هایی از جنس ارشاد کردن دیگران و عمل نکردن به آنچه به عنوان برنامه معرفی می‌شود، راهگشا نیست.» رئیس مرکز آمار ایران همچنین گفت: «نظام‌های آماری پیشرو در دنیا به خوبی مورد بررسی قرار گرفته که مجموعه آنها به شورای عالی آمار پیشنهاد شد تا برنامه ملی آمار با ۱۴ راهبردار کلان تهیه شود؛ البته تم اصلی برنامه گذار از نظام آماری سنتی به ثبتي مناسک و براساس آن، مأموران سرشماری دیگر به مردم مراجعه نمی‌کنند؛ بلکه دستگاه‌های اجرایی با سامانه‌های مدرن، آمارهای مدنظر مرکز آمار را تهیه خواهند کرد.»



سینا / تاتار

مدرسه‌ای بوده که اکنون از آن مدرسه فقط همان دیواری مانده که سرباز بشتش پناه گرفته است، دانه‌ها را تلاش برای بیدار کردن و جدان به خیال او به خواب رفته سرباز آمریکایی است و مدام از او می‌پرسد و می‌خواهد بداند که او آنجا چه می‌کند، در سرزمین او با وجود اینکه جنگ تمام شده است؛ اما سرباز آمریکایی حرفی برای گفتن ندارد. فیلم از موقعیت تک‌تیرانداز عراقی برای رسیدن به همان مفهوم قرارداد متن به خوبی سود می‌برد. آن هم بعد از لورفتش به وسیله سرباز آمریکایی و گفتن جمله‌ای درخشان به این مضمون که: «من دیگر در استارت تو نیستم.» سرباز عراقی با اتکا بر زبان انگلیسی که می‌داند و از طریق ارتباط بی‌سیم با سربازان آمریکایی و پایگاه‌ها و اختفا در غیرموجه‌ترین و دور از ذهن‌ترین مکان، یعنی کوه آشغال‌ها، آن منطقه را به کشتارگاه سربازان و نیروهای آمریکایی تبدیل می‌کند؛ آن هم از طریق جازدن خودش به عنوان آخرین نیروی آمریکایی فرستاده شده در آنجا. ایده‌ای درخشان؛ استارت زدن در زبان برای نابودی دشمن؛ که متأسفانه این ایده فقط در سطح فیلم می‌ماند و پارافرات نمی‌گذارد و تأثیر دراماتیکی را که در نطفه خفه می‌شود و نمی‌تواند با تاملات ذهنی تماشاچی که از پس آن ایده درخشان شکل گرفته پیوند بخورد.

دیوار

لیمان از استارت بازبان می‌گوید

فیلم دیوار (The Wall) ساخته داگ لیمان با اینکه یک فیلم با مولفه‌های آشنا و تکراری است اما می‌تواند نمونه خوبی باشد برای ورود به بحثی که از آن در روایت در سینما به نام قرارداد متن یاد می‌شود. مساله قرارداد متن و تخطی این فیلم از این مقوله، بیشترین سهم را در نگاه فیلمساز داشته است. اینکه تمام یک فیلم تشکیل شده باشد از نماهایی از یک سرباز زخمی پشت یک دیوار که دائماً از طریق بی‌سیم مخصوص به سربازان خودی با دشمن خود در کمی آن‌سوتر از دیوار مکالمه می‌کند و در پی آن است که محل اختفای دقیق دشمن تک‌تیرانداز را کشف کند، نیاز به کمی خلاقیت محتوایی دارد و در بسط جهان‌بینی فیلم قدیمی رویه جلوه‌دار و در کنار جلوه‌های میدانی مخصوص به نبردهای جنگی تماشاچی را جذب کند. اما فیلم عملاً از موقعیتی که متن در اختیارش قرار داده هیچ سودی نمی‌برد و تمام صحبت‌های بین تک‌تیرانداز عراقی - که توانسته از طریق به دست آوردن بی‌سیم سربازهای قبلی شکار شده با هر سرباز آمریکایی و حتی پایگاه نیروهای آمریکایی ارتباط برقرار کند - و سرباز آمریکایی به هرز می‌رود. تک‌تیرانداز عراقی که بعد از لورفتش نزد سرباز زخمی آمریکایی و سر صحبت باز کردن با او مشخص می‌شود پیش از جنگ معلم



فقه طبابت

نیاز به علمی شدن طب سنتی

خواهد بود. «این مرجع تقلید ادامه داد: «طیب باید بداند که تاجر نیست و بیمار یک انسان است که موجودی ابدی است و با مردن نمی پوسد بلکه از پوست به در می آید. بنابراین طیب باید بخش مهمی از علم خود را از اخلاق بگیرد و صرفاً به آزمایشگاه موش و علم تجربی تکیه نکند و تا بیماری بیمار برای وی ثابت نشد نسخه تجویز نکند؛ چرا که اگر پزشکی بدون شناخت بیماری و از روی آزمون و خطا دارو تجویز کند ضامن خواهد بود، پزشکی که نتوانست بیماری را تشخیص دهد باید بگوید من بیماری تو را نفهمیدم و بیمار را ارجاع بدهد به طیب دیگر؛ این می شود طب اسلامی.»



آیت الله عبدالله جوادی آملی، از مراجع تقلید ساکن قم با بیان اینکه تا مطلبی صد درصد علمی نباشد دینی نیز نخواهد بود، گفت: «طب سنتی باید به معنای دقیق کلمه علمی بشود.» او در دیدار رئیس کمیسیون سلامت مجمع عالی بسیج با بیان اینکه اکثر بیماری های بشر ریشه در پرخوری و بدخوری دارند، این گونه اظهار نظر کرد: «پرهیز از پرخوری و بدخوری که ریشه اکثر بیماری های بشر است به ادب دینی برمی گردد، دین فرمود تا گرسنه نشدید غذا نخورید و قبل از سپردن دست از خوردن بکشید. رعایت این گونه نکات بهداشتی می تواند خارج از نظام پزشکی و با ارتقای سطح فهم دینی و اخلاقی مردم حل شود.» این مرجع تقلید به مساله طب سنتی و اسلامی اشاره کرد و گفت: «طب سنتی باید به معنای دقیق کلمه علمی بشود و صرف اینکه فلان گیاه برای درمان فلان بیماری است کافی نیست؛ باید بدانیم تا مطلبی صد درصد علمی نباشد دینی نیز نخواهد بود.» استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم یادآور شد: «دینی بودن علم، به دینی بودن موضوع علم است، از این رو معیار دینی بودن طب به طیب و بیمار و بیماری نیست، بلکه به فهم دقیق و عمیق موضوع و مساله است یعنی دینی بودن طب به فهم عمیق و دقیق اینها و ابدان است. اگر بفهمیم و باور کنیم که موضوع علم طب، فعل خداست قطعا و لابد این علم دینی خواهد بود حتی اگر پزشک و بیمار مسلمان نباشد.» آیت الله جوادی آملی گفت: «اگر بوی سبنا هم امروز بود از شیوه های جدید پزشکی استفاده می کرد اما اگر ما به دنبال شناخت گیاهان دارویی و استخراج خواص آنها برویم و به صورت علمی و با ارائه مقاله آن را اثبات کنیم، این داروها با بدن ما سازگارتر

شادگان شوره زار می شود؟

بخش وسیعی از زمین های خوزستان کانون گردوغبار هستند. شاید کمتر کسی از مردم خوزستان بداند کانون های اصلی بحران به نزدیکی دروازه شهر و روستایشان رسیده است. شاید هم بسیاری از روستایی هانمی دانند در نقطه کانونی بحران زندگی می کنند. اکنون نزدیک ترین کانون بحران و فوق بحران به کمتر از ۲۰ کیلومتری اهواز رسید. خشک شدن هور شریفیه دقیقا در جنوب و جنوب شرق اهواز علت طوفان های بهمین ۹۳ و ۹۵ بود. کانون بحران در رفیع وستان هم به دروازه شهر رسید. البته کانون های بحران فقط به ریزگرد ختم نمی شوند و نفوذ آب شور دریا به کارون باعث مرگ نخیلات شده است اما جدیدترین کانون که شکل شوره زار دارد در تالاب شادگان شکل گرفته است؛ کانونی که با کمترین باد، طوفانی از نمک ایجاد می کند. تالاب بین المللی شادگان در جنوب استان خوزستان و در جنوب شهر شادگان جای دارد. این تالاب در کل ۴۰۰ هزار هکتار وسعت دارد که ۲۹۶ هزار هکتار آن جزو مناطق حفاظت شده محسوب می شود. تالاب شادگان یکی از تالاب های بزرگ ایران است. در همایش تالاب های جهان در امسار تصمیم گرفته شد که سه تالاب شادگان، خرموسی و خورالامیه با عنوان تالاب شادگان شناخته شوند. این تالاب به عنوان یک تالاب مهم بین المللی شناخته شده، با وجود تنوع زیستی غنی و جاذبه های گردشگری فراوان، متأسفانه هنوز ناشناخته مانده است. این تالاب با وجود نعمت و ظرفیت های بی شمارش هیچ گاه توسعه و احیای قابل توجه را به خود ندیده است. به دلیل عدم توجه به شرایط زیست محیطی در انجام پروژه های توسعه صنعتی و راه سازی، خشک سالی، کم شدن آب ورودی به تالاب شادگان به دلیل سد سازی، کم شدن آب ورودی به کارون و انتقال آب این رودخانه به مناطق دیگر این تالاب با مشکلات عدیده ای مواجه شده است. آبراهی که در جنوب اهواز و در فصل زمستان، با افزایش آب رودخانه، آب شیرین تالاب را تأمین و در اصل تعویض می کرده، خشک شده و تالاب شادگان از آبراه حیاتی نیز محروم شده است. ریزگرد و نمکزار تنها تبعات خشک شدن تالاب نیستند. کوچک ترین دست کاری در محیط زیست تالاب باعث شدت تبعاتی پیچیده به بار آورد. محدود شدن مهاجرت پرندگان، کاهش شدید تولید شیر گاومیش، از بین رفتن خوراکی های بومی همچون خریط و... از نتایج دست کاری طبیعت است. این تالاب به عنوان منطقه پایلوت برای پرورش گاومیش در سال ۹۳ انتخاب شد اما با خشکی و شور شدن آب تالاب این مساله منتفی شد. اکنون بخشی از تالاب حدود ۲۰ درصد آب دارد که آن هم آب شور است و تنها برای گردشگری مناسب است اما با هوای گرم استان خوزستان فقط دو ماه می توان از آن با هدف گردشگری استفاده کرد که جبران شغل های از دست رفته دیگر را نمی کند. نهاد متولی احیای تالاب سازمان محیط زیست و نهاد آب رسان، سازمان آب و برق خوزستان است اما تأمین حقایق تالاب به دلیل خشکی رودخانه ها غیر ممکن شده است.

وارونگی

فیلم های معناگر در سینمای خانگی



است. بهزادی در این فیلم با دستمایه قراردادن روابط آدم ها در موقعیت های خاص سعی در بیان حال و هوا و احساسات دختری را دارد که دیگران از بیرون نظاره گر زندگی اش هستند. اوون گلابیرون، منتقد، درباره این فیلم چنین نوشته است: «عنوان «وارونگی» تصویری از چشم انداز یک کالاشهر با چنان دودی است که به نظر می رسد آسمان خراش ها در هوای به رنگ گچ آن محو می شوند. مثل این است که از شهر لس آنجلس فیلم گرفته باشی؛ همانی است که ما در هزار فیلم دیده ایم ولی با این تفاوت که این لس آنجلس نیست، بلکه تهران است. پایتخت ایران که هنوز برای اینکه به نماد آلودگی مثل پکن تبدیل شود، جا دارد، اما فیلم جدید بهنام بهزادی احتمالش را می دهد که به زودی به آنجا برسد. (عنوان فیلم یادآور وارونگی حرارتی است که در روزهای بد، فضای تهران را با بالاترین حد، دربر می گیرد).» در این فیلم، پدیده وارونگی موجب بروز مجموعه ای از واکنش های اختلافات خانوادگی می شود که با قهرمان زن داستان «نیلوفر» (سحر دولتشاهی) مرتبط است تا او را وادار کند منبع جدیدی برای تنفس پیدا کند. سحر دولتشاهی، علی مصفا، ستاره پسیانی، رویا جاویدنیا، علیرضا آقاخانی و شیرین یزدان از جمله بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

وارونگی که به عنوان یک فیلم مهم در ژانر معناگرا مورد توجه قرار گرفته است، وارد سینمای خانگی شد. این فیلم سومین ساخته سینمایی بهنام بهزادی است؛ کارگردانی که با ساخت فیلم نخستش «تنها دو بار زندگی می کنیم» نگاه های بسیاری را به خود جلب کرد. این فیلم توانست در فهرست فیلم های منتخب منتقدان جایگاه خوبی را به خود اختصاص بدهد و بسیاری منتظر فیلم های بعدی بهزادی بودند. «قاعده تصادف» دومین تجربه سینمایی او به لحاظ مضمون تفاوت هایی با فیلم نخست او داشت اما او این بار با نزدیک شدن به دنیای نسل جوان و به تصویر کشیدن دغدغه ها و مشکلات طیفی از جوانان، حال و هوای دیگری را در فیلم سازی تجربه کرد و «وارونگی» سومین اثر سینمایی او باز هم شکل و شمایل متفاوت تری نسبت به ساخته های پیشینش دارد. او در این فیلم سینمایی داستانی به ظاهر ساده را روایت می کند؛ نیلوفر، با بازی سحر دولتشاهی در نقش اصلی فیلم، با مادرش زندگی می کند و به نوعی در میان خواهر و برادر دیگرش اوست که مسئولیت مراقبت از مادر را بر عهده دارد و در این میان زندگی شخصی خودش را فراموش کرده است. اما او در گذشته با فردی به نام سهیل آشنا می شود که پس از چندین سال، نشانی نیلوفر را پیدا کرده و به سراغش آمده است. رابطه آنها که در گذشته ناکام مانده، حالا در آستانه شکل گیری دوباره

عاقل ترین مردم

آیت الله مجتبی تهرانی

روی عن رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم قال: الْأَوْفَلُّ أَعْقَلُ النَّاسِ عَبْدٌ عَزَفَ رُبَّهُ فَأَطَاعَهُ وَعَزَفَ عَبْدُوهُ فَعَصَاهُ وَعَزَفَ دَارُ إِقَامَتِهِ فَاصْلَحَهَا وَعَزَفَ سُرْعَتُ رَحِيلِهِ فَتَزَوَّدَهَا.

از پیامبر اکرم «ص» روایت است که حضرت فرمودند: عاقل ترین مردم کسی است که در او چهار خصوصیت باشد:

اول: پروردگارش را بشناسد و از او اطاعت کند، «عَزَفَ رَبُّهُ فَأَطَاعَهُ»، تعبیر به «عَزَفَ» غیر از «عَلِمَ» است. عَلِمَ یعنی «بداند»، عَزَفَ یعنی «بشناسد». این ها با هم فرق می کنند. موضوع در «عَلِمَ» جنبه مفهومی دارد، اما در «عَزَفَ» جنبه مصداقی پیدا می کند. «عَزَفَ» یعنی اینکه شخص، خدا و پروردگارش را احساس کرده باشد، نه اینکه خدا از نظر مفهومی در ذهن باشد. انسان گاهی در زندگی وقتی با یک سری از مسائل برخورد می کند، می گوید: تازه خدا را شناختم! خود ما هم این طور هستیم، مثلا وقتی می بینیم گره خیلی کوری که باور نمی کردیم به طرز عجیب و غریبی باز می شود، می گوییم: واقعا عجیب است، ما خدا را نمی شناختیم! می گوییم: نمی شناختم «عَزَفَ»، نمی گوییم: نمی دانستم. «عَلِمَ». حضرت می فرمایند: «عَزَفَ عَزَفَ رَبُّهُ»، بنده ای که پروردگارش را بشناسد؛ یعنی یک مقدار در زندگی هنگام برخورد با برخی از امور، خدا را شناخته باشد که خدایی وجود دارد، یک موجود برتری هست، کارها به دست او است و او است که زندگی مرا می چرخاند. حضرت می فرمایند: «رَبُّهُ»، پروردگارش را؛ یعنی کسی که او را پرورش می دهد بشناسد. «عَزَفَ رَبُّهُ فَأَطَاعَهُ»، وقتی پروردگارش را شناخت، پس اطاعتش می کند.

دوم: «وَعَزَفَ عَبْدُوهُ فَعَصَاهُ»، هم دوست و هم دشمنش را بشناسد. بداند چه موجودی دشمن او است؛ بعد هم از فرمان های او سرپیچی کند، «فَعَصَاهُ». در اینجا «عَبْدُوهُ» اشاره به شیطان است. هوای نفس افسار گسیخته است. حضرت می فرمایند: این را هم بفهمد که چقدر از اموراتی که موافق هوای نفس بوده، انجام داده و بعد هم پس گردنی اش را خورده است. «وَعَزَفَ عَبْدُوهُ فَعَصَاهُ»، دشمنش را بشناسد، بعد نسبت به او عصیان کننده اطاعت. سوم: «وَعَزَفَ دَارُ إِقَامَتِهِ فَاصْلَحَهَا». اقامت یعنی جایی که انسان در آن می ماند. «اقامت» در مقابل «سفر» است. بفهمد جایگاه همیشگی اش کجاست و آن را آباد کند، «فَاصْلَحَهَا». آباد کردن جایی که همیشگی نیست و گذرگاه محسوب می شود، نشان از بی عقلی است؛ چون اینجا بحث «أَعْقَلُ النَّاسِ» است. انسان عاقل، گذرگاه را آباد نمی کند. این را می گذارد و می رود.

چهارم: «وَعَزَفَ سُرْعَتُ رَحِيلِهِ فَتَزَوَّدَهَا»، و بفهمد که به سرعت دارد کوچ می کنی در حال رفتن است. ما آن به آن داریم به مرگ نزدیکتر می شویم! داریم از این دنیا کوچ می کنیم! هر لحظه ای که از مامی گذرد گامی است به سوی کوچ از دنیا. حضرت نمی فرمایند: بفهمد که از دنیا می رود، بلکه می فرمایند: بفهمد که دارد سریع می رود. اگر این را بفهمد و به آن برسد، آن وقت چه می شود؟ «فَتَزَوَّدَهَا»، می گوید: من که دارم می روم پس از اینجا برای خودم توشه بردارم و همراه ببرم، چون بازگشتی وجود ندارد.

بحار الانوار - ج ۷۴ - ص ۱۸۱



نگاه نقادانه

مسعود فراستی با فرم و نقد آمد

فصلنامه تخصصی فرم و نقد به سردبیری مسعود فراستی، منتقد خبرساز سینما و کارشناس برنامه تلویزیونی هفت منتشر شد. این فصلنامه قصد دارد به نقد سینما، تئاتر، ادبیات و هنرهای تجسمی بپردازد. سایت اصولگرای مشرق درباره انتشار این فصلنامه تخصصی نوشته است: «این منتقد قدیمی سینما که طبق اعلام منابع غیررسمی و طبق شنیده ها برای مدتی نامعلوم ممنوع تصویر است و نمی تواند در هیچ برنامه تلویزیونی حضور داشته باشد و برای استمرار حیات نقد مستقل غیر وابسته (دولتی و سفارتی) مجله فرم و نقد را منتشر کرد.» «فرم، نقد، فردیت» به قلم مسعود فراستی، «دوربین قلم» از الکساندر استروک، «لکه های خورشیدی» اثر فریدون هویدا، «کدام ماجرا، کدام نیمروز (ماجرای نیمروز)» به قلم الکساندر اوانسیان، «مروری بر آثار کریستوفر نولان» نوشته کامیار محسنین، «مرگ

و درد وجودشناسانه (ارتش سایه ها، ژان پیتز ملویل)» اثر مسعود فراستی، «چرا ادبیات، چرا داستان، چرا نقد» به قلم شکبیا سام، «چگونه باید ادبیات خواند» اثر ویرجینیا وولف، «جبر یا اختیار (خویشاوندی های اختیاری)» نوشته شروین طاهری، «رامبراند و وضعیت بشر» به قلم هاوارد بی وایت و «پرونده میخائیل بولگاکف (مرشد و مارگاریتا و...)» از جمله مطالب منتشر شده در نخستین شماره فصلنامه فرم و نقد است. آیین رونمایی از نخستین شماره فصلنامه فرم و نقد چهارشنبه گذشته با سخنرانی مسعود فراستی، حمید ایک، آیین فروتن، جواد حسن جانی، شروین طاهری و بابک قهرمانی در فروشگاه کتاب بزرگسال باغ کتاب برگزار شد. جواد طباطبایی، بهروز افخمی، مسعود فروتن، فریدون جیرانی، جواد طوسی، رسول صدراعظمی، حسین انتظامی و علی گلستانه از میهمانان شناخته شده این مراسم بودند.



هزار پیشه

روایت بوکوفسکی از مشاغل کسالت آور

«هزار پیشه» رمانی است از چارلز بوکوفسکی که با ترجمه علی امیریای در نشر نگاه منتشر شده است. راوی و شخصیت اصلی این رمان نیز، مثل بیشتر آثار بوکوفسکی، مردی به نام چپناسکی است؛ آدمی آس و پیاس و آسمان جل که در آغاز رمان او را می بینیم که تازه وارد نیواورلئان شده و بیکار است و در جست و جوی کار. او اما آدمی نیست که بتواند برای مدتی طولانی سر یک کار بماند. او اصولا یکجانشین نیست، بلکه آدمی است که پرسه می زند و مدام از جایی به جای دیگر می رود و نمی تواند یک جا بند شود. «هزار پیشه» مانند تمام رمان های بوکوفسکی زبانی صریح و طنز آلود دارد. بوکوفسکی نویسنده ای است که در آثارش چندان به ششو و زوائد نمی پردازد و داستان هایش ریتمی پرشتاب دارند. او در «هزار پیشه» همچون دیگر آثارش از خلال داستانی که روایت می کند تصویری انتقادی و هجومیز از جامعه آمریکا ارائه می دهد. در بخشی از پیشگفتاری که مترجم بر ترجمه فارسی «هزار پیشه» نوشته بر این موضوع تاکید شده که بوکوفسکی را صرفا نمی توان به ویژگی هایی تقلیل داد که بیشتر به آنها معروف شده است. بوکوفسکی مقدمه آمده است: «قطعا یکی از ویژگی های بوکوفسکی وحشی و غریبان نوشتن و توصیف لحظه های گاه حساسیت برانگیز است (دست کم چیزی که در ایران به آن شهره شده)، اما اینکه او را تنها به همین ویژگی

بشناسیم و از امکاناتی که می خواهد با نگاه متفاوت و شیوه مواجهه اش با مسائل ارائه کند چشم پپوشیم، ما را به خوانندگان تک بعدی بدل می کند که دانشی کنکوری داریم. دانشی که برای هر سوال تنها یک گزینه حاضر و آماده سراغ دارد.» از بوکوفسکی پیش از این آثار زیادی توسط مترجمان مختلف به فارسی ترجمه شده و خواننده فارسی زبان به خوبی با این نویسنده و آثارش آشناست. در بخشی از رمان هزار پیشه چنین می خوانیم: «ساعت کاری کارخانه بیسکویت سگ از ۴:۳۰ بعد از ظهر تا یک صبح بود. به من پیش بند سفید کثیفی داده بودند با دستکش های سنگین برزنتی. دستکش ها سوخته و رویش سوراخ سوراخ بود. از آن لا انگشت هام را می دیدم. آموزش های مقدماتی را کسی که شبیه جن بی دندان بود به من داد که روی چشم چپش لایه ای بود سفید و سبز با تارهای آبی. او ۱۹ سال سر این کار بود. من در پستم پیشرفت کردم. سوت می زدم و ماشین آلات به کار می افتادند. بیسکویت های سگ به حرکت درمی آمدند. خمیر قالب گرفته می شد و بعد روی صفحه های فلزی سنگینی با لبه های آهنی قرار می گرفت. یکی از صفحه ها را برمی داشتیم و می گذاشتیم توی کوره ای که پشت سرم بود. برمی گشتم، صفحه دیگری آنجا بود. هیچ جوری نمی شد سرعشان را کم کرد. فقط وقتی متوقف می شد که چیزی لای دستگاه گیر کند...»



گزینه نهایی

رفت و آمدهای انجام شده در فاصله چهار سال موجب شد که حسن روحانی، رئیس جمهور با وسواس بیشتری گزینه مورد نظر خود برای وزارت علوم را معرفی کند. بررسی فهرست حدوداً ۲۰ نفره از اساتید دانشگاه ها و وزرای سابق نهایتاً به اینجا رسید که منصور غلامی، رئیس دانشگاه بوعلی همدان به عنوان گزینه پیشنهادی دولت به مجلس شورای اسلامی معرفی شود.



اصلاح طلب معتدل

گفت و گو با منصور غلامی
گزینه پیشنهادی وزارت علوم

در گفت و گویی گفته‌اید که راه فرجی دانرا خواهد رفت.

▲ بله، قطعاً. البته به این نکته نیز توجه داشته باشید که یک سری محدودیت‌های قانونی داریم و باید در چارچوب فضاهای موجود انتظار داشته باشیم. قطعاً فضاهای موجود در جامعه، سازمان‌ها و نهادهای مختلف فضای سال‌ها ۷۶ و ۸۰ و ۸۳ نیست. دانشجویان جوان خاطرات آن دوره را می‌خوانند و انتظار تکرار همان فضاهارا دارند. آن فضا را به‌طور کامل تایید نمی‌کنم اما شادابی و شسوری حاکم بود که انتظار می‌رود به دانشگاه بازگردد. دوستان جوان انتظار دارند که مجموعه جدیدی که با عنوان اصلاح طلبی می‌آید، این فضا را تکرار کند. این درحالی است که ضرورت‌ها، نیازها، برنامه‌ها و فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی ما باید منطبق با شرایط روز و نگاه روبه آینده باشد. نباید به گذشته برگردیم و باید فکر کنیم که فعالیت‌های دانشجویی در آینده چه کمکی خواهد کرد. باید به این توجه داشته باشیم که دانشجویان امروز چگونه به مدیران آینده تبدیل می‌شوند.

اگر بحث‌های قانونی و اختیارات مجموعه وزارت علوم ایجاب کند تا حد نهایت برای دانشجویانی که فعالیت‌های صحیح، منطقی و در راستای مصالح کشور و نظام انجام می‌دهند، فضای فعالیت امن را فراهم خواهیم کرد.

در دوران مدیریت شما ماجراهایی مثل سخنرانی آقای آقاجری اتفاق افتاد، در آن قضیه چقدر پیگیری کردید؟

▲ ماجرای سخنرانی آقای دکتر آقاجری در همدان بود ولی در دانشگاه نبود. ایشان به دعوت احتمالا انجمن اسلامی معلمان آمده و در سالن باشگاه معلمان همدان و با حضور اقشار مختلف صحبت کرده بودند. در سر نیز به خاطر حضور همین افراد غیردانشگاهی ایجاد شد. من در آن دوره و قبل از آن رئیس دانشگاه بودم اما موضوع خارج از دانشگاه اتفاق افتاده بود. مساله به دانشگاه مربوط نبود و به من نیز اعتراضی نشد.

برای ارتقای فضا و فعالیت‌های غیر علمی در دانشگاه چه برنامه‌هایی دارید؟

▲ تلاش می‌کنم یک فضای امن، بانشاط و پویا برای فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی و سیاسی دانشجویان در چارچوب قوانین و مقررات حاکم بر فضای دانشگاهی فراهم کنیم. همچنین به نگاه جامع و والایی که مقام رهبری در مورد گفتمان و آزاداندیشی دارند، توجه کرده و تلاش می‌کنیم که آن را تأمین کنیم.

نظر شما درباره مهاجرت دانشجویان و نخبگان چیست؟ فکر می‌کنید باید یا این پدیده مقابله کرد یا می‌توان از طرق مدیریتی برای بازگرداندن نیروی متخصص به کشور، برنامه‌ریزی کرد؟

▲ نگرانی در حوزه مهاجرت از این بابت است که ما نتوانیم از این متخصصان و فارغ التحصیلان دانشگاهی بهره‌گیریم. در صورتی که اگر موفق شویم این دانشجویان مهاجرت کرده را بعد از اتمام تحصیل به کشور بازگردانیم، نه تنها اشکالی ندارد بلکه مفید هم هست بنابراین من معتقدم که باید برای جذب دوباره آنها برنامه‌ریزی کرد. اگر این روبه را در پیش نگیریم وضعیت علم و دانش در کشور در یک دایره بسته قرار خواهد گرفت و هیچ گاه پیشرفتی در جهت علمی برای ما حاصل نخواهد شد.

برای ترغیب دانشجویان مهاجر به بازگشت به کشور چه فکری دارید؟

▲ فرزندان ما برای بازگشت به کشور خواسته زیادی ندارند. آنها برای بازگشت به کشور شغل، درآمد متناسب با شرایط کاری و آسایش فکری می‌خواهند و اگر این موارد فراهم شود، اغلب آنها باز خواهند گشت. ▶

وزارت علوم که در دولت یازدهم تصدی چند وزیر و سرپرست را تجربه کرد، در دولت دوازدهم نیز دیرتر از دیگر وزارتخانه‌ها وزیر دار می‌شود. علتش سخت‌گیری نمایندگان مجلس است، و سواس رئیس‌جمهور یا فضای دانشگاه که هنوز هم تحت تأثیر دولت نهم و دهم است؛ چندان فرقی ندارد زیرا نتیجه آن بالا تکلیف ماندن یکی از مهم‌ترین وزارتخانه‌ها بوده است. به هر حال اکنون حسن روحانی بعد از بررسی یک فهرست بلندبالا به منصور غلامی رسیده است؛ فردی که در دوران اصلاحات رئیس دانشگاه بوعلی همدان بوده است و در دولت یازدهم نیز با پیشنهاد فرجی دانا به همین سمت بازگشت. او این هفته به مجلس می‌رود تا از وکلای ملت رای اعتماد بگیرد. جلسات مختلفی با نمایندگان فراکسیون‌ها داشته و به مثبت بودن نظر نمایندگان امیدوار است. معاون پارلمانی دولت نیز همین نظر را دارد بنابراین انتظار می‌رود که غلامی وزیر علوم دولت دوازدهم باشد. از همین رو در گفت و گویی با او از برنامه‌هایش و چالش‌های پیش روی وزارت علوم پرسیده‌ایم.

کرسی آزاداندیشی را نسبت به دانشگاه‌های دیگر داشته است. فعالیت‌هایی از این قبیل معمولاً در حوزه معاونت اجتماعی است و انجام می‌شود.

از دیدارهایی که با آقای روحانی داشته‌اید و آنچه رئیس‌جمهور از وزیر علوم انتظار دارد، بگویید.

▲ در این نشست‌ها اغلب به مباحث کلی پرداخته می‌شود. آقای روحانی تأکیدی در مورد تلاش برای کم کردن اتکای دانشگاه‌ها به بودجه‌های دولتی دارند. احترام به حقوق شهروندی مجموعه اساتید، دانشجویان، کارکنان به خصوص احترام به همه اقشار از لحاظ تفکرات و اعتقادات نیز برایشان خیلی مهم است. آقای رئیس‌جمهور همچنین بر ایجاد نگاه علمی، اجتماعی و ایجاد فضای امن برای همه مجموعه‌های تفکرات درون نظام ذیل سایه اعتقادات و اخلاق اسلامی تأکید کردند.

به نظر شما مهم‌ترین چالش‌های وزارت علوم در دولت آقای روحانی چیست؟

▲ وزارت علوم برای انجام وظایف ذاتی خود و توسعه علم و فناوری راه سختی در پیش رو دارد، که باید رفت. به سامان‌رساندن سامان‌دهی آموزش عالی مهم‌ترین چالش است و برای ارتقای علمی دانشگاه‌ها و کل کشور بسیار ضروری است. فراهم کردن شرایط لازم برای گسترش تعاملات علمی بین المللی و نهایتاً دیپلماسی علمی نیز از جمله اهداف مهم ما خواهد بود.

شما خودتان را اصلاح طلب معرفی کرده‌اید. فکر می‌کنید فضای دانشگاه می‌تواند به دوران اصلاحات برگردد؟

▲ ما در فضای اعتدال هستیم و حتماً فضای شادابی را در محیط‌های دانشگاهی بر مبنای اعتدال و در بستر حقوق شهروندی لازم داریم. بنده نیز خود را اصلاح طلب معتدل می‌دانم و این را گفته‌ام. من از بنیانگذاران انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها در سال ۶۶ هستم و بیش از ۱۶ سال مسئول انجمن اسلامی مدرسین در حوزه همدان بودم. در دولت اصلاحات رئیس دانشگاه بودم و عملکردم مشخص است. در دولت نهم و دهم مسئولیتی نداشتم و در دولت یازدهم با اصرار آقای دکتر فرجی دانا ریاست دانشگاه را پذیرفتم و در حال حاضر نیز که بحث وزارت من مطرح است و ان شاء الله نتیجه آن تا چند روز آینده مشخص تر می‌شود.

گفته می‌شود شما بیستمین گزینه آقای روحانی بودید، درست است؟ چرا معرفی وزیر علوم این قدر سخت شده است؟

▲ همان‌طور که اطلاع دارید به دلیل انصراف وزیر پیشنهادی وزارت علوم در مرحله اول معرفی کابینه موضوع معرفی وزیر علوم به تأخیر افتاد. تا اینکه آقای رئیس‌جمهور بنده را برای معرفی انتخاب کردند. از فرآیند و چندوچون آن اطلاع ندارم.

بعد از جلساتی که با نمایندگان مجلس داشتید، فضا را چطور ارزیابی می‌کنید؟

▲ بعد از معرفی اینجانب به مجلس محترم شورای اسلامی، جلسات گفت و گوی خوبی با نمایندگان محترم داشته و در مورد برنامه‌های پیشنهادی صحبت کرده‌ام. خوشبختانه تفاهم زیادی در مورد برنامه‌ها داشته‌ایم. نظرات کارشناسی خوبی نیز از نمایندگان محترم شنیده‌ام. فضای مجلس شورای اسلامی را در رابطه با برنامه‌های خود بسیار خوب ارزیابی می‌کنم.

موجی که از سوی فعالان دانشجویی علیه شما راه افتاده، به چه دلیل است؟ به نظر شما هدفمند و از سوی رقباست؟

▲ موج اعتراضات ایجاد شده به نظرم به خاطر عدم شناخت اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان عزیز از من بوده و البته دریافت اطلاعات غیر واقع‌هم بی تأثیر نبوده است. نقدهای مورد اشاره با نگاه‌های خاصی است و اغلب از همدان شروع شده است. ما شواهد را به دوستان نشان دادیم متوجه شدند که در آنچه گفته می‌شود با آنچه در واقعیت اتفاق افتاده، تفاوت بسیاری است.

ما در فضای اعتدال هستیم و حتماً فضای شادابی را در محیط‌های دانشگاهی بر مبنای اعتدال و در بستر حقوق شهروندی لازم داریم. بنده نیز خود را اصلاح طلب معتدل می‌دانم و این را گفته‌ام

در پاسخ به انتقاداتی همچون استفاده از نیروهای اصولگرا در دانشگاه همدان یا امنیتی بودن فضای دانشگاه، چه پاسخی می‌دهید؟

▲ در دولت اعتدال و تدبیر و امید باید اعتدال را رعایت کرد. ضمن احترام زیاد به عزیزان اصولگرا، همه مدیران ارشد من در دانشگاه همدان اعتدالی و البته متدین هستند. اشتباه برداشت در مورد نگاه سیاسی آنها وجود داشته است. فضای دانشگاه نیز مثل همه دانشگاه‌ها و شاید باز تر بوده و البته مقرراتی نیز برای حفظ نظم و حق و حقوق همه دانشجویان حاکم است.

یکی دیگر از انتقادات جامعه دانشجویی به عدم صدور مجوز برای تشکل‌های دانشجویی مربوط می‌شود، در این خصوص چه پاسخی دارید؟

▲ مدیریت ما در سه سال گذشته توانست به دو تشکل سیاسی، فرهنگی دانشجویی با تفکر اعتدال و اصلاحات مجوز فعالیت دهد تا در کنار تشکل‌های عمده اصولگرایی باقی مانده از سال‌های اخیر، فعالیت کنند. البته دومین تشکل همین روزهای اخیر موافقت اصولی را گرفته است و ان شاء الله بعد از گذشت این یک هفته، ۱۰ روز نامه فعالیت قطعی خود را می‌گیرد. علاوه بر این تعداد قابل توجهی از کانون‌های علمی فرهنگی فضای بانشاطی را برای فعالیت‌های دانشجویی در این دانشگاه فراهم کرده است. دانشگاه بوعلی طی دو سال گذشته بیشترین



روحانی جدید

چرا حسن روحانی یک چهره ناشناخته را برای وزارت علوم پیشنهاد کرد؟

رفت و آمدهای انجام شده در فاصله چهار سال موجب شد که حسن روحانی، رئیس جمهور با وسواس بیشتری گزینه مورد نظر خود برای وزارت علوم را معرفی کند. بعد از معرفی جعفر میلی منفرد (گزینه‌ای که رای اعتماد نگرفت)، رضا فرجی دانا (وزیری که استیضاح شد)، محمود نیلی و فخرالدین احمدی دانش آشتیانی (گزینه‌هایی که باز هم رای اعتماد نگرفتند) و محمد فرهادی نمی شد هر فردی را به مجلس معرفی کرد و آن داستان رای اعتماد نگرفتن را تکرار کرد. از همین رو روحانی زمان بیشتری را صرف کرد و نهایتاً به منصور غلامی رسید. پیش از او اسامی دیگری شنیده می‌شد. از فرجی دانا و نیلی احمدآبادی گرفته تا جواد اطاعت و علی خاکی صدیق. تاخیر در معرفی وزیر علوم امیدواری به معرفی یک وزیر زن و فرستادن الهام امین زاده به این وزارتخانه را بیشتر کرده بود اما این طور نشد. بررسی فهرست حدوداً ۲۰ نفره از اساتید دانشگاه‌ها و وزرای سابق نهایتاً به اینجاست رسید که منصور غلامی، رئیس دانشگاه بوعلی همدان به عنوان گزینه پیشنهادی دولت به مجلس شورای اسلامی معرفی شود.

منصور غلامی کیست؟

منصور غلامی ۶۴ ساله رئیس و استاد تمام دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان است. وی همچنین رئیس دانشگاه بوعلی سینا در دولت اصلاحات بود. او دارای مدرک دکترای علوم باغبانی از دانشگاه آدلاید استرالیا است. غلامی مدرک کارشناسی خود را در سال ۱۳۵۵ در رشته ترویج و آموزش کشاورزی از مدرسه عالی کشاورزی همدان گرفت و از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰ عضو جهاد سازندگی همدان و مسئول اردوگاه روستایی بود.

غلامی مخالف هستند؟ شانس کسب رای اعتمادش چقدر است؟

«محمد قمی»، نماینده کنونی تهران در مجلس شورای اسلامی، در خصوص گزینه پیشنهادی حسن روحانی برای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌گوید: «آقای روحانی نه اصلاح طلب است و نه اصولگرا و طبق شعاری که دارد، اعتدال گراست. بنابر این سعی می‌کند افرادی را انتخاب کند که دارای مشی اعتدالی باشند. به نظر می‌آید اصلاح طلبان دنبال معرفی آقای فرجی دانا یا آقای توفیقی به عنوان وزیر پیشنهادی علوم بودند که در نهایت رئیس جمهور، دکتر غلامی را معرفی کردند.» ایشان سوابق علمی خوبی دارند اما نگرانی اصلاح طلبان از این بابت است که او کمی گرایش اصولگرایی دارد و زمانی که رئیس دانشگاه همدان بوده، با دانشجویان برخورد خوبی نداشته و در رابطه با [جلوگیری از] فعالیت‌های سیاسی دانشجویان، اقداماتی را انجام داده است؛ البته اینها شنیده‌های بنده است و آشنایی چندانی با ایشان ندارم و قضاوت چندانی هم نمی‌توانم انجام دهم. ایراد اصلاح طلبان به سوابق مدیریتی است تا به مشی سیاسی؛ چرا که معتقدند در زمان ریاست بر دانشگاه همدان، نسبت به دانشجویان سخت‌گیری‌هایی داشته است.

این عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، در خصوص احتمال کسب رای اعتماد وزیر پیشنهادی علوم، گفت: «من تصورم بر این است که ایشان رای می‌آورند، ولی رای بالایی نخواهد بود. با توجه به اینکه از عمر مجلس دو سالی بیشتر باقی نمانده و هم اینکه مدت زیادی را وزارت علوم، با سرپرست اداره شده است، مجلس زیاد متنه به خشخاش نخواهد گذاشت.»

اصلاح طلبان در خصوص وزارت علوم تمامیت خواه هستند

«جبار کوچکی نژاد»، عضو فراکسیون ولایی با بیان اینکه ما اصولگرایان با وزیر پیشنهادی جلسه‌ای داشتیم

وی همچنین از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ سرپرست دانشکده کشاورزی شهرکرد وابسته به دانشگاه اصفهان و عضو جهاد دانشگاهی اصفهان بود. منصور غلامی در سال ۱۳۶۴ مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم باغبانی از دانشگاه تربیت مدرس اخذ کرد و در همان سال تا سال ۱۳۶۷ ریاست دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا را عهده‌دار بود. وی پس از آن به مدت دو سال معاونت اداری و مالی دانشگاه بوعلی سینا را بر عهده داشت و بعد از آن مجدداً به مدت یک سال رئیس دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا شد. او در سال ۱۳۷۰ برای تحصیل در مقطع دکترا به دانشگاه آدلاید استرالیا رفت و در سال ۱۳۷۴ در مقطع دکترای رشته علوم باغبانی از این دانشگاه فارغ التحصیل شد و به ایران بازگشت. غلامی پس از بازگشت به ایران مجدداً به مدت یک سال معاون اداری و مالی دانشگاه بوعلی سینا شد و پس از آن در دولت اصلاحات ریاست دانشگاه بوعلی سینا را عهده‌دار بود. او هم اکنون نیز رئیس دانشگاه بوعلی سینا است.

مخالفت عجیب اصلاح طلبان

طرح شدن اسم غلامی به عنوان گزینه وزارت، با واکنش انتقادی اصلاح طلبان همراه شد. آنان، غلامی را همسو با مشی اطلاع طلبی نمی‌دانند و معتقدند در زمان ریاستش بر دانشگاه همدان، ممانعت‌ها و سخت‌گیری‌هایی را نسبت به دانشجویان علی‌الخصوص آنان که اصلاح طلب بوده‌اند، انجام داده است. اصلاح طلبان مجلس هم با روی باز به استقبال او نرفته‌اند و منتظرند ببینند وزیر پیشنهادی با کدام برنامه توان اقناع کردن آنها را دارد. چرا نمایندگان اصلاح طلب با

با اشاره به اینکه وزیر پیشنهادی باید توجه دولت را به دانشگاه مطلوب کند، می‌گوید: «وضعیت دانشگاه‌ها به لحاظ بودجه اصلاً خوب نیست و نخستین کار وزیر علوم باید این باشد که درباره شرایط ناخوش احوال دانشگاه با دولت صحبت کند. ما خواهان بازگشت اقتدار به دانشگاه هستیم و امیدوارم دکتر غلامی بتواند به این وضعیت سامانی دهد.»

«منصور غلامی» برنامه خاصی برای وزارت علوم ندارد

یکی از اعضای کمیسیون آموزش می‌گوید: «وزیر پیشنهادی علوم برنامه ششم توسعه را کپی و به عنوان برنامه خود به مجلس ارائه کرده است.» سیدمحمدجواد ابطی، عضو کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان، با اشاره به معرفی غلامی به عنوان وزیر پیشنهادی علوم گفت: «وی مشی اصلاحاتی داشته و از حامیان معین در گذشته بوده است.» وی ادامه داد: «غلامی در چهار سال اخیر همان طور که حجت الاسلام روحانی می‌خواهد، مشی اعتدالی پیدا کرده است.»

ابطی افزود: «مشی اعتدال و میانه‌روی در اقتصاد امکانپذیر است اما در سیاست حق و باطل حد وسط نداشته و نمی‌توان بندبازی کرد.» نماینده مردم خمینی شهر با اشاره به برنامه‌های کاری غلامی اظهار کرد: «وزیر پیشنهادی علوم و تحقیقات تنها برنامه ششم توسعه را در حیطه وظایف وزارت علوم کپی و به عنوان برنامه خود به مجلس ارائه کرده است.» عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس تاکید کرد: «بحث تکمیل ظرفیت دانشگاه‌ها در برنامه ششم توسعه ذکر شده اما آقای غلامی هیچ گونه برنامه‌ای برای اجرای آن اعلام نکرده است، با این برنامه‌ها بنده هم می‌توانم وزیر علوم بشوم.»

ابطی بیان داشت: «مشی بنده برای بررسی وزرای پیشنهادی دولت، بررسی برنامه‌های آنهاست و روی سوابق خانوادگی و سیاسی افراد تکیه نمی‌کنم.» وی همچنین با اشاره به مخالفت اصلاح طلبان با وزیر پیشنهادی علوم نیز اذعان کرد: «غلامی از سیاست‌های گذشته خود عدول کرده و این امر دلیل مخالفت اصلاح طلبان با وی است.» نماینده مردم خمینی شهر خاطرنشان کرد: «بعید نیست که غلامی روز یکشنبه رای اعتماد لازم را کسب نکند، زیرا اکنون چالش آن که بار دیگر وزارت علوم تا سه ماه دیگر با سرپرست اداره شود، وجود دارد.»

حمایت حدادعادل

در میان واکنش‌ها به معرفی منصور غلامی، غلامعلی حدادعادل به حمایت از او پرداخت. حدادعادل گفته است: «باتوجه به طولانی شدن دوران سرپرستی وزارت علوم و بی‌وزیر بودن این وزارتخانه، به نظر می‌رسد نمایندگان مجلس با رعایت مصلحت کلی به وزیر پیشنهادی علوم، تحقیقات و فناوری رای دهند و وزارت علوم هفته آینده صاحب وزیر خواهد شد. غلامعلی حدادعادل اظهار کرد: «وزیر پیشنهادی علوم، تحقیقات و فناوری دارای تجربه ریاست بر دانشگاه است، آنطور که شنیده‌ام در چهار سال اخیر در اداره دانشگاه بوعلی همدان موفق بوده است.»

وی افزود: «تاکنون خبر ناراحت کننده‌ای از این دانشگاه نشنیده‌ام، هرچند جریان‌ات سیاسی، هر یک بر اساس مصالح و منافع خود ممکن است نظری در این باره داشته باشند و طی چند روز گذشته شاهد برخی از آنها در فضای مجازی بوده‌ایم.»

رئیس بنیاد سعدی اضافه کرد: «تحقیق از افراد آگاه به امور دانشگاه بوعلی نشان از عملکرد خوب و مثبت آقای غلامی دارد.»

نشستی را با حضور آقای اردکانیان داشتند که سوالات و نقطه نظرات خود را از ایشان مطرح کردند آقای اردکانیان هم دیدگاه‌های خود را برای نمایندگان تشریح کرد. «نماینده اصلاح طلب مردم شیراز در مجلس همچنین درباره وزیر پیشنهادی نیرو خاطرنشان کرد: «به نظر می‌رسد آقای اردکانیان، توانمندی، علم و تجربه کافی برای اداره وزارت نیرو را دارد و سوابق کاری‌اش نیز نشان می‌دهد که می‌تواند در موقعیت فعلی که کشور به لحاظ بحران آب با مشکل مواجه است، گره گشا باشد.» سخنگوی فراکسیون مجمع عمومی فراکسیون امید همچنین از برگزاری جلسه مجمع عمومی این فراکسیون در روز سه شنبه خبر داد و گفت: «نشست مجمع عمومی فراکسیون از ساعت ۱۶ تا ۱۸ روز سه شنبه و با حضور وزرای پیشنهادی علوم و نیرو برگزار خواهد شد.»

وزیر علوم اختیارات دانشگاه را افزایش دهد

با این حال برخی از روسای دانشگاه‌ها اعلام کردند از گزینه پیشنهادی رئیس جمهوری برای وزارت علوم استقبال می‌کنند. آنها اعلام کردند که وزیر علوم باید سریع تر رای اعتماد را از مجلس بگیرد تا هر چه سریعتر بتواند با اختیارات قانونی در جهت توسعه علمی کشور اقدام و اهداف برنامه ششم توسعه را اجرایی کند. موضوعی که محمد برخورداری رئیس دانشگاه علم و صنعت می‌گوید: «از وزیر پیشنهادی می‌خواهیم تا سروسامانی به وضعیت رشته‌های دانشگاهی و بازار کار بدهد. کیفیت آموزش عالی یکی از معضلات اصلی دانشگاه است. ما در دولت‌های نهم و دهم دانشجو بسیار گرفتیم و همین به کیفیت آموزش عالی لطمه زده است.» وی می‌گوید: «امیدوارم آقای غلامی بتواند چالش‌هایی را که هم اکنون در آموزش عالی حاکم است سروسامان دهد و البته این منوط به وزیر علوم نیست، باید بگوییم هم اکنون بسیاری از نهادها در کار دانشگاه دخالت می‌کنند که نخستین کار وزیر پیشنهادی باید رسیدگی به این موضوع باشد.»

محمود نیلی احمدآبادی، رئیس دانشگاه تهران با اشاره به معرفی منصور غلامی به عنوان وزیر پیشنهادی علوم، تحقیقات و فناوری در دولت دوازدهم به مجلس شورای اسلامی اظهار می‌کند: «غلامی فردی است که دو دوره رئیس دانشگاه بوعلی همدان بوده و تجربیات خوبی در آموزش عالی دارد. اقدامات بسیار مناسب و مطلوبی در دوره ریاست غلامی در دانشگاه بوعلی سینا روی داده و وی اطلاع کاملی از وضعیت آموزش عالی کشور دارد و امیدوارم در این سمت نیز موفق باشد.»

وی می‌افزاید: «تمامی افرادی که سابقه مدیریتی در دانشگاه‌های بزرگ کشور را دارند، می‌توانند در عرصه‌های کلان خدمتگزاری کنند و به سبب تجربه‌ای که وزیر پیشنهادی علوم، تحقیقات و فناوری در مدیریت کلان دانشگاه‌ها دارد، می‌تواند در آموزش عالی کشور مفید باشد. این یک فرصت بسیار مغتنم و ارزشمند برای وزیر پیشنهادی علوم، تحقیقات و فناوری در دولت دوازدهم است تا باتوجه به تجربیات گذشته خود، با مسائل کلان آموزش عالی نیز آشنایی بیشتری پیدا کند.»

نیلی احمدآبادی می‌گوید: «معتمد باید همه به وزیر پیشنهادی علوم، تحقیقات و فناوری در دولت دوازدهم کمک کنیم و بدنه کارشناسان آموزش عالی کشور در این راستا از هیچ باری و همفکری دریغ نکند.»

وی می‌افزاید: «امیدوارم با انتخاب منصور غلامی به عنوان وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در دولت دوازدهم، شاهد بازگرداندن اختیاراتی که از دانشگاه‌ها در گذشته سلب شده بود، باشیم و مراکز آموزش عالی کشور در سیاست‌گذاری‌های خود فعال تر شوند.»

فردین اخلاقیان، رئیس دانشگاه کردستان هم

و طبق بررسی‌هایی که انجام دادیم، رزومه چندان موفق ندارد، گفت: «آقای غلامی نهایتاً برای آریاست دانشگاه یک استان خوب هستند. اصلاح طلبان در خصوص وزارت علوم، تمامیت خواه هستند و می‌گویند وزارت علوم مال ماست! به همین دلیل به حداقل ها قانع نمی‌شوند. در واقع اصلاح طلبان تلاش کرده‌اند در تمامی ادوار، وزارت علوم را برای خواسته‌های سیاسی و حزبی خودشان نگه دارند. قدرت اصلاح طلبان در حوزه وزارت علوم است و به همین دلیل به حداقل ها قانع نمی‌شوند. آقای غلامی که خودشان اصلاح طلب هستند، در همدان اعتدال را رعایت کرده‌اند. به این معنا که دانشگاه را برای جمهوری اسلامی حفظ کرده‌اند نه برای اهداف گروه‌ها و جریان‌های سیاسی. با همین بهانه‌ها، اصلاح طلبان به شدت به ایشان حمله می‌کنند. معتقد بر این هستم که ایشان در این بخش حتماً خوب عمل کرده‌اند، یعنی به خواسته‌های آنها توجه نکرده و بیشتر به دانشگاه توجه کرده‌اند که این چنین مورد حمله قرار گرفته‌اند.»

این اصولگرایی نزدیک به طیف پایداری معتقد است: «بحث بر سر رزومه کاری نیست، الان با ارسال پیامک‌هایی از جانب اصلاح طلبان، بیشتر تشکل‌های دانشجویی را برای مخالفت با آقای غلامی فعال کرده‌اند و همان کاری که در بسیاری از امور سیاسی انجام داده‌اند، دارند تکرار می‌کنند، یعنی تشکل‌های دانشجویی را فعال می‌کنند برای خواسته‌های سیاسی خودشان.»

این عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، درخصوص احتمال کسب رای اعتماد دکتر غلامی گفت: «ایشان در حال حاضر رای ضعیفی را در مجلس دارند. بایستی ببینیم چگونه از برنامه خودش دفاع می‌کند و جلسه‌ای که کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس با ایشان خواهد گذاشت، می‌تواند این رای را کم و زیاد کند. فعلاً اصولگرایان تصمیمی بر حمایت نگرفته‌اند؛ امروز صرفاً صحبت‌های ایشان را شنیدند. یکشنبه آینده، به جمع بندی درخصوص حمایت یا عدم حمایت می‌رسند.» رمضانعلی سبحانی فر، عضو دیگر فراکسیون امید معتقد است که «وزیر پیشنهادی علوم، گزینه خوبی است.» این عضو فراکسیون امید، با اشاره به معرفی منصور غلامی به عنوان وزیر پیشنهادی علوم گفت: «وزیر معرفی شده، خوب است و امیدواریم رای آورده تا وزارتخانه‌ها هر چه زوتر سروسامان یابند.» عضو فراکسیون امید مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه باتوجه به بازگشایی دانشگاه‌ها، باید هر چه زودتر وضعیت وزارت علوم سر و سامان یابد، توضیح داد: «دلایل مخالفت برخی دانشجویان با وزیر علوم باید متقن باشد و تنها در این صورت بر رای نمایندگان تاثیر خواهد گذاشت.»

جلال میرزایی، با اشاره به جلسه انتهای هفته اخیر چند نماینده اصلاح طلب مجلس با وزیر پیشنهادی علوم، تحقیقات و فناوری که در دفتر محمدرضا عارف برگزار شد، با تاکید بر اینکه منصور غلامی از مدیران دانشگاهی اصلاح طلب، با اخلاق و توانمند است، گفت: «نکته حائز اهمیت این است که به هر حال هیچ وزیری قرار نیست همه امور را به تنهایی پیش ببرد و باید ببینیم اولاً برای اداره وزارت علوم چه برنامه‌ای دارد و در ثانی ببینیم چه رویکردی در انتصابات خود خواهد داشت.»

اما هنوز نظر فراکسیون امید به صورت رسمی و کلی در رابطه با هیچ کدام از وزرای پیشنهادی اعلام نشده و قرار است که اردکانیان و غلامی میهمان فراکسیون امید باشند.

در همین رابطه بهرام پارسی، با اشاره به برنامه‌های فراکسیون امید در مسیر بررسی کارنامه و سوابق وزرای پیشنهادی علوم و نیرو اعلام کرد: «اعضای کمیته ارزیابی صلاحیت وزرای پیشنهادی علوم و نیرو در فراکسیون امید

مجلس به غلامی رای اعتماد می دهد

گفت و گوی مثلث با محمد قمی



محمد قمی، عضو فراکسیون امید مجلس با قطعیت می گوید که وزیر پیشنهادی علوم از نمایندگان ملت رای اعتماد می گیرد. این نماینده اصلاح طلب مجلس عدم شناخت کافی را علت اظهار مخالفت بعضی اعضای فراکسیون امید با غلامی می داند و تأکید می کند: «فضای مجلس نسبت به وزیر پیشنهادی علوم مثبت است.»

پیشنهادی علوم یکدست نیست. گروهی کارنامه آقای غلامی را قوی نمی دانند اما کسانی همچون شما سوابق کاری او را برای تصدی عنوان وزارت کافی ارزیابی می کنید، این دوگانگی نظرها در فراکسیون امید برآمده از چیست؟

▲ ناشی از عدم شناخت است، در واقع همه نمایندگان شناخت کافی از آقای غلامی ندارند.

یعنی فکر می کنید آقای غلامی بتواند تا جلسه رای اعتماد شناخت لازم را از خودش به نمایندگان منتقل کند؟

▲ رایزنی های زیادی برای شناختن آقای غلامی انجام شد و او جلسات زیادی با فراکسیون های مختلف داشت. البته جلسات و نشست های وزیر پیشنهادی علوم همچنان ادامه دارد و در نهایت می تواند نظر موافق نمایندگان را جلب کند.

چرا آقای روحانی سراغ معرفی یک چهره مشهور به عنوان وزیر پیشنهادی علوم نرفت؟

▲ چهره های مشهور مورد قبول نبودند مثلاً ما آقای فرجی دانا یا آقای توفیقی را پیشنهاد دادیم اما آقای فرجی دانا و توفیقی را قبول نکردند چون آقای روحانی اصلاح طلب یا اصولگرا نیست، بلکه مشی اعتدالی دارد، بنابراین گزینه ای را انتخاب کرد که با مشی خودش منطبق باشد.

معمولاً اصلاح طلبان همواره دنبال این بودند که وزیر علوم دولت آقای روحانی همسو با خط

شما عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس هستید، وزیر پیشنهادی علوم به مجلس معرفی شد، چه ارزیابی ای از انتخاب آقای رئیس جمهور برای وزارت علوم دارید؟

▲ وزیر پیشنهادی علوم نیز باید همان ابتدا همراه بقیه وزرای پیشنهادی به مجلس معرفی می شد اما این اتفاق نیفتاد و رئیس جمهور به تازگی آقای غلامی را به مجلس پیشنهاد داد تا تصدی امور وزارت علوم را عهده دار شود. معتقدم آقای غلامی با سیاست های اعتدالی آقای روحانی همسو است، او علاوه بر سوابق اجرایی خوب، نقاط ضعفی هم دارد که به اعتقاد من نقاط قوتش از نقاط ضعفش بیشتر است و به احتمال زیاد مجلس به او رای اعتماد می دهد.

شما از جمله کسانی بودید که می گفتید دولت در حوزه فرهنگی و آموزشی عملکرد ضعیفی داشت و وزرای خوبی را معرفی نکرد، چطور الان برخلاف منتقدان آقای غلامی، می گوید وزیر پیشنهادی علوم گزینه خوبی است؟ آیا به نظر شما آقای غلامی می تواند از پس مسئولیت سنگین وزارت علوم برآید؟

▲ من هر چه گفتم الان برعکس آن صحبت کردم، این دفعه موافق وزیر پیشنهادی هم صحبت می کنم ببینم چه کار خواهد کرد.

همواره از ابتدای دولت آقای روحانی فضای جلسه رای اعتماد برای وزیر پیشنهادی علوم چالشی و مباحث موافقان و مخالفان خیلی حول مباحث سیاسی بود، فکر می کنید این فضا در جلسه رای اعتماد به آقای غلامی نیز تکرار شود؟

▲ برای هر وزیر پیشنهادی موافق و مخالف صحبت می کند ولی در مجموع تصویری که آقای غلامی به عنوان وزیر علوم از مجلس شورای اسلامی رای اعتماد می گیرد چون در ماه های اخیر وزارت علوم با سرپرست اداره شد و مدیریت محکم و قوی بر آن حاکم نبود، ضمن آنکه دو سال آینده انتخابات مجلس است، بنابراین نمایندگان رعایت این مسائل را انجام می دهند و به وزیر پیشنهادی علوم رای اعتماد می دهند.

نگاه نمایندگان اصلاح طلب مجلس درباره وزیر

سیاسی آنها باشد اما شما می گوید آقای غلامی یک فردی با رویکرد اعتدالی است، این مساله موجب نقد و انتقاد اصلاح طلبان نخواهد بود؟

▲ ممکن است بعضی نقد داشته باشند ولی با شرایط سیاسی و امنیتی کشور مته به خشخاش نمی گذارند.

با توجه به اینکه مدیریت وزیر پیشنهادی علوم فقط در سطح استانی بود، آیا بدنه وزارت علوم نیز آقای غلامی را قبول خواهد کرد؟

▲ بستگی دارد به اینکه چگونه بتواند مدیریت را اعمال کند. معمولاً کسانی که در وزارتخانه ها کار می کنند با وزیر هماهنگ می شوند.

شما خودتان نظر سرپرست وزارت علوم را درباره آقای غلامی پرسیدید؟

▲ خیر.

چون برخی خبرها حکایت از آن می کند که آقای سید ضیاء هاشمی مخالف جدی آقای غلامی است، شما خبر دارید؟

▲ نمی دانم.

فضای عمومی مجلس چطور است؟

▲ آقای غلامی رای اعتماد می گیرد. نمایندگان در مجلس دهم به وزرای پیشنهادی خطی رای نمی دهند. هر دو جناح مصلحت نظام را در نظر می گیرند و با دولت همراهی می کنند.

انتظار، خواسته و نگاه خودتان به عنوان یک

چهره اصلاح طلب از آقای غلامی چیست؟

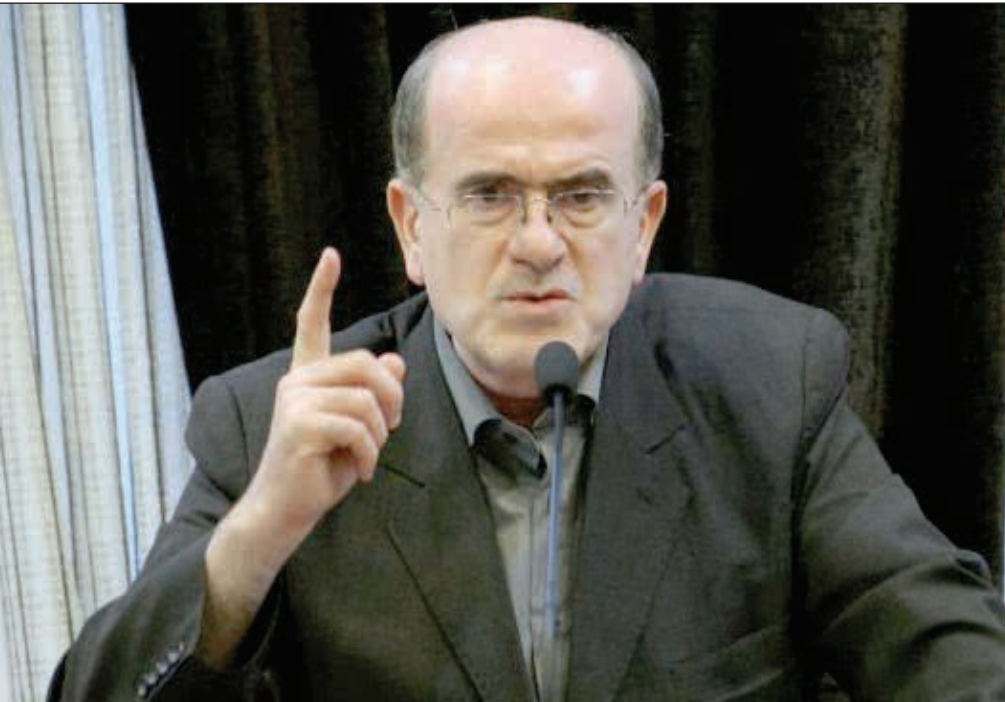
▲ آقای غلامی باید سعی کند در جهت اهداف اصلاحات گام بردارد، نیروهای اصلاح طلب را سر کار آورد، اندیشه های نو داشته باشد، در دانشگاه ها ایجاد امید و نشاط کند. با جناح های مختلف تعامل داشته باشد و بتواند سکان وزارت علوم را طوری دست بگیرد که کارمند، دانشجو و استاد نسبتاً از او راضی باشند.

روایت هایی از نوع مدیریت آقای غلامی در دانشگاه همدان مطرح می شود که حکایت از رویکرد غیر تعاملی او با سالیق مختلف سیاسی دارد، تشکیلاتی دانشجویی خواه با رویکرد اصولگرایی، خواه با رویکرد اصلاح طلبی از فضای بسته دانشگاه برای فعالیت های سیاسی سخن می گویند.

▲ بله، همان طور که گفتم یک سری انتقادات نسبت به آقای غلامی وجود دارد.

آقای غلامی در سطح استانی چنین مدیریتی





نظر فراکسیون مستقلان مهم است

گفت‌وگو با مهرداد لاهوتی درباره رأی اعتماد به منصور غلامی

۴ مهرداد لاهوتی معتقد است: «وزیر پیشنهادی علوم از مجلس رأی اعتماد می‌گیرد اما قوت و ضعف این رأی بستگی به دفاعیاتش دارد.» سخنگوی فراکسیون مستقلان ولایی نوع دفاع رئیس‌جمهور از وزیر پیشنهادی علوم را نیز در توفیق یا عدم توفیق غلامی مؤثر می‌داند.

جمع‌بندی نظرات آنها نشان می‌دهد که دیدگاه مثبتی درباره آقای غلامی ندارند و معتقدند او فاقد توانمندی لازم برای اداره این وزارتخانه است، اصولگرایان نیز تقریباً چنین نگاهی دارند، باین اوصاف شناس آقای غلامی را برای کسب رأی اعتماد از مجلس چقدر می‌دانید؟

▲ فراکسیون مستقلان اکثریت کرسی‌های مجلس را در اختیار دارد، قطعاً چند روز باقی مانده تا جلسه رأی اعتماد برای آقای غلامی سرنوشته‌ساز است. اگر آقای غلامی بتواند نظر مثبت فراکسیون مستقلان را کسب کند به نظرم موفق می‌شود که بعد از جلسه رأی اعتماد به وزارت علوم برود و تصدی امور را به دست گیرد اما اگر نظر فراکسیون مستقلان نیز تأمین نشود، روز رأی اعتماد نیز به احتمال قوی موفق نخواهد بود.

گفته می‌شود، فراکسیون مستقلان که نزدیک به آقای لاریجانی عمل می‌کند، دنبال آن است که آقای غلامی از مجلس شورای اسلامی رأی اعتماد نگیرد تا خانم الهام امین‌زاده که گزینه مطلوب آقای لاریجانی است از سوی رئیس‌جمهور برای تصدی امور وزارت علوم معرفی شود، آیا این طور است؟

▲ خیر، هر کسی در مورد آقای لاریجانی چنین نگاهی دارد، اشتباه می‌کند. آقای لاریجانی به هیچ وجه پیام یا حتی علائمی در تایید یار دیکتی از دو وزیر پیشنهادی نداشته است.

رئیس‌جمهور وزیر پیشنهادی علوم را به مجلس معرفی کرد، نظر شما درباره آقای غلامی چیست؟
▲ من آقای غلامی را سه‌شنبه دوم آبان در حزب اعتدال و توسعه و چهارشنبه در فراکسیون مستقلان ولایی دیدم و او برنامه‌ها و دیدگاه‌های خود را برای اداره وزارت علوم تشریح کرد. آقای غلامی خیلی سوابق بلند بالایی ندارد چون فقط در دانشگاه‌های استانی مسئولیت داشت. حالا در این مدتی که تا روز جلسه رأی اعتماد زمان باقی است ببینیم آقای غلامی در معرفی خود چقدر می‌تواند موفق عمل کند.

اما آقای غلامی زمان زیادی برای متقاعد کردن نمایندگان مجلس در اختیار ندارد و قریب به اتفاق نمایندگان همچون شما به سابقه کم‌رنگ مدیریتی او اشاره می‌کنند و می‌گویند آقای غلامی در سطح وزارت نیست که بخواهیم سکان اداره این وزارتخانه مهم را به دست او بسپاریم، به نظر شما وزیر پیشنهادی علوم می‌تواند از این چالش موفق بیرون بیاید؟

▲ غالب نمایندگان چنین دیدگاهی دارند و خود آقای غلامی باید تلاش کند تا نظر نمایندگان تأمین شود و گرنه سابقه گذشته او خیلی قوی نیست. البته گروهی از نمایندگان نیز معتقدند باید هر چه سریع‌تر وزارت علوم از بلاتکلیفی خارج شود.

نگاه سیاسی هم در رأی اعتماد به وزیر پیشنهادی علوم تأثیر خواهد داشت؟

▲ قطعاً همین طور است، اعضای فراکسیون‌های مختلف در مجلس متناسب با تصمیمات تشکیلاتی حرکت می‌کنند. معمولاً فراکسیون مستقلان وقتی درباره موضوعی تصمیم می‌گیرد اعضا در اجرا و عملیاتی کردن آن تصمیم مصمم هستند و پایبندی نشان می‌دهند.

در روزهای اخیر نمایندگان اصلاح‌طلب درباره وزیر پیشنهادی علوم اعلام موضع کردند و

داشت، به نظر شما وقتی در سطح ملی قرار گیرد تغییر رویکرد می‌دهد؟

▲ خیر، همین وضع موجود را حفظ می‌کند.
۱۶ آذر رأی پیش رو داریم، به نظر تان این مراسم نسبت به سال گذشته با مدیریت آقای غلامی چطور خواهد بود؟

▲ همان طور مثل سال گذشته خواهد بود.
به نظر شما آقای غلامی به آقای فرجی دانا نزدیک‌تر است یا فرهادی؟

▲ به آقای فرهادی نزدیک‌تر است.

چرا؟

▲ چون بالاخره آقای فرجی دانا دیدگاه‌های اصلاح‌طلبانه دارد، دانشگاه و دانشجو را کاملاً می‌شناسد، برای اعتلای علم و دانش ارزش قائل است و برنامه‌ها و نقشه‌هایی را برای اعمال برنامه‌های خود دارد. ضمن آنکه از شجاعت بیشتری نیز برخوردار است. من دقیقاً آقای غلامی را نمی‌شناسم اما با توجه به سوابق کاری و توصیفاتی که درباره او شنیدم معتقدم بیشتر به آقای فرهادی نزدیک است.

شما به لحاظ سیاسی می‌گویید آقای غلامی محافظه‌کاری و تحفظ آقای فرهادی را دارد، به لحاظ توانمندی مدیریتی چطور؟ بالاخره آقای فرهادی سابقه مدیریتی داشت اما آقای غلامی در سطح استانی مدیریت کرده است.

▲ نمی‌دانم ولی مدیریتش در حد متوسط بوده و مدیریت قوی از خودش بروز نداده است.

شما از یک طرف می‌گویید رویکرد سیاسی آقای غلامی اعتدالی است اما از طرف دیگر از او انتظار رفتار اصلاح‌طلبی دارید، نمره متوسط هم به سابقه مدیریتی اش می‌دهید، پس چرا معتقدید مجلس به آقای غلامی رأی اعتماد خواهد داد؟ آیا مدیر قوی‌تری نسبت به او در وزارت علوم وجود نداشت؟
▲ با توجه به شرایط منطقه و کشور و فشاری که آمریکا به ایران اعمال می‌کند، دولت، مجلس، مردم و نهادها باید وحدت، انسجام و یکپارچگی خود را نشان دهند. برای نیل به این مقصود از برخی آرمان‌های خود چشم می‌پوشند. پس همین که آقای غلامی مدیریت متوسطی داشته رضایت‌بخش است.

بعضی می‌گویند نباید نگاه به موضوعات کارشناسی را در حوزه مسائل سیاسی وارد کرد اما شما می‌گویید وضعیت در روز رأی اعتماد به گونه‌ای رقم می‌خورد که غلبه با مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی خواهد بود؟
▲ بله، همین طور است.

آیا کمیسیون آموزش و تحقیقات هم درباره آقای فرهادی جلسه‌ای داشت؟

▲ بله جلسه داشت اما من حضور نداشتم.

روز جلسه رأی اعتماد چقدر تعیین‌کننده است چون برخی معتقدند رأی نیابردی آقای بیطرف یک دلیلش دفاع ضعیف آقای رئیس‌جمهور و دلیل دیگر حساسیت زایی صحبت‌های او برای نمایندگان برخی استان‌ها بود، آیا این اتفاق ممکن است برای آقای غلامی تکرار شود؟

▲ خیر، یک سری از نمایندگان برخی استان‌ها عملکرد دولت‌های گذشته را به آقای بیطرف منسوب کردند و تصمیم گرفتند به آقای بیطرف رأی ندهند و حتی برای رأی نیاوردن او نیز تلاش کردند اما آقای غلامی به سرنوشته آقای بیطرف دچار نمی‌شود و با حال و هوایی که من از فضای مجلس می‌بینم، او حتماً رأی اعتماد از مجلس می‌گیرد. ▶

جو برای غلامی خوب نیست

گفت و گوی مثلث
باموسوی لارگانی

آقای روحانی وقتی هیأت وزیران پیشنهادی خود را به مجلس معرفی کرد، نام وزیر علوم در بین آنها نبود و بنا به تفسیر هیأت رئیسه مجلس رئیس جمهور می توانست برای اداره این وزارتخانه به طور موقت سرپرست تعیین کند، همین اتفاق هم افتاد. بالاخره بعد از گذشته بیش از ۲ ماه از انتصاب سرپرستان وزارت نیرو و علوم آقای روحانی و وزرای پیشنهادی خود را به مجلس معرفی کرد و جلسه رای اعتماد وزرای پیشنهادی علوم و نیرو این هفته برگزار می شود، نظر شما درباره انتخاب های رئیس جمهور چیست؟

▲ معتمد در وزارت علوم حقیقتاً دانشمندان و بزرگانی داریم که می توانند در اداره این وزارتخانه نقش آفرین باشند. به نظر من قوی تر از آقای غلامی، کسانی برای تصدی وزارت علوم بودند که آقای رئیس جمهور می توانست یکی از آنها را به مجلس شورای اسلامی برای اخذ رای اعتماد معرفی کند اما در نهایت انتخابش آقای غلامی بود. آقای اردکانیان نیز در گذشته تجربه کار در وزارت نیرو را داشت و دوره ای معاون وزیر نیرو بود. رشته تحصیلی دانشگاهی اش آب است. باتوجه به مشکلات کمبود آب در کشور، اگر برنامه ریزی مناسب برای آینده انجام نشود، با بحران ها و چالش های فراوانی در این حوزه روبه رو خواهیم بود. اگر آقای اردکانیان مسائل منطقه ای را در نظر نداشته باشد و دغدغه او و همکارانش بر این مساله قرار گیرد که حل مشکل آب را در کشور ملی ببینند نه منطقه ای، شاید گزینه مناسبی برای وزارت نیرو باشد. هر چند می توانیم این را بگوئیم که در وزارت نیرو هم افراد دیگری وجود دارند که می شد رئیس جمهور آنها را انتخاب کند اما باتوجه به اینکه نزدیک سه ماه از تاریخ تنفیذ حکم آقای روحانی برای دوره دوازدهم ریاست جمهوری می گذرد و همچنان وزارت نیرو با سرپرست اداره می شود، مناسب نیست بیشتر از این رسیدگی به امور وزارتخانه روی زمین بماند، به نظر من هر چه زودتر وضعیت وزارت نیرو مشخص شود بهتر است. برنامه ای هم که آقای اردکانیان ارائه کرده است مطلوب به نظر می رسد.

پس می شود گفت از نظر شما در کل آقای اردکانیان وزیر پیشنهادی نیرو را اعتماد از مجلس می گیرد اما آقای غلامی وزیر پیشنهادی علوم وضعیت مطلوبی ندارد؟

▲ به همین طور است.

اما این فقط شما نیستید که از نوع انتخاب وزیر پیشنهادی علوم اظهار تعجب می کنید، اصلاح طلبان نیز ناراضی و منتقد هستند، آنها با شما نگاه مشترکی درباره این مساله دارند که رئیس جمهور می توانست فرد قوی تری را به عنوان وزیر پیشنهادی علوم به مجلس معرفی کند، به نظر شما چرا آقای روحانی، آقای غلامی را انتخاب کرد؟

▲ نمی دانم، البته من با آقای حاجی بابایی نماینده مردم همدان صحبت کردم. باتوجه به اینکه آقای غلامی ریاست دانشگاه بوعلی همدان را برعهده دارد، آقای حاجی بابایی نوع مدیریت آقای غلامی را تایید کرد

درباره معرفی وزرای پیشنهادی علوم و نیرو وجود داشت، توجه کرد چون خیلی از نمایندگان بعد از جلسه رای اعتماد به کابینه دوازدهم اعلام کردند رئیس جمهور در معرفی وزرای پیشنهادی علوم و نیرو ویژگی های جوانی، خانم بودن و اقلیت های قومی و مذهبی را در نظر بگیرد؟

▲ (خنده) آقای غلامی نه جوان، نه خانم و نه جزء اقلیت های قومی و مذهبی است بنابراین پاسخ به این سوال کاملاً مشخص است. بهتر بود آقای روحانی در کابینه خودش یک وزیر زن می داشت چون با این اتفاق می توانست به صحبت های خودش تحقق بدهد. ضمن آنکه خانم نشان دادن در ادای مسئولیت هایی خودشان جدی عمل می کنند. حالا در هر صورت این اتفاق نیفتاد و ان شاء الله در مناصب دیگری شاهد این مساله باشیم.

به نظر شما چرا آقای روحانی دنبال چهره مشهورتری به عنوان وزیر پیشنهادی علوم نرفت؟

▲ شاید به خاطر مدیریت حاشیه ها این کار را انجام نداد. در واقع دید ۴ ماه از ۴ سال دوره ریاست جمهوری او تمام شد و بهتر است که سکان وزارت علوم را به کسی بسپارد که از کمترین حاشیه برخوردار باشد.

در رای نیابردن آقای بیطرف این دلیل هم مطرح شد که بدنه وزارتخانه با او همراهی لازم رانداشت، این قضیه درباره آقای غلامی صدق می کند یا خیر؟

▲ خیر، مقصر خود آقای بیطرف بود که رای نیابرد. او بیهود ایجاد حساسیت کرد اما درباره آقای غلامی این طور نیست. ضمن آنکه بدنه وزارت علوم در حال همکاری است.

یعنی الان بدنه وزارتخانه علوم به نمایندگان رنگ می زند و صحبت می کنند؟

▲ بله تلاش و فعالیت می کند، البته این کار درستی است. معمولاً وقتی رئیس جمهور وزیری را به مجلس پیشنهاد می کند بدنه وزارتخانه برای کسب رای موافق تلاش می کند.

با توجه به آنکه از سه ماه فرصت سرپرستی نزدیک دو ماه و نیم گذشته، آیا مجلس ضرورت و اجباری به رای اعتماد دادن به وزیر پیشنهادی علوم دارد؟

▲ خیر، مجلس اجباری به دادن رای اعتماد ندارد. الان ما براساس سوابق قضاوت می کنیم اما تا روز رای اعتماد اگر واقعا تشخیص نمایندگان این باشد که آقای غلامی می تواند وزارت علوم را مدیریت کند، قطعاً رای موافق به وزارت او خواهند داد اما اگر آقای غلامی نتواند نمایندگان را قانع کند طبعاً رای اعتماد نمی گیرد.

خودتان از بدنه و سرپرست وزارت علوم درباره آقای غلامی نظر خواهی کردید؟

▲ خیر.

در مجموع باتوجه به اینکه ۱۶ آذر را در پیش داریم، به نظر شما آقای غلامی در کنترل فضای سیاسی دانشگاه ها و پاسخگویی به مطالبات دانشجویان و اساتید توانمندی دارد؟

▲ سوابق نشان می دهد که رزومه او پایین است. رزومه پایین به معنای آن نیست که او نمی تواند موفق باشد. اگر به تیم آقای احمدی نژاد نگاه کنیم اکثر افرادی بودند که اصلاً سابقه مدیریتی نداشتند اما جوان بودند و تلاش کردند. باید دید معادلات در روز رای اعتماد چگونه رقم می خورد. امکان دارد دفاعیات آقای غلامی طوری باشد که خلاف تصورات فعلی، او را بسیار بالایی کسب کند بنابراین نباید زود قضاوت کرد. ►

فراکسیون مستقلان تصمیم نهایی خودش را درباره آقای غلامی چه زمانی می گیرد؟

▲ پیش از آغاز جلسه بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی علوم و نیرو دیدگاه کارشناسی خود را اعلام خواهد کرد. بار قبل برای سایر وزرای پیشنهادی هیچ فراکسیونی لیست نداد. تنها فراکسیونی که لیست داد، مستقلان ولایی بود، نتیجه به دست آمده هم کاملاً منطبق بر نظر فراکسیون مستقلان بود. حتی در میزان آرا نیز تحلیل فراکسیون مستقلان ولایی صحیح و منطقی درآمد. ما مثل دوره قبل لیست خواهیم داد اما اینکه فراکسیون های امید و نمایندگان ولایی چگونه عمل کنند، خودشان می دانند.

به نظر شما در مطالبی که موافقان و مخالفان مطرح می کنند نگاه سیاسی هم مطرح می شود یا خیر؟

▲ مباحثی که موافقان و مخالفان وزرای پیشنهادی در روز جلسه رای اعتماد مطرح می کنند خیلی مهم است. پیش از این جلسه هر کدام از نمایندگان شاید مواضع و مباحثی را با رسانه ها در میان بگذارند اما فضا مبهم است و نمی شود نتیجه قطعی و دقیقی را براساس این دیدگاه ها بیان کرد. در روز رای اعتماد مباحث مطروحه موافقان و مخالفان و دفاعیات وزیر پیشنهادی خیلی می تواند در رای گیری موثر واقع شود چون آن مباحث می تواند نگاه های منفی را مثبت یا نگاه های مثبت را به منفی تبدیل کند.

دفاع آقای روحانی چگونه؟

▲ دفاع آقای روحانی که خیلی نقش مهم خواهد داشت.

همان زمان که برای وزرای پیشنهادی ۱۷ وزارتخانه دیگر در مجلس شورای اسلامی رای گیری شد، برخی عدم موفقیت آقای بی طرف در کسب رای اعتماد را به دفاع ضعیف آقای روحانی از او نسبت دادند و معتقد بودند اگر رئیس جمهور دفاع قوی تری از آقای بیطرف انجام می داد، او امروز وزیر نیرو بود، نظر شما چیست؟

▲ دفاع آقای روحانی خیلی موثر است و بستگی دارد وزیر پیشنهادی خود را چگونه معرفی کند. اگر صرفاً بگوید «وزیر پیشنهادی فردی خوب است و من او را می شناسم؛ یک اثرگذاری دارد» اما اگر ادله های محکم و قوی بیاورد قطعاً تأثیرش در افزایش آرای موافق معنی دار خواهد بود. درباره آقای بیطرف که نتوانست از مجلس رای اعتماد بگیرد دلش فقط دفاع آقای روحانی نبود، آقای بیطرف در خلال رایزنی ها نه تنها از خودش دفاع نکرد بلکه صحبت هایش حساسیت زائد و نمایندگان ۴ استان را نقطه مقابل خودش قرار داد.

این روزها برخی نمایندگان با قطعیت از رای نیابردن آقای غلامی در مجلس سخن می گویند. نظر شما چیست؟

▲ خیر، من معتمد بالاخره آقای غلامی را رای پایینی وزیر می شود منتها باید دید در روز رای اعتماد چه اتفاقی می افتد.

برخی تحلیلگران معتقدند نقطه قوت آقای غلامی ناشناس بودنش است و این می تواند در جلب نظر نمایندگان خیلی به او کمک کند؟ شما چه نظری دارید؟ آیا ناشناخته بودن آقای غلامی نقطه ضعف اوست یا نقطه قوتش محسوب می شود؟

▲ ناشناس بودن یک نقطه مثبت است چون برخی می توانند برای افراد شناخته شده ایجاد حاشیه کنند اما چنین امکانی درباره آقای غلامی وجود ندارد.

به نظر شما آقای روحانی به مطالباتی که از او

اما کارشناسان دانشگاهی و کسانی که در بدنه وزارت علوم هستند، خیلی روی آقای غلامی نظر مثبت ندارند و می‌گویند افراد توانمندتری بودند که آنها باید تصدی وزارت علوم را برعهده می‌گرفتند. در جایی گفتم شخص وزیر علوم نباید سیاسی باشد چون اگر خیلی سیاسی باشد، دانشگاه سیاست‌زده می‌شود، حال آنکه دانشگاه جای پیشرفت علم است، نباید بیشتر زمان خود را به مسائلی معطوف کند که اولویتش نیست. الان هم نظر شخصی من این است که وزارت علوم یک فردی را می‌خواهد که فراجناحی باشد و خیلی سیاسی عمل و رفتار نکند. البته منظورم این نیست که دانشگاه سیاسی نباشد چون مقام معظم رهبری در فرمایشات‌شان کراراً موضوع برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی را در دانشگاه‌ها مطرح کردند. اما منظور ایشان آن نبود که همه فعالیت‌های دانشگاه تعطیل شود تا سیاست‌پویان بیایند و بروند. این اتفاق به نظر من برای پیشرفت علم کشور ضرر دارد. باتوجه به اینکه الان در کشور ما از لحاظ علمی رتبه شانزدهم جهان را به دست آورده، ما باید یک مقدار در این موضوع بیشتر تلاش کنیم و با استعدادهای درخشانی که در جوانان ایرانی وجود دارد می‌توانیم خیلی بیشتر از این در علم پیشرفت کنیم.

شما معتقدید آقای غلامی بیشتر یک فرد سیاسی است تا فراجناحی؟

▲ سیاسی بودنش شاید درجه دوم باشد. معتقدم از نظر توانمندی، او توانایی لازم را برای مدیریت وزارت علوم نداشته باشد و باید فرد دیگری برای اداره وزارت علوم به مجلس معرفی شود. آقای غلامی از نظر جایگاه، رتبه فعالیت‌های دانشگاهی و سن و سال یک انتخاب مطلوب ارزیابی نمی‌شود. معتقدم او اگر مقداری جوان‌تر بود بهتر می‌توانست به امورا وزارت علوم رسیدگی کند.

نظر سرپرست وزارت علوم را درباره آقای غلامی گرفتید؟

▲ خیر. به نظر شما فضای مجلس نسبت به وزیر

سیدناصر موسوی لارگانی به وزیر پیشنهادی علوم نمره قبولی نمی‌دهد و می‌گوید غلامی از مجلس رای اعتماد نمی‌گیرد اما برای آنکه فرصت قانونی زیادی نمانده رئیس‌جمهور باید تا هفته آینده سریع گزینه بعدی خود را به مجلس معرفی کند. عضو فراکسیون نمایندگان ولایی فقدان کارنامه مدیریتی قوی و سن و سال بالا را دو فاکتور منفی برای وزیر پیشنهادی علوم برمی‌شمرد و می‌گوید: «نگاه منفی نسبت به او خاص یک فراکسیون سیاسی نیست و می‌توان گفت در فضای مجلس این نگاه عمومیت دارد.»

پیشنهادی علوم چگونه است، اینکه گفته می‌شود اصلاح‌طلبان و اصولگرایان دیدگاه مساعدی نسبت به آقای غلامی ندارند صحت دارد؟

▲ خیلی جورا برای آقای غلامی مناسب نمی‌دانم و اگر هم احیاناً او را بیاورد، رای لب مرزی خواهد بود. اگر آقای غلامی نتواند از مجلس رای اعتماد بگیرد، حدنصاب قانونی برای انتخاب وزیر پیشنهادی علوم مخدوش نمی‌شود؟

▲ بله، رئیس‌جمهور اگر گزینه پیشنهادی‌اش برای وزارت علوم رای نیاورد، باید بلافاصله برای هفته بعد فرد دیگری را به عنوان وزیر پیشنهادی به مجلس معرفی کند، چون خیلی فرصت قانونی زیادی ندارد و فرصت قانونی سه ماهه در هفته‌های پایانی‌اش است.

گفته شده نظر فراکسیون مستقلان ولایی که نزدیک به آقای لارجانی هستند، بر معرفی خانم الهام امین‌زاده است و احتمالاً آنها هم رای منفی به آقای غلامی می‌دهند تا آقای روحانی در فرصت باقی‌مانده خانم امین‌زاده را به مجلس معرفی کند. آیا این طور است؟

▲ حقیقتاً از این موضوع اطلاعی ندارم.

فکر می‌کنید با لابی‌های پشت پرده وزیر پیشنهادی علوم بتواند رای لازم را کسب کند؟

▲ با توجه به صحبت‌هایی که کردم و مسائلی که مطرح شد، فقط یک گروه خاص در مجلس مخالف وزیر پیشنهادی علوم نیستند. گروه‌های مختلف نظر مثبت نسبت به او ندارند، شاید در فراکسیون‌های امید، مستقلان و ولایی تعدادی مدافع وزیر پیشنهادی علوم باشند اما فضای الان مجلس، احتمال رای آوری وزیر پیشنهادی علوم را به ذهن متبادر نمی‌کند.

اینکه می‌گویند آقای روحانی برای این تصمیم گرفت که آقای غلامی را به مجلس معرفی کند که فردی ناشناخته‌ای است، تحلیل درستی است؟

▲ این طور نیست که آقای غلامی به طور کل برای نمایندگان ناشناخته باشد. او مدتی ریاست دانشگاه بوعلی همدان را برعهده دارد و در مسئولیت‌های دیگر نیز بوده اما مثل خیلی از کسانی که مطرح بودند، آقای غلامی اصلاً مطرح نبود ولی این طور هم نیست که ناشناس ناشناس باشد و کسی او را نشناسد.

به نظر شما آقای غلامی بین آقای فرجی دانا و آقای فرهادی به کدام شبیه‌تر است؟

▲ آقای فرجی دانا مسائل سیاسی مثل حضور در فتنه ۸۸ درباره‌اش مطرح بود. آقای فرهادی چنین وضعیتی نداشت، البته درباره آقای غلامی نیز چنین مباحثی را نشنیدم. اگر بخواهیم شباهتی بگوییم آقای غلامی از نظر سیاسی شباهت به آقای فرهادی دارد اما از نظر جایگاه مدیریت چون آقای فرهادی قبلاً وزیر بوده اما آقای غلامی تجربه وزارت نداشته، پس نمی‌توان آقای غلامی را با آقای فرهادی در حوزه توانمندی مدیریتی شبیه دانست. آقای فرهادی قبلاً وزیر بود که دوباره مسئولیت وزارت علوم را پذیرفت.

یعنی شما می‌گویید آقای فرهادی نسبت به آقای غلامی مدیر قوی‌تری است؟

▲ بله به نظر من قوی‌تر است.



تصمیم جدید

جامعه روحانیت بر خلاف رویه خود در چهار ساله اول دولت روحانی که جلسه‌ای با «حسن روحانی» عضو این تشکل که در جایگاه ریاست جمهوری قرار گرفته است، نداشت؛ حالا رویه‌اش را تغییر داده و قصد دارد منظم جلساتی را با حضور «حسن روحانی» برگزار کرده و مطالب و نکات مورد نظر اعضای این تشکل روحانی را به رئیس جمهور منتقل کنند.



بازگشت به خانه اول

حسن روحانی جلساتی را با جامعه روحانیت مبارز آغاز کرده است

روایت رسمی از یک دیدار

غلامرضا مصباحی مقدم، سخنگوی جامعه روحانیت در خصوص محور مسائل مطرح شده در این نشست گفته است: «مسائل مربوط به روحانیت و دغدغه‌های فرهنگی از جمله مساله شبکه‌های مجازی و مشکلات آن و مساله دانشگاه‌ها از جمله مسائلی بود که در این جلسه مورد بحث قرار گرفت و جامعه روحانیت تسریع در معرفی وزیر علوم را خواستار شدند.»

در این نشست اشاره شد که خوب است تنش بین جناح‌های سیاسی کاهش پیدا کند و خصوصاً شرایط برای سرمایه‌گذاری‌های داخلی مهیا شود، چرا که به اعتقاد اعضای این تشکل کمبود منابع مالی در کشور راه حل دارد. همچنین اعضای جامعه روحانیت در این جلسه بر لزوم توجه و تطبیق مواضع رئیس جمهور با مقام معظم رهبری تأکید کردند.

مصباحی مقدم در پاسخ به این سوال که روحانی چه وعده‌ای به جامعه روحانیت داد، گفت: «روحانی وعده کرد که در جلسات جامعه روحانیت مبارز شرکت کند.» مصباحی مقدم تصریح کرد: «به نظر باید صبر کرد و دید که چنین نشست‌هایی چه نتیجه‌ای در مسائل سیاسی کشور خواهد داشت.» وی معتقد است که قصد از این دیدار، تریک پیروزی حسن روحانی در انتخابات و تشکر از مواضع قاطع و خوب رئیس جمهور در مقابل صحبت‌های ترامپ بود. اما به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت،

درست در شرایطی که حرف و حدیث در مورد حسن روحانی و چرخش‌های سیاسی او در روزهای پس از انتخابات نقل محافل است یک خبر غیرمنتظره دیگر نیز فضای سیاسی را به این نتیجه رساند که رئیس جمهور جدیداً ایده‌های تازه‌تری در سر دارد. او گویا فصل تازه سیاست‌ورزی خود را کلید زده است.

ماجرای این قرار است که هفت عضو جامعه روحانیت مبارز به دیدار حسن روحانی، عضو قدیمی خودشان رفتند و به مدت یک ساعت با او گفت‌وگو کردند. این دیدار به درخواست جامعه روحانیت مبارز صورت گرفته بود. روحانی مدت‌هاست همچون آیت الله هاشمی و ناطق نوری در جلسات جامعه روحانیت مبارز شرکت نمی‌کند و جامعه روحانیت هم در انتخابات حاضر به حمایت از او نشده بود. حالا این هفت عضو جامعه روحانیت (حجت الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم، آیت الله سیدمهدی طباطبایی، حجت الاسلام عبدالملک ناصحی، حجت الاسلام محمدسعید مهدوی کنی، حجت الاسلام سیدرضا تقوی، حجت الاسلام پورمحمدی، حجت الاسلام سیدمحمد حسن ابوترابی فرد و آیت الله محسن مجتهد شبستری) که اغلب از چهره‌های معتدل جامعه روحانیت محسوب می‌شوند به دیدار رئیس جمهور رفته‌اند تا شاید مقدمه بازگشت و نزدیکی روحانی به این تشکل روحانیت فراهم شود.

رئیس جمهور در این دیدار اسلام و جمهوریت را دو استوانه مستحکم نظام اسلامی و یادگار ارزشمند امام راحل (ره) دانست و تأکید کرد: «مجموعه دولت برآمده از اراده ملت است و در عین حال خود را موظف به اجرای احکام اسلامی می‌داند. رئیس جمهور ضمن تشکر از حضور و ارتباط خوب اعضای این تشکل با مجموعه دولت افزود: «دولت و دستگاه‌های اجرایی به استمرار رابطه صمیمانه و همکاری علما و روحانیت دلسوز، اهتمام ویژه دارد.» رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی با اشاره به اهمیت موضوعات فرهنگی و اجتماعی از جمله فرهنگ عمومی، سبک زندگی و نیز فضای مجازی تأکید کرد: «دولت با حساسیت خاص و با روش‌های علمی و تعاملی در پی مدیریت مسائل فرهنگی و از جمله فضای مجازی است، به نحوی که هم دسترسی مردم به اطلاعات و خدمات این شبکه‌ها ادامه یابد و هم ارزش‌های اسلامی و اخلاقی و فرهنگ ملی کشور آسیب نبیند.»

رئیس شورای عالی امنیت ملی، برجام را موفقیتی ارزشمند و حاصل اجماع ملی، حمایت مردم و هدایت رهبر معظم انقلاب دانست و با اشاره به گشایش‌ها و فرصت‌های ایجاد شده، رفع تحریم‌ها، حل تدریجی مشکل مرادات بانکی و حجم قابل توجه سرمایه‌گذاری خارجی و اعتبارات اختصاص یافته از سوی کشورهای مختلف جهان، افزود: «از نظر سیاسی نیز تنها ماندن دولت فعلی آمریکا در ضربه زدن به برجام و یکصدایی

این تشکل در انتخابات ریاست جمهوری نهم و در سال ۸۴ هم از کاندیداتوری «علی لاریجانی» حمایت کرد و ترجیح داد که مرحوم «آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی» را که عضوی از این تشکل بود، حمایت نکند. در این شرایط «محمود احمدی نژاد» توانست بر کرسی ریاست جمهوری تکیه بزند؛ رئیس جمهوری که هرچند در ابتدای کار مورد حمایت برخی اعضای جامعه روحانیت قرار گرفت و حتی به گفته برخی اصولگرایان «اسدالله بادامچیان» با ریش سفیدی مرحوم «آیت‌الله مهدوی کنی» اخزایی مثل موله خاخر شدند با احمدی نژاد و دولتش همکاری کرده و او را مورد حمایت خود قرار دهند. هرچند بعدها دیگر قریب به اتفاق اعضای جامعه روحانیت مبارز، منتقد جدی احمدی نژاد و دولتش شدند.

در سال ۹۲ و در جریان انتخابات ریاست جمهوری یازدهم جامعه روحانیت با وجود کاندیداتوری یکی از چهره‌های سرشناس این تشکل (حسن روحانی)، باز هم به حمایت از کاندیدای دیگری (علی اکبر ولایتی) پرداخت؛ در حالی که عضو ارشد جامعه روحانیت با حمایت جمعی از اصولگرایان معتدل و چهره‌هایی نظیر هاشمی رفسنجانی و ناطق نوری (اعضای قدیمی جامعه روحانیت)، اعتدالیون، اصلاح طلبان و مجمع روحانیون مبارز توانست پیروز صحنه رقابت‌ها لقب بگیرد.

این تشکل در انتخابات سال ۹۶ که «حسن روحانی» و «سیدابراهیم رئیسی» دو عضو خود را کاندیداهای حاضر در صحنه انتخابات ریاست جمهوری می‌دید، از روحانی حمایت نکرد و رئیسی را به خواسته‌ها، مطالبات، تفکرات و اندیشه‌های خود نزدیک‌تر دید و در نهایت هم همراه با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به حمایت از تولیت آستان قدس رضوی در صحنه مبارزات انتخاباتی پرداخت. البته همچون انتخابات ریاست جمهوری دیگر پس از سال ۷۶ جامعه روحانیت توفیق نیافت و کاندیدای مورد حمایت این تشکل در مقابل رئیس جمهور مستقر که کاندیدای ریاست جمهوری دولت دوازدهم نیز شده بود، شکست خورد.

جامعه روحانیت بر خلاف رویه خود در چهار ساله اول دولت روحانی که جلسه‌ای با «حسن روحانی» عضو این تشکل که در جایگاه ریاست جمهوری قرار گرفته است، نداشت؛ حالا رویه‌اش را تغییر داده و قصد دارد منظم جلسات را با حضور «حسن روحانی» برگزار کرده و مطالب و نکات مورد نظر اعضای این تشکل روحانی را به رئیس جمهور منتقل کند.

هر چند در جلسه دوشنبه ۲۴ مهر ماه اعضای جامعه روحانیت با رئیس جمهور عمده مطالب و دغدغه‌های اعضای این تشکل در قالب نگرانی‌های فرهنگی و اقتصادی پیرامون موضوعاتی نظیر شبکه‌های اجتماعی، مسأله رکود و کاهش قدرت خرید مردم و همچنین اقتصاد مقاومتی مطرح شد، اما مهم‌ترین خروجی آن برگزاری ادامه‌دار و منظم این گونه جلسات با رئیس جمهور بود که می‌تواند دغدغه‌ها و نگرانی‌های جامعه روحانیت را مستقیماً با رئیس جمهور و عضو این تشکل در میان بگذارند.

روحانی، ناطق و مرحوم هاشمی رفسنجانی جزو اعضای شناخته جامعه روحانیت مبارز بودند که مدت‌ها بود در جلسات این تشکل حضور پیدا نمی‌کردند. حالا با جلسه اخیری که اعضای جامعه روحانیت با رئیس جمهور برگزار کردند، شاید فتح بابی شود تا بار دیگر شاهد بازگشت روحانی به جامعه روحانیت و حضور او در جلسات این تشکل باشیم. البته اگر این فرضیه درست باشد، جلسات جامعه روحانیت با حضور عضو قدیمی‌اش این بار در دفتر ریاست جمهوری برگزار خواهد شد. ▶

منتخب مرم نیز باید همه اصول و مواضع نظام و انقلاب را رعایت کند؛ چرا که اگر ما رودرروی هم بایستیم، بیگانگان از این موضوع بهره‌برداری می‌کنند.»

این عضو جامعه روحانیت مبارز در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه آیا قرار است از این پس روحانی در جلسات جامعه روحانیت شرکت کند یا خیر گفت: «عدم حضور روحانی در جلسات، به خاطر مشغله ایشان بوده نه اینکه به جامعه روحانیت پشت کرده باشد. ایشان و آقای ناطق نوری به عنوان عضو جامعه روحانیت هستند و منعی از ورود آنها نیست و چه بهتر که در جلسات جامعه روحانیت حضور داشته باشند. جامعه روحانیت مبارز، که با توصیه و تاکید امام خمینی (ره) و تلاش و حمایت شهید آیت‌الله دکتر مرتضی مطهری شکل گرفته است، یک نهاد دینی، روحانی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است که با شعار حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت. پس از انقلاب، این تشکل سیاسی و روحانی به یکی از تشکل‌های سیاسی بانفوذ تبدیل شد، به گونه‌ای که کاندیداهای مورد حمایت جامعه روحانیت تا سال ۱۳۷۶ در شش دوره از انتخابات ریاست جمهوری پیروز شدند.»

جامعه روحانیت از انقلاب تا دهه ۹۰

با شکست قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، به این موضوع پی برده شد که علت شکست، نبود تشکیلاتی منسجم بود. در سال ۱۳۵۶ نخستین هفته جامعه روحانیت شکل گرفت و اساسنامه آن هم در سال ۱۳۵۷ تدوین شد. برنامه‌ریزی راهبردی‌ها، سخنرانی در مساجد، تهیه شعارها و هماهنگی و سازماندهی مبارزه ضد حکومت پهلوی عمده‌ها بر عهده جامعه روحانیت مبارز بود.

در آذر ۱۳۵۸ به توصیه امام‌راجل، اساسنامه جدیدی تنظیم و بسیاری از بندهای اساسنامه پیشین جامعه روحانیت برای شرایط پس از پیروزی انقلاب اسلامی و وظایفی که با تغییر رژیم پهلوی و ایجاد جمهوری اسلامی قطعاً باید تغییر کند، بازنگری شد. آخرین تغییر در این اساسنامه، مربوط به ۲۹ مرداد ۱۳۷۵ است که نام جامعه به «جامعه روحانیت مبارز استان تهران» تغییر یافت.

موسسین و اعضای شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز در ابتدای انقلاب عبارت بودند از «آیات سیدمحمد بهشتی، مرتضی مطهری، محمدجواد باهنر، محمدرضا مهدوی کنی، محمد مفتاح، مهدی شاه‌آبادی، فضل‌الله محلاتی، ملکی، خسروشاهی، عباسعلی عمیدزنجانی، عرفانی، محمدعلی موحدی کرمانی، سیدمحسن هزاوه‌ای همدانی، علی اکبر ناطق نوری، مهدی کربوی و سیدمحمد موسوی خونی‌ها».

البته در سال ۱۳۶۶ افزایش اختلافات درون گروهی باعث شد تا انشعابی تاریخ‌ساز در این تشکل انجام شود که تا سال‌ها صحنه سیاست ایران را تحت تأثیر خود داشت. گروهی از اعضای جامعه روحانیت مبارز با اجازه و تأیید امام خمینی (ره)، از آن خارج شده و مجمع روحانیون مبارز را تأسیس کردند. در نیمه دوم دهه ۱۳۶۰، روحانیت و روحانیون، معرف دو جناح راست و چپ در سپهر سیاسی ایران بودند و سایر گروه‌های سیاسی فعال در داخل نظام متحدی از این دو محسوب می‌شدند.

جامعه روحانیت از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۷۶ هر کاندیدایی را در انتخابات ریاست جمهوری مورد حمایت قرار داد، کاندیدای مورد حمایتش به پاستور راه یافت و بر صندلی ریاست جمهوری تکیه زد، اما در سال ۱۳۷۶، کاندیدای مورد حمایت بخش منشعب از جامعه روحانیت، یعنی مجمع روحانیون مبارز (سیدمحمد خاتمی) توانست کرسی‌دار ریاست جمهوری دوره‌های هفتم و هشتم شود و دولتی را با رویکرد اصلاح طلبی تشکیل دهد.

جامعه جهانی به ویژه اروپا و سایر ارکان ۵+۱ در حمایت از برجام و ادامه همکاری‌ها با ایران دستاوردی دیگر برای ایران اسلامی است. رئیس جمهور در بخش دیگری از سخنان خود یاد بزرگان فقید جامعه روحانیت مبارز را گرامی داشت. در این جلسه نمایندگان جامعه روحانیت مبارز اعلام کردند موفقیت دولت را موفقیت خود و نظام می‌دانند و از برجام به عنوان اقدامی موثر در جهت اقتدار ملی و وحدت عمومی یاد کرده و از تلاش دولت و مذاکره‌کنندگان تقدیر کردند.

توصیه متفاوت آشنا

امازمان زیادی از برگزاری این دیدار نگذشته بود که حسام‌الدین آشنا در صفحه شخصی خود به این دیدار واکنشی همراه با کنایه‌های معنادار نشان داد. مشاور رئیس جمهوری در کانال تلگرامی خود با انتشار تصویری از دیدار حسن روحانی با اعضای جامعه روحانیت مبارز، نوشت: «جامعه روحانیت مبارز می‌تواند نه فقط با بخشی از جامعه بلکه با اقشار و سالیق مختلف تعامل کند؛ به شرط آنکه با بازنگری هوشمندانه در شیوه شناخت خود از جامعه و سیاست، متواضعانه برای مردم خدمت و بزرگ‌منشانه برای جناح‌های سیاسی بدری کند، نه آنکه خود به یک جناح تبدیل شود که وامدار معاملات و سرگرم معادلات سیاسی است.»

روحانی به جامعه روحانیت پشت نکرد

در واکنشی دیگر به این دیدار حجت الاسلام رهبر درباره جلسه اخیر جامعه روحانیت با حضور روحانی گفته است: «موضوعاتی مانند اینکه همه باید در خط ولایت حرکت کنیم، از قبل جزو دغدغه‌های اعضای جامعه روحانیت بود که در این جلسه مطرح و تاکید شد که باید رعایت شوند.» محمدتقی رهبر در واکنش به حضور حسن روحانی در جلسه جامعه روحانیت مبارز، این جلسه را «دوستانه، ناصحانه و مشفقانه» خواند. وی درباره محتوای موضوعات مطرح شده در این جلسه گفت: «برگزاری چنین جلسه‌ای بر اساس تصمیمی بود که از قبل در جامعه روحانیت مطرح شده بود. اعضای جامعه روحانیت از قبل پاره‌ای تذکرات و نصایح نسبت به برخی مواضع و صحبت‌های آقای روحانی پیرامون موضوعات مختلفی از جمله مسائل فرهنگی، اشتغال و... داشتند که قرار بود در این جلسه مطرح کنند.» او در پاسخ به این سوال که این تذکرات و نصایح پیرامون کدام مواضع رئیس جمهور بوده گفت: «در مواضع آقای روحانی در زمان انتخابات، موضوعاتی مطرح و چالش‌هایی دیده می‌شد که دلچسب نبود؛ گاهی یک جمله تبعات بدی دارد اما با توجه به نیاز جامعه به همدلی قصد نداریم دوباره این مسائل را تجدید کنیم. نصایح مطرح شده از روی دلسوزی و در راستای مصالح نظام و همدلی نهادهای نظام جمهوری اسلامی بود که خواسته ملت نیز همین است؛ موضوعاتی مانند اینکه همه باید در خط ولایت حرکت کنیم، از قبل جزو دغدغه‌های اعضای جامعه روحانیت بود که مطرح و تاکید شد که باید رعایت شوند. خوشبختانه پس از انتخابات، آقای روحانی برخی مواضع خود را اصلاح کردند و دیدیم که با سپاه هم بیشتر دمساز شدند.»

حجت‌الاسلام رهبر در پاسخ به این سوال که آیا حضور روحانی در جلسه جامعه روحانیت را به معنای بازگشت رئیس جمهور به خاستگاه اصلی سیاسی خود و مرکز ثقل جناح راست قلمداد می‌کنید یا خیر، گفت: «بحث چپ و راست نداریم؛ آنچه در جلسه مطرح شد نیز رعایت اصول انقلاب و مواضع خط انقلاب است. آنچه مسلم است اینکه جامعه روحانیت همیشه ناصح بوده و



تذکراتی دادیم، روحانی خود را ترمیم کرده است

روایت محمد تقی رهبر از جلسه جامعه روحانیت مبارز با حسن روحانی

شد و اعضای که می خواستند به نشست با رئیس جمهور بروند گفتند: «ما بر اساس این محورها صحبت می کنیم و می گوئیم آقای روحانی شما فعلا رئیس جمهور هستید، ناصحانه، شفقانه و برادرانه می خواهیم این موضوعات را مورد توجه قرار دهید.» ملاقات هم هفته پیش برگزار شد، هر چند نگفتند چه حرف هایی زدند اما بر اساس همین بود که جامعه روحانیت خواسته ها و ایراداتی داشت و از رئیس جمهور خواست که با مبانی، اصول نظام و ولایت همسویی بیشتری داشته باشد. اگر این حرف ها و تذکر گفته شود به هر حال برای مشی دولت سرنوشت ساز است. ما دیدیم مقداری مواضع نسبت به سپاه و در مساله ولایت بهتر شد، به خصوص وقتی دشمن در مقابل ما آن طور عمل می کند، این اتفاق ضرورت داشت.

پس در مجموع می گوئید جامعه روحانیت همچنان نفوذ کلام خودش را روی آقای روحانی دارد چون جلسه ای که برگزار شد تاثیرگذار بود؟
 ▲ هر چند موضع گیری های آقای روحانی درباره حمایت از سپاه قبل این دیدار بود اما بالاخره گفت و گوها تاثیر می گذارد. مثلاً آقای روحانی در همایش یادواره مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی گفت: «ما همه با هم هستیم»، اینها حرف های خوب و قابل قبولی است. خلاصه گفت و گوها، تذکرات و نصیحت ها موثر است. امروز کشور نیاز به وحدت و انسجام دارد. در اوج انتخابات خیلی ترمزها می برد، گاهی حرف ها و صحبت هایی درباره سپاه، دیوار کشی و ۲۰ سال رفتار با مردم مطرح شد، اینها ایراد داشت. حالا چون گذشته نمی خواهیم تجدید مطلع کنیم اما جامعه روحانیت وقتی اینها را دید خواست بگوید «حالا آقای روحانی رئیس جمهور شما رئیس جمهور هستید، همان طور که مقام معظم رهبری تفهیم و توصیه کردند، عمل کنید. دولت را به



۲ حجت الاسلام محمد تقی رهبر می گوید: «هدف جلسه جامعه روحانیت مبارز با روحانی این بود که تذکراتی را مشفقانه و ناصحانه به او بدهند.» این عضو جامعه روحانیت مبارز معتقد است:
 «دو ماه پیش درخواست ملاقات جامعه روحانیت مبارز به دفتر روحانی داده شد اما به دلایل مختلف اعم از چپش کابینه و جلسه رای اعتماد عقب افتاد.»
 این فعال سیاسی اصولگرا یادآور می شود: «جامعه روحانیت مبارز گام اول را برداشت و روحانی اگر دغدغه شنیدن حرف های مردم را دارد اهتمام بیشتری برای حضور در جلسات جامعه روحانیت داشته باشد.»

برای چهار سال دیگر رئیس جمهور شد، ایراداتی داشتند، با این حال تصمیم گرفتند پیش آقای روحانی بروند و صحبت کنند. آنها خیلی هم نمی خواستند نشست شان با رئیس جمهور علنی شود حتی می گفتند: «ما ناصحانه، مشفقانه و برادرانه چند نقری می رویم و مطالب را با آقای روحانی در میان می گذاریم.» دیدار اخیری که رسانه ای شد پیرو همان موضوع بود که جامعه روحانیت چنین تصمیمی گرفت.

مطالبات و خواسته های جامعه روحانیت از آقای روحانی چه بود؟

▲ محورهای خواسته ها همان هایی بود که مقام معظم رهبری در حکم تنفیذ آقای رئیس جمهور و گفت و گوهایی که با هیأت دولت داشتند، مطرح کردند. پافشاری بر اصول خط امام و رهبری، حمایت از مستضعفان و توجه به محرومان از جمله محورهایی بود که در جلسه شورای مرکزی جامعه روحانیت جمع بندی

وقتی رقابت جدی در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم بین آقایان روحانی و رئیسی به وجود آمد، فضا به چه صورت بود؟ خیلی ها فکر می کردند این رقابت ها باعث دوری آقای روحانی از جامعه روحانیت می شود چون جامعه روحانیت آقای رئیسی را نامزد مطلوب خود معرفی کرد. بعد از گذشت ۵ ماه از آن روزها، بفرمایید امروز نسبت جامعه روحانیت مبارز با آقای روحانی چطور تعریف می شود؟

▲ گرایش اعضای جامعه روحانیت به آقای رئیسی دلایلی داشت، دلایل این بود که انتقاداتی به عملکرد آقای روحانی داشتند. بعضی انتقادات به مسائل فرهنگی و دیدگاه های سیاسی مطرح بود اما معنی اش این نبود که آقای روحانی را خارج از جامعه روحانیت بدانند. بالاخره اسم آقای روحانی در شورای مرکزی جامعه روحانیت وجود دارد اما بالاخره ایراداتی هم درباره پاره ای مواضع او بود. البته نمی خواهم دعوای آن روزها را تجدید کنم اما در زمان تبلیغات انتخابات گوشه و کنایه هایی به جاهایی زد که توأم با اصول اخلاقی - اسلامی نبود. در مجموع جامعه روحانیت از عملکرد دولت چندان راضی نبود، بنابراین گرایش به حمایت از آقای رئیسی پیدا کرد. همان طور که گفتیم دلیل این حمایت نیز پاره ای ایرادها به مسائل فرهنگی، موضع گیری ها و مشی دولت بود که اعضای جامعه روحانیت این اتفاقات را نمی پسندیدند و نسبت به عملکرد دولت قبل تذکرات داشتند حالا آقای روحانی مقداری رویکرد خود را ترمیم کرد. آقای رئیسی هم نوبت اول ورودش به انتخابات بود. با همه مسائلی که رخ داد می توان گفت رای بالایی داشت و شرایط هم برایش فراهم بود کم این که ۱۶-۱۵ میلیون رای آورد. اعضای جامعه روحانیت همان موقع که آقای روحانی

روحانیت مبارز در ارتباط هستند، فکر می کنید اگر آقای روحانی در جلسه جامعه روحانیت شرکت کند، انتقادهای دولت از تربیون های نماز جمعه کاهش پیدا می کند یا خیر؟

▲ قطعا چنین خواهد شد. وقتی بینند ارتباطات نزدیک شود، افراد متوجه درمی یابند که گوش شنوایی وجود دارد و تذکرات شان مفید است، در واقع تذکرات بازتاب مثبت پیدا می کند. طبیعتا خیلی موضع گیری ها لطیف و نرم و خیلی دلگیری ها برطرف می شود. اگر ارتباطات برقرار باشد، در جو عمومی نمازهای جمعه و جماعات و نگاه توده و عامه مردم موثر است. امیرالمومنین یک بیانی در نامه به مالک اشتر دارد. ایشان می فرماید: «مالک تو می روی مصر اما بدان که یک عده خواص و نخبان و خاصه هستند. یک اکثریت توده مردم اند، نگاهت به توده مردم باشد، یک عده خواص شاید از تو ناراضی باشند اما نارضایتی آنها مهم نیست. تو توده های مردم را راضی نگه دار». ما هم این را می گوئیم که رئیس جمهور باید به توده های مردم توجه کند. حالا یک عده خواص از یک جریان می خواهند ناراحت شود، اشکالی ندارد اما حرف رهبری و حرف جامعه روحانیت همان حرف امیرالمومنین به مالک اشتر است که توده های مردم سرمایه های نظام و کشورند و آنها در عرصه های مختلف غم و شادی همراهی نشان می دهند. پس باید به توده مردم توجه کرد و آنها راضی نگه داشت.

برخی گفتند دیدار اخیر آقای روحانی با جامعه روحانیت، پالس ها و نشانه هایی است که آقای روحانی دارد از اصلاح طلبان فاصله می گیرد و به سمت اصولگرایان می آید، در واقع به آن خاستگاه سیاسی که راست ستنی است برمی گردد، آیا این تحلیل درستی است؟

▲ ما آقای روحانی را خارج از اصولگرایی نمی دانیم و معتقدیم سابقه ها و عملکردها را باید دید. گاهی انسان ها تحت تاثیر بعضی عوامل ممکن است حرف هایی بزنند. ما معتقدیم ایشان به هر حال در این طیف هستند و شناسنامه و سابقه حضور در جامعه روحانیت دارد. همین موضوع باید عاملی باشد برای اینکه بعضی جریانات دیگر اثرات منفی روی او نگذارند. ما آقای روحانی را خیلی جناحی نمی کنیم. اصلا رئیس جمهور باید فرا جناحی باشد و فرا جناحی کار کند. جناح های سیاسی حرف هایی برای هم دارند، بیان کنند، هرچند آنها نیز باید روابط شان منطقی، صمیمی و براساس منافع ملی باشد. حالا بعضی جناح ها شاید چنین نکنند. یعنی آنی که در رأس دستگاه اجرایی کشور قرار دارد، او باید یک نگاه به همه کند و به خصوص طیف اصولگرایی. آقای روحانی طبق شناسنامه سیاسی اش برخاسته از این طیف است و توده مردم نیز چنین تصویری دارند. البته دیگران را خارج از نظام نمی دانیم اما در عمل باید رهرو خط ولایت و اسلام و تأمین کننده مصالح ملی باشند. البته ما یک مقدار باید اصلاح طلب و اصولگرایی را فتنه اش را پایین بکشیم، یعنی اینکه افراد معارضه داشته باشند و به یکدیگر تند بگویند، غلط است. ما می توانیم با گفت و گو خیلی مسائل را حل کنیم و روابط را نزدیک کنیم. دشمن است که استفاده اختلافات ما را می برد. ما با آمریکایی ها و انگلیسی ها فرق داریم و مثل آنها نیستیم. همه ما زیر پرچم ولایت، اسلام و قرآن هستیم. نه اصلاح طلب باید به سمت تنش زایی حرکت کند و نه اصولگرا باید در جهت تنش زایی حرکت کند. هر دو باید سعی کنند اندیشه های خود را در چارچوب نظام، قوانین، شرع، هدایت ولایت و خط امام به همدیگر نزدیک کنند. این به صلاح کشور و نظام و دین است. البته اگر کسی هم به انحراف رفت، او را معیار قضاوت درباره یک طیف عظیم سیاسی قرار ندهیم. ►

ملاقات خود را با رئیس جمهور داده بود اما آقای روحانی برگزاری این جلسه را به نوعی عقب انداخت؟

▲ بله، طولانی شد. یکی، دو ماه از این موضوع گذشت، آن تقاضا برای وقت ملاقات را بلافاصله بعد از پیروزی آقای روحانی در انتخابات و امضای حکم تنفیذ دادیم. همان موقع اعضای جامعه روحانیت وقت خواستند و چند بار هم گفته شد، چرا وقت ندادند؟ گفتند مشغله زیاد بود اما انجام شد.

گویا آقای مصباحی مقدم در مراسمی مساله نامه درخواست ملاقات جامعه روحانیت را به آقای روحانی یادآوری کردند و بعد آقای روحانی پیگیر و این جلسه برگزار شد.

▲ بالاخره آقای مصباحی مقدم سخنگوی جامعه روحانیت است و اگر تذکری هم دادند بجا بوده است. در واقع تذکر شورای مرکزی را به عنوان سخنگو دادند، حتما دوستان پیگیری هم کردند تا اینکه بالاخره این دیدار انجام شد. البته در این مدت خیلی مسائل همچون چپش کابینه و جلسه رای اعتماد مجلس و رسیدگی به یک سری مسائل خارجی هم بود، بنابراین اشکالی ندارد مقداری برگزاری جلسه به تأخیر افتاد. اگر همین جلسه هم موثر و مفید باشد که امیدواریم چنین شود، خوب است. ما همیشه این را باید توجه کنیم که نظام برای یک جناح خاص نیست. آن توده ای از مردم که نماز جمعه و جماعت می آیند، پچه های شان در کشورهای دیگر دارند جانبازی می کنند و شهید می شوند. به اعتقاد ما اکثر این مردم حامی جریان اصولگرایی هستند. ما نباید فداکاری های مردم را دست کم بگیریم. جامعه روحانیت می خواهد بگوید «آقای روحانی شما رئیس جمهور یک ملت هستید، نه رئیس جمهور یک جناح خاص؛ مصالح ملی کشور اینهاست. شما رعایت کنید و به وزرا هم بگویید رعایت کنند.»

جلسات جامعه روحانیت مبارز با رئیس جمهور استمرار پیدا خواهد کرد؟

▲ معلوم نیست. چنین عزم و تصمیمی در جامعه روحانیت نبود. فعلا در این مورد قرار شد بروند با آقای روحانی صحبت کنند که انجام شد ولی من پیشنهاد می کنم آقای روحانی با آقای ناطق نوری که اسم شان در جامعه روحانیت وجود دارد، چند وقت یک بار بیایند و از نزدیک حرف های اعضای شورای مرکزی را بشنوند. توصیه می کنم و پیشنهاد می دهم، آقای روحانی ارتباط شان را با جامعه روحانیت بیشتر کنند، نه آنکه جامعه روحانیت تقاضا کند و وقت بخواد تا با آقای روحانی صحبت کند. جامعه روحانیت این کار را کرد، حالا آقای روحانی اگر می خواهد دغدغه های مردم را بشنود جا دارد که ارتباط بیشتری داشته باشد. اعضای جامعه روحانیت زبان مردم و ائمه جمعه و جماعت هستند. آنها حرف های عموم مردم را می شنوند و می توانند این حرف ها را به رئیس جمهور منتقل کنند تا از این طریق کمکی به اداره بهتر کشور و تأمین بیشتر مصالح ملی اتفاق بیفتد.

بسیاری از ائمه جمعه و جماعات با جامعه

اسم آقای روحانی در شورای مرکزی جامعه روحانیت وجود دارد اما بالاخره ایراداتی هم درباره پاره ای مواضع او بود. البته نمی خواهم دعوای آن روزها را تجدید کنم اما در زمان تبلیغات انتخابات گوشه و کنایه هایی به جاهایی زد که توأم با اصول نبود



تبعیت از ولی امر نصیحت کنید، تذکر دهید چون تذکرها بی اثر نیست.»

این ترکیبی از اعضای جامعه روحانیت مبارز که آنجا رفتند چطور انتخاب شدند؟

▲ جامعه روحانیت کمیته سیاسی دارد، آنها اعضای کمیته سیاسی بودند.

به نظر شما آقای روحانی به جامعه روحانیت در حال نزدیک تر شدن است چون بعد از انتخابات پیش بینی می شد آقای روحانی از جامعه روحانیت دورتر شود اما این نشستی که برگزار شد و همه لبخند بر لب داشتند، نشان می دهد که تلطیف قلوب و نزدیکی دل ها رخ داده است، آیا در آینده این همگرایی بیشتر خواهد شد؟

▲ امیدواریم این طور باشد. ما این قدر از بیرون دشمن داریم که منتظرند ما مشغول هم شویم و همدیگر را تضعیف کنیم. جامعه روحانیت با مشی عقلایی و با آنکه نقدهایی در انتخابات به برخی مسائل بود اما معتقد است نظام، کشور، ملت و امت را نباید فراموش کرد. حالا دولت قانونی بر سر کار است، ما نیز به تبعیت ولی امر تذکرات مان را ناصحانه و مشفقانه می دهیم. قطعا تاثیر دارد. اصلا در روایات آمده است که پیغمبر فرمود «یکی از مسائلی که مومن باید عمل کند، نصیحت زمامداران مسلمانان است»، هدف و محور حرف همین بود که ما مصداق فرمایش پیامبر باشیم، بنابراین لازم بود تذکرات را اعلام کنیم. چرا که مصالح نظام فراتر از آنی است که این جناح و آن جناح شود. الان چشم دنیا به طرف ایران است، مادر این وضعیت نباید به یکدیگر تعرض داشته باشیم. در مجموع این دیدارها و گفت و گوها و تذکرات برای ادای وظیفه بود و قطعا تاثیر دارد. آیا فکر می کردید آقای روحانی استقبال کند، چون از مدت ها پیش جامعه روحانیت درخواست

مواضع روحانی تغییر نکرده است

گفت و گوی مثلث
بانقوی حسینی



شاید در سطح رئیس‌جمهور یا بعضی از معاونان و برخی وزرا شاهد این مصداق‌ها باشیم اما در استان‌ها و شهرستان‌ها این‌طور نیست. در استان‌ها و شهرستان‌ها همچنان اصلاح‌طلبان میدان‌داری می‌کنند و معتقدند، دولت از ماست و اصلاح‌طلبان باید در سازمان‌ها، دستگاه‌ها، ادارات و نهادهای مدیر باشند؛ به همین جهت تقریباً همه مدیران جایه‌جاشدند و همه روسای ادارات، فرمانداران، بخشدارها و حتی دهیارها تغییر کردند. اصلاح‌طلبان در انتخابات شوراها موضع داشتند و سعی می‌کردند کسانی به شوراها راه پیدا کنند که حامی دولت هستند. به این تفاوت سطوح هم باید توجه داشته باشیم که شاید در رده‌های بالایی بشود به مصداقی اشاره کرد اما از سطح وزیر به پایین اتفاقی نیفتاده است و همچنان اصلاح‌طلبان میدان‌دار هستند. منتها آنچه اصلاح‌طلبان موضع‌گیری می‌کنند در همین رده‌ها است. آنها معتقدند به هر حال کادر اصلی دولت و کابینه باید وجوه اصلاح‌طلبی‌اش قوی‌تر و نمایان‌تر باشد. همین هم باعث اعتراضات شدید دوستان اصلاح‌طلب شد. با برخی چهره‌های اصلاح‌طلب در باره برخی وزرای پیشنهادی صحبت می‌کردم، آنها می‌گفتند: «اصلاً ما اینها را اصلاح‌طلب نمی‌دانیم و قبول نداریم که بیایم حمایت و دفاع کنیم.» بنابراین فکر می‌کنم انتظار اصلاح‌طلبان بیش از اینها است چون خودشان را عامل اصلی رای‌آوری آقای روحانی می‌دانند و معتقدند «اگر اصلاح‌طلبان نبودند، آقای روحانی رای نمی‌آورد چون جریانی که در شهرستان‌ها و استان‌ها عقبه داشت، جریان اصلاح‌طلب بود و آقای روحانی باید حق این نقش ایفاشده از سوی اصلاح‌طلبان را ادا کند و چهره کابینه بیش از آنکه به اعتدال‌گرایی نزدیک شود باید به اصلاح‌طلبی نزدیک شود.»

خودتان وقتی عکس دیدار آقای روحانی را با جامعه روحانیت مبارز دیدید چه پیامی از آن گرفتید؟

▲ برای من البته اتفاق عجیبی نبود، یعنی وقتی این عکس را دیدم تعجب نکردم. اگرچه آقای روحانی در دوره انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۹ اردیبهشت سال ۹۶ و تبلیغات انتخاباتی به برخی از خطوط قرمز نظام تعرض کرد، رقیب‌هراسی را در دستورکار خود قرار داد و مباحثی را گفت که با واقعیت انطباق نداشت ولی نشست او با جامعه روحانیت مبارز برای من تعجب‌برانگیز نبود چون اولاً بالاخره آقای روحانی رای آورد، او رئیس‌جمهور ملت ایران است و باید با همه گروه‌ها تعامل کند و نشست بگذارد، به‌ویژه آنکه جامعه روحانیت مبارز خاستگاه سیاسی اوست. بر همین اساس معتقدم آقای روحانی تلاش کرد با جامعه روحانیت ارتباط برقرار کند. کم‌اینکه نشست‌های دیگری هم داشت و آن نشست‌ها محدود به جامعه روحانیت نبود. آقای روحانی نشست با گروهی از نمایندگان عضو فراکسیون ولایی درباره کابینه ترتیب داد، یعنی بالاخره این تعاملات در دستورکار او بود، بنابراین خیلی از نشست جامعه روحانیت مبارز و آقای روحانی تعجب نکردم.

اینکه می‌گویند آقای روحانی به خاستگاه سیاسی خود برگشته است، چنین تحلیلی را قبول دارید؟

▲ من از این زاویه به مسائل نگاه نکردم. برخی معتقدند آقای روحانی سال ۹۲ و بعد از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری، از خاستگاه اصلی سیاسی خود خارج شد و در جریان اصلاح‌طلبی قرار گرفت اما در مقابل کسانی هم هستند که می‌گویند آقای روحانی همان آقای روحانی قبل از سال ۹۲ است، به نظر شما آیا آقای روحانی از خاستگاه اصلی سیاسی‌اش خروجی داشته است که حالا سعی می‌کند به آن خاستگاه برگردد یا خیر؟

▲ من خودم معتقدم آقای روحانی خروجی نداشته

چون خیلی از موضع بالا با مجلس برخورد کرد. بالاخره این واقعیتی در جریان بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی بود. فراکسیون نمایندگان ولایی مجلس با دولت برای اعطای رای اعتماد به گزینه‌های پیشنهادی رئیس‌جمهور همکاری خوبی داشت چون اگر فراکسیون نمایندگان ولایی به بعضی وزرای موافق نمی‌داد قطعاً آنها امروز وزیر نبودند. در واقع رای موافق فراکسیون نمایندگان ولایی مجلس بود که باعث وزارت آن افراد شد. از طرفی همان‌طور که اشاره شد رئیس‌جمهور اخیراً نشست با جامعه روحانیت داشت و تبادل نظراتی میان آنها اتفاق افتاد. آقای روحانی چنین نشست را نیز با فرماندهان سپاه پاسداران برگزار کرد و تغییر موضع خیلی آشکاری در حمایت از سپاه صورت گرفت. یک دفعه موجی از حمایت سپاه پاسداران در دولت شروع شد. رئیس‌جمهور، معاونان و برخی وزرای که در دولت جایگاه‌شان شاخص‌تر است، همه از سپاه حمایت کردند. آقای روحانی در مقابل بیانات سخیف و نسنجیده و غیرمنطقی ترامپ در سازمان ملل و همین‌طور موضع‌گیری اخیر رئیس‌جمهور آمریکا درباره برجام، سکوت نکرد و خیلی صریح پاسخ داد. این موضع‌گیری‌ها با قبل متفاوت بود چون در گذشته شاهد بودیم وقتی رئیس‌جمهور فعلی یا قبلی آمریکا حملات تند می‌کردند، آقای روحانی خیلی عکس‌العمل نشان نمی‌داد اما این روزها مواضع متفاوت نسبت به گذشته را از آقای روحانی می‌بینیم. با این وجود اینکه چقدر معنای این اقدامات به معنای تغییر یا تعدیل مواضع تفسیر شود، معتقدم نیازمند بررسی بیشتر است.

آقای روحانی آن‌طور در انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم موضع‌گیری می‌کرد که حتی برخی اصولگرایان معتقد بودند او از خطوط قرمز نظام گذشته است اما امروز کار به اینجا رسید که اصلاح‌طلبان منتقد او شدند چون می‌گویند آقای روحانی کابینه را به میل اصولگراها بست. به نظر شما چه اتفاقی در حال وقوع است؟ آیا آقای روحانی محافظه‌کاری پیشه کرده است یا اصلاح‌طلبان زیاد خواه‌تر شدند، در واقع این اختلاف سلیقه بین آقای روحانی و جریان اصلاحات از کجا ناشی می‌شود؟ چون هرچه پیش می‌روند فاصله بین آقای روحانی و اصلاح‌طلبان بیشتر می‌شود.

▲ باید یک تفکیکی بین سطوح تعاملات قائل شویم.

از انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم حدود پنج‌ماه می‌گذرد اما در همین مدت با رویکردهای متفاوتی از آقای روحانی مواجه هستیم. او در زمان اوج تبلیغات انتخاباتی بیشترین فاصله را از جریان اصولگرا پیدا کرد، حتی جامعه روحانیت به عنوان خاستگاه سیاسی آقای روحانی از او فاصله گرفت و عضو دیگری از تشکیلات خود را تایید و حمایت کرد اما بعد از مدتی به‌ویژه وقتی مراسم تحلیف و تنفیذ برگزار شد، شاهد آقای روحانی متفاوتی بودیم. اخیراً نشست با حضور رئیس‌جمهور و اعضای جامعه روحانیت مبارز انجام شد. تصاویر نشست نشان می‌داد که دو طرف لبخند بر لب دارند و این مساله پالس‌های مثبتی را از همگرایی به جامعه منتقل می‌کند. ارزیابی شما از فضایی که آقای روحانی در آن قدم گذاشته و پیش می‌رود، چیست؟ امروز اصلاح‌طلبان با بیان نقدهایی به ترکیب کابینه دولت دوازدهم معتقدند رئیس‌جمهور محافظه‌کاری پیشه کرده و به همین دلیل هرچه زمان می‌گذرد، حمایت جریان اصلاحات از آقای روحانی در حال کمرنگ شدن است و در عوض نقدها و انتقادهایشان بیشتر و صریح‌تر می‌شود. آیا می‌توان گفت آقای روحانی تغییر مشی سیاسی داده است؟

▲ صحبت درباره این موضوع نیازمند توجه و اطلاع یافتن از جزئیات بیشتر است اما اینکه اصلاح‌طلبان انتقاداتی به دولت دارند، بله همین‌طور است، حتی من در جریان نشست مجلس برای بررسی صلاحیت و برنامه‌های وزرای پیشنهادی با برخی چهره‌های شاخص این جریان از جمله آقای عارف صحبت کردم و گفتم: «ظاهراً موضوع برعکس شده، ما اصولگراها از وزرای دولت مورد حمایت شما دفاع می‌کنیم اما شما اصلاح‌طلبان به وزرای پیشنهادی حمله می‌کنید. در حالی که باید برعکس باشد یعنی ما حمله کنیم و شما دفاع کنید.» همان‌طور هم که دیدیم در مجموع مخالفت جدی با وزرای پیشنهادی رئیس‌جمهور صورت نگرفت، البته یکی از وزرای پیشنهادی که منتسب به جریان تند اصلاح‌طلب بود، نتوانست حدنصاب آرای موافق برای وزارت را کسب کند اما این اتفاق به لحاظ سیاسی نبود بلکه او رای نیاورد شاید

دیگری به حال خود می‌کند، همانطور که در انتخابات ریاست جمهوری دیدیم آقای جهانبگیری خودش را به عنوان نامزد اصلاح‌طلبان در انتخابات معرفی کرد، یعنی منظورش این بود که «آقای روحانی نامزد اصلاح‌طلبان در ریاست جمهوری نیست» و گرنه این تفکیک صورت نمی‌گرفت. او گفت: «آقای روحانی رئیس من است اما من نماینده اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست جمهوری هستم.» معتقدم بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ آقای روحانی به عنوان یک شخصیت و فعال سیاسی همچنان نقش خود را ایفا خواهد کرد. این تغییر در موضعی که برخی مصداقش نیز مورد اشاره قرار گرفت کمک می‌کند، او به عنوان یک رجل سیاسی در عرصه سیاسی کشور بماند.

اما اینکه این رجل سیاسی کجا تعریف شود و کجا اثرگذاری داشته باشد مهم است. اثرگذاری آقای روحانی در جریان اصولگرایی بیشتر خواهد بود یا در اصلاح‌طلبی؟ چون شما قائل به جریان سومی به نام اعتدال نیستید؟

▲ ما جریانی به نام اعتدال نداریم، شاید طیف نزدیک به جریان آقای لاریجانی خیلی تلاش کرد بالاخره چیزی به نام جناح اعتدال را تعریف کند و به آن هویت دهد، یا آقای روحانی خیلی تلاش کرد تا به هر حال همان تفکرات دهه ۶۰ را به نمایش بگذارد که معتدلان باید بیابند و افراطی‌های دو طرف طیف نباید در صحنه باشند اما اینها هیچ کدام عینیت پیدا نکرد. حالا ما به تعبیر حضرت آقا اعتقاد داریم و معتقدیم باید به همان جریانات و جناح‌های انقلابی و غیرانقلابی هویت دهیم. اگر ما به دو جریان انقلابی و غیرانقلابی هویت دهیم، این تفکرات اصولگرایی معتدل، اصلاح‌طلب معتدل و... حل می‌شود چون دیگر در جریان انقلابی و غیرانقلابی، چپ و راست و اصولگرا و اصلاح‌طلب معنا پیدا نمی‌کند بلکه انقلابی‌گری یک شاخصه‌هایی دارد. این شاخص‌ها می‌تواند برای یک اصلاح‌طلب وجود داشته باشد یا در یک اصولگرا وجود نداشته باشد، بنابراین اگر حرکت به سویی باشد که جامعه جریانات سیاسی به انقلابی و غیرانقلابی تقسیم شود، فکر می‌کنم خیلی از کسانی که در رکاب نظام هستند، حرکت می‌کنند و پای اصول نظام و انقلاب می‌ایستند و لو زیر چتر اصلاح‌طلبی نقش ایفا کنند می‌توانند خیلی موثر باشند اما الان آن موضوع هویت ندارد یعنی همچنان بحث اصولگرا و اصلاح‌طلب است.

فکر می‌کنید آقای روحانی می‌تواند به جامعه روحانیت برگردد و آنجا تاثیرگذاری خودش را در عرصه سیاست داشته باشد؟ آیا این نشست پالسی به این سمت بود؟

▲ به هر حال این یک گام به پیش بود. یعنی همین اندازه که با جامعه روحانیت نشست برگزار می‌شود و سران جامعه روحانیت می‌نشینند و پیرامون مسائل مختلف با آقای روحانی گفت‌وگو می‌کنند، یک گام به پیش است.

چون آقای روحانی از سال ۸۸ تا امروز نشستی با جامعه روحانیت نداشت.

▲ خیر، نشستی نداشت. البته خود دولتی‌ها و کسانی که به آقای روحانی نزدیک هستند به این نشست‌ها این طور نگاه نمی‌کنند، آنها نگاه‌شان این نیست که آقای روحانی تغییر موضع داده است یا می‌خواهد به جامعه روحانیت مبارز تهران نزدیک شود یا برگردد به جامعه روحانیت، آنها نگاه‌شان به این نشست‌ها این است که رئیس‌جمهور باید از همه ظرفیت‌های کشور و از همه جریانات معتدل استفاده کند، بنابراین این نشست‌ها در راستای ایفای نقش ریاست جمهوری او است، نه نتیجه تغییر در مواضع و دیدگاه‌ها و تفکر سیاسی آقای روحانی. ▶

سیدحسین نقوی حسینی نشست روحانی با جامعه روحانیت مبارز را گامی به پیش می‌داند و معتقد است: «خاستگاه سیاسی روحانی از ابتدا نیز همین بود و هیچ تغییری نکرده است.» سخنگوی فراکسیون نمایندگان ولایی مجلس یادآور می‌شود: «روحانی بعد از انتخابات ریاست جمهوری می‌تواند به عنوان یک رجل سیاسی نقش آفرینی و اثرگذاری کند اما قطعاً لیدر جریان اصولگرا یا اصلاح‌طلب نخواهد بود.» این فعال سیاسی اصولگرا به تلاش‌های انجام شده برای ایجاد جریان سوم سیاسی در کشور اصالت نمی‌دهد و می‌گوید: «فقط دو جریان اصولگرا و اصلاح‌طلب در عرصه سیاسی کشور هستند و به رغم تلاش‌های روحانی و طیف لاریجانی، جریان سیاسی به نام اعتدال نتوانست شکل بگیرد.»

تاثیر انتخاباتی داشت چون در همه محاورات، جلسات، نشست‌ها و مجامع پیچید که فلانی به نفع نقوی کنار رفت. این خیلی تاثیر داشت، در حالی که مجموع رأی آن فرد محدود بود اما اثر روحی و روانی زیادی بر جای گذاشت، بنابراین کسانی که با عنوان اصولگرایان معتدل در انتخابات به حمایت از آقای روحانی پرداختند، اثر روانی روی جامعه می‌گذاشتند، شاید تعدادشان به اندازه انگشتان یک دست بود و ما چیزی به نام اصولگرایان معتدل نداریم اما اثر روانی روی جامعه داشت. این نقش انتخاباتی بود که ایفا شد، در حالی که آنها هیچ عقبه‌ای ندارند. بنابراین من بعید به نظر می‌آید که در حوزه اصولگرایی بشود انشقاقی ایجاد کرد که بخشی از آن را مثلاً آقای روحانی لیدری کند.

آینده سیاسی آقای روحانی را چطور می‌بینید، با توجه به اینکه می‌گویید جریان اصولگرایی یکدست است و امکان این وجود ندارد که آقای روحانی بتواند بیاید و قسمتی از این جریان را لیدری کند؟ طبیعتاً اصلاح‌طلبان او را از خودشان نمی‌دانند، بلکه کسی می‌دانند که به نوعی مجبور شدند زمان انتخابات ریاست جمهوری به سمتش بیایند؟ اما امروز دیگر اصلاح‌طلبان آن اجبار را مشاهده نمی‌کنند چون در حاکمیت اعم از دولت، مجلس و شورای شهر وارد شدند، یعنی آن نیازمندی که قبلاً در حاشیه بودند و می‌خواستند مستمسکی پیدا کنند تا به قدرت برگردند، دیگر وجود ندارد، با این توصیف آقای روحانی کجای عرصه سیاسی کشور قرار می‌گیرد؟ آیا سرنوشت آقای احمدی نژاد را پیدا می‌کند؟ یعنی حاشیه‌نشین خواهد شد و کسی او را تحویل نخواهد گرفت؟

▲ البته اینجا قابل مقایسه نیستند یعنی مسیری که آقای احمدی نژاد طی کرد و به اینجا رسید، مسیری نبود که اصولگرایان برایش رقم بزنند. یعنی اصولگرایان نگفتند «دوره دوم آقای احمدی نژاد تمام شد و دیگر نیازی به او نداریم چون بعد از این نمی‌تواند نقشی برای ما ایفا کند، بنابراین باید منزوی شود.» انصافاً این طور نبود، آقای احمدی نژاد خودش مسیری را طی کرد که مقابل اصولگرایی قرار گرفت و این مقابله هم بسیار شدید بود، بنابراین این روند را نمی‌شود با آنچه آقای روحانی دارد طی می‌کند مقایسه کرد.

اینکه آقای روحانی بعد از پایان دوره دوم ریاست جمهوری‌اش دیگر نمی‌تواند به عرصه ریاست جمهوری ورود کند حداقل برای دوره آینده نمی‌تواند این کار را انجام دهد، امری بدیهی است و قطعاً طیف‌های میانه، معتدل و افراطی اصلاح‌طلب فکر

است. آقای روحانی همان آقای روحانی گذشته بود و الان هم همان روحانی گذشته است چون من الان با آقای روحانی آشنا نشدم. حداقل از سال‌های ۶۲-۶۱ با او آشنا بودم. سال ۶۲ ما آقای روحانی را به ورامین دعوت کردیم و مراسمی را به مناسبت سالگرد شهیدان رجایی و باهنر و شهدای هشتم شهریور گرفتیم. آقای روحانی بعد از سخنرانی نشستی با فعالان سیاسی منطقه ورامین داشت. آنها بیشتر بچه‌های حزب جمهوری اسلامی بودند. من نیز آن زمان دبیر حزب جمهوری اسلامی در شهرستان قرچک بودم. آقای روحانی همین دیدگاه‌های امروز را داشت، یعنی آن موقع هم همین دیدگاه‌ها را بیان می‌کرد که با یک جناح و یک گروه نمی‌شود، کشور را اداره کرد. باید همه جریانات در اداره کشور حضور داشته باشند. یعنی آن موقع هم بر طبل اعتدال می‌کوبید، بنابراین فکر نمی‌کنم آقای روحانی تغییری کرده باشد اما در جریان دولتمداری و انتخابات، ائتلاف‌ها و اتفاق‌هایی رخ می‌دهد که طبیعی به نظر می‌رسد. بالاخره وقتی کسی وارد عرصه انتخابات می‌شود، لازم است یک جریان سیاسی از او حمایت کند و گروه‌هایی در زمان تبلیغات به میدان بیایند و نقش آفرین باشند یا گروه‌هایی به نفع او کنار بروند و انصراف بدهند تا سید آرایش به میزانی برسد که بر آرای رقیب غالب شود. در این صورت طبیعی است که شریک سیاسی پیدا می‌کند و شرکا را نمی‌شود حذف کرد یا نادیده گرفت، یعنی مجبور است در کابینه یا مدیریت‌ها جایگاه آنها را ببیند. بنابراین در دوران انتخابات این شرکت باعث شد، آقای روحانی از اصلاح‌طلبان، معتدلان و گروه‌های سازندگی استفاده کند.

یعنی آقای روحانی را فی‌الذات اصلاح‌طلب نمی‌دانید یا اینکه به طور موقتی در اردوگاه اصلاحات تعریف شده باشد، بلکه او را مصداق کسی می‌دانید که شریک سیاسی پیدا کرده و باید به شرکای خود نیز توجه کند؟

▲ بله من این طور به موضوع نگاه می‌کنم. من هیچ‌گاه آقای روحانی را در اردوگاه اصلاح‌طلبان تعریف نکردم.

اینکه می‌گویید آقای روحانی می‌خواهد لیدری جریان راست مدرن را بر عهده بگیرد تحلیل درستی است؟

▲ تا تعریف از راست مدرن چه باشد.

همین طیفی که آقایان روحانی، لاریجانی و ناطق‌نوری در آن حضور دارند.

▲ البته من از چپ و راست صحبت نمی‌کنم. من به اصولگرایی و اصلاح‌طلبی معتقدم جریان اصولگرایی هم در انتخابات اخیر ریاست جمهوری تقریباً یک جبهه واحد داشت و همه در این جبهه قرار گرفتند. با این توضیح نمی‌دانم آقای روحانی لیدر کدام جریان جبهه اصولگرایی می‌خواهد بشود.

یعنی نمی‌شود که یک قسمتی از جریان اصولگرا را جدا کند و همان گفتمان اعتدال را پیش ببرد؟

▲ من پیوستگی که در جریان اصولگرایی می‌بینم بعید به نظر نمی‌آید که بخشی از جریان اصولگرایی پذیرش این را داشته باشد که آقای روحانی لیدر آنها شود. درست است در انتخابات یک جمعی به نام اصولگرایان معتدل آمدند و یک ایفای نقش انتخاباتی کردند، اما آنها جریان نیستند و عقبه‌ای ندارند اما یک نقش انتخاباتی ایفا کردند چون حساسیت‌های انتخاباتی در دوران انتخابات زیاد است و اتفاق‌ها، اتحادها، انتزاع‌ها و تفرقه‌ها تاثیرات زیادی در انتخابات می‌گذارد. من تجربه این نوع حرکت‌ها را در انتخابات مجمل شورای اسلامی دارم. در دوره دوم مجلس یازدهم نامزدی از ورامین در صحنه انتخابات حضور پیدا کرد و یک تعدادی رأی محدود داشت اما بعد از مدتی به نفع من انصراف داد، این انصراف به نفع من شد و خیلی

تغییر هویت سیاسی

پس از درگذشت ابراهیم یزدی، دبیرکل سابق نهضت آزادی، تغییر و تحولات در حوزه اندیشه سیاسی جریان‌های سیاسی فعال در میدان رقابت آشکارتر شد. سوگ اصلاح‌طلبان برای دبیرکل نهضت آزادی قابل تأمل بود؛ جریان اصلاحات که خود را نماد خط امامی در دهه شصت می‌داند؛ مبتنی بر آیندتحلیلی این رویکرد باید نسبت به نهضت آزادی مرزبندی جدی داشته باشد. اما پس از پیروزی جریان اصلاحات در دوم خرداد ۱۳۷۶ مرزبندی این جریان با نهضت آزادی کاهش یافت و حتی پس از انتخابات ریاست جمهوری یازدهم به همسویی‌های تاکتیکی رسید. خوانش جدید اصلاح‌طلبان از کنش نهضت آزادی حکایت از هم‌آوایی استراتژیک دارد.

تاریخ سیاسی

تیتریک

از اسلام‌گرایی به سکولاریسم

چرا اصلاح‌طلبان به نهضت آزادی نزدیک شدند؟



هدف اصلاحات و نهضت آزادی
دموکراتیک سازی جامعه ایرانی است
گفت و گو با الهه کولایی
فعال سیاسی اصلاح طلب



اصلاح طلبان از نگاه ایدئولوژیک خود
عادل کرده اند
روایت نگرش جریان اصلاحات به
نهضت آزادی در گفت و گو با فیاض زاهد



راهبردهای خروج از بحران
واکاوی فصل مشترک استراتژی
نهضت آزادی و اصلاحات برای
خروج از بحران

حامد حسینی

روزنامه نگار

«جریان ملی مذهبی از سال ۷۶ به بعد در تعاملی عمیق با جریان اصلاحات آغاز شده قرار گرفت. در فرآیند این تعامل پیش داوری‌ها و فاصله‌های شکل گرفته از پیش از آن، به تدریج رنگ باخت. همسویی عملی پدید آمده در آغاز به تدریج به همدلی و همفکری و گفت و گو انجامید.» علیرضا علوی تبار از برجستگان فکری اصلاحات، پتک اول فروپاشی مرزبندی‌های ساختاری میان جریان اصلاحات و حزب نهضت آزادی را شکست نامزد جریان راست می‌داند؛ او اختلافات جدی فکری-سیاسی دهه ۶۰ را «پیش داوری» تعبیر می‌کند و از «همدلی و همفکری» دو دشمن پیشین در دهه ۹۰ روایت می‌کند. این قرابت سیاسی با هدف اعلامی مشخص بستر ساز تحولات جدی در آرایش سیاسی کشور خواهد شد، بنابراین در سه سطح پشیمانی ساختاری از رخدادهای اعمالی پیشین، وارونه سازی مفاهیم انقلاب اسلامی یا به حاشیه راندن آن و تمرکز مطالبات طبقاتی به مثابه پایگاه اجتماعی و سرمایه انسانی کنش‌های جمعی به بررسی چگونگی قرابت تفکری جریان اصلاحات با حزب نهضت آزادی می‌پردازیم.

❖ مختصات هویتی نهضت آزادی

مبارزه اعضای نهضت آزادی با رژیم پهلوی در چارچوب نرمالیزاسیون فضای حاکم در کشور بود؛ آنان فشار برای اجرای قانون اساسی از سوی محمدرضا پهلوی را مهم‌ترین پیروزی مبارزات قلمداد می‌کردند و چشم‌انداز اقدامات انقلابی از منظر رهبران نهضت آزادی رویایی دست‌نیافتنی بود و به همین خاطر انتظار باران داشتند ولی رخدادهای انقلاب اسلامی مانند سیلی در گستره خاکی ایران به راه افتاد. در مفصل بندی گفتمان نهضت آزادی، ملی گرایی به منزله اعتقاد به مکتب ایرانی و پافشاری بر مفهوم دولت-ملت از جایگاه مهم برخوردار بود. در میان مناسبات حاکم میان مفهوم ملی گرایی و اسلام خواهی به عنوان زیربنای الگوی رفتاری، ترجیح بر حفاظت و ارتقای جایگاه ملی گرایی است؛ در همین راستا مهندس مهدی بازگان اظهار داشت: «تشکیلات و پایه‌های اصلی نهضت را با کسب نظر از آقای دکتر محمد مصدق بنانهاده‌ایم... در مرانامه نهضت آمده است: ما مسلمان، ایرانی، تابع قانون اساسی مشروطه و مصدقی هستیم.» و این اصلی‌ترین مولفه تفاوت کارکردی نهضت آزادی با جریان اسلام خواه دهه شصت است. از سوی دیگر نهضت آزادی ایران به عنوان یکی از نمایندگان معتدل «گفتمان ملی گرایی مذهبی» به شمار می‌رود که مشخصه اصلی آن، نوعی برداشت و تفسیر حداقلی از اسلام و انقلاب اسلامی است؛ به همین سبب مفاهیمی مانند صدور انقلاب، رفع ظلم از مستضعفین جهان و... در این دستگاه گفتمانی نهضت آزادی قرار نمی‌گیرد و استنباط آنها از اصل نه شرقی نه غربی مترادف با اصل عدم تعهد و موازنه منفی و در نهایت تدافعی است و حتی مفاهیم جدی دهه اول انقلاب اسلامی مثل صدور انقلاب، به فائزنی انقلابی تعبیر می‌شد.

مهم‌ترین تقابل میان نهضت آزادی و جریان اسلام گرا، در تسخیر سفارت آمریکا رقم خورد و سرانجام

دولت موقت استعفا داد. بازگان طی یک سخنرانی با عصبانیت هر چه تمام‌تر و در صحبت‌هایی اتهام آمیز درباره دانشجویان پیرو خط امام این گونه موضع گیری کرد: «اسم خودشان را می‌گذارند خط امام؛ خط شیطانند اینها؛ اینهایی که افشا می‌کنند... آخر فلان شده‌ها... بی شرفند اینهایی که می‌گویند ما با آمریکا راه کج رفتیم و راه سازش رفتیم. اینها ضد انقلابند و مأمور همان آمریکا یا شوروی اند که می‌خواهند اختلاف ببندازند.» هرچند کارتر در کتاب خاطرات خود نوشت: «بازگان و اعضای کابینه‌اش که اکثر آنها تحصیل کرده غرب بودند، با ما همکاری داشتند. آنها از سفارت ما محافظت می‌کردند و از ژنرال فیلیپ سگاست که جای ژنرال هایزر را گرفته بود، مراقبت می‌کردند تا به دل خطر رفت و آمد کند و برای ما پیام‌های دوستانه‌ای می‌فرستادند.»

دومین تقابل جدی نهضت آزادی با جریان اسلام گرا در چگونگی ترسیم چشم‌انداز جنگ بود؛ در حالی که نهضت آزادی خود را جریانی ملی گرا معرفی می‌کرد ولی حضور نیروهای حزبی آنان در دفاع مقدس ثبت نشده است و به عبارت دیگر آنان از جبهه‌های دفاع از کیان ملت ایران قهر بودند. نهضت آزادی پس از فتح خرمشهر، تأکید بر پایان جنگ داشت؛ این جریان، وضعیت و شرایط کشور پس از فتح خرمشهر را چنین تحلیل می‌کرد: «ایران برای اعمال فشار بر عراق و تحقق شرایط خود، تدارک وسیعی دید و به قصد تسخیر بصره و استفاده از آن به عنوان اهرم فشار، حمله تهاجمی خود را آغاز کرد، اما حملات مزبور، نتیجه‌ای مطلوب به بار نیاورد و ایران نتوانست به اهداف خود دست یابد و در نتیجه، آثار روانی پیروزی خرمشهر و هزیمت ارتش عراق نیز از بین رفت.»

در راستای همین تحلیل، مهدی بازگان در یک سخنرانی تحت عنوان «تداوم و تحول انقلاب» که به مناسبت پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در دفتر نهضت آزادی ایراد کرد، مدعی شد که ادامه جنگ به سود آمریکا و سایر قدرت‌ها و در جهت منافع آنها و برخلاف مصلحت اسلام و مسلمانان است. او همچنین در کتاب «انقلاب ایران در دو حرکت»، به اختصار موضوع تداوم جنگ را مطرح کرد و ضمن اشاره به منافع اقتصادی و سیاسی ابرقدرت‌ها چنین نتیجه گرفت: «... تداوم جنگ، زمینه مطلوب مشترکی است که در داخل، بهانه و وسیله خوبی برای انحصار و اقتدار و در خارج، رونق اقتصادی و توفیق سیاسی به ابرقدرت‌ها می‌بخشد.» حتی فشارهای جدی به مسئولان جنگ از سوی اعضای این حزب صورت می‌گیرد، به نحوی که عزت‌الله سحابی درباره ملاقات خود با هاشمی اظهار داشت: «در خرداد سال ۱۳۶۱ پس از فتح خرمشهر،

جریان اصلاحات پس از فروپاشی شوروی، شاهد تحولات جدی در حوزه اندیشه سیاسی بود؛ آنان مانند نهضت آزادی پشیمانی ساختاری از رخدادهای اعمالی پیشین خود را در دستور کار قرار دادند؛ تسخیرکنندگان سفارت آمریکا از انقلاب دوم به روایت امام خمینی (ره) ابراز پشیمانی کردند

بنده با ایشان ملاقاتی کردم و استدلال کردم که این پیروزی به دست آمده، هم افتخار دارد و هم متضمن منافعی برای ایران است؛ به طوری که کشورهای عربی اصرار دارند که اگر صلح بشود، آنها هم کمک‌هایی به طرفین می‌کنند و جریان خسارات می‌نمایند؛ بهتر است از این موقعیت استفاده شود.» نهضت آزادی پس از فوت مهندس بازگان انحطاط حزبی پیدا کرد و با تغییرات رویکردی در اردوگاه چپ گرایان سپهر سیاست در تکاپو برای نزدیکی فکری با آنان برآمد. نهضت آزادی از پیش از انقلاب اسلامی تمرکز خود را بر طبقه متوسط جدید قرار داده بود و این روند ادامه پیدا کرد و عضوگیری‌های آنان از دانشجویان طبقات متوسط و متوسط به پایین بود. در سطح غیردانشجویی توانستند بازاریان روشنفکر را جذب کنند ولی در جذب طبقه فرودست و کارگران ناموفق بودند.

❖ تحول ساختاری در اصلاحات

جریان اصلاحات پس از فروپاشی شوروی، شاهد تحولات جدی در حوزه اندیشه سیاسی بود؛ آنان مانند نهضت آزادی پشیمانی ساختاری از رخدادهای اعمالی پیشین خود را در دستور کار قرار دادند؛ تسخیرکنندگان سفارت آمریکا از انقلاب دوم به روایت امام خمینی (ره) ابراز پشیمانی کردند و پس از جدال‌های جدی با بیت آقای منتظری کنار گذاشته شد و آمریکاستیزی جریان چپ به شوق آمریکارگرایی بدل شد. جریان اصلاحات هرگونه مطالبه خواهی مفاهیم انقلاب اسلامی مانند نهضت آزادی فائزنی انقلابی گری دانست و او از تعبیر روزرسانی شده مانند دلوپس و تندرو خودنمایی کرد. جریان اصلاحات در دهه شصت خود را داعیه دار مستضعفین می‌دانست، آنان حتی جریان راست دارای خصلت بازاری را اسلام آمریکایی معرفی کردند اما دهه ۹۰ آنان راه نهضت آزادی را در پیش گرفتند و تمرکز مطالبات طبقاتی به مثابه پایگاه اجتماعی و سرمایه انسانی کنش‌های جمعی را بر طبقه متوسط بنانهادند و هرگونه شعار عدالت خواهی را مساوی با پوپولیسم و چپ گرایانه توصیف کردند.

❖ فرجام سخن

«به ویژه وقوع جنبش سبز بخش‌های رادیکال تر جریان ملی-مذهبی را نیز با پیوستار بسیار گسترده اصلاح طلبی پیوند داد. دلیل کمتر دیده شدن جریان ملی-مذهبی در سال‌های اخیر فعالیت آنها در کنار پیوستار بزرگ اصلاح طلبی است.» بار دیگر به ادامه سخن علیرضا علوی تبار برگردیم؛ او از هم پیمانی دو طیف برای یک هدف روایت می‌کند؛ جریان ملی-مذهبی و جنبش سبز هر دو برای هدف براندازی-پنهان و آشکار-گام برداشته‌اند. طیفی از جریان اصلاحات که اصلی‌ترین عناصر کنشگران فتنه ۸۸ هستند؛ خواهان تکرار تاریخ به سبک حزب نهضت آزادی هستند؛ آنان خواهان وضعیت اپوزیسیونی نهضت آزادی با سبک حضور در سریر قدرت هستند. از سوی دیگر طیف هویت خواه جریان اصلاحات در وضعیت اقلیت قرار گرفته است؛ آنان توانایی ایستادگی در برابر آماج حملات تندروهای این جریان را ندارند. شاید تاریخ گواه آن باشد که حالا اصلاحات فرزند ناخوانده ابراهیم یزدی به دامان نهضت آزادی نزدیک می‌شود. ▶



اصلاح طلبان رادیکال فرزندان مهندس بازرگان هستند گفت و گو با محمدصادق کوشکی

محمد راوی

خبرنگار

این روزها ما شاهد آن هستیم که سیاستمداران و رسانه‌های اصلی جریان اصلاحات از افراد اصلی نهضت آزادی به عنوان الگو و اسطوره یاد می‌کنند؛ در حالی که پیش از این اصلاح طلبان از مخالفان حزب نهضت آزادی بودند؛ روند این مناسبات میان اصلاح طلبان و حزب نهضت آزادی چگونه بوده است؟

▲ مناسبات میان جریان‌ها و طیف‌های مختلف اصلاحات با حزب نهضت آزادی موضوع پیچیده و متنوعی است؛ باید به یاد بیاوریم جدی‌ترین صفت بندگی نیروهای انقلاب اسلامی با حزب نهضت آزادی، سرمقاله‌های آقای سید محمد خاتمی در روزنامه کیهان در دهه شصت بود و همچنین موضع‌گیری‌های آقای بهزاد نبوی علیه حزب نهضت آزادی بود که حتی تا سال‌های ۷۵-۷۴ نیز ادامه داشت. در شمارگان مختلف نشریه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در اواسط دهه هفتاد مطالب خیلی تند علیه حزب نهضت آزادی و مهندس بازرگان مشاهده می‌شد و بیانیه‌های شدیدالحن در قبال یکدیگر منتشر می‌کردند. بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶ به تدریج دیدگاه‌ها در هر دو طرفین تقابل تغییر کرد؛ اصلاح طلبان دریافتند که دیدگاه آنان با حزب نهضت آزادی نزدیکی و همخوانی دارد و به همین خاطر به تدریج به آنان نزدیک شدند. بخشی از بدنه افراطی جریان اصلاحات به‌طور جدی آرای نهضت آزادی را پسندیدند زیرا در آرای نهضت آزادی عدم اعتقاد به حکومت دینی، ترویج لیبرال دموکراسی و سکولاریسم وجود داشت و این رویکرد قربانت‌هایی جدی با تفکرات طیف افراطی اصلاحات داشت؛ این بخش زیر چتر حزب کارگزاران سازندگی قرار داشت و



۲ حزب نهضت آزادی از تشکیل تا الان دارای اندیشه یکسان بوده است ولی این اصلاح طلبان تندرو بودند که با رفتارهای سینوئی از حامیان شدید حکومت دینی به مخالفان آن بدل گشتند. پس از انتخابات ۸۸، طیفی از اصلاح طلبان افراطی روند حزب نهضت آزادی در برابر حاکمیت را پذیرفتند. محمدصادق کوشکی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران معتقد است که اصلاح طلبان مرز بندی پیشین خود در دهه شصت با نهضت آزادی را به فراموشی سپرده‌اند و پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ به یکدیگر نزدیک شده‌اند و مهم‌ترین عامل نزدیکی آنان گذار اصلاح طلبان تندرو از حکومت دینی بوده است. این استاد دانشگاه متناسب با چگونگی عملکرد اصلاح طلبان پس از فتنه ۸۸ معتقد است که آنان الگوی حضور نهضت آزادی را سرلوحه کنش سیاسی خود قرار داده‌اند و براندازی نرم با نفوذ در مراکز دانشگاهی را مدنظر قرار دادند.

افرادی در حد و اندازه عمادالدین باقی بودند. این افراد به نوعی الگوی سیاست‌ورزی خود را نهضت آزادی قرار داده بودند و بعد با حمایت مالی آقای کرباسچی شبکه‌ای از نشریات اصلاح طلبی را بنیان گذاری کردند و پس از مدتی ضریب نفوذ پرقدرتی در حوزه مطبوعاتی در میان اصلاح طلبان کسب کردند؛ این ظهور قدرت در حوزه رسانه از سوی افرادی مانند عمادالدین باقی به سبب فقر جدی در حوزه رسانه میان اصلاح طلبان بود؛ سپس این افراد با این عنوان که الگوی نهضت آزادی را باید الگوی

کنش اصلاح طلبی معرفی کنیم، اقدام به الگوسازی از شخصیت‌های شاخص حزب نهضت آزادی مانند آقایان مهندس بازرگان و ابراهیم یزدی کردند.

آیا شاهد کمک شاخه‌های دانشجویی اصلاحات

به سرعت بخشیدن به این تحول بودیم؟

▲ حضرت امام خمینی (ره) در اواخر عمرشان یک تذکر مهم دارند که در پیام معروف پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به صراحت بیان شده است. که جوانان اگر توسط جریان اصلی انقلابی روحانیت جذب نشوند؛ این خطر وجود دارد که به دام لیبرال‌ها سقوط کنند. ما این مساله را از سال‌های دوم خرداد ۱۳۷۶ شاهد بودیم و بخشی از گروه‌های تندرو اصلاحات مانند دفتر تحکیم و جدت هرچقدر از ابتدای دوم خرداد ۱۳۷۶ فاصله گرفته می‌شد، نزدیکی بیشتری به نهضت آزادی و افرادی مانند عزت‌الله سحابی که نگاه لیبرالی داشتند؛ پیدا می‌کردند، به نحوی که باند علی افشاری کاملاً سمپات و زیرمجموعه عزت‌الله سحابی شد؛ هرچند عزت‌الله سحابی رسماً عضو حزب نهضت آزادی نبود اما از لحاظ فکری ریشه‌های یکسانی داشتند و یک خانواده محسوب می‌شوند و شاهد یک قربات دیگر با نهضت آزادی هستیم و حتی شاخه دانشجویی اصلاحات ارادت ویژه به افکار نهضت آزادی پیدا کردند که علت اصلی آن فقر تئوریک در میان این افراد بود. اصلاح طلبان تندرو به صورت جدی حکومت دینی را نقد و اصطلاحاً دموکراسی‌سازی را خواهان بودند و الگوی لیبرال دموکراسی را الگوی مطلوب تلقی می‌کردند. این افراد به خاطر فقر تئوریک جدی و تناقض درونی فکری - که از یک سو اسلام را نمی‌توانستند کنار بگذارند و از سوی دیگر لیبرال دموکراسی را پذیرفته بودند راه حل آنان برای فرار از شرمساری درونی گرایش به حزب نهضت آزادی بود که به منزله راه برون رفت از بن بست تناقض اسلام و دموکراسی در نظر آنان خوانده می‌شد. هرچند اقدام و غلبه اصلی با حمایت جریان رسانه مورد حمایت آقای کرباسچی بود که به عنوان یک غول رسانه اصلاح طلب مروج نهضت آزادی بودند و تمایل داشتند با اسطوره‌سازی از افراد شاخص نهضت آزادی، همه اصلاحات را زیر این چتر قرار بدهند و حتی از این مسیر آقای حسن روحانی تیم‌اش را نیز جذب کنند.

راهبردهای خروج از بحران حزب نهضت آزادی با بیانیه وفاق ملی و اصلاح طلبان با راهبرد آشتی ملی به نحوی است که هر دو خواهان بازنامایی جامعه ایرانی و اگر آهستند و شاهد شکل‌گیری الگوی سیاست‌ورزی مشترک در میان هر دو جریان در قبال رخدادهای مهم هستیم؛ این کنش‌ها چگونه همسو شده است؟

▲ طیف‌های مختلفی در میان اصلاح طلبان وجود دارد؛ بخشی از آنان حکومت دینی را قبول دارند ولی طیف‌های افراطی که حکومت دینی را قبول ندارند و دین را یک امر شخصی و حکومت را یک امر انسانی می‌دانند، مخالف جدی حضور دین برای اداره جامعه هستند. این دسته از اصلاح طلبان پس از شکست در انتخابات ۸۸ به این نتیجه رسیدند باید با الگوی حزب نهضت آزادی اقدام کنند. نهضت آزادی پس از پیروزی انقلاب اسلامی وقتی که به این نتیجه رسید که توانایی کسب قدرت در جمهوری اسلامی را ندارد، تصمیم به نفوذ در دانشگاه‌ها و چهره‌هایی که در آینده در راس بدنه اجرای نظام قرار می‌گیرند، اتخاذ کرد تا از نفوذ یارکشی از این افراد به صورت آرام کشور را به سمت سکولاریسم هدایت کند؛ همان‌طور که در دوران اصلاحات نیز موفقیت‌های قابل توجهی کسب کردند. اصلاح طلبان افراطی نیز این روند حزب نهضت آزادی را پذیرفت. آنان با عناوینی مانند دوری از خشونت و حرکت‌های براندازانه مستقیم خواهان

هدف اصلاحات و نهضت آزادی دموکراتیک سازی جامعه ایرانی است

گفت‌وگو با الهه کولایی

پس از درگذشت مهندس بازرگان، مرحوم ابراهیم یزدی دبیرکل حزب شدند؛ برخی از تحلیلگران معتقدند که ایشان با رویکرد عملگرایانه برای نجات حزب به جریان اصلاحات نزدیک شدند؛ از سوی دیگر برخی از تحلیلگران عدول اصلاح طلبان از مبانی دهه شصت خود را که منجر به مرزبندی دقیق با نهضت آزادی می‌شد را عامل این نزدیکی سیاسی می‌دانند؛ شما کدام تحلیل را قبول دارید؟

▲ پیش فرض این سوال را قبول ندارم؛ هم اصلاح طلبان و هم نهضت آزادی، هر دو برای اجرای قانون و پیشبرد هدف دموکراتیک سازی تلاش خود را تنظیم کردند؛ هرچند تفسیر نهضت آزادی در قبال قانون اساسی جمهوری اسلامی نسبت به چپ‌های اولیه و فعال در دهه شصت تفاوت‌های جدی داشت ولی در روند تحولات پس از انقلاب، تفسیر انسانی و به روز از آرمان‌های انقلاب اسلامی در متن قانون اساسی باعث شد هر دو گروه بر ضرورت‌های دموکراتیک سازی ایران تمرکز کنند و در مقطعی شاهد تاکید هر دو جریان بر این امر در جامعه ایرانی بوده‌ایم.

مناسبات حاکم میان نهضت آزادی و جریان اصلاحات را چگونه ارزیابی می‌کنید، برخی معتقدند که نهضت آزادی هضم در جریان اصلاحات خواهد شد و برخی دیگر از همسویی اصلاحات با راهبرد نهضت آزادی سخن می‌گویند؟

▲ نهضت در جریان‌های دیگر جذب و هضم نخواهد شد؛ چون نهضت آزادی دارای سابقه و پیشینه مبارزاتی و فعالیت‌های فراوانی است و به نظرم افرادی که یاران و همکاران دکتر یزدی هستند تلاش خود را برای تدویم تفسیرهای روشنفکرانه و روشنگرایانه از دین و برای پاسخ دادن به نیازهای انسان‌های عصر ما از محتوای دین ادامه خواهند داد؛ هرچند ممکن است در مناسبات دین و سیاست خوانش‌های جدید ارائه بدهند، بنابراین نهضت آزادی در جریان‌های دیگر حل نخواهد شد و به حیات خود ادامه خواهد داد. ►

۳ الهه کولایی، نماینده مجلس ششم و عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت ایران معتقد است که تفکرات مرحوم ابراهیم یزدی با گردهم‌آیدهای سیاسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی همخوانی نداشت و از نظر این عضو دفتر سیاسی حزب مشارکت، هر دو جریان اصلاحات و حزب نهضت آزادی برای دستیابی به یک هدف مشترک به هدفی کانونی رسیدند. الهه کولایی با توجه به خاستگاه حزب نهضت آزادی، معتقد است که نهضت کماکان به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

مرحوم ابراهیم یزدی در قامت کنشگری سیاسی و روشنفکری دینی نقش آفرینی کردند؛ فعالیت ایشان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

▲ آقای دکتر یزدی از مبارزینی بود که در تمام طول عمر با عزت خود برای دفاع از دین و آزادی تلاش کردند. ایشان اسلام را به عنوان مبنای فعالیت‌های سیاسی خود همواره در نظر داشت و بر همین اساس می‌کوشید تا چارچوب‌های دینی را برای زندگی و نیازهای مردم مورد بهره‌برداری قرار دهد. در طول زندگی خود در فرازو نشیب‌های بسیاری چه قبل از انقلاب و چه پس از آن تجربه کردند و همواره این پایبندی به اسلام را نشان دادند و سیاستمداری دین‌دار و دین‌باور در زندگی سیاسی خود بودند. ایشان هرچند بین انقلابیون دوران ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی فردی تاثیرگذار و شناخته شده بود اما در جریان‌های توفان‌های انقلابی سعی کردند تا عقلانیت و عملگرایی را در رفتارهای سیاسی خود برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی مدنظر قرار بدهند و کوشیدند از روش‌های شناخته شده سیاسی بین‌المللی در ایجاد ارتباط با جامعه جهانی بهره بگیرند و بر همین اساس در قامت وزیر امور خارجه دولت موقت از ظرفیت‌های ایران انقلابی استفاده کردند؛ اما جریان انقلاب و سرعت و شدت آن به نحوی بود که با رویکرد و نگرش ایشان چندان تناسبی نداشت.

براندازی نرم از درون دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه هستند و حتی تلاش‌های جدی برای جذب نیرو از میان طلاب انجام دادند و در همین راستا از براندازی مستقیم، حمله عیان به ولایت فقیه و نهادهای انقلابی سخن نمی‌گویند. خواهان ترویج افکار لیبرالیسم و سکولاریسم و تشویق جامعه به سمت دموکراسی با الگوی غربی و با شعارهای مانند وحدت، ائتلاف و هم‌زیستی... هستند تا از این طریق جایگاه خود را محکم کنند و در تکاپو هستند که بتوانند در یک پروسه میان مدت حکومت را کاملاً از درون استحاله کنند و جمهوری اسلامی در پوسته و نظام لیبرال دموکراتیک در هسته و بطن به دست بیاورند.

آنان بسیار تلاش می‌کنند جامعه عرفی را شکل بدهند؛ اجرا و رعایت شریعت در جامعه ایرانی را به سمت حذف ببرند و حتی از روحانیون طرفدار این طیف نیز استفاده می‌کنند تا به اقدامات خود یک رنگ فقهی بزنند؛ همچنین در تاریخ اسلام نیز با تحریف مفاهیم اصلی آن، تشکیل حکومت دینی را مردود قلمداد می‌کنند. این افراد در تکاپو هستند که در مبارزه سیاسی مستقیم با حاکمیت اقدامات مستقیم و خشن انجام ندهند. پس از شکست این طیف در سال ۸۸ آنان به دنبال نفوذ سیمپات‌های خود در مجلس شورای اسلامی، شورای شهر و روستا و دانشگاه‌ها هستند.

برخی از تحلیلگران سیاسی مانند آقای علوی تبار معتقدند که بعد از ۷۶ سال شاهد فروپاشی اختلافات میان اصلاحات و نهضت آزادی هستیم و پس از یک دهه در رخدادهای پس از انتخابات ۸۸ همسویی کامل میان آنان رخ داد و پس از آن ما شاهد قرار گرفتن نهضت آزادی زیر چتر گفتمان اصلاحات هستیم؛ آیا این سطح تحلیل مورد قبول است؟

▲ نهضت آزادی از ابتدای شکل‌گیری تا امروز حکومت دینی را قبول نداشته است و لیبرال دموکراسی را به شکل خاص به عنوان الگوی حکومتی و ارزش لیبرال دموکراسی را مهم تلقی کرده و همچنین معتقدند که دین امر شخصی است. چهره‌هایی مانند مهندس بازرگان از ابتدای تشکیل نهضت آزادی چنین رویکردهایی داشتند و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بر آن پافشاری کردند اما اصلاح طلبان پس از ۴۰ سال به این نتایج رسیده‌اند؛ بعضی از این اصلاح طلبان طرفداران جدی حکومت دینی بودند و حالا به نظر ۵۰ سال پیش آقای بازرگان رسیدند. نهضت آزادی از دیدگاه دست برداشته است بلکه اصلاح طلبان بودند که از حمایت حکومت دینی منحرف شدند و به آقای بازرگان رسیدند. به‌زاد نوی که دشمن نهضت آزادی بود به این نتیجه رسید که بازرگان درست می‌گوید و آنان اشتباه می‌کردند هرچند موضوع را به صراحت مطرح نمی‌کنند، چون به غرورشان برمی‌خورد. در عمل حزب نهضت آزادی از تشکیل تا الان دارای اندیشه یکسان بوده است ولی این اصلاح طلبان تندرو بودند که با رفتارهای سینوسی از حامیان شدید حکومت دینی به مخالفان آن بدل شدند.

برخی از تحلیلگران با چنین همسوهای نظری - سیاسی معتقدند اصلاح طلبان فرزندان آقای ابراهیم یزدی هستند؛ چنین تعبیری برای برآیند همسویی فکری مناسب است؟

▲ من به این شکل قبول ندارم؛ فرزندان فکری مهندس بازرگان طیف‌های مختلفی هستند؛ اصلاح طلبان افراطی فحلی و مافیای رسانه اصلاح طلبان که زیر نظر آقای کرباسچی حمایت می‌شوند؛ همه فرزندان فکری مهندس بازرگان هستند. ►





راهبردهای خروج از بحران

واکاوی فصل مشترک استراتژی نهضت آزادی و اصلاحات برای خروج از بحران

مسعود پورسیدی

خبرنگار

۴ جریان‌ها و احزاب سیاسی در روند رقابت حاکم برای کسب، حفظ یا ارتقای قدرت نیازمند تاکتیک‌ها و استراتژی‌های هدفمندی هستند. در راستای رقابت‌های سیاسی، برخی از جریان‌ها و احزاب، مبتنی بر برداشت‌ها از قدرت پایگاه اجتماعی خود یا هدایتگری قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای گام‌هایی در جهت ضدیت با حاکمیت برمی‌دارند. راهبرد خروج، ضدیت و اقدام علیه حاکمیت همواره با پیروزی همراه نیست. سازمان منافقین در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ با برآیند غیرواقعی از قدرت پایگاه اجتماعی‌اش در جامعه ایرانی با چراغ سبز دولت‌های غربی شورشگری در قبال نظام اسلامی را خط مشی اصلی خود قرار داد ولی به طور کامل شکست خورد.

یکی از مولفه‌های سخت‌شناسی پیرامون همگرایی، تقارن یا الگوبرداری جناح‌ها و احزاب سیاسی از یکدیگر تشخیص چگونگی عملکرد آنان در مواجهه با بحران‌های سیاسی است؛ مشاهده و شناسایی مشکل، تحلیل و جست‌وجو در خصوص علل و سپس راهکار تاکتیکی یا راهبردی برای خروجی بحران اصلی‌ترین مولفه‌های تصمیم‌گیری نیروهای فکری آنان محسوب می‌گردد. در این یادداشت به صورت موجز به چگونگی قرابت و انکس نهضت آزادی و اصلاحات در مواجهه با بحران‌ها می‌پردازیم؛ به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان تندرو خواهان گرته‌برداری سیاسی از کنش سیاسی نهضت آزادی هستند.

■ نهضت آزادی؛ وفاق ملی

حزب نهضت آزادی در زیست سیاسی ۵۶ ساله خود فراز و نشیب‌های زیادی را تجربه کرده است؛ آنان فقط چند

توجه به موقعیت استراتژیک ایران هم قابل پیش‌بینی و هم قابل پیشگیری به موقع می‌باشد و می‌توان برای احتراز از آن تدابیری اندیشید. «نهضت آزادی بدون بازخوانی علل عدم اجازه قانونی برای فعالیت این حزب، وفاق ملی را تعبیر به عدم تحدید فعالیت سیاسی خود دانستند و در ادامه نوشتند: «تفسیر نادرست از قانون اساسی و قانون احزاب و به رسمیت نشناختن بعضی از احزاب قانونی، منجر به عدم امکان فعالیت طبیعی و سالم احزاب سیاسی معترض یا خارج از حاکمیت گردیده که خود یکی از موانع جدی پیشرفت جریان وفاق است. رفع این موانع لازمه موفقیت وفاق ملی به مفهوم «همه با هم» است.»

در انتهای این بیانیه با وجود آنکه بارها سخن از وفاق ملی شد ولی مخالفان سیاسی خود را خردگرای معرفی می‌کند و در بند انتهای آن ذکر شده که «نهضت آزادی ایران گفت‌وگو کردن با احزاب و گروه‌های سیاسی با دیدگاه‌ها و مواضع مختلف و حتی متضاد را سازش نمی‌داند. بنابراین آمادگی خود را برای گفت‌وگوهای چندجانبه با تمام گروه‌ها و احزاب سیاسی، اصلاح‌طلبان درون و بیرون حاکمیت، محافظه‌کاران خردگرا یا خردگرای و حتی خشونت‌گرایان اعلام می‌نماید و آن را شرط اجتناب‌ناپذیر وفاق ملی می‌داند.»

اهداف نهضت آزادی از ایده وفاق ملی در واقع عدم پذیرش مسئولیت سیاسی در قبال اقدامات خارج از چارچوب قواعد سیاسی جمهوری اسلامی، ایجاد تصویرسازی بحران را در کشور و مقصود دانستن حاکمیت برای انسداد سیاسی بود.

■ اصلاحات؛ آشتی ملی

بدنه اصلی جریان اصلاحات پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم گام‌های خود را همسو با جریان برانداز قرار دادند و پس از گذشت چند سال هیچ گونه برائت جمعی از اقدامات غیرقانونی خود انجام ندادند. فقدان حضور اثرگذار مرحوم هاشمی رفسنجانی در عرصه سیاست‌ورزی و نگرانی‌ها پیرامون وضعیت دولت از اصلی‌ترین وضعیت پیرامون اصلاح‌طلبان برای طرح ایده آشتی ملی بودند. رئیس دولت اصلاحات معتقد است که شرایط کشور به نحوی است که بهترین موقعیت برای آشتی ملی در کشور حکم فرما شده است؛ بنابراین «هیچ‌کس نباید در گذشته بماند» و از سوی دیگر مصطفی تاج‌زاده در تبیین آشتی ملی آن را «احیای همان شعار «همه با هم» ابتدای انقلاب و زنده کردن شعار «ایران برای ایرانیان» عصر اصلاحات معرفی می‌کند.

تاج‌زاده آشتی ملی را مانعی برای رخدادهای فاجعه‌آمیز می‌داند و نوشته است: «ایده «آشتی ملی» به نظر من آن است که مانع تنها برای حل مشکلات موجود، بلکه برای جلوگیری از وقوع مسائل جدید نیز نیاز به جراحی‌های بزرگ در عرصه‌های مختلف داریم که انجام‌شان مستلزم وفاق ملی است و هیچ‌کدام از جناح‌ها به تنهایی قادر به تحمل این بار بزرگ نیست. به بیان روشن برای اینکه پلاسکوهای دیگری فرونریزد و... باید به تفاهمی عمومی برسیم و بر اساس آن بتوانیم از تجربه، دانش و استعداد همه نیروها بهره‌مند شویم.»

اصلاح‌طلبان تندرو در الگوگیری سیاسی از نهضت آزادی ایده آشتی ملی را برای عدم پذیرش مسئولیت سیاسی در قبال اقدامات خارج از چارچوب قواعد سیاسی جمهوری اسلامی پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم و عدم توبه جمعی، ایجاد تصویرسازی بحران را در کشور که حل آن نیازمند همگرایی عمومی است و مقصود قلمداد کردن حاکمیت برای زیست بحران بیان کردند. ▶

ماه در سریر قدرت بودند و عسرت از نهادهای قدرت ویژگی اساسی این حزب است. پس از درگذشت مهدی بازرگان در سال ۱۳۷۳ نهضت آزادی در شرایط سختی قرار گرفت؛ نهضت آزادی برای پیشبرد اهداف خود نیازمند فردی آشنا به مناسبات جدید در جمهوری اسلامی بود؛ در این میان دکتر ابراهیم یزدی مناسب‌ترین گزینه بود. کنشگری ابراهیم یزدی نسبت به دبیر کل سابق عمل‌گرایانه‌تر بود.

نهضت آزادی در دهه هشتاد با بحران درونی مواجه شد ولی با تیزهوشی آن را به اختلافات سیاسی گره زد. بحران هویت آنان بر اثر فقدان تولید فکر پس از فقدان مهندس بازرگان، بحران مشارکت آنان در ناسازی تشکیلاتی به دلیل عدم کادرسازی و تربیت نیرو و حضور افراد به صورت انتقال نسلی و خویشاوندی و بحران مشروعیت برای حضور در عرصه رقابت سیاسی از دهه شصت تا آن مقطع زمانی تشدید گردید.

نهضت آزادی برای برون‌رفت از بحران فزاینده در هشتم تیرماه ۱۳۸۱ بیانیه‌ای تفصیلی در ضرورت «وفاق ملی» منتشر کرد. آنان وفاق ملی را زیربنایی برای بحران‌های داخلی و خارجی ارزیابی کردند و در همین راستا نوشتند: «برای برون‌رفت از این وضعیت نامطلوب بحران‌های اجتماعی، انسداد سیاسی و تهدیدات و خطرات خارجی، دوراه حل اساسی وجود دارد. در محور داخلی، کاهش تشنج‌های سیاسی با قبول ضرورت وفاق ملی با همه پیش‌نیازها و الزامات اجتناب‌ناپذیر آن و تمرکز امکانات همه نهادها و نیروها بر حل مسائل اجتماعی اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی جامعه.

در محور خارجی، ضروری است نگرش تصمیم‌گیرندگان به مناسبات سیاسی بین‌المللی، به‌خصوص بعد از رخداد شهریور ۱۳۸۰ تغییر نماید و سیاستی متناسب به منظور بهره‌گیری از تمام امکانات داخلی و بین‌المللی اتخاذ گردد. این گونه تهدیدها با

همه اصلاح طلب ها خط امامی نیستند

گفت و گو با حجت الاسلام هادی غفاری

محمد راوی

خبرنگار

کش و شاقول نمی توان افراد را از دایره آن خارج کرد؛ در جریان اصلاحات از من تا فلان آقا که خیلی به مبانی دینی اعتقاد ندارد؛ وجود دارد. اصلاح طلبی غیر از وفاداری به خط امام است، وفاداری به خط امام یکی از ویژگی های اصلاح طلبان است. از طرفی خط امامی ها همه اصلاح طلب هستند چون امام خمینی (ره) اصلاحات در جامعه را می خواستند ولی همه اصلاح طلب ها خط امامی نیستند.

گویا طیف غیر خط امامی علاوه بر کم رنگ سازی مفاهیمی مانند استکبارستیزی در اصلاحات؛ خواهان الگوسازی از نهضت آزادی هستند و حتی افرادی مانند آقای حجاریان برای سران نهضت آزادی فضل تقدم نسبت به رئیس دولت اصلاحات و حسن روحانی قائل هستند.

▲ نظرات آقای حجاریان برای خودشان خوب است و من این را قبول ندارم. ضمن اینکه برای آقای یزدی و آقای بازرگان احترام قائل هستم اما بحث من خط امام صرف است، بنابراین من این را تذکر بدهم، علت اینکه متأسفانه بین اصلاح طلبان چنین اندیشه هایی پیدا شده کج رفتاری های اصولگرایان بوده است؛ وقتی اصولگرایان به جنگ اصلاح طلبان آمدند؛ همه ارزش ها را له کردند بنابراین اصلاح طلبان واکنش نشان دادند و سراغ نیروهای کاملاً لیبرال رفتند اگر اصلاح طلبی را آزاد بگذارند یقیناً اصلاح طلبان خط امامی فکری پیشروتر و آرمان گرایی بهتری دارند؛ آرمان گرایی که نجات انسان است و نه آرمان گرایی کلیسایی؛ آرمان گرایی اسلامی زلال است و از این طریق مشکلات مردم را حل می کند و به آزادخواهی آنان پاسخ مثبت می دهد. اگر به ما اصلاح طلبان خط امام اجازه بدهند؛ مردمی تر می اندیشیم و اهل رانت و فساد و اهل مخفی کاری نیستیم و خواهان الگوی حکومت حضرت علی (ع) متناسب با مقتضیات زمان هستیم. ►

▲ هادی غفاری، عضو شورای مرکزی مجمع نیروهای خط امام به مخالفت و درگیری های فیزیکی با نمایندگان نهضت آزادی در مجلس شورای اسلامی مشهور است؛ هرچند او معتقد است به صورت آقای صباغیان سیلی نزده است. حالا پس از سه دهه از آن رخدادها، دلیل قربایت اصلاح طلبان به الگوی فکری نهضت آزادی را سختگیری سیاسی اصولگرایان در رقابت می داند؛ او حتی خطر اصولگرایان برای خط امام را از اصلاح طلبان لیبرال بیشتر تلقی می کند.

فرزندان معنوی آنان در دهه ۷۰ هم این روند را ادامه دادند؛ آیا آنان به دنبال اجرای نص امام خمینی (ره) بودند یا جنگ قدرت و تکاپو برای حذف رقیب بود؟

▲ بحث حذف سیاسی مطرح نبود؛ ما می خواستیم یک انقلاب زلال داشته باشیم که در آن صرفاً ایدئولوژی اسلامی حکومت کند. ایدئولوژی که مداخله می کنیم، ایدئولوژی چماق نیست بلکه ایدئولوژی آزادی خواهی است؛ یا به تعبیر دقیق تر الهیات رهایی بخش، غیر از الهیات تحجر است. ما دنبال این الهیات خالص بودیم که امام خمینی (ره) می فهمید و آن را اعلام می کرد.

بنابراین با توجه به نص امام خمینی (ره) باید اصلاح طلبان که خود را خط امامی می نامند؛ پس از فوت دبیرکل نهضت آزادی رفتار دیگری داشته باشند ولی آنان، آقای ابراهیم یزدی را اسوه سیاست ورزی معرفی کردند و حتی از نحوه برخورد با آنان ابراز پیشیمانی کردند؛ این تغییرات چگونه رخ داده است؟

▲ جریان اصلاحات یک جبهه است و با یک خط

یکی از محوری ترین منازعات در دهه ۶۰ اختلافات فکری جریان چپ اسلامی که خود را نماینده خط امام (ره) معرفی می کردند با حزب نهضت آزادی به نمایندگی از جناح لیبرال بود؛ اصلی ترین محور مناقشه چه مواردی بود؟

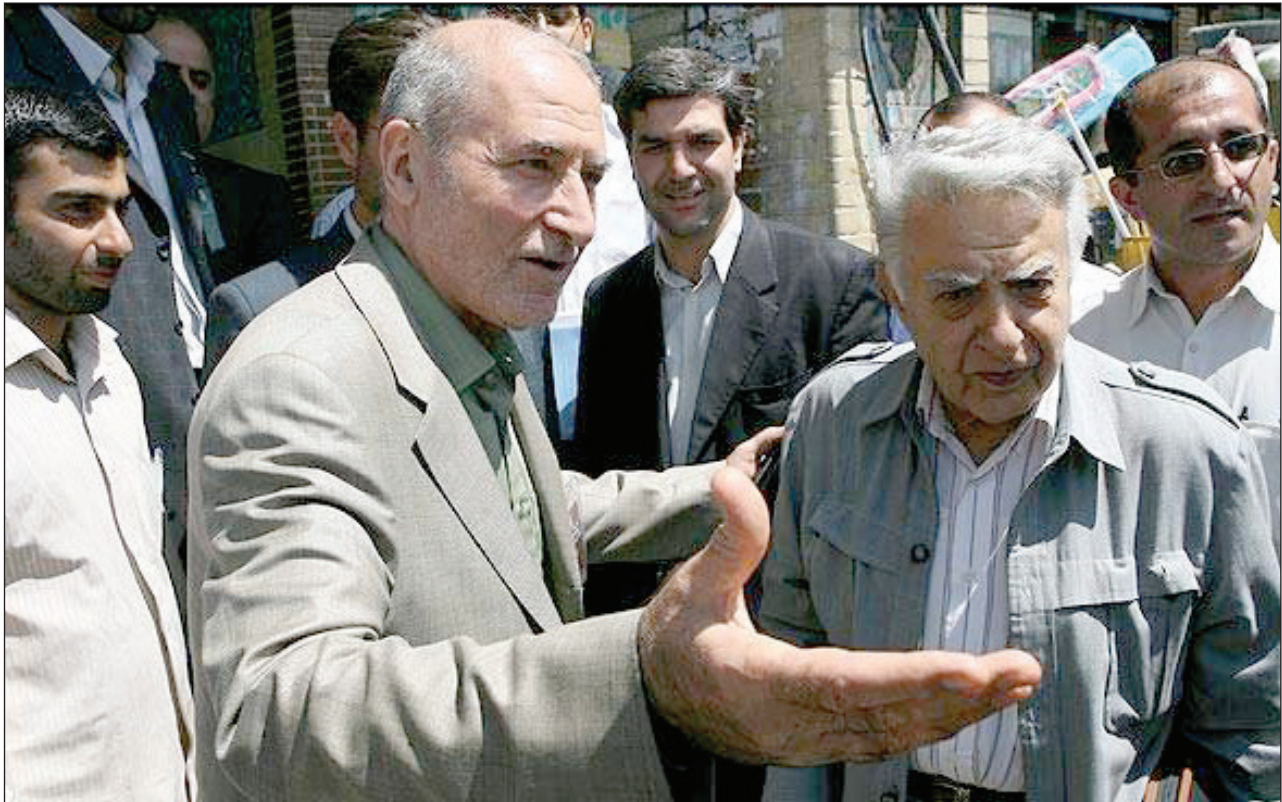
▲ انقلاب سال ۱۳۵۷ ارتباط ارگانیک با حرکت های قبلی که در ایران رخ داد؛ نداشت. یعنی با فعالیت های نهضت ملی ایران در دوره آقای مصدق و آقای کاشانی و حتی مشروطه در بحث تکامل، اهداف متفاوت بود.

مردم در زمان مشروطیت فقط عدالت خانه می خواستند؛ با نظام سلطنت کاری نداشتند و در مشروطیت اصلاً بحث ایدئولوژیک به معنای خاص آن مطرح نبود و همان طور در نهضت ملی شدن نفت مبانی فکری شاهنشاهی با وجود رگه هایی از آزادی خواهی همچنان باقی بود، ولی در انقلاب اسلامی ایران محتوا و شکل آن متفاوت با رخدادهای پیشین بود.

نهضت سال ۵۷ یک نهضت کامل بود؛ در این نهضت مفاهیم استقلال و آزادی بیان می شد و دو عنصر اصلی مبارزه با استبداد داخلی و طرد استعمار خارجی ویژگی انقلاب بود. عمده ترین مشکل در اقدامات، دوستان و عزیزان مادر نهضت آزادی یا به تعبیر آن روزها لیبرال ها، ایستایی و ماندن در سال ۱۳۳۲ بود؛ آنها فکر می کردند که امام خمینی (ره)، آقای کاشانی و آنان در جایگاه مصدق هستند، درحالی که این گونه نبود. از سویی اختلاف دیگر بحث ولایت فقیه و نگاه امام خمینی (ره) به آن بود که ما از آن دفاع می کردیم.

سران مجمع روحانیون مبارز در مقابله با نهضت آزادی در دهه ۶۰ پیشرو بودند و حتی





اصلاح طلبان از نگاه ایدئولوژیک خود عدول کرده‌اند

روایت نگرش جریان اصلاحات به نهضت آزادی در گفت‌وگو با فیاض زاهد

محمد راوی

خبرنگار

مجمع روحانیون مبارز به عنوان پدر معنوی جریان اصلاحات در دهه ۶۰ و همچنین چپ مدرن با نمایندگی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در دهه ۷۰ حملاتی جدی به منش و مرام حزب نهضت آزادی داشتند؛ چنین مرزبندی‌ای تابع چه مولفه‌ای بود؟ رویکردهای ایدئولوژیک با رقاقت برای کسب و حفظ قدرت بود؟

▲ درواقع اختلاف‌های ایدئولوژیک، اختلافات تاریخی و سیاسی سه عصری هستند که باعث می‌شد که جریانی که سال‌های بعد به نام اصلاحات موسوم شد؛ با طیف‌های چپ سنتی و چپ مدرن با نهضت آزادی دچار مشکل شوند. از منظر تاریخی، نهضت آزادی وارث دولت پس از انقلاب بود و روش عمل نهضت آزادی شبیه به امروز اصلاح طلبان بود، یعنی آنها معتقد به تغییرات تدریجی و گام به گام بودند و خودشان را شبیه ماشین‌های سواری در برابر ماشین‌های سنگین راه‌سازی می‌دانستند؛ که درواقع استعاره و یا طعنه به روش‌های انقلابی بود. طبیعی بود که مثل همه جای دنیا حداقل براساس مدل‌های برینگتون در کالبدشکافی ۴ انقلاب نوشته است، معمولاً ابتدا پس از سقوط رژیم‌های سابق دولت‌های میانه‌رو به قدرت می‌رسند و در برخورد با مطالبات و شرایط ایستای دوسویه قرار می‌گیرند از یک طرف جامعه‌ای که می‌خواهد همه چیز را یک‌شبه حل کند و از طرفی نهادها و سازمان‌هایی معمولاً شرایط موجود را حفظ کنند و معمولاً آنها اولین قربانی‌های انقلاب‌ها هستند.

از منظر تاریخی جریان‌های چپ به دلیل اینکه

۶ فیاض زاهد، از تحلیلگران اصلاح طلب سپهر سیاست کشور معتقد است که اختلافات سیاسی و فکری دهه ۶۰ جریان اصلاحات با حزب نهضت آزادی با حاشیه‌نشینی اصلاحات از قدرت و تغییرات فکری آنان منجر به رقابت در سال‌های آتی شده است. این فعال سیاسی تغییرات فکری جریان اصلاحات را جدی می‌داند به نحوی که معتقد است که اصلاح طلبان نباید از منظر هویت سیاسی آنقدر تنزل کنند که قابل شناسایی نباشند و برای حفظ هویت سیاسی خواهان معرفی گزینه اصلاح طلب برای انتخابات ۱۴۰۰ است.

در دسته‌بندی نیروهای انقلابی قرار می‌گرفتند؛ نمی‌توانستند نهایت تحلیل نهضت آزادی را بپذیرند. از منظر ایدئولوژیک چپ‌ها درواقع به سوسیالیست‌ها تنه می‌زدند درحالی که نهضت آزادی نگرش لیبرالی داشت و طرفدار بازار آزاد و ارتباط با جامعه بین‌الملل بود. گفتمان چپ در آن سال‌ها عملاً تحت تأثیر گفتمان‌های آنتی بورژوازی بود و به‌رغم اینکه با مارکسیسم‌ها تفاوت ایدئولوژیک و ساختاری داشتند اما در تحلیل‌شان از جهان نسبت به امپریالیسم، فرهنگ بورژوازی و مفهوم آزادی بیان و حقوق بشر تفاوت بنیادین داشتند؛ از آنجایی که چپ‌ها مخصوصاً چپ‌های سنتی و حتی چپ‌های مدرن گفتمان غالبشان گفتمان عدالت محور به جای آزادی محور بود؛ به‌طور طبیعی تعارض‌های جدی نسبت به نهضت آزادی داشتند. زیرا اعضای حزب نهضت آزادی دارای گفتمان لیبرال هستند و به حقوق بشر، آزادی بیان،

انتخابات آزاد و ارتباط معقول با کشورهای غربی بها می‌دادند. از منظر سیاسی طبیعتاً اینها رقیب محسوب شدند؛ جریان چپ دنبال فرصتی بود که قدرت را کامل در اختیار بگیرد و در مقابل آنان نهضت آزادی را یک رقیب قدرتمند می‌دانستند. از نظر من این سه عامل سبب شد که بعد از حادثه اشغال سفارت آمریکا که توسط چپ‌ها طراحی و اجرا شد، عملاً نهضت آزادی در یک خطای راهبردی سپهر سیاسی در ایران قهرکند و برای مدت‌های طولانی از صحنه کنار برود.

تغییرات رویکردی جریان اصلاحات نسبت به نهضت آزادی پس از فوت آقای ابراهیم یزدی پررنگ‌تر شد و حتی برخی از سیاستمداران اصلاح طلب، از دیرباز نهضت آزادی به‌مثابه الگوی سیاست‌ورزی مناسب یاد کردند. این فروپاشی مرزبندی‌های دهه ۶۰ چگونه رخ داد؟

▲ پس از دهه ۶۰، گذشت زمان، تجارب تاریخی و نسلی سبب شد که نگاه اصلاح طلب‌ها نسبت به نهضت آزادی تغییرات بنیادی داشته باشد. این رویکرد ناشی از تغییرات جدی در چندین حوزه تحلیلی بود. از یک منظر جریانات چپ تجربه‌هایی را پشت سر گذاشتند که پیش از آن خودشان برای نهضت آزادی رقم زده بودند و آن حذف رقیب از صحنه سیاسی با ابزارهای قدرت نه از طریق افکار عمومی بود. هرچند در ابتدای انقلاب اسلامی افکار عمومی با روش‌های لیبرالی نهضت آزادی زیاد موافق نبود و باید متصفانه به این برداشت افکار عمومی در دهه ۶۰ اشاره کرد؛ اما وقتی چپ‌ها با نظرات استصوابی و روش‌های مختلف از صحنه کنار گذاشته شدند، فرصت مطالعه پیدا کردند و تجربه‌های تاریخی را مورد بازبینی

ملی اهمیت دارد؛ حتی در شرایط خاص اگر این منافع ملی با شخصیت‌های غیر اصلاح طلب تأمین گردد. آنچه حزب کارگزاران سازندگی در قالب استراتژی و ایدئولوژی مطرح کردند؛ همیشه این نگرانی را ایجاد می‌کند که بین راهبرد استراتژی با ایدئولوژی شاهد پدیده فرصت‌طلبی سیاسی و تجدیدنظرطلبی باشیم. اصلاح طلبان نباید از منظر هویت سیاسی آن قدر تنزل کنند که قابل شناسایی نباشند.

در شرایط تنزل هویت و عبار اصلاح طلبی حتی گزینه‌هایی مانند علی لاریجانی برای خروجی این ائتلاف نام برده می‌شود!

▲ آنچه از سوی کارگزاران پیرامون برتری استراتژی بر ایدئولوژی طرح شده است؛ چه از سوی یک فرد یا از کل حزب بیان شود؛ فرقی در این موضوع که در جریان اصلاحات از نظر سیاسی، تشکیلاتی و ایدئولوژیکی قدرت پردازش و تولید بالاست که ما قادر به ارائه چهره‌ها و برنامه‌های جدید خواهیم بود. ما تابع نظر عمومی هم‌فکرهایمان خواهیم بود و جریان اصلاح طلب با توجه به سال ۱۴۰۰ تصمیم خواهد گرفت، هر تصمیمی معنایش آن نیست که ما ایدئولوژی را فدای استراتژی یا استراتژی را فدای ایدئولوژی کرده‌ایم و یا در یک معامله آشکار به سمت تجدیدنظرطلبی سوق پیدا کرده‌ایم.

آقای عارف و آقای جهانگیری نسبت به آقای علی لاریجانی در اردوگاه اصلاح طلبان شخصیت‌های جذاب‌تری هستند که امکان رای‌آوری و ارتباط با افکار عمومی دارند. اما در شرایط فعلی فقدان گفتمان انتقادی با دولت، اصلاحات را تهدید می‌کند. از آنجایی که افکار عمومی ما را مسئول تحقق این دولت می‌داند، این دولت در انتخاب وزیران نگرانی‌هایی را در افکار عمومی ایجاد کرده است و جامعه این شرایط را برآیند تصمیم اصلاحات حساب خواهد کرد و آن وقت دیگر لازم نیست در سال‌های آتی ما کاندیدای خوب و خوب‌تر و یا بد و بدتر داشته باشیم، آن موقع ما از منظر افکار عمومی فاقد مرجعیت برای تصمیم‌گیری آنان هستیم حتی اگر یک کاندیدای برجسته سیاسی مطرح کنیم. ►

تغییراتی کردند، شما نمی‌توانید در تحلیل این گونه فرآیندهای ایدئولوژیک فکری و سیاسی تک‌عاملی و تک‌بعدی و یک‌طرفه تحلیل کنید، بیشتر به تعصب و نوعی فرقه‌گرایی شبیه می‌شود. من فکر می‌کنم که اصلاح طلب‌های امروز کمتر تناسبی با خودشان در دهه ۶۰ دارند و تغییراتی نیز در نگرش نهضت آزادی رخ داده است. در واقع هر دو طرف از آن خط‌کشی‌های سیاه‌وسفید به سمت خط‌کشی‌های خاکستری تمایل پیدا کردند و این به نظر من یک فرآیند مطلوبی است که سیاست مطلق صورت نگیرد و حتی اصلاح طلب‌ها و نهضت آزادی می‌توانند به گروه‌های راست نزدیک بشوند. در سخنرانی آقای ترامپ یک نمونه آن را دیدیم؛ وقتی موضوع تهاجم و ارزش‌های عمومی کشور مطرح شد، همه در یک سطح مقابله قرار گرفتند.

با وجود چنین تغییرات فکری، حزب کارگزاران خواهان عبور از ایدئولوژی و اصالت بخشیدن به استراتژی است. گویا اصلاح طلبان برای حفظ قدرت در حال شکل‌دهی به ائتلافی از نهضت آزادی تا اصولگرایان حامی دولت هستند. با این شرایط آیا هویت اصلاح طلبی به‌مانند دهه پیشین شاهد تغییراتی جدی است؟

▲ این فرض که الان اصلاح طلب‌ها در قدرت هستند؛ شبیه لطفه است. اصلاح طلبان هیچ سهمی در قدرت ندارند. همین اصلاح طلب‌ها ماشین سیاسی و روانی رقیب را چپ کردند چون قدرت اجتماعی این کار را دارند بنابراین کسی را که می‌خواستند و یا فکر می‌کردند در شرایط موجود انتخاب ملی و به نفع منافع کشور است؛ به مردم توصیه کردند؛ آقای روحانی انتخاب اول و آخر ما نبود، ولی انتخاب معقول و درستی بود و به این انتخاب هم راضی هستیم، اگر دوباره به ۹۲ برگردیم مجدد از آقای روحانی حمایت می‌کنیم به‌رغم پرازیت‌هایی که از اطرافیان ایشان دیده می‌شود؛ انتخاب ما راهبردی و درستی بود.

نکته بعدی اینکه برای جریان اصلاحات حفظ منافع

قرار دادند؛ به نظر می‌آید اصلاح طلب‌ها متوجه شدند که آن روش پیشین برای کسب قدرت نامناسب بود. قدرت گرفتن باید با تکیه بر اعتماد افکار عمومی، ارائه مانیفست و ارائه الگوهای فکری - سیاسی جدید باشد؛ هم‌اکنون این مشکل بین اصولگرایان وجود دارد؛ اگر صدها انتخابات برگزار گردد، تا زمانی که اصولگراها در خودشان تغییر ایجاد نکنند؛ رای نخواهند آورد و فقط می‌توانند با دوپینگ‌های انتخاباتی رای بیاورند. در سال‌های آینده این اتفاق جریان چپ، برای اصولگرایان رخ خواهد داد.

از سوی دیگر نگرش ایدئولوژیک چپ‌ها هم تغییر پیدا کرد؛ نگاه آنها نسبت به غرب، حقوق بشر، انتخابات آزاد و نسبت به کنش‌های مدنی و تغییرات تدریجی نسبت به گذشته تغییر پیدا کرد. گفتمان انقلابی را تغییر دادند، مدل‌های نقد گریانه جایگزین روش‌های پرخاشگریانه شد، جنگ مسلحانه جای خودش را به روش‌های پارلمانتاریستی داد. از سوی دیگر پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی هرگونه تفاسیر ایدئولوژیک و نگرش سیاه‌وسفید به جهان را با ابهام جدی روبه‌رو کرد. در واقع طرفین نسبت به تحلیل وضعیت موجود وضع مشترکی پیدا کردند؛ یعنی هر دو از قدرت اخراج شدند و از طرفی شروع به گفت‌وگو با جریان‌های مختلف فراتر و فروتر از خودش کردند و این فرصتی فراهم شد که با نهضت آزادی به یک درک مشترک برسند اما این درک مشترک از وضعیت موجود به‌منزله اینکه اصلاح طلب‌ها در تمام موارد با حزب نهضت آزادی مسائل‌شان را حل و فصل کردند؛ نیست.

اینکه می‌گویید با وجود فروپاشی مرزبندی آهین دهم شصت همچنان مسائلی میان نهضت آزادی و اصلاح طلبان وجود دارد؛ در شرایط فعلی وجوه افتراق میان این دو جریان در چه محورهایی است؟

▲ در انتخاب چهره‌های سیاسی در رهبری جریان اصلاح گریانه، در اولویت‌های دسترسی به اهداف و در نوع نگاه به حکومت دینی همچنان میان اصلاح طلبان و نهضت آزادی تفاوتی وجود دارد.

افراد نزدیک به حزب اتحاد ملت و نیروهای فکری اصلاحات مانند آقای علوی تبار برای عدم پذیرش تغییرات در نگرش اصلاح طلبان، از نقش آفرینی حزب نهضت آزادی در گسترده فضای نقشه راه اصلاح طلبی به‌خصوص پس از رخدادهای ۸۸ سخن می‌گویند؛ اما از آن سو حامیان نهضت آزادی راهبردهای اصلاحات مانند آشتی ملی را بازنشر راهبرد وفاق ملی آنان در دهه ۸۰ می‌کنند، به عبارتی اصلاح طلبان از نگرش خود عدول نکردند یا نهضت آزادی یک بازیگر کمکی اصلاحات در سپهر سیاست کشور برای رسیدن به اهداف پیدا کرده است. در این میان این دو رویکرد کدام یک به واقعیت صحنه سیاست کشور نزدیک‌تر است؟

▲ اصلاح طلب‌ها در یک حوزه‌هایی از نوع نگاه ایدئولوژیک پیشین خود عدول کرده‌اند و از سوی دیگر نهضت آزادی هم به چارچوب‌های جدیدی رسیده‌اند، یعنی این رخداد در هر دو جریان به وقوع پیوسته است. در طول این سال‌ها در مواضع فکری و الگوی رفتاری بسیاری از سیاستمداران و جریان‌های سیاسی جابه‌جایی‌هایی صورت گرفته است. همان‌طور که علی لاریجانی امروز، علی لاریجانی برنامه چراغ و هویت نیست، ناطق نوری امروز، ناطق نوری سال ۷۶ نیست، آقای احمدی‌نژاد برای افراد حزب اللهی و ارزشی همان احمدی‌نژاد سال ۸۴ نیست.

طبیعتاً اصلاح طلب‌ها و نهضت آزادی



نگرش ایدئولوژیک چپ‌ها نسبت به غرب، حقوق بشر، انتخابات آزاد و نسبت به کنش‌های مدنی و تغییرات تدریجی نسبت به گذشته تغییر پیدا کرد

ضد برجام

نکته قابل تاملی که در خصوص قانون کاتسا وجود دارد، حمایت نمایندگان و سناتورهای هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه از آن است. این در حالی است که سران هر دو حزب اصلی آمریکا به خوبی می دانند که اجرایی شدن قانون کاتسا، به مثابه نقض توافق هسته‌ای است. در مرداد ماه امسال، مجلس نمایندگان آمریکا با ۴۱۹ رای موافق و تنها ۳ رای مخالف، طرح تحریم‌های ایران، روسیه و کره شمالی را تصویب کرد. این طرح نسخه اصلاح شده طرحی بود که پنجشنبه ۲۷ خرداد ۹۶، در سنای آمریکا به بهانه آنچه که مقابله با اقدامات ثبات‌زدای ایران نامیده می‌شد، با ۹۸ رای به تصویب رسیده بود.

تیتریک

ائتلاف جمهوری خواهان و دموکرات‌ها علیه برجام

رابطه کاتسا با طرح کاتن - کورکر چیست؟

اصلی‌ترین اهداف کاخ سفید و کنگره، اجرایی کردن قانون کاتسا در میان هیاهوی کنگره بر سر نحوه مواجهه با «ظاهر توافق هسته‌ای» است. به عبارت بهتر، مقامات آمریکایی در صددند اجرایی شدن کاتسا را موضوعی عادی در قبال ایران جلوه داده و با توجه به تمرکز رسانه‌ها بر پدیده‌ای موازی به نام «بررسی برجام در کنگره» آن را در حاشیه قرار دهند. این در حالیست که اجرایی شدن قانون مادر تحریم‌ها نیز مترادف با خروج ایالات متحده از برجام است.

همکاری دموکرات‌ها و جمهوریخواهان در تصویب قانون کاتسا

نکته قابل تاملی که در خصوص قانون کاتسا وجود دارد، حمایت نمایندگان و سناتورهای هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه از آن است. این در حالی است که سران هر دو حزب اصلی آمریکا به خوبی می دانند که اجرایی شدن قانون کاتسا، به مثابه نقض توافق هسته‌ای است. در مرداد ماه امسال، مجلس نمایندگان آمریکا با ۴۱۹ رای موافق و تنها ۳ رای مخالف، طرح تحریم‌های ایران، روسیه و کره شمالی را تصویب کرد. این طرح نسخه اصلاح شده طرحی بود که پنجشنبه ۲۷ خرداد ۹۶، در

قبال سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران است. عمده تمرکز طرح تحریمی و ضدبرجامی اخیر هیات حاکمه آمریکا که به «کاتسا» معروف شده است، روی توان دفاعی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی و ضربه زدن به نیروهای مسلح ما معطوف شده است؛ طبق این طرح اشخاص دخیل در برنامه موشکی بالستیک ایران و کسانی که با آنها داد و ستد دارند، مورد تحریم قرار می‌گیرند. همچنین مطابق با طرح مزبور، مسئولان سپاه پاسداران و مرتبطین آنها نیز با ادعای واهی و مضحک حمایت از تروریسم در لیست تحریم قرار می‌گیرند. آنچه در این طرح قابل تامل است این است که طبق بندی از آن، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک سازمان تروریستی قلمداد می‌شود! این طرح رئیس‌جمهور آمریکا را ملزم می‌کند به فاصله حداکثر ۹۰ روز بعد از اجرایی شدن آن، تحریم‌هایی را علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و اشخاصی که در زمره مقامات، پرسنل یا وابستگان این سازمان هستند، اعمال کند.

مقامات ارشد نیروهای مسلح کشورمان صراحتاً اعلام کرده‌اند که اجرایی شدن قانون کاتسا توسط ایالات متحده آمریکا، به معنای خروج یکجانبه واشنگتن از توافق هسته‌ای تلقی خواهد شد. بدیهی است که یکی از

اگرچه برخی رسانه‌های آمریکایی در صددند میان «کاخ سفید» و «کنگره» بر سر تقابل با برجام تمایز قائل شوند، اما شواهد و مستندات گویای موجود نشان می‌دهد که سنا و مجلس نمایندگان آمریکا در حال تکمیل پازل ترامپ در مواجهه مطلق با توافق هسته‌ای هستند. در این میان، از یک سو شاهد ارائه طرح مشترک «کاتن - کورکر» با هدف تغییر توافق هسته‌ای هستیم، طرحی که در راستای اجرای خواسته‌های برجامی رئیس‌جمهور آمریکا و در هماهنگی با کاخ سفید تهیه و تنظیم شده است. از سوی دیگر، قرار است طرح موسوم به مادر تحریم‌ها که توسط کنگره آمریکا و با رای اکثر سناتورهای دموکرات و جمهوریخواه به تصویب رسیده است، در همین هفته توسط کاخ سفید اجرایی شود. بدیهی است که اجرایی شدن قانون کاتسا، مترادف با خروج رسمی ایالات متحده آمریکا از برجام خواهد بود. از این رو نباید تصور کرد که «قانون کاتسا» و «طرح کاتن - کورکر» دو پدیده مستقل و غیرمرتبط در قبال ایران محسوب می‌شوند.

قانون کاتسا چه می‌گوید؟

اصلی‌ترین هدف قانون کاتسا ایجاد محدودیت در

تاکتیک بازی با واژه‌ها
به بهانه ارائه طرح «کاتن - کورکر»



دوگانه‌ای که اصالت ندارد
انتخاب میان لغو برجام و تغییر برجام



ایران بر سر قدرت سپاه پای میز مذاکره نخواهد نشست
فلاحیت پیشه در گفت‌وگو با ماثلت

سنای آمریکا به بهانه آنچه که مقابله با اقدامات ثابت‌زدای ایران نامیده می‌شد، با ۹۸ رأی به تصویب رسیده بود. این طرح که به سبب گستردگی دایره شمول، «تحریم‌های مادر» نام گرفت و با عنوان «کاتسا» نیز شناخته می‌شود، به جهت برخورداری از بار مالی حتما باید مورد تأیید مجلس نمایندگان آمریکا نیز قرار می‌گرفت؛ سرانجام مجلس نمایندگان با هدف افزودن بندهای مربوط به تحریم کره شمالی، طرح تازه‌ای را در این رابطه تصویب کرد.

آنچه در جریان بررسی طرح مادر تحریم‌ها رخ داد نیز در نوع خود قابل تأمل بود در جریان بررسی این طرح در مجلس نمایندگان آمریکا، «ادرویس»، رئیس کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا، ایران را به حمایت از تروریسم و نقض حقوق بشر متهم کرد؛ همچنین «استنی هویر»، قانون‌گذار دموکرات تأکید کرد که تصویب طرح تحریم‌های ایران، این کشور را برای توسعه برنامه موشکی بالستیک خود تحت فشار خواهد گذاشت. «سیسیلینی» نماینده کنگره آمریکا هم این تحریم‌ها را ناقض برجام ندانست و حتی گفت که این طرح تحریمی برجام را تقویت می‌کند. زیرا به متحدانمان نشان می‌دهد که ایالات متحده با نقض قوانین بین‌المللی برخورد می‌کند.

این در حالی بود که برنی سندرز، سناتور ایالت ورمونت و یکی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ ایالات متحده آمریکا تأکید کرد که این اقدام (تصویب طرح کاتسا و تبدیل شدن آن به قانون) توافق هسته‌ای با ایران را در معرض خطر قرار می‌دهد.

طرح ضدبرجامی «کاتن - کورکر» در سنای آمریکا

در کنار قانون کاتسا، سنای آمریکا در صدد تدوین و تئوریزه کردن خواسته‌های برجامی دونالد ترامپ است. کنگره ایالات متحده آمریکا نیز به مانند کاخ سفید، در راستای مواجهه با توافق هسته‌ای و خروج از آن خیز برداشته است. تام کاتن و باب کورکر از مدت‌ها قبل از سخنرانی ترامپ از سوی کاخ سفید مأمور شده بودند تا طرحی را برای اصلاح برجام (مطابق منافع کاخ سفید) را تهیه کرده و پس از نطق ترامپ، آن را در اختیار سناتورها و اعضای مجلس نمایندگان قرار دهند. از این رو طرح کاتن - کورکر، معطوف به زمان پس از سخنرانی اخیر ترامپ در خصوص برجام نبوده است. طرح جدیدی که نمایندگان مجلس سنا برای تغییر برجام پیشنهاد داده‌اند خواستار ابدی سازی محدودیت‌های ایران در برجام، بازگشت خودکار تحریم‌ها علیه ایران و بازرسی از سایت‌های نظامی است.

رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در سخنرانی چند روز پیش درباره ایران راهبرد جدید واژگن در قبال ایران و برجام را ترسیم کرد و از نمایندگان کنگره آمریکا خواست قوانین داخلی این کشور برای نظارت بر برجام را تغییر دهند. همزمان با سخنرانی رئیس‌جمهور آمریکا دو نماینده ارشد جمهوریخواه از طرحی رونمایی کردند که خواستار بازگرداندن خودکار تحریم‌ها علیه ایران، در صورت تخطی این کشور از محدودیت‌های جدید تعیین شده در همین طرح است. خبرگزاری آسوشیتدپرس نوشته، طرح «کورکر - کاتن» الزاما توافق هسته‌ای را نقض نمی‌کند! اما می‌تواند در نهایت با ملزم کردن ایران به شرایط جدیدی که مورد موافقت قبلی این کشور قرار نگرفته، توافق را از

مسیر خود خارج کند.

واقعیت امر این است که برخلاف ادعای آسوشیتدپرس و دیگر رسانه‌های وابسته به جریان حاکم در آمریکا، اعمال شدن هر یک از مفاد طرح «کاتن - کورکر» به مقابله نقض عینی توافق هسته‌ای با ایران محسوب می‌شود. در طرح «کورکر - کاتن» مکانیسم بازگشت‌پذیری تحریم‌ها علیه ایران تسریع و تشدید شده است. پیش‌نویس طرح سناتورها، آمریکایی، معیارهایی را که می‌توانند به بازگشت تحریم‌ها علیه ایران منجر شوند گسترده‌تر کرده‌اند. از جمله این معیارها که می‌توانند به بازگشت تحریم‌ها علیه ایران منجر شوند، این موارد هستند: ساخت یا استقرار کلاهک‌های قابل نصب به روی موشک‌های بالستیک قاره‌پیما و یا آزمایش پروازی این موشک‌ها؛ هر گونه تلاش برای تبدیل سکوها یا پرتاب موشک‌های ماهواره به پرتاب‌کننده‌های موشک‌های بالستیک قاره‌پیما و «هر گونه فعالیت مخفیانه برای دستیابی به مواد هسته‌ای یا تجهیزات لازم برای تولید مواد هسته‌ای از خارج از ایران».

همان گونه که مشاهده می‌شود، طرح «کاتن - کورکر» که به نظر می‌رسد از حمایت بسیاری از سناتورها برخوردار شود، به مقابله نقض عینی برجام محسوب می‌شود. در برجام، مکانیسم بازگشت تحریم‌ها به گونه‌ای دیگر (بسیار محدودتر) تعریف شده است. از سوی دیگر، در این طرح، میان فعالیت‌های موشکی ایران و فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان نوعی پیوند مستقیم ایجاد شده است. این در حالی است که در همان سال ۱۳۹۴ و در جریان برگزاری ادوار آخر مذاکرات هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱؛ اساسی‌کی از شروط پذیرش توافق هسته‌ای توسط ایران، عدم ایجاد ارتباط میان برجام و توان موشکی جمهوری اسلامی ایران بود. اما هم‌اکنون در طرح مشترک «کاتن - کورکر» این قاعده نقض شده است.

خطر رسانه‌ای آمریکا در قبال قانون «کاتن - کورکر»

مروری بر خط تحلیلی و خبری رسانه‌های آمریکایی در قبال طرح ارائه شده از سوی دو سناتور افراطی حزب جمهوریخواه، در نوع خود قابل تأمل است. در این خط خبری، مغایرت عینی این طرح با متن صریح برجام (خصوصاً بندهای مفاد مربوط به چگونگی بازگشت تحریم‌ها) نادیده انگاشته شده است. به عنوان مثال، آسوشیتدپرس گزارش داده است که هدف از این طرح، برطرف کردن مفادی است که کاخ سفید و مخالفان برجام در آمریکا از آن به عنوان «نقایص» توافق هسته‌ای یاد می‌کنند.

لازم به ذکر است که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا اعلام کرده است که به دولت خود دستور داده تا با همکاری کنگره و متحدان آمریکا، برطرف کردن «نقایص جدی» برجام را آغاز کنند. ترامپ در این خصوص عنوان کرده است: «من به دولت‌م دستور داده‌ام تا با همکاری نزدیک با کنگره و متحدانمان، نقایص بسیار جدی این توافق را برطرف کنند. در صورتی که نتوانیم با کنگره و متحدانمان به توافق برسیم، برجام لغو می‌شود». هم‌اکنون رسانه‌های آمریکایی از طرح دو سناتور افراطی، به عنوان طرحی یاد می‌کنند که ناقض توافق هسته‌ای با ایران نیست و در عین حال، دغدغه‌های

رئیس‌جمهور آمریکا در آن در نظر گرفته شده است! این در حالیکه طرح ارائه شده از سوی «کاتن - کورکر» نقض صریح برجام محسوب می‌شود. با این حال، مساله به این نقطه نیز ختم نمی‌شود! طرح جدید قانونگذاران آمریکا به علاوه دارای بندهایی جدید درباره «زمان گریز» هسته‌ای ایران است. منظور از این زمان، مدت زمانی است که ایران در صورت لغو برجام برای انباشت مواد هسته‌ای لازم جهت ساخت یک سلاح هسته‌ای نیاز دارد. برجام، زمان گریز ایران را یک سال تعیین کرده و سناتورها، آمریکایی، شرایط جدیدی را مشخص کرده‌اند که با متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران، این زمان را برای مدت‌های نامعلوم در این حد نگاه می‌دارد. خبرگزاری آسوشیتدپرس نوشته این طرح عملاً محدودیت‌های ایران در زمینه غنی‌سازی اورانیوم، ذخیره‌سازی مواد هسته‌ای و راه‌اندازی برای دستگاه‌های سانتریفیوژ را دائمی می‌کند.

طرح «کاتن - کورکر» در خصوص بازرسی از اماکن نظامی چه می‌گوید؟

یکی دیگر از مواردی که در طرح دو سناتور افراطی مورد توجه قرار گرفته، بازرسی از اماکن نظامی ایران است. طرح کاتن - کورکر در صدد است که در صورت امتناع ایران از اعطای دسترسی‌های لازم به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بازرسی از سایت‌های این کشور، از جمله سایت‌های نظامی، این کشور را ناقض توافق هسته‌ای اعلام کند! به عبارت بهتر، اگر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از ایران درخواست بازرسی از اماکن نظامی را بدهد و ایران با این تقاضا مخالفت کند، در این صورت ایالات متحده آمریکا می‌تواند نقض توافق هسته‌ای از سوی ایران را اعلام کرده و تحریم‌های یکجانبه علیه کشورمان را دوباره اعمال کند!

یکی دیگر از مواردی که در طرح کورکر و کاتن مورد توجه قرار گرفته، بند موسوم به غروب آفتاب است. این بند، یکی از مواردی است که ترامپ تأکید دارد باید مورد بازبینی قرار گرفته و عملاً ابطال شود. کورکر و کاتن به علاوه محدودیت‌های جدیدی علیه ایران وضع کرده‌اند که خواستار از بین بردن کامل بندهای موسوم به «غروب آفتاب» یا بندهای زوال‌پذیر توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ هستند. رژیم صهیونیستی و منتقدان برجام در آمریکا در ماه‌های گذشته این انتقاد را مطرح کرده‌اند که برخی از محدودیت‌های ایران در زمینه غنی‌سازی و کار با سانتریفیوژها ظرف ۱۰ تا ۱۵ سال بعد از اجرایی شدن توافق هسته‌ای از بین می‌روند. آنچه مسلم است اینکه طرح کنگره ایالات متحده آمریکا در قبال برجام، به معنای خروج واشنگتن از توافق هسته‌ای و ابطال برجام محسوب می‌شود. در این معادله، تفاوتی میان کاخ سفید و سناتورها، آمریکایی وجود ندارد. با این حال، به نظر می‌رسد رسانه‌های وابسته به هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه در صددند ضمن حمایت از این طرح، آن را مغایر با برجام جلوه ندهند! استدلالی که اساساً با واقعیات مطرح شده در طرح جنجالی این دو سناتور افراطی مطابقت ندارد. همان گونه که مشاهده می‌شود، طرح کاتن و کورکر، ترجمانی از همان خواسته‌های ترامپ در قبال برجام و مصداق عینی تغییر برجام و خروج ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای محسوب می‌شود. ►

به بهانه ارائه طرح «کاتن - کورکر»

تاکتیک بازی با واژه‌ها

محمد قادری

روزنامه‌نگار



۲ طی روزهای اخیر، شاهد بازی تاکتیکی مشترک ایالات متحده آمریکا و متحدان آن در مواجهه با توافق هسته‌ای هستیم. در این میان، واشنگتن و متحدان آن جملگی روی گزینه‌ای به نام «تغییر برجام» به توافق رسیده‌اند، هر چند که هر یک از آنها سعی دارند این مساله را به زبانی خاص تبیین کنند! در این معادله، ترامپ صراحتاً از «تغییر برجام» سخن به میان می‌آورد و برخی سناتورهای آمریکایی از جمله کورکر و کاتن از «اصلاح برجام». مقامات انگلیسی و فرانسوی نیز بیشتر از این دو واژه، در صدد بازی با واژگانی حقوقی مانند «اصلاحیه»، «الحاقیه»، «توافق ثانویه» و... هستند.

واقعیت امر این است که سناتورهای آمریکایی و متحدان اروپایی کاخ سفید، به «تدوین خواسته‌های ترامپ» روی آورده‌اند. آنها در صدد عملی ساختن خواسته‌های رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا هستند، هر چند که ترجیح داده‌اند از لحن و ادبیات ترامپ در این خصوص استفاده نکنند ارائه طرح مشترک اخیر «کورکر-کاتن» نیز در همین راستا قابل تحلیل و ارزیابی است. شواهد و مستندات موجود بیانگر آن است که کنگره ایالات متحده آمریکا همگام با کاخ سفید، تصمیم به تغییر برجام (بخوانید ابطال برجام) گرفته است. البته سناتورها و اعضای مجلس نمایندگان در آمریکا قصد ندارند صراحتاً از ابطال توافق هسته‌ای سخن بگویند، بلکه طرح «کورکر-کاتن» را در قالب اصلاح نواقص برجام مورد تصویب قرار می‌دهند. حتی در این خصوص برخی سناتورهای حزب دموکرات نیز با اکثریت جمهوریخواهان همراه شده‌اند تا ترامپ از بابت تامین نظرات خود در کنگره دچار تشویش و نگرانی نشود. در طرح «کورکر-کاتن» موارد متعددی از جمله بازرسی از اماکن نظامی ایران، تحدید توان موشکی ایران، لغو بندهای مربوط به غروب آفتاب و... مورد توجه قرار گرفته‌اند. همچنین مکانیسم بازگشت تحریم‌ها در این طرح مورد بازبینی قرار گرفته و واشنگتن به هر بهانه‌ای از

جمله امتناع ایران از دسترسی آژانس به اماکن نظامی خود می‌تواند از برجام خارج شود!

بازی مقامات آمریکایی و خصوصاً سناتورهای مانند تام کاتن و کورکر با واژگان سیاسی و حقوقی با هدف تغییر برجام، موضوعی نیست که بتوان آن را نادیده انگاشت یا در خصوص آن غفلت کرد. تام کاتن از جمله سناتورهای است که در سال ۲۰۱۵ میلادی و در جریان بررسی برجام در کنگره آمریکا، از اصلی‌ترین مخالفان برجام بود. باب کورکر نیز به عنوان رئیس کمیته خارجی سنای آمریکا، از ابتدا با تصویب برجام مخالف بوده است. در چنین شرایطی بسی ساده‌انگارانه است که بتوان فرض کرد کاتن و کورکر قصد دارند با طرح پیشنهادی خود برجام را حفظ کنند.

بدیهی است که پس از اعلام رسمی طرح «کورکر-کاتن» در تقابل با برجام و تایید آن توسط کنگره، دور تازه‌ای از فشارهای واشنگتن و متحدان آن علیه کشورمان آغاز خواهد شد. در این میان تروییکای اروپایی با ابراز خرسندی از اینکه کنگره به جای گزینه «خروج رسمی و فوری از برجام» رای به گزینه «تغییر برجام» داده است، این موضوع را یک پیروزی برای توافق هسته‌ای و حفظ آن تلقی خواهد کرد و متعاقباً از جمهوری اسلامی ایران خواهد خواست تا در مقابل این عقب‌نشینی سیستم حاکمیتی آمریکا (متشکل از کاخ سفید و کنگره)، مذاکره بر سر تغییر برجام را با اسم رمز «اصلاح برجام» یا «توافق ثانویه» در دستورکار قرار دهد. سیاست اصلی آمریکا و تروییکای اروپایی طی هفته‌های آتی، بازی با کلمات حقوقی و سیاسی برای ساده‌سازی اصل موضوع «تغییر برجام» است.

گزاره مهمی که در این برهه باید در قبال طرح «کورکر-کاتن» مورد توجه قرار گیرد این است که نه تنها کنگره اقدامی در راستای مهار راهبرد برجامی ترامپ صورت نداده است، بلکه آن را به صورت مدون در آورده و وظیفه اصلی کاتن و کورکر نیز از ابتدا تدوین خواسته‌های برجامی ترامپ بوده است. نکته مهم‌تر اینکه این طرح، از مدت‌ها قبل آماده شده و میان ترامپ و این دو سناتور آمریکایی نیز در این خصوص هماهنگی کاملی وجود داشته است. در این میان باید توجه داشت که درگیری‌های

لفظی ترامپ و باب کورکر رئیس کمیته روابط خارجی سنا نیز صرفاً نوعی بازی ساختگی برای القای شکاف میان طرح «کورکر-کاتن» با خواسته‌های رئیس‌جمهور آمریکا در قبال برجام است. با مروری ساده نسبت به طرح کاتن و کورکر در می‌یابیم که همه خواسته‌های دونالد ترامپ در این خصوص مورد توجه قرار گرفته و حتی فراتر از آن، برخی محدودیت‌ها (درخصوص مکانیسم بازگشت تحریم‌ها) نیز در این طرح گنجانده شده است.

باب کورکر و تام کاتن، هر دو در صدد آن هستند تا از یک سو همه خواسته‌های اخیر ترامپ را در طرح خود لحاظ کنند و از سوی دیگر، به گونه‌ای رفتار کنند که از این تغییر فاحش، تعبیر به نقض برجام نشود بنابراین، بازی کورکر و کاتن در قبال توافق هسته‌ای، به مراتب نسبت به بازی رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا که صراحتاً خواستار تغییر توافق هسته‌ای شده است خطرناک‌تر است. ترامپ در نطق اخیر خود، عملاً کنگره را میان دو گزینه «تغییر برجام» یا «خروج از برجام» مخیر کرد.

در این میان گزینه سومی به نام «پذیرش برجام به شکل کنونی» اساساً وجود خارجی نداشت و متعاقباً، موضوع منازعه ترامپ و سناتورهای دو حزب دموکرات و جمهوریخواه نبود. در این میان، مخالفت برخی سناتورهای کنگره با «خروج آمریکا از برجام» به مثابه موافقت آنها با «نسخه فعلی برجام» تلقی گردید. این باور نادرست در برخی محافل داخلی تبدیل به یک «تحلیل ایده‌آل‌گرایانه» گردید. در این معادله، نه تنها سناتورهای حزب دموکرات و جمهوریخواه، بلکه تروییکای اروپایی و مقامات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز از تغییر در توافق هسته‌ای (مطابق خواسته‌های ترامپ) استقبال می‌کنند. اینکه میان حدود و ثغور این تغییر و نحوه اعمال آن اختلافاتی میان این بازیگران وجود دارد، اساساً اهمیتی برای جمهوری اسلامی ایران ندارد و در اصل موضوع، یعنی «ابطال برجام» خللی وارد نخواهد کرد. بدیهی است که با توجه به مطرح شدن طرح «کورکر-کاتن» در سنا، آمریکا، مجلس شورای اسلامی کشورمان نیز باید قویاً وارد عمل شده و در مقابل این طرح که به معنای خروج رسمی آمریکا از برجام و ابطال توافق هسته‌ای است موضع‌گیری کند. ▶



دوراهی کاذب

استراتژی مهار ترامپ موضوعی است که به کنگره آمریکا و تروییکای اروپایی مربوط است. هزینه این استراتژی را کشورمان نباید بپردازد.

آنچه مسلم است اینکه ایالات متحده آمریکا و تروییکای اروپایی در این خصوص دو گزینه بیشتر پیش روی خود ندارند و این دو گزینه یکی پایبندی صد در صدی به نسخه فعلی برجام و دیگری خروج از برجام است. در این میان گزینه دیگری تحت عنوان گزینه سوم وجود ندارد. در این خصوص دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان باید به صورت قاطعانه و محکم، از آمریکا و اروپا بخواهد تا میان این دو گزینه،

نسبت به بی‌تعهدی در خصوص توافقنامه‌های بین‌المللی متهم خواهد شد.

از سوی دیگر، مقامات انگلیسی نیز در صدد ساده‌سازی موضوع تغییر توافق هسته‌ای و اصلاح آن در راستای تحقق خواسته‌های دونالد ترامپ هستند. بوریس جانسون، وزیر امور خارجه انگلیس پس از نطق جنجالی ترامپ اعلام کرد که کنگره آمریکا خواستار لغو برجام نیست، بلکه تنها خواستار اصلاح برجام است. این ساده‌سازی، با هدف آماده‌سازی افکار عمومی غرب برای مواجهه با توافق هسته‌ای صورت می‌گیرد. به عبارت بهتر، مقامات آمریکایی و اروپایی

حنیف غفاری

روزنامه‌نگار



۳ طی ماه‌های گذشته، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا بارها به توافق هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱ حمله کرده و آن را بدترین توافق ممکن خوانده است. در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته در آمریکا نیز ترامپ وعده داده بود که به محض ورود به کاخ سفید و در نخستین اقدام، توافق هسته‌ای با ایران را پاره خواهد کرد با این حال رئیس‌جمهور آمریکا پس از حضور در قدرت دریافت که عمل کردن به چنین وعده‌ای آسان نیست، او در این میان با مخالفت روسیه، چین و حتی تروییکای اروپایی مواجه بود. پس از آن، ترامپ تصمیم گرفت جهت ایجاد تغییر در توافق هسته‌ای، با تروییکای اروپایی وارد مذاکره شود.

در جریان برگزاری نشست اخیر مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، ترامپ دیدارهای فشرده‌ای را با مقامات اروپایی در این خصوص صورت داد. مواجهه با برجام به اصلی‌ترین هدف رئیس‌جمهور آمریکا در نشست مجمع عمومی امسال تبدیل شده بود. چندی پیش نشریه بلومبرگ گزارش داد که ترامپ تروییکای اروپایی را بر سر لغو برجام یا اصلاح آن (مطابق منافع آمریکا) تحت فشار قرار داده است. اگرچه این دوگانه (لغو برجام-تغییر برجام) مورد توجه مقامات اروپایی قرار گرفته است، اما کمترین اصالت و موضوعیتی برای جمهوری اسلامی ایران ندارد. در این خصوص نکاتی وجود دارد که لازم است مورد توجه قرار گیرد:

نخست اینکه طی روزهای اخیر، مقامات اروپایی تاکتیک عادی‌سازی مذاکره مجدد بر سر برجام را مدنظر قرار داده‌اند. امانوئل مکران رئیس‌جمهور فرانسه در این خصوص عنوان کرده است:

ما با دولت آمریکا به توافق رسیدیم که همه اقدامات برای حفظ توافق هسته‌ای با ایران باقی بماند. امروز استراتژی کم‌رنگ و مبهم آمریکا در مقابل ایران و کره شمالی ضرورت بیش از پیش یکپارچگی و اتحادیه اروپا را می‌طلبد. با وجود احترام کامل به برجام، مخالف توسعه برنامه موشکی ایران هستیم و بزودی با دیگر رهبران اروپایی در این باره گفت‌وگو خواهیم کرد.

این اظهارات مکران، چراغ سبز دیگری از سوی فرانسه به آمریکا برای تغییر برجام است. فرانسه همچنان از احترام کامل به برجام سخن می‌گوید، اما در عین حال، مسیر مذاکره بر سر تغییر توافق هسته‌ای را باز گذاشته است.

مقامات کاخ الیزه قبلاً نیز اعلام کرده‌اند که آمادگی دارند بر سر موضوعاتی مانند تمدید محدودیت‌های ایران پس از سال ۲۰۲۵ میلادی و همچنین مساله توان موشکی ایران با کشورمان مذاکره کنند. در حال حاضر نیز رئیس‌جمهور فرانسه همان رویکرد (اصلاح برجام) را با ادبیاتی دیگر دنبال می‌کند. بدیهی است که مکران در این محاذله قصد ندارد رفتاری مشابه رفتار لوران فابیوس در بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ را بروز دهد زیرا در این صورت



یکی را انتخاب کرده و تبعات انتخاب هر یک از آنها را نیز بپذیرند. در صورتی که واشنگتن و تروییکای اروپایی گزینه نخست را انتخاب کنند و نسبت به برجام به صورت واقعی پایبند بمانند، لازم است به همه تعهدات خود در این خصوص عمل کنند. اما در صورتی که واشنگتن و تروییکای اروپایی گزینه دوم را انتخاب کنند و از برجام خارج شوند، با اقدامات بعدی ایران و از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان (با سرعتی بیشتر) مواجه خواهند شد.

در نهایت اینکه بازی دوگانه مقامات آمریکایی و اروپایی در خصوص برجام به هیچ عنوان از سوی کشورمان قابل قبول نیست. دوراهی کاذب ترسیم شده از سوی ترامپ و شرکای اروپایی آن منی بر حفظ یا تغییر برجام، اساساً ارزشی برای کشورمان ندارد و از سوی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد پذیرش قرار نگرفته و نخواهد گرفت. بنابراین، بهتر است واشنگتن و شرکای آن به جای بازی با کلمات، میان دو گزینه خروج از برجام یا پایبندی کامل به آن دست به انتخاب بزنند. ►

سعی دارند با ساده‌سازی این موضوع، مقاومت منطقی و حقوقی ایران در خصوص اصلاح برجام را غیرطبیعی جلوه دهند. در کنگره ایالات متحده آمریکا نیز جدال بر سر پذیرش کامل و صدور صدی نسخه فعلی توافق هسته‌ای و خروج از برجام نیست. در کنگره آمریکاییز اکثر سناتورها و اعضای مجلس نمایندگان در خصوص موضوع اصلاح توافق هسته‌ای (بخوانید تغییر کامل برجام) با یکدیگر هم‌نظر هستند. این همان خواسته‌ای بود که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در نطق اخیر خود مطرح کرد. به راستی در این خصوص چه تفاوتی میان ابطال برجام و تغییر برجام وجود دارد؟

خواسته‌های ترامپ در قبال توافق هسته‌ای به گونه‌ای است که عملی شدن هر یک از آنها، ماهیت برجام را تغییر خواهد داد و این توافق را به صورت طبیعی و عملی ابطال می‌کند. در چنین شرایطی تروییکای اروپایی و کنگره آمریکا به جای مخالفت با اعمال هر گونه تغییری در برجام (به عنوان تنها راه حفظ آن)، در صدد تغییر توافق هسته‌ای با هدف مهار ترامپ هستند. بدیهی است که



ایران بر سر قدرت سپاه پای میز مذاکره نخواهد نشست

فلاحیت پیشه در گفت و گو با مثلث

اروپایی این واقعیت را می دانند که اگر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه حضوری فعال نداشت، داعش هم اکنون به مرزهای اروپا رسیده بود. از این رو سپاه پاسداران اصلی ترین مانع در مقابل داعش و دیگر گروه های تروریستی محسوب می شود. داعش خطری است که ایالات متحده آمریکا، رژیم اشغالگر قدس و حکام مرتجع عربی آن را به وجود آورده اند. در چنین شرایطی سپاه پاسداران با تمامی وجود و برای حفظ امنیت منطقه، در مقابل این خطر ایستاده است. از این رو بسیاری از کشورها، با تروریست خواندن سپاه پاسداران از سوی ترامپ، اختلافی راهبردی دارند. جمهوری اسلامی ایران هم اکنون هزینه های مالی و خونی مقابله با تروریسم ساخته و پرداخته دست آمریکا و رژیم صهیونیستی و ارتجاع عرب (که داعش نماد بارز آن است) را بر عهده گرفته است. کشورهای اروپایی به خوبی می دانند که هیچ کشوری مانند جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا با تروریسم مقابله نکرده است. اگر ایران در این خصوص فقط می خواست از مرزهای خود حمایت کند، داعش به سوی مرزهای اروپا پیشروی می کرد و در آن صورت، اروپا با آثار و تبعات سختی دست و پنجه نرم می کرد. اینها مواردی است که ایران باید به اتحادیه اروپا یادآوری کند. به عنوان مثال، در جریان سفر اخیر امانوئل مکرون رئیس جمهور فرانسه به ایران، باید این موضوع از سوی مقامات کشورمان به وی یادآوری شود. من قویا توصیه می کنم که آقای روحانی در دیدار رئیس جمهور فرانسه، به صورت جدی با وی وارد مذاکره شود که اگر ایران سیاست مشارکت جویانه خود را کنار بگذارد، تروریسم به مرزهای اروپا خواهد رسید.

به رویکرد اتحادیه اروپا در قبال سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اشاره کردید. طی روزهای اخیر برخی مقامات اروپایی از آمادگی خود مبنی بر مذاکره بر سر توان موشکی ایران سخن گفته اند. این موضوع را چگونه تحلیل می کنید؟
▲ همان گونه که قبلا نیز بارها تاکید شده است، برجام دارای مولفه هایی امنیت ساز در منطقه بوده است. این موضوعی است که سران کشورهای اروپایی نیز نسبت به آن واقف هستند. آنها هم اکنون به شدت نگران بر هم خوردن مولفه های امنیت ساز برجام و احتمال بر هم خوردن آنها (در صورت لغو برجام) هستند. از این رو اتحادیه اروپا و خصوصا ترویکای اروپایی به جای همگامی و همصدایی با ایالات متحده آمریکا در قبال موضوع توان موشکی ایران، باید خطوط قرمز دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران را محترم بشمارند. نکته دیگر اینکه مطابق فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ما از ابتدا به آمریکایی اعتماد نداشتیم و مذاکرات هسته ای ما نیز در ابتدا با کشورهای اروپایی آغاز شد. از این رو کشورهای اروپایی باید ایالات متحده آمریکا را بابت مواضع ترامپ در خصوص توانایی های موشکی و دفاعی ایران تحت فشار قرار دهند نه بالعکس.

هدف ترامپ از طرح مسائل موشکی و نظامی ایران و تمرکز وی بر قدرت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در همین راستا قابل ارزیابی است. مقامات آمریکایی به دنبال نسخه مکملی برای توافق هسته ای هستند که در آن، محدودیت هایی را در خصوص توانمندی های نظامی و دفاعی ایران اعمال کنند و در نهایت، بتوانند این موارد را به توافق هسته ای تحمیل کنند. بدیهی است که اتحادیه اروپا باید در این خصوص ایالات متحده آمریکا را تحت فشار قرار دهد و با آن همراه نشود. حتی باید این واقعیت را نیز در نظر گرفت که ترامپ در قبال برجام رویکردی یکجانبه گرایانه دارد و حتی با متحدان اروپایی خود نیز در این خصوص مشورت نمی کند. ►

۴ توان موشکی جمهوری اسلامی ایران و توانایی و قدرت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دو موضوعی بودند که در سخنرانی اخیر دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در قبال ایران مورد توجه قرار گرفتند. کاخ سفید هم اکنون خواهان اعمال محدودیت بیشتر در قبال سپاه و گنجاندن توان موشکی ایران در برجام است. این در حالیست که جمهوری اسلامی ایران ضمن اعلام حمایت قوی و قاطعانه خود از سپاه پاسداران، اعلام کرده که توان موشکی ایران نیز اساسا قابل مذاکره نیست. در این خصوص گفت و گویی با دکتر حشمت الله فلاحیت پیشه، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی صورت داده ایم که از نظر تان می گذرد:

آمریکا خواهد بود.

طی روزهای اخیر، شاهد بروز رفتارهای ضد و نقیضی از سوی کشورهای اروپایی و خصوصا سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه در قبال برجام و موضوعاتی مانند توان موشکی ایران و قدرت سپاه پاسداران هستیم. نظر شما در این خصوص چیست؟

▲ واقعیت امر این است که کشورهای اروپایی نسبت به نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مواجهه با گروه های تروریستی مانند داعش آگاه هستند. کشورهای

هجمه های اخیر مقامات آمریکایی در خصوص سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مسائل دفاعی کشور از جمله توان موشکی ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟ به نظر شما چرا ترامپ به صورت خاص روی این دو موضوع متمرکز شده است؟

▲ پاسخ این سوال گویاست. سپاه پاسداران و توان موشکی ایران، دو بعد قلمرو استراتژیک جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می دهند. تسلط ایران بر منطقه طی سال های پر التهاب اخیر، در سایه توان و قدرت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و توان موشکی کشورمان صورت گرفته است. رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا نیز اهمیت این دو موضوع، یعنی قدرت سپاه پاسداران و توان موشکی کشورمان را درک کرده است. هجمه های اخیر رئیس جمهور آمریکا علیه سپاه پاسداران و توان موشکی ایران نیز در همین راستا قابل تحلیل و ارزیابی است.

واقعیت امر این است که دونالد ترامپ باید این حقیقت، یعنی قدرت سپاه پاسداران و توان موشکی ایران را بپذیرد. رئیس جمهور آمریکا نمی تواند در قبال این حقایق که نماد قدرت جمهوری اسلامی ایران هستند، با لفاظی برخورد کند. همچنین مقامات کاخ سفید این موضوع را باید بدانند که جمهوری اسلامی ایران بر سر این دو سلاح کاربردی خود، یعنی توان سپاه پاسداران و توان موشکی خود، هرگز پای میز مذاکره نخواهد نشست. اگر در چنین شرایطی ایران وارد فضای تقابل با ترامپ شود، سرنوشت نامعلومی در انتظار ایالات متحده

به عنوان مثال، مقامات کشورمان باید تاکید کنند که اجرایی شدن قانون کاتسا توسط ایالات متحده به معنای نقض برجام و خروج واشنگتن از توافق هسته‌ای محسوب می‌شود. در غیر این صورت، مقامات آمریکایی به هشدارهای موجود اعتنا نمی‌کنند. حتی واشنگتن در این خصوص مدعی خواهد شد که به لحاظ حقوقی و شکلی برجام را نقض نکرده است و در مقابل، اگر کشورمان از برجام خارج شود، ایران را متهم به نقض تعهدات خود خواهد کرد. ترامپ و به طور کلی ساختار حاکمیتی آمریکا در صددند شکل کلی برجام و تعهدات ایران در این خصوص حفظ شود اما در مقابل، به تعهدات خود در این خصوص عمل نکنند. در یک عبارت کلی، می‌توان گفت که آمریکا به دنبال بی‌خاصیت کردن برجام برای ایران است.

مقامات اروپایی از یک سو بر تعهد خود مبنی بر حفظ کلیت توافق هسته‌ای تاکید می‌کنند و از سوی دیگر، در عمل برای مذاکره مجدد در خصوص برجام به واشنگتن چراغ سبز نشان می‌دهند. این رویکرد دوگانه را چگونه تحلیل می‌کنید؟

▲ واقعیت امر این است که کشورهای اروپایی، تا زمانی که احساس کنند ایران به هر قیمت ممکن برجام را حفظ می‌کند، اقدامی عملی در راستای صیانت از توافق هسته‌ای صورت نمی‌دهند. ما باید در وهله اول صراحتاً کشورهای اروپایی را توجیه کنیم که توافق هسته‌ای بدون ایالات متحده آمریکا عملی و اجرایی نیست و اگر آمریکا تعهدات خود را نقض کند و تحریم‌های یکجانبه را علیه ایران بازگرداند، دلیلی ندارد که ما بخواهیم به تعهدات خود عمل کنیم. در غیر این صورت، یعنی اگر برجام مدام از سوی آمریکا نقض شود و ما نسبت به حفظ برجام پایبند باشیم، عملاً کشورهای اروپایی در قبال توافق هسته‌ای نگرانی نخواهند داشت. نکته دیگر اینکه اروپا با آمریکا واقعا بر سر برجام اختلاف دارد، اما وضع دوباره تحریم‌های ثانویه از سوی کنگره آمریکا، ارتباطی با مقامات اروپایی ندارد و در حیطه اختیارات آمریکاست.

از این رو باید صراحتاً به اروپا اعلام کرد که اگر جلوی ایالات متحده آمریکا را در این روند نگیرد، در آن صورت توافق هسته‌ای لغو خواهد شد. در غیر این صورت، اروپا به دنبال انجام تعهدات آمریکا و حتی خود در قبال برجام نیست و تمایل دارد توافق هسته‌ای به صورت علیل به حیات خود ادامه دهد. ▶

برجام بدون آمریکا عملی نیست

دکتر هادی آجیلی در گفت‌وگو با مثلث

▲ **هجمه‌های هیات حاکمه ایالات متحده آمریکا علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وارد فاز تازه‌ای شده است. اکثریت قریب به اتفاق تحلیلگران و کارشناسان مسائل منطقه معتقدند که ناکامی واشنگتن و متحدانش در سوریه و عراق و اقدامات موثری که سپاه پاسداران در مواجهه با داعش و دیگر گروه‌های تکفیری وابسته به غرب صورت داده است، اصلی‌ترین دلیل نارضایتی ترامپ از فرزندان غیور مرز و بوم کشورمان است. در این خصوص گفت‌وگویی با دکتر هادی آجیلی، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی صورت داده‌ایم که از نظرتان می‌گذرد.**

باید مدنظر قرار گیرد، روابط آمریکا و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس است. این روابط ناظر بر آن است که ترامپ از یک سو کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را از ایران بترساند و از سوی دیگر، به آنها بابت پشتیبانی واشنگتن تضمین دهد. در مقابل این تضمین، کشورهای منطقه نیز از ایالات متحده سلاح بخرند و دلارهای بیشتری را خرج خرید تسلیحات از واشنگتن کنند.

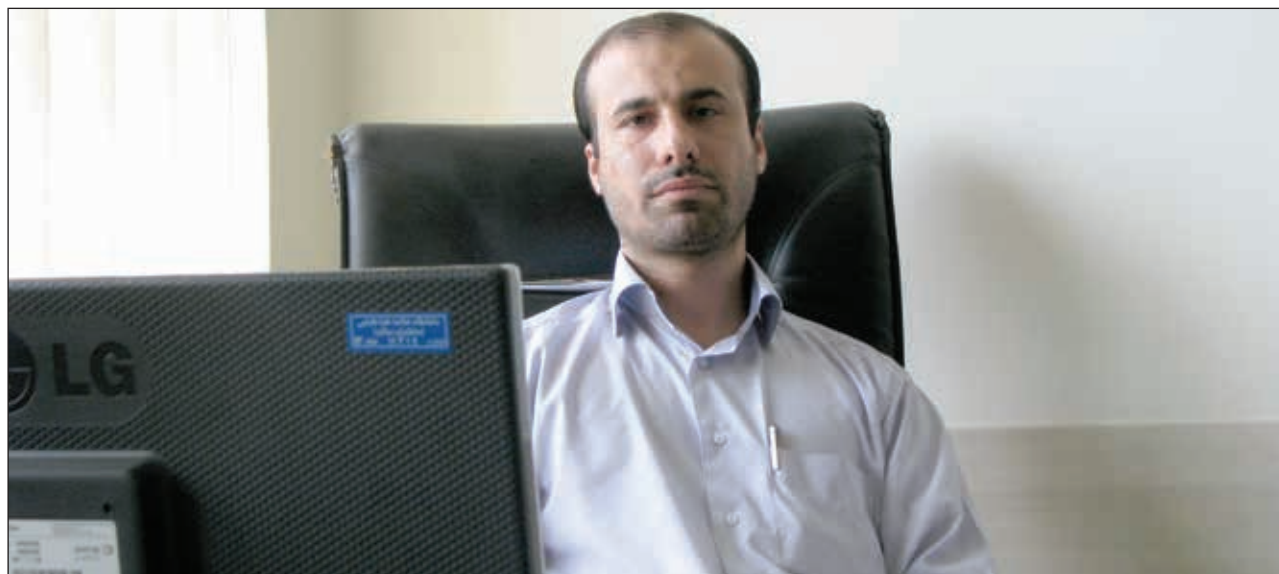
طرح اخیر تام کاتن و باب کورکر، دو سناتور آمریکایی علیه برجام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ در این خصوص دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی ما باید چگونه عمل کند؟

▲ آنچه مسلم است اینکه ایالات متحده آمریکا رسماً از برجام اعلام خروج نخواهد کرد زیرا این اقدام برای واشنگتن تبعاتی خواهد داشت. از این رو اگر جمهوری اسلامی ایران معتقد است که اقداماتی مانند وضع قانون کاتسا یا طرح اخیر ارائه شده از سوی کاتن و کورکر نقض برجام محسوب می‌شود، باید آن را کتبا و رسماً اعلام کند. در این خصوص رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه کشورمان باید رسماً به اعضای ۵+۱ اعلام کنند که این اقدام ایالات متحده، به معنای خروج از توافق هسته‌ای محسوب می‌شود.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در نطق اخیر خود بار دیگر عصبانیت خود را از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ابراز کرد. رویکرد مقامات آمریکایی در تقابل با سپاه را چگونه تحلیل می‌کنید؟

▲ در این خصوص لازم است به نکاتی اشاره کنیم؛ نخست اینکه ایالات متحده آمریکا زمانی مذاکرات هسته‌ای با ایران را آغاز کرد که ایران دست برتر را در معادلات منطقه داشت و مانع از اجرای سیاست‌های واشنگتن در منطقه شده بود. مقامات آمریکایی انتظار داشتند پس از برگزاری مذاکرات هسته‌ای، بتوانند اقدامی در خصوص تغییر رویکرد منطقه‌ای کشورمان ایجاد کنند. به عبارت بهتر، آمریکا برجام را به مثابه پلی می‌دانست که می‌تواند با استفاده از آن در خصوص دیگر مسائل مورد اختلاف از جمله سیاست‌های منطقه‌ای ایران با کشورمان وارد مذاکره شود. ترامپ هم اکنون از یک سو معتقد است که به واسطه تعلیق؟! بخشی از تحریم‌ها، ایران امتیازاتی به دست آورده و فشارهای هسته‌ای از روی کشورمان برداشته شده است و از سوی دیگر، شاهد استمرار شکست طرح‌های خود در منطقه است. رئیس‌جمهور آمریکا دریافت است که عامل اصلی شکست سیاست‌های غرب در منطقه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

ترامپ این گونه استدلال می‌کند که برجام منجر به تنفس ایران و قدرتمندتر شدن و ادامه سیاست‌های منطقه‌ای آن شده است. از این رو رئیس‌جمهور آمریکا قائل به ادامه فشارها روی ایران است. رفتارهای برجامی اخیر ترامپ نیز در همین راستا قابل تحلیل است. صورت مساله در این خصوص کاملاً مشخص است. ترامپ در یک کلام می‌گوید برجام فشارها را روی ایران کم کرده است، اما نگرانی‌های آمریکا را در قبال منطقه کاهش نداده است. رئیس‌جمهور آمریکا عنوان می‌کند که برجام برای مهار ایران کافی نبوده و از سوی دیگر، نگرانی‌های ایالات متحده در منطقه همچنان روی زمین مانده است. موضوع دیگری که در تحلیل رفتارهای اخیر ترامپ



مواضع دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا علیه ایران که روز به روز خصمانه تر می شود، باعث شده که امروز کاخ سفید فقط در مسیر برجام سنگ اندازی نکند بلکه ترامپ در یک تغییر جهت آشکار، سیاست های ایران در خصوص منطقه، توان موشکی و مسائل دیگر را نیز مدنظر قرار داده است. دلایل خصمانه تر شدن مواضع ترامپ در قبال ایران، موضوعی است که در این پرونده به آن پرداخته شده است.

تیتریک

کاسبی در سیاست

هدف ترامپ از تشدید فشارها در قبال ایران چیست؟

سیده مسعوده میرمسعودی

سردبیر مجله ایرانی روابط بین الملل

۶- سنجش درجه همکاری و همراهی رقبای آسیایی مثل چین و ژاپن با ایران و سنجش مواضع آنها در مقابل آمریکا
۷- نشان دادن حضور پررنگ واشنگتن در خاورمیانه و نشان دادن حساسیت آمریکا در موضوعاتی از این جنس
۸- منحرف کردن مخاطبان داخلی آمریکا از موضوعات باقی مانده در مبارزات تبلیغاتی مبنی بر دخالت روسیه در انتخاب ترامپ
۹- تسهیل در بازیگری در بازار مصرف خاورمیانه و انرژی این منطقه
۱۰- سنجش و در نهایت همراه کردن سازمان ملل با سیاست های آمریکا در موضوع برجام برای نمایش هژمونی ایالات متحده آمریکا
تیم ترامپ علاوه بر اهداف اصلی، یکسری اهداف فرعی نیز داشتند که در شرایط مهیاشده قابل اجرا هستند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:
۱- تست ملت ایران با حمله به نمادهای ایرانی مثل خلیج فارس
۲- تست تحمل حاکمیت ایران با جدا کردن ملت از حکومت
۳- سنجش درجه حساسیت ملت در موضوعات

چندین ضربه پی در پی، سرانجام درخت را سرنگون خواهد ساخت؟ و در نهایت آیا تاکتیک ها در هر مقطعی به شکلی متفاوت نمایان می شود؟
برای پاسخ به این سوال ها باید سخنرانی اخیر ترامپ را مورد واکاوی قرار داد. تقریباً از چندین هفته قبل، برنامه ریزی برای این سخنرانی آغاز شده بود و می توان سخنرانی سازمان ملل ترامپ را نیز پیش درآمد سخنرانی ۱۳ اکتبر قلمداد کرد. به طور کلی اتاق فکر تیم ترامپ از سخنرانی ۱۳ اکتبر ۱۰ هدف داشت که به صورت تیتروار عبارتند از:
۱- به ثمر رساندن قول تبلیغاتی ترامپ مبنی بر شعار پاره کردن برجام در کمپین تبلیغاتی انتخابات ریاست جمهوری
۲- کسب رضایت متحدین منطقه ای خود مثل عربستان و اسرائیل
۳- محدود کردن عملکرد ایران در منطقه و در پوسته داخلی کم کردن حضور روسیه، متحد ایران در خاورمیانه
۴- سنجش متحدین اروپایی در بحث سیاست های همراهی این کشورها با آمریکا
۵- هشدار غیرمستقیم به کره شمالی در فعالیت های هسته ای و آسان تر کردن مهار این کشور.

در پی سخنرانی جنجالی دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۷ و اعلام طرح او در موضوع برجام و ارائه آن به کنگره، بیشتر تحلیلگران، این استراتژی واشنگتن در سیاست خارجی را تهاجمی و قدیمی برشمردند و آینده برجام را مبهم تصور کردند. از طرفی دیگر، اعلام حمایت متحدان اروپایی آمریکا از ایران و پافشاری در مواضع خود، باعث شد تا اغلب تحلیلگران، سنگینی وزنه را در طرف ایران ببینند، مقاومت و حمایت جهانی را پشت این توافق دیده و آینده برجام را از این منظر روشن تبیین کنند.

سوال اصلی این است که آیا این راهبرد لغو برجام، حال چه استراتژی تلقی شود چه تاکتیکی، عملی خواهد شد یا نه؟ آیا این راهبرد همان استراتژی قدیمی و همیشگی سیاست خارجی آمریکاست یا تاکتیکی نوین برای مقابله و بازی با ایران در این مقطع زمانی محسوب می شود؟ آیا این همان استراتژی «تبر کند است که با

ظهور مانو دوم
نگاهی به کارنامه سیاسی
شی جین پینگ، رئیس جمهور چین



تکیه بر ریاض
ترامپ، سیاست دو ستونی نیکسون
را تبدیل به ستون علیه ستون می کند



فقدان تجربه سیاسی
دلیل تغییر مواضع ترامپ پس از ورود
به کاخ سفید چیست؟

اروپایی ها سخت نباشد؛ زیرا بیشتر منافع آن کشورها را تامین می کند، منافع چندانی برای ایران نخواهد داشت و باعث خواهد شد تا ایران بیشتر بازار مصرف خوبی برای این متحدین گردد. با این عمل «سیاست هویج و چماق» برای متحدان اروپایی خواهد بود.

نتیجه این تلاش ترامپ این خواهد بود که برجام لغو نمی شود و با اصلاحات جدید، از طرف کنگره به جامعه جهانی ارائه خواهد شد. پیش بینی می شود با ضمیمه کردن اصلاحات پیشنهادی کنگره در برجام و اضافه کردن بندهایی به برجام، ایران در منطقه محدودتر خواهد شد و این محدودیت به نفع رقبایی مثل عربستان خواهد بود. برجام اصلاح شده، برجام کامل برای آمریکا و ناقص شده برای ایران خواهد بود.

در این میان رژیم اسرائیل از جمله دولت هایی است که از این موضع جدید آمریکا بیشترین نفع را می برد و سعی در ایجاد فضا برای حرکات هیجانی ایران دارد. هدف اصلی این کشور کشاندن ایران به مرحله ای است که خود ایران از برجام خارج شود که البته این هدف غایی هم اسرائیل و هم آمریکا درخصوص برنامه هسته ای ایران است.

ایران پتانسیل های طبیعی و انسانی بیشماری را داراست که فقط نیازمند عملگرایی و برنامه ریزی تصمیم گیران کلیدی در حوزه های مختلف مخصوصا اقتصادی است. اروپا تقریبا در بازار ایران مشارکت خود را شروع کرده و با سخنان اخیر ترامپ مبنی بر عدم دخالت در سرمایه گذاری های اروپایی در ایران، راه برای به کار گرفتن تاکتیک های هوشمند در استفاده از فن آوری ها و تکنولوژی های پایه ای از اروپایی ها و ترمیم ساختارهای اقتصادی ایران باز است. با مدیریت صحیح، ایران می تواند از این پتانسیل ها و فرصت ها استفاده کرده و از نظر اقتصادی در منطقه، به قدرت برتر تبدیل شود.

همچنین مهمترین موضوع در حوزه داخلی در مورد رفتارهای هر ملتی، میزان تحمل آن ملت در برابر کاستی ها است که ملت ایران در دوره های تاریخی مشابه نشان داده اند که این وفاداری ها را دارند. پس مطرح کردن تغییر حکومت از طرف ترامپ، تست تحمل ملت بود که این وفاداری و عدم حمایت ترامپ از طرف ملت ایران، هم قابل احترام و هم قابل ستایش است و این برای حکومت ایران فرصتی است که با اصلاحات عمیق در ساختارهای مختلف و ایجاد رفاه نسبی برای مردم واکنش مناسبی ارائه دهد.

در این مقطع زمانی ایران روزهای تباد و حساسی را طی می کند و مدیریت صحیح بحران ایجاد شده از استراتژی ترامپ در ایران می تواند یک راه جدید و احیاگر برای حفظ چارچوب کشور تلقی شود. هر کشوری در مقاطع مختلف می تواند فرصت هایی برای تفکر درباره آینده برایش پیش آید و شاید برای ایران این فرصت ایجاد شده یکی از حساس ترین دوره ها در تاریخ ایران باشد. بنابراین در این شرایط یک استراتژی هوشمند، هدفمند و برنامه ریزی شده نه تنها می تواند ایران را به بازیگری قدرتمند در منطقه بلکه بازیگری مهم و کلیدی در نظام بین الملل تبدیل کند. ▶

و زبان است. این موضوع را می توان در توصیه ای که به متحدین اروپایی نظیر فرانسه و آلمان کرده است کاملا مشاهده کرد؛ وی آنان را توصیه به ادامه پول در آوردن از ایران کرده است. به هر حال کنگره آمریکا کمتر از ۶۰ روز بعد در مورد این پیشنهاد ترامپ اعلام نظر خواهد کرد ولی در جواب به سوال بالا که آیا برجام لغو خواهد شد یا نه؛ جواب منفی است. برجام لغو نخواهد شد به دلایل زیر:

اول: اژانس بین المللی و متحدان اروپایی بدون استثنا توصیه بر پایداری و ادامه همکاری با برجام را دارند. این مطلب برای کنگره نیز قابل چشم پوشی نیست و در تصمیم گیری در مورد برجام این موضوع و توصیه دوستان آمریکا را لحاظ خواهد کرد.

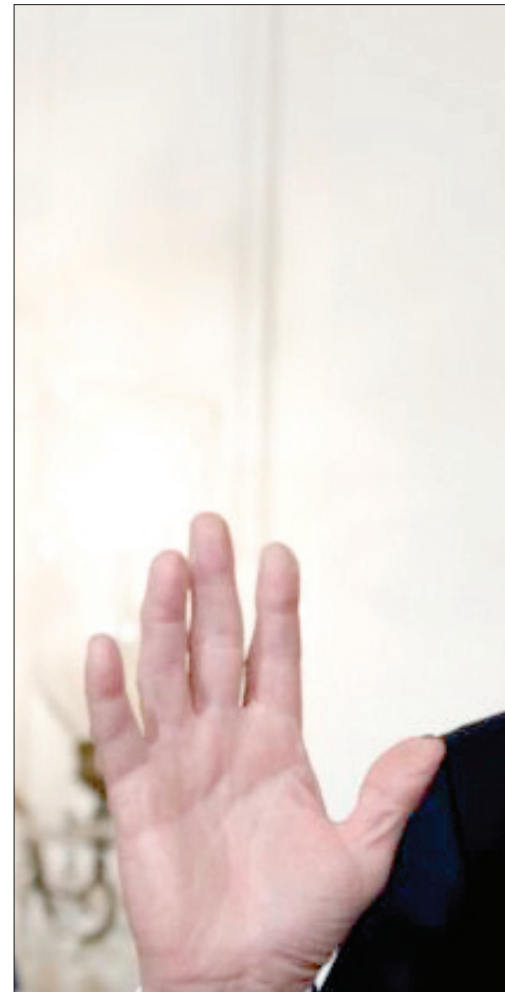
دوم: منطقا آمریکا با خروج از برجام به اهداف خود نخواهد رسید و اعتبار و پرستیژ خود را در نظام بین الملل مخدوش خواهد کرد.

پس راه حل این موضوع در یک روش متعادل است که همانا، اصلاحات عمیق و کلیدی در برجام خواهد بود. موضوع تغییر نظام از طرف ترامپ و تاکید آن در ۱۵ اکتبر توسط رکس تیلرسون نیز در راستای تحکیم اصلاحات پیشنهادی برای مهار ایران است. ترامپ اصطلاح نقض روح برجام را به عنوان ابزاری برای مهار ایران و پیروی از سیاست های آمریکا خلق کرده است و تغییر حکومت نیز مفهوم جدید آمریکا در ادبیات ارتباطی با ایران برای رسیدن به اهداف خود است.

سیاست خارجی آمریکا همیشه در جهت منافع ملی آن کشور پیش رفته و از این رو مشی تهاجمی کشورها اگر با منافع ملی آمریکا تناقضی ایجاد نکند، این کشور دخالتی در امور داخلی آنها نخواهد داشت. به طور مثال نقش عربستان چون در منافع ملی آمریکا خللی ایجاد نمی کند، این کشور در سیاست اعمالی عربستان در یمن و قطر حساسیتی ندارد و از بعضی از رفتارهای غیرهتجاری و تهاجمی عربستان نیز چشم پوشی می کند.

با نگاهی به عملکرد ایران در منطقه می توان گفت که ایران در ریشه کنی داعش در منطقه نقش کلیدی داشته است. نذیدن پتانسیل های این جینی ایران، فقط به خاطر این است که تصمیم گیران آمریکا این عملکرد ایران را در جهت منافع ملی کشورشان نمی بینند.

در ادامه اصلاحات پیشنهادی آمریکا در برجام به نظر می رسد سپاه که بیشتر فعالیت های برون مرزی ایران را بر عهده دارد، به شدت تحت فشار خواهد بود. تحریم های سنگینی علیه این شاخه نظامی ایران اتخاذ خواهد شد که نیاز به آماده سازی لجستیکی برای مقابله با این تحریم ها وجود دارد. اصلاحات بعدی در برجام شاید برای ورود



اقتصادی با بیان مبهم در منابع مالی بلوکه شده ایران و تحویل آن به ایران توسط دولت قبلی آمریکا

۴- سنجش نفوذپذیری هم ملت و هم حکومت

۵- میدان دادن به مخالفان حکومت ایران و فرصت میدان داری با چارغ سبز آمریکا

۶- میزان آمادگی حکومت و ملت ایران در برابر تهاجم قدرت های بزرگ

در ادامه در پوسته مرکزی این اهداف، در مقاصد گروه تصمیم گیری ترامپ، می توان از وضع کردن این استراتژی، به این نتیجه رسید که این اقدام با هدف بیشتر متهم کردن ایران و گرفتن امتیازات بیشتر از این کشور است. دلیل این موضوع را می توان هم در شخصیت اقتصادمحور ترامپ جست و جو کرد و هم با بررسی سیاست خارجی روسای جمهور قبل آمریکا می توان به این نتیجه رسید که سیاست آمریکا نسبت به ایران همیشه تهاجمی بوده است و فقط درجه این سیاست تهاجمی در زمان روسای مختلف کم یا زیاد شده است. در وجه دیگر می توان این راهبرد را تاکتیک نوین ترامپ فرض کرد؛ چون ترامپ یک فرد بازار محور است و معیارهای ارتباطی او نیز ملهم از نگاه منفعت محور و محور اصلی دیدگاه هایش محاسبه سود

ترامپ اصطلاح نقض روح برجام را به عنوان ابزاری برای مهار ایران و پیروی از سیاست های آمریکا خلق کرده و تغییر حکومت نیز مفهوم جدید آمریکا در ادبیات ارتباطی با ایران برای رسیدن به اهداف خود است

پوپولیس‌م پر خاشگرایانه

تحلیل مواضع ترامپ در چارچوب نظریه امنیت هستی‌شناختی

رامتین رضایی

عضو هیات تحریریه مجله ایرانی روابط بین‌الملل

۲ مواضع اخیر و بسیار تند دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در خصوص عدم تأیید پابندی این کشور به مفاد برجام، اگرچه قابل پیش‌بینی و انتظار بود اما شدت و حدت این مواضع و فراتر رفتن آن از تمامی اصول و نزاکات دیپلماتیک و عرف سیاسی و حقوق بین‌الملل، باید مسأله‌ای قابل تأمل قلمداد شود. از زمان آغاز رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا، دونالد ترامپ رسماً مخالفت و ضدیت خود را با توافق هسته‌ای میان ایران و ۵+۱ عنوان کرده و بر تقابل و برخورد جدی با جمهوری اسلامی ایران تأکید ورزیده بود. پس از ورود به کاخ سفید نیز این مواضع مورد پافشاری و اصرار رئیس‌جمهور جدید آمریکا قرار داشته و در همین راستا اقداماتی مانند برقراری روابط دوستانه با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با هدف و عنوان مقابله با ایران و مهار نفوذ این کشور در منطقه نیز صورت گرفت. با این وجود هنوز به نظر می‌رسد که حامیان و رای‌دهندگان به ترامپ، اقدام عملیاتی و چندان کارسازی را از سوی وی شاهد نبوده‌اند. رویکرد و مواضع اخیر رئیس‌جمهور آمریکا نسبت به ایران حتی نسبت به زمان مبارزات انتخاباتی و پس از آن، سرسختانه‌تر و بسیار خصمانه‌تر شده و در سخنرانی خود علاوه بر برجام، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، برنامه‌های موشکی و حمایت ایران از مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین را نیز مورد حمله شدید خود قرار داد. علاوه بر آن حتی از آشکار کردن تمایل به تغییر نظام در ایران نیز خودداری نکرد. در میان روسای‌جمهور پیشین آمریکا اظهار نظر مستقیم در خصوص براندازی و تغییر نظام در ایران به صورت آشکار و از یک تریبون رسمی تقریباً بی‌سابقه بوده و این خود می‌تواند نمایانگر عدم آشنایی ترامپ با قواعد بیانات سیاسی، حقوق بین‌الملل و عرف دیپلماتیک باشد.

استفاده از یک واژه معجول و غیر تاریخی در خصوص خلیج همیشگی فارس که تاکنون مورد استفاده هیچ‌یک از رهبران غربی قرار نگرفته، بیش از هر چیز می‌تواند نشان‌دهنده نوعی خشم، تعارض و نارضایتی از وضعیت موجود شکل گرفته نسبت به ایران در عرصه داخلی آمریکا و نیز محیط بین‌المللی تلقی گردد. بنابراین رویکرد اخیر ترامپ نسبت به ایران را باید در عواملی چون وضعیت و موقعیت سیاسی وی پس از پیروزی در انتخابات، تعهدات آمریکا به متحدین منطقه‌ای خود از جمله عربستان و اسرائیل، وعده‌های انتخاباتی و نیز تلاش جهت توجیه عدم تحقق احتمالی آنها جست‌وجو کرد. اما به منظور تحلیل و تبیین دقیق، علمی و کارآمدتر رویکرد اخیر رئیس‌جمهور آمریکا می‌توان از یک مدل مفهومی و یک نظریه استفاده کرد. پوپولیس‌م به عنوان یک مدل مفهومی و امنیت هستی‌شناختی به مثابه یک نظریه در این نوشتار کوتاه جهت ریشه‌یابی و تدقیق در مواضع اخیر دونالد ترامپ نسبت به جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد. در میان انواع تقسیم‌بندی‌ها از رهبران سیاسی، دونالد ترامپ را می‌توان یک رهبر پوپولیس‌م (عوام‌گرا) به شمار آورد. صرف نظر از خصوصیات این دسته از سیاستمداران و رهبران اما یک ویژگی برجسته و مشترک در میان آنها تعارض و ستیز با قواعد، رویه‌ها و اصول و عرف پذیرفته‌شده جاری

است. قاعده‌گریزی و تحقیر و حتی تقبیح رویه و ساختارهای پذیرفته‌شده و مورد تأیید در کنار رفتار و کنش‌های مغایر با آنها از ویژگی‌های بارز رهبران پوپولیس‌م به شمار می‌رود. این گروه از رهبران مواضع مخالف خود با قواعد حاکم و جاری را اغلب به صورت اظهارات بسیار تند و پر خاشگرایانه بروز می‌دهند. هر قدر بر میزان احترام، حمایت، تأیید و تثبیت رویه‌ها و قواعد موجود افزوده شود، عکس‌العمل پر خاشگرایانه رهبران پوپولیس‌م نسبت به آنها نیز به شدت فزونی می‌یابد. پیش از بیان اظهارات بسیار تند ترامپ علیه ایران و برجام، این موافقتنامه بین‌المللی نه تنها از سوی اعضای ۵+۱، اتحادیه اروپا، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اکثر دولت‌های جهان مورد تأیید قرار گرفته و بر تداوم و پابندی به آن به شدت تأکید شده بود، بلکه حتی در صحنه داخلی آمریکا هم در میان بخشی از نخبگان و هم در میان مردم افکار عمومی این کشور ادامه برجام و پابندی به آن مورد حمایت جدی قرار گرفته بود. این حمایت و تأیید حتی برخی از سناتورهای و نمایندگان نومحافظه کار را نیز شامل می‌شد. بنابراین و بر اساس رویکرد پوپولیس‌م، برجام و نیز موقعیت ایران پس از این توافق باید از سوی رئیس‌جمهور آمریکا مورد حمله جدی قرار می‌گرفت. سیاستمداران پوپولیس‌م مانند ترامپ تمایل بسیار زیادی نیز به زیر پا گذاشتن یا بی‌اهمیت انگاشتن نزاکت و عرف سیاست و دیپلماسی دارند. عدم رعایت نزاکت دیپلماتیک طی دوران کوتاه حضور ترامپ در کسوت رئیس‌جمهور آمریکا در گفت‌وگوهای وی با روسای‌جمهور و نخست‌وزیران دیگر کشورها که حتی بعضاً از دوستان آمریکا بودند نیز بارها گزارش و در رسانه‌ها منعکس گردیده است. بنابراین لحن و ادبیات مورد استفاده وی نسبت به ایران به عنوان یک دشمن تعریف‌شده برای آمریکا نباید چندان مورد تعجب قرار گیرد. اما رفتار و مواضع بسیار تند اخیر دونالد ترامپ را در چارچوب نظریه‌ای نوین به نام امنیت هستی‌شناختی نیز می‌توان مورد تحلیل قرار داد. امنیت هستی‌شناختی که در اندیشه افرادی چون آنتونی گیدنز و جینفرم پتزین تبلور یافته به طور خلاصه

بر این مسأله تأکید دارد که آنچه برای کنشگران انسانی و نیز دولت‌ها اهمیت حیاتی و ضروری دارد، نه صرفاً موجودیت و بقای فیزیکی و مادی بلکه مورد تأیید، شناسایی و تمجید و احترام است. کسب احترام و تمجید از سوی دیگران چنان اهمیتی دارد که بازیگران عرصه سیاست در مقابل آن حاضر به پذیرش هرگونه ریسک و خطری خواهند بود. بر این مبنا و به زعم امنیت هستی‌شناختی سیاستمداران یا دولت‌ها هنگامی که در معرض بی‌توجهی، عدم تأیید و تمجید قرار گیرند، معمولاً عکس‌العملی تقابلی گرایانه و پر خاشگرایانه از خود بروز می‌دهند. در همین راستا نگاهی اجمالی به عملکرد ترامپ در مدت زمان کوتاهی که از حضور او در کاخ سفید می‌گذرد حاکی از آن است که تقریباً تمامی دستورات رئیس‌جمهور در خصوص ممنوعیت مهاجرت مسلمانان به آمریکا، ساخت دیوار حائل در مرز مکزیک، لغو قوانین حمایتی باراک اوباما و غیره عملاً از دستورکار خارج یا مورد بی‌توجهی و حتی اعتراض قرار گرفته است. اعتراضات نسبت به عملکرد ترامپ آن هم با شدت تمام در داخل و خارج آمریکا در این مدت زمان کوتاه در تاریخ روسای‌جمهور آمریکا بسیار بی‌سابقه بوده و حتی دور از ذهن نیست که وی نام خود را در میان روسای‌جمهوری ببیند که تنها یک دوره چهارساله حضور در کاخ سفید را تجربه کرده‌اند. بنابراین رویکرد اخیر ترامپ نسبت به برجام و جمهوری اسلامی ایران نتیجه و بازخورد عوامل متعددی چون شخصیت پوپولستی، موقعیت متزلزل داخلی و عدم تأیید و تمجید از سوی افکار عمومی داخل و خارج آمریکاست. آنچه مسلم انگاشته می‌شود واگذاری بررسی و تصمیم در خصوص برجام به کنگره است که به نظر می‌رسد اکثر اعضای آن بر تداوم این موافقت‌نامه گرایش دارند. با این وجود به نظر می‌رسد که فشار بر برنامه‌های موشکی ایران بیش از برجام در دستورکار فعلی کاخ سفید قرار دارد و در این راه بهانه و توجیه جهت اعمال و تداوم تحریم‌های اولیه را مهیا و مناسب‌تر می‌بیند. ▶



اعلام کرد که دولت‌های عربستان، اردن، مصر و اسرائیل به‌طور مداوم از اواما در خواست می‌کردند که تاسیسات اتمی ایران را مورد حمله قرار دهد. در ارتباط با لابی یهود هم باید گفت باتوجه به از هم گسیختگی جامعه آمریکا بعد از پیروزی ترامپ، لابی یهود از حامیان جدی ترامپ است و او به این حمایت نیاز دارد.

در پاسخ به این سوال که هدف اصلی ترامپ از مخالفت با توافق هسته‌ای چیست باید گفت هدف نابودی آن با کمترین هزینه ممکن برای او است. ترامپ با نابودی برجام در یک فرآیند تدریجی ضربه‌ای اساسی به میراث اواما می‌زند و تصور می‌کند اگر بتواند به یک توافق بهتر با ایران دست پیدا کند می‌تواند خود را فردی بهتر و توانمندتر از اواما نشان دهد. به این خاطر به دنبال آن است که با اعمال فشار به ایران و طرح اتهامات مختلف، ایران را نیز تحریک کند که به دنبال خروج از توافق هسته‌ای باشد. مباحثی مانند طرح تغییر نظام سیاسی در ایران، متهم کردن ایران به بی‌ثباتی در منطقه، طرح تحریم سپاه پاسداران و مخالفت با برنامه‌های موشکی کشور همگی در راستای تحت تاثیر قرار دادن بهربرداری ایران از توافق هسته‌ای است؛ تاجایی که ایران به این نتیجه برسد که توافق هسته‌ای برای او دستاورد و مزایایی در پی ندارد و بنابراین باید از آن خارج شود. اگر ایران به چنین نتیجه‌ای برسد در آن صورت همه مسئولیت شکست برجام به عهده آمریکا نخواهد بود.

البته باید به این نکته اشاره کرد که تحقق این هدف ترامپ با چالش‌ها و موانع زیادی مواجه است که انجام کار را برای او مشکل می‌کند. مخالفت کشورهای مختلف با نقض برجام از یک سو و سیاست رسمی ایران مبنی بر اینکه خروج ایران یکجانبه نخواهد بود از سوی دیگر سبب می‌شود که برنامه‌های رئیس‌جمهور آمریکا طبق روند دلخواه پیش نرود. از طرفی در سال ۲۰۱۸ انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره برگزار می‌شود که هم‌اکنون برخی از جمهوریخواهان نگران شکست خود در انتخابات به خاطر عملکرد منفی ترامپ و از اکثریت افتادن جمهوریخواهان در کنگره هستند. این موضوع از آنجا اهمیت دارد که دموکرات‌ها به دنبال حفظ دستاورد دولت اواما هستند و پیروزی آنها در کنگره بیش از پیش کار را برای ترامپ دشوار می‌کند. ▶

فقدان تجربه سیاسی

دلیل تغییر مواضع ترامپ پس از ورود به کاخ سفید چیست؟



۳ دونالد ترامپ در ایام کارزار انتخاباتی، به شدت مخالف توافق هسته‌ای ایران بود و مدام اعلام می‌کرد که در این توافق هسته‌ای نه تنها ایران امتیازهای زیادی را به دست آورده است بلکه همچنین به زعم آنها برجام، مسیر دستیابی ایران به سلاح اتمی را مسدود نکرده است. البته در همین ایام، دونالد ترامپ نه تنها در مخالفت با سیاست‌های منطقه‌ای ایران موضع خاصی نگرفت بلکه حتی در یکی از مناظره‌های خود با کاندیدای رقیب مدعی شد که تنها ایران، روسیه و دولت سوریه در حال مبارزه واقعی با داعش هستند که خود به نوعی بیانگر نگاه مثبت او به سیاست مبارزه با داعش ایران بود. بعد از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری انتظار می‌رفت که طبق وعده‌های داده شده در ایام تبلیغات انتخاباتی، دونالد ترامپ توافق هسته‌ای را کنار بگذارد. اما این اتفاق نیفتاد و ترامپ دوبار اجرای درست توافق هسته‌ای را تایید و به کنگره این کشور گزارش داد. طبق قانون بررسی توافق هسته‌ای مصوب سال ۲۰۱۵ کنگره، رئیس‌جمهور آمریکا می‌بایست هر ۹۰ روز یک بار درباره توافق هسته‌ای و اجرای آن به کنگره گزارش دهد. هر چند ترامپ در دو گزارش اول خود تایید برجام را به کنگره اعلام کرد اما در گزارش سوم خود در روز جمعه ۲۱ مهر ۱۳۹۶، از تایید گزارش سر باز زد و توافق هسته‌ای ایران را به کنگره آمریکا ارجاع داد. حال سوال اساسی که مطرح می‌شود این است که دلایل اصلی مخالفت ترامپ با توافق هسته‌ای چیست و او چه هدفی را از این طریق دنبال می‌کند. در پاسخ به این سوال باید گفت که دونالد ترامپ به چند دلیل با توافق هسته‌ای مخالف است؛ اول اینکه او به خاطر نداشتن تجربه کار سیاسی و سیاست‌ورزی، فهمی سطحی و آسان

از مسائل جهانی و بین‌المللی دارد و بنابراین تصور می‌کند که همه آنچه در عرصه سیاسی ساری و جاری است دارای عیب و ایراد است و او با فهم این ایرادات قادر است که همه آنها را با نگاه دستوری اصلاح کند. در حالی که موضوعات سیاسی و از جمله توافق هسته‌ای چند لایه و چندبعدی است که حاصل کنار هم قرار دادن منافع متضاد بازیگران مختلف است. بر این مبنای طبیعی است که در یک توافق بین‌المللی الزاما همه مفاد آن تأمین‌کننده منافع آمریکا نباشد و در راستای تأمین منافع بازیگران دیگر باشد. اینکه ترامپ انتظار دارد تمام مفاد برجام در راستای منافع آمریکا باشد حاکی از درک پایین او از توافق‌های بین‌المللی و چگونگی انعقاد آن است.

دوم اینکه ترامپ مشکل شخصی با میراث اواما در سیاست داخلی و خارجی دارد و تصور می‌کند برای ضربه زدن به اواما باید تمامی دستاوردهای او را از بین ببرد که به همگان نشان دهد که سیاست اواما اشتباه است. اواما نه تنها در ابتدای دوران ریاست جمهوری در یک میهمانی دونالد ترامپ و شغل او را دستمایه طنز قرار داد بلکه در ایام تبلیغات انتخاباتی نیز در سخنرانی‌های متعدد ترامپ را به عنوان کسی که به آمریکا ضربه می‌زند مورد تمسخر قرار داد. حملات دموکرات‌ها به بی‌تجربگی ترامپ در سیاست سبب شکل گیری کینه خاصی در او نسبت به دموکرات‌ها و شخص اواما شده است. علاوه بر اینکه دولت اواما اساس دست داشتن روسیه در پیروزی ترامپ را بنیاد گذاشت و همین خود کینه ترامپ به اواما را بیشتر کرده است بنابراین به دنبال این است که دستاوردهای اواما را زیر سوال ببرد و در نهایت نابود کند.

دلیل سوم به فعالیت لابی اسرائیل و عربستان برمی‌گردد که با توافق هسته‌ای مخالف هستند. بیراه نیست که اگر بگویم در سفر ترامپ به عربستان مقامات ریاض در مقابل قراردادهای کلان اقتصادی و نظامی با آمریکا صرفاً یک چیز را می‌خواستند و آن نابودی توافق هسته‌ای بود. اخیراً جان کری، وزیر خارجه سابق آمریکا



لایسم عربی - عبری

ترامپ، بازیگردان استراتژی‌های اتاق‌های فکر آمریکایی است

مهدی مطهرنیا



تحلیلگر مسائل بین‌الملل و دکترای آینده پژوهی

۴

ایالات متحده آمریکا با قدمت ۲۳۰ سال، به عنوان یک قدرت بزرگ در تاریخ چهره نشان داده است. این دیدگاه که در ایالات متحده آمریکا، سیاست‌ها بدون توجه به اصول و محورهای برنامه‌ریزی شده و تدبیرهای آینده‌نگر صورت می‌پذیرد تا حدودی دور از منطق است. همچنین این رویکرد مبنی بر اینکه در آمریکا تاریخانه‌ای وجود دارد که در آن عده‌ای در حال کشیدن سیگار، سیاستگذاری می‌کنند، تا به واسطه آن تئوری توهم

پیش از این آمریکایی‌ها با دکتترین آزادسازی به عنوان هفتمین دکتترین خود اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را فروپاشیدند. آنها با دکتترین پیش دستی وارد جغرافیای هدف خود یعنی هارت لند بزرگ به ویژه بخش هارت لند نو و نوهارت لند شده‌اند. اکنون نیز بر آن هستند تا با تثبیت قدرت خود در هارت لند نو و نوهارت لند، زمینه‌های نفوذ خود به هارت لند علیا را فراهم کنند. اما اینکه بگوییم آمریکایی‌ها در همه و جوه عمل خود در این زمینه موفق بوده‌اند و اکنون ترامپ محصول تمام این موفقیت‌هاست، درست نیست. زیرا بدان معنا است که چالش‌های فرارو و موانع رودرروی ایالات متحده آمریکا را برای دستیابی به اهداف این کشور در نظر نگرفته‌ایم. در این راستا باید گفت که اصولاً کاخ سفید

گوناگون و عناوین مختلف هنوز هم در دست اجرا، دیده‌بانی و سپس ترمیم قرار دارد.

بنابراین باید بگوییم آنچه ترامپ انجام می‌دهد نه یک لقلقه زبان یا لقلقه استراتژیک و براساس نادانی است، بلکه براساس طرح‌های تصویب‌شده‌ای است که در این اندیشکده‌ها تنظیم و تبیین شده و هم اکنون نیز توسط ترامپ به عنوان بازیگر دیوانه در کاخ سفید مناسب و متناسب با وضعیت کنونی در حال اجرا است.

درواقع ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا است و رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، رهبر ملت آمریکا در قالب دولت فدرال محسوب می‌شود. او، بالاترین مقام اجرایی نه به عنوان رئیس و مدیر دولت، بلکه لیدرشیپ یا رهبری آمریکا است. این نکته را نباید فراموش کرد که به هر تقدیر امروز ایالات متحده آمریکا به رئیس‌جمهور خود به مثابه رهبر کل ایالات متحده آمریکا می‌نگرد. رئیس‌جمهور آمریکا در چارچوب قانون اساسی، بالاترین مقام تصمیم‌گیرنده است که حتی می‌تواند مصوبه‌های کنگره را در وضعیت عادی تصویب آنها و تو کند.

از این جهت اگرچه ترامپ دارای یک شخصیت معوج و در چارچوب بازیگر دیوانه هنری کسینجر شناخته می‌شود اما در نهایت او رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا و رهبر دولت آمریکا در قالب دولت فدرال است. ترامپ در ماموریت تعریف‌شده‌اش از منظر روند تاریخی گسیل قدرت آمریکا به آسیا، اکنون ماموریت دارد تا در برابر مسائل مربوط به هارت لند نو و نوهارت لند وارد عمل شده و زمینه‌های گسیل قدرت خود را از غرب به شرق آسیا فراهم کند.

اما از طرف دیگر امروزه لابی‌های یهودی و لابی‌های اعراب جزو قوی‌ترین لابی‌ها در مرکز ایالات متحده آمریکا هستند. لابی و لایسم به عنوان یک امر پذیرفته شده و وسیع در ایالات متحده آمریکا مدنظر و مورد پذیرش قرار گرفته است. براساس پذیرش منطق لابی‌گری و لابی‌گری به عنوان یک مکتب موثر در حوزه اقدام سیاسی، ایالات متحده آمریکا دارای لابی‌های متفاوت در داخل کشور است و لابی‌های بیرونی موجود در داخل آمریکا نیز از طرف کشورهای، اقوام و نگرش‌های گوناگون است. در این بین، یهودیان و اعراب سرمایه‌گذاری بسیار بالایی به ویژه در چند دهه گذشته در ارتباط با شکل دادن به لابی و لایسم عربی و یهودی و حتی هم اکنون لایسم عربی-عربی و تلفیق آنها انجام دادند. به تبع آن باتوجه به گرایش‌های پست‌نومحافظه‌کار ترامپ و نزدیکی و قرابت این گرایش‌ها با تل‌آویو و ریاض کنونی، می‌توان گفت که اثر این لابی‌ها نیز افزایش پیدا کرده است.

بنابراین آمریکای ترامپ در نظر دارد که ایران یا در کنار ایالات متحده آمریکا باشد یا اینکه در مقابل واشنگتن تکلیف خود را با آمریکا هرچه زودتر روشن سازد. در این مقطع ایران باید تصمیم بگیرد که می‌خواهد در برابر ایالات متحده آمریکا با بیان یک «نه» بزرگ وارد تعارضات و تضادهای شدیدتر شود، یا بر آن است که با بیان یک «بله» بزرگ، زمینه‌های ایجاد یک دیپلماسی معنادار و همه‌جانبه را برای شکل دادن به یک فرایند مذاکرات همه‌جانبه و موثر با ایالات متحده آمریکا و بازیگران اصلی نظام بین‌الملل فراهم کند. ▶



به پرورش یک استراتژی اقدام می‌کند که آن استراتژی را بعد از گفت‌وگوهای بسیار عالمانه در اندیشکده‌های گوناگون به تصویب رسانده و عملیاتی می‌کند. به دنبال آن وارد عرصه عمل می‌شود، محیط عمل را به خوبی زیر نظر می‌گیرد و پس از آن کاستی‌ها و کمبودهای عملیاتی آن استراتژی را در نظر می‌گیرد. سپس زمینه‌ساز ایجاد یک حرکت معنادار و تعریف‌شده در جهت بازپرورش استراتژی خود و بازگشت مجدد به محیط عمل می‌شوند. آنچه هم اکنون دیده می‌شود، امتداد طرحی است که تحت عنوان خاورمیانه بزرگ در آغاز هزاره سوم و قرن بیست و یکم میلادی مطرح شد. بسیاری گفتند که این طرح شکست‌خورده است و مراسم سوگواری این طرح را نیز به راه انداختند. اما این طرح باتوجه به محیط عملیاتی خود مورد عنایت قرار گرفت، کاستی‌های آن مورد دیده‌بانی واقع شد، به اتاق‌ها و اندیشکده‌های گوناگون وارد شد، کاستی‌ها مرتفع گشت و برای چندین و چندمین بار این فرایند را طی کرد و با طرح‌های

توطئه را مورد توجه قرار دهیم، نگاهی بدبینانه به حوزه سیاست است. از طرف دیگر و در نقطه مقابل رویکرد اینکه هیچ‌گونه برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیکی در شکل‌دهی و محتوا بخشی به سیاست‌ها در آمریکا وجود ندارد و فعل و انفعالاتی که هم اکنون شاهدش هستیم، در یک برش غیرمنسجم و مقطعی صورت می‌پذیرد، به همان اندازه غیرمنطقی خواهد بود.

از این رو من بر این باورم که ایالات متحده آمریکا براساس تاریخ ۲۳۰ ساله خود، تاکنون هشت دکتترین امنیتی را به طور کامل پشت سر گذاشته است. همچنین آمریکا با روی کار آمدن باراک اوباما وارد دکتترین امنیتی نهم خود با هدف توسعه قدرت هوشمند آمریکایی و گسترش هژمونی دموکراتیک آمریکا در سراسر جهان بود. این نظریه‌ای است که توسط جوزف نای پرستخته شد و در سال ۲۰۰۷ میلادی کامل گردید. این دکتترین بعد از دکتترین موسوم به پیش‌دستی در ایالات متحده آمریکا مورد توجه قرار گرفت.

دارد که باید با مصداق تحلیل کرد. از سوی دیگر با گذشت چندین ماه از آغاز دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ در ایالات متحده آمریکا، یک بار دیگر بحث تدوین سیاست منطقه‌ای این کشور در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) در دستورکار قرار گرفته و با تغییر دولت در واشنگتن به نظر می‌رسد که این تغییر در استراتژی و نگاه ایالات متحده آمریکا به منطقه ظهور و بروز بیشتری پیدا کرده است. ترامپ مانند اکثریت قریب به اتفاق روسای جمهور آمریکا پیش از این، در تلاش است که برای این منطقه حساس از جهان، نظم مورد نظر خود را ایجاد کند؛ نظمی که در سپهر سیاسی دولت ترامپ قابل تصور است از یک سری شاخص‌ها برخوردار است. برخی از این شاخص‌ها، ادامه راهکاری است که پیش‌تر توسط دولت‌های قبلی دنبال می‌شدو برخی نیز اختصاصاً به دولت کنونی تعلق دارد. در گام اول به نظر می‌رسد که اصلی‌ترین شاخص نظم ترامپی در منطقه غرب آسیا، تکیه بر قدرت عربستان سعودی به عنوان کشوری است که هم توان مالی بالایی دارد و هم از نفوذ سیاسی در میان کشورهای عربی برخوردار است. به همین دلیل اولین مقصد در سفر خارجی دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور آمریکا، ریاض تعیین شد و در سفر به عربستان، ترامپ حدود ۴۰۰ میلیارد دلار قرارداد نظامی و غیرنظامی با عربستان امضا کرد. او جایگاه بالایی را برای عربستان در نظر گرفته است و به همین دلیل ریاض به عنوان مکانی برای ملاقات رئیس جمهور آمریکا با سران کشورهای عربی-اسلامی در نظر گرفته شد و حدود ۵۰ تن از سران و نمایندگان کشورهای عربی-اسلامی به دعوت پادشاه عربستان و برای دیدار با رئیس جمهور آمریکا به ریاض سفر کردند. بنابراین بیش از هر زمان دیگری، استراتژی منطقه‌ای آمریکا روی تکیه بر عربستان شکل گرفته است. بحث بعدی این است که به موازات تکیه آمریکا بر عربستان، تضعیف جمهوری اسلامی ایران نیز در دستورکار است. باید توجه داشت که دولت کنونی در آمریکا بیش از دولت‌های قبلی، اقدامات عملی در قبال ایران انجام داده است؛ در این خصوص، به چالش کشیدن توافق هسته‌ای موسوم به برجام، طرح اتهام همکاری ایران با گروه‌های تروریستی، فشار بر سپاه پاسداران و تضعیف توان دفاعی جمهوری اسلامی ایران در قالب برنامه‌های موشکی قابل ذکر است. از این جهت است که در نظم ترامپی برای منطقه غرب آسیا حضور یک قدرت منطقه‌ای خارج از کنترل یعنی جمهوری اسلامی ایران چالش ساز است و باید برای مهار این وضعیت، قدرت ایران تاحد امکان تضعیف شود. در راستای این تحول یعنی دو سوی سیاست منطقه‌ای آمریکا که یکی قدرت یافتن عربستان و دیگری تضعیف ایران است، اقدامات بعدی انجام خواهد گرفت؛ اقداماتی شامل ایجاد اتحاد در جهان عرب حول محور عربستان و شکل گرفتن ائتلاف منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران. یک پارامتر سوم نیز به این قضیه اضافه می‌شود و آن بازیگری اسرائیل است. در این رابطه دولت کنونی تلاش دارد در نهایت این ائتلاف دیرینه را به سرانجام برساند و بین اسرائیل و اعراب به رهبری عربستان صلح برقرار کند. این مساله که هوایمای دونالد ترامپ در سفر به منطقه از ریاض پرواز و در تل آویو به زمین می‌نشیند یک نشانه سمبلیک از نزدیک کردن جهان عرب تحت کنترل عربستان به اسرائیل است؛ دولت‌هایی که خود را در برابر دشمن مشترکی به نام ایران و نقش آفرینی آن در منطقه تعریف می‌کنند. بنابراین شاخص‌هایی که نظم ترامپی دنبال می‌کند بر دو پایه قرار دارد؛ اگر در زمان ریچارد نیکسون سیاست منطقه‌ای بر دو ستون قرار داشت امروز یک ستون علیه ستون دیگر شکل می‌گیرد و فعل و انفعالاتی که قرار است در منطقه رقم بخورد در چارچوب دامن زدن به رقابت منطقه‌ای میان عربستان و جمهوری اسلامی ایران است. ▶



تکیه بر ریاض

ترامپ، سیاست دو ستونی نیکسون را تبدیل به ستون علیه ستون می‌کند

یکجانبه و تکروری در صحنه بین‌المللی بزند، مقاومت‌هایی از طرف متحدانش انجام شده است. اما زمانی که تکروری تحقق پیدا می‌کند و تصمیم اجرا می‌شود، عموماً اروپا خیلی توانمند برای مقابله با این تکروری نیست. معمولاً سعی می‌کنند همراه شوند و چاره‌ای هم ندارند که همراهی نکنند. نمونه آن را در جنگ عراق مشاهده کردیم. فرانسه و آلمان مخالف بودند اما وقتی جنگ آغاز شد به این واقعیت موجود تن دادند. بنابراین خیلی قابل انتظار نیست که اگر آمریکا از برجام خارج شود، اروپایی‌ها بتوانند مقاومت کنند یا در خصوص موشکی مواضع متضادی را در دستورکار قرار دهند. البته من معتقدم که آمریکا چاره‌ای ندارد جز اینکه برجام را حفظ کند. اما اینکه در خطوط مباحث غیربرجامی، توانمندی دفاعی ایران مطرح است و در کنار آن اتهاماتی مانند همکاری با تروریسم، همه این موارد از دید آمریکایی‌ها محل مذاکره دارد. فشارهایی که بر طرف ایرانی، طرف اروپایی و دیگر بازیگران این عرصه وارد می‌کنند، نشان می‌دهد که آنها امیدوار هستند که در این کشمکش زمینه را برای مذاکره آماده کنند. اما اینکه به نتیجه برسند یا نه تعریفی

◀◀ امیر علی ابوالفتح

کارشناس مسائل آمریکا



🔥 دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا مواضع خصمانه‌اش علیه ایران را روی دور تند قرار داده است. دولت ترامپ از بحث برجام امروز به دیگر مباحث همچون مساله موشکی، منطقه و حتی تغییر نظام در ایران روی آورده و خواهان اعمال فشار در این حوزه‌ها بر تهران است. باید توجه داشت که مواضع ترامپ درباره برجام بحث امروز و دیروز نیست، او از دورانی که وارد رقابت‌های انتخاباتی شد نسبت به برجام دیدگاه منفی داشت، دیگر جمهوریخواهان هم نسبت به این توافق اعتراض داشتند و معترض بودند که منافع ایالات متحده را تامین نمی‌کند.

ترامپ، اهداف متعددی را دنبال می‌کند که به برخی از آنها اشاره شد. در خصوص مساله موشکی تجربه نشان داده است که بیش از اینکه آمریکا دست به یک اقدام

دموکراسی چینی

برگزاری کنگره ملی حزب کمونیست چین و اعلان سیاست‌ها و استراتژی‌های جدید این کشور در حوزه‌های مختلف، این پرسش را مطرح کرده که آیا چین به سمت دموکراسی می‌رود؟ آیا شی جین پینگ تبدیل به مائوئی دیگر خواهد شد و همچنین در عرصه اقتصادی شاهد چه تغییراتی خواهیم بود؟

بین‌الملل



سانترالیسم چینی

آیا لیبرالیسم اقتصادی به نهادهای سیاسی چین سرایت می‌کند؟

ساناز رضایی

روزنامه نگار

نام شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین وارد قانون اساسی این حزب شد و بدین گونه قدرت او فزونی گرفت. پس از مائو تسه تونگ و دنگ شیائوپینگ، حال نام شی جین پینگ به عنوان رکن اساسی انقلاب چین جاودان شده است.

طی چند روز گذشته رئیس‌جمهوری چین حین سخنرانی سه ساعته خود در کنگره ملی حزب کمونیست چین به «سوسیالیسم چینی» اشاره کرد.

وی در جمع بیش از ۲۰۰۰ نماینده حاضر گفت: «طی یک بازه زمانی طولانی از کار و فعالیت، سوسیالیسم با مولفه‌های چینی وارد یک دوره جدید شده است، این یک مسیر تاریخی جدید در توسعه کشورمان است. چین دسترسی به بازار برای سرمایه‌گذاری خارجی را تسهیل خواهد کرد و دسترسی به بخش خدماتی را گسترش می‌دهد و علاوه بر این، اصلاحات مبتنی بر بازار برای نرخ تبادلات و سیستم مالی را عمیق‌تر می‌کند و همزمان به تقویت شرکت‌های دولتی می‌پردازد. سیستم سیاسی چین گسترده‌ترین، واقعی‌ترین و موثرترین راه برای حفاظت از منافع اساسی مردم است. ما نباید تنها به صورت مکانیکی

اقدام به تقلید سیستم‌های سیاسی دیگر کشورها کنیم.» اصطلاح «سوسیالیسم با خصوصیات چینی» از اواخر دهه ۱۹۷۰ به عنوان تحولی بنیادی در نگرش اقتصادی حکومت این کشور ابداع شد. تا پیش از آن، رهبری حزب کمونیست بر تبعیت ساختار و سازماندهی اقتصادی از ایدئولوژی و استنباط خاص خود تاکید داشت که در مواردی به بروز بحران‌های شدید اقتصادی منجر شده بود. «سوسیالیسم با خصوصیات چینی» که برخی آن را عقب‌نشینی کامل از اصول مورد نظر مائو تسه تونگ، بنیانگذار جمهوری خلق دانسته‌اند، در دهه‌های بعد راه را برای ایجاد فضای باز فرهنگی و بازگشایی اقتصادی به خصوص به روی سرمایه خارجی هموار کرد.

کانال‌های رسمی خود با تایوان را قطع کرد تا برای به رسمیت شناختن اصل «چین واحد» که توسط دولت ناسیونالیست پیشین تایوان پذیرفته شده بود، تسای و حزبش را تحت فشار قرار دهد.

همچنین یکی از نقاط تنش آمیز برای پکن در سال‌های گذشته منطقه سین کیانگ بوده است. از سال‌های گذشته تاکنون منطقه سین کیانگ شاهد درگیری‌های مکرر میان مسلمانان ایغورها و نیروهای امنیتی است و پکن شبه نظامیانی را که به دنبال استقلال این منطقه هستند منظر حملات مکرر در این منطقه و دیگر نقاط چین می‌داند.

این در حالی است که گروه‌های حقوق بشر محدودیت‌های مذهبی و فرهنگی اعمال شده بر ایغورها و دیگر اقلیت‌های مسلمان در این منطقه و وسیع را دلیل ناآرامی‌های می‌داند. چندی قبل در بحبوحه خشونت‌های میان مسلمانان ایغور و اکثریت چینی‌های هان که در سال‌های اخیر جان هزاران تن را گرفته، منطقه سین کیانگ قوانین جدیدی را برای تقویت «همبستگی قومی» تعیین کرد. با این حال پکن هرگونه سرکوب در منطقه سین کیانگ را رد می‌کند.

از سوی دیگر طی سال‌های گذشته هنگ کنگ شاهد تظاهرات گسترده‌ای با هدف دستیابی به آزادی‌های بیشتر به ویژه در انتخاب مقامات دولتی بوده است. برخی از دموکراسی خواهان در هنگ کنگ به دلیل نقششان در جنبش چتر در سال ۲۰۱۴ در اعتراض به سیاست‌های پکن و اقدامات آزادی خواهانه به زندان افتاده‌اند و سوی دولت سرکوب می‌شوند.

همچنین چین بر بخش اعظم دریای چین جنوبی ادعای مالکیت دارد و این در حالی است که ادعاهای مالکیت مشابهی نیز از سوی فیلیپین، برونئی، مالزی، تایوان و ویتنام مطرح است. این مساله باعث افزایش تنش‌ها در این منطقه شده است. این دریا دارای پنج تریلیون دلار گردش مالی سالانه در تجارت کشتیرانی و همچنین ذخایر عظیم نفت و گاز است.

اگرچه پکن توانسته است به یک ظاهر خوب و عامه پسند در عرصه جهانی دست یابد و آن را به عنوان ماسکی برای پوشش اختلافات و چالش‌های داخلی استفاده کند اما هنوز این سرپوش نمی‌تواند به خوبی تمام نگرانی‌ها و چالش‌های داخلی را بپوشاند. مردم عادی در چین با نقض حقوق بشر مواجه هستند. با این اوصاف، به نظر می‌رسد که «دموکراسی چینی» هنوز راه زیادی در پیش دارد. ▶



شی جین پینگ که در سال ۲۰۱۲ زمام امور را به دست گرفت یکی از قدرتمندترین رهبران جمهوری خلق چین در کنار مائو تسه تونگ و دن ژیاو پینگ محسوب می‌شود

در مقام نخست‌وزیری شود. هرگونه ارتقای مقام مسئولان جوان تر حزب نیز مورد توجه تحلیلگران قرار خواهد گرفت. زیرا هر کدام از این مسئولان جوان می‌توانند در آینده به یکی از نامزدهای بالقوه برای جانشینی شی جین پینگ تبدیل شوند. عدم ظهور نامزد بالقوه برای جانشینی او می‌تواند نشان دهنده احتمال بقای شی جین پینگ در قدرت برای سومین دوره باشد.

اجرای مدل چینی

اما امروز به صورت جدی تر این سوال ایجاد شده که اجرای مدل چینی در کشورهای دیگر تا چه حد می‌تواند موفقیت آمیز باشد.

در گذشته روسای جمهور آمریکا همواره کشور خود را به عنوان یک الگوی درخشان برای کشورها و ملل دیگر معرفی می‌کردند. اما اکنون چین نیز وارد این وادی شده است و به طور رسمی به دنبال معرفی خود به عنوان یک الگوی نمونه برای جهان با مدل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت است.

در حال حاضر اقتصاد چین در حال گسترش است و این کشور دومین اقتصاد بزرگ جهان را دارد اما از منظر سرانه ملی این کشور در رتبه ۷۰ یا ۸۰ قرار دارد. افزایش ثروت در این کشور همراه با افزایش نابرابری هاست. با این حال این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که رشد بالای اقتصاد در چین برای بسیاری از مردم در سراسر جهان در کشورهای فقیر و دچار بحران اقتصادی به خصوص در میان کشورهای آفریقایی جذاب است.

چندی قبل خبرگزاری شینهوا با انتقاد از دموکراسی «تفرقه جوانه و مقابله‌ای» غرب نوشت سیستم سیاسی چین به اتحاد اجتماعی ختم می‌شود نه تفرقه که پیامد غیر قابل اجتناب ماهیت ماجراجویانه دموکراسی غربی امروزی است. در ادامه این یادداشت آمده است: «اختلاف، نزاع و انحراف سیاسی بی‌پایان» که از نشانه‌های دموکراسی لیبرال است، پیشرفت اقتصادی و اجتماعی را عقب می‌اندازد و منافع اکثر شهروندان را نادیده می‌گیرد.

شینهوا در این مطلب به کشور خاصی اشاره نکرد اما این رسانه دولتی پیش تر به نمونه‌هایی از جمله فرانکوم بریتانیا برای خروج از اتحادیه اروپا و انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهوری آمریکا به عنوان نمونه‌هایی از نقص دموکراسی غربی اشاره کرد.

بر اساس یک نظرسنجی انجام شده توسط مرکز تحقیقاتی «پیو» در ۳۷ کشور در سراسر جهان به میزان قابل توجهی محبوبیت آمریکا کاهش یافته است. میزان اعتماد مردم به دونالد ترامپ، رئیس جمهوری کنونی آمریکا ۲۲ درصد و میزان اعتماد مردم به شی جین پینگ، رئیس جمهور چین ۲۸ درصد است. با این حال بسیاری از شرکت کنندگان در این نظرسنجی اعلام کرده‌اند که به هیچ‌یک از آنها اعتماد ندارند.

چین به رغم اقتصاد شکوفا، با مشکلاتی مواجه است که از این چالش‌ها می‌توان به مساله استقلال خواهی تایوان و تنش‌ها با همسایگان دربار جزایر مصنوعی پکن در اطراف دریای چین جنوبی اشاره کرد.

تایوان یکی از مسائل بسیار حساس برای چین محسوب می‌شود. پکن هرگز استفاده از زور برای بازگرداندن تایوان زیر پرچم خود را رد نکرده و گفته اگر لازم باشد، دست به چین کاری می‌زند.

نیروهای ملی گرای شکست خورده چین در پایان جنگ داخلی این کشور در سال ۱۹۴۹ به تایوان گریختند. تایوان از سال ۱۸۹۵ تا ۱۹۴۵ مستعمره ژاپن بود.

روابط چین و تایوان از زمان آغاز به کار دولت تسای اینگ-ون با کاهش ناگهانی روبه‌رو بوده است. چین

رئیس جمهوری چین گفت که اجازه نخواهد داد در «نظام سوسیالیستی» این کشور خللی وارد شود و «با هر گفته و عملی که ارزش‌های موجود در این نظام را تضعیف کند» مقابله خواهد کرد.

وی همچنین اعلام کرد پکن باید «عرصه جهانی» را به دست بگیرد و این نوع سوسیالیسم می‌تواند انتخابی برای دیگر کشورها باشد. رئیس جمهوری چین در کنگره ملی از طرح تبدیل کشورش تا سال ۲۰۵۰ به یک رهبر جهانی و «بزرگ‌ترین ابرقدرت جهان» پرده برداشت. شی جین پینگ در سال ۲۰۱۲ رهبری حزب کمونیست چین و نیز رهبری چین را بر عهده گرفت. شی جین پینگ از زمان روی کار آمدن، خود را به عنوان یک دولتمرد نشان داده و تاکید کرده که چین یک قدرت جهانی مسئول است.

سر نوشت رهبران چینی

باید توجه داشت که نوزدهمین کنگره حزب کمونیست چین این هفته کمیته مرکزی جدید این حزب را معرفی خواهد کرد. انتظار می‌رود این کمیته شی جین پینگ را برای یک دوره پنج ساله دیگر به عنوان دبیرکل حزب انتخاب کند. کنگره حزب کمونیست چین هر ۱۰ سال تنها دو بار و به مدت یک هفته برگزار می‌شود. بیشتر جلسات کنگره حزب کمونیست چین پشت درهای بسته برپا می‌شود.

شی جین پینگ که در سال ۲۰۱۲ زمام امور را به دست گرفت یکی از قدرتمندترین رهبران جمهوری خلق چین در کنار مائو تسه تونگ و دن ژیاو پینگ محسوب می‌شود. این احتمال مطرح شده است که نام شی جین پینگ همچون مائو تسه تونگ و دن ژیاو پینگ در مرامنامه حزب کمونیست ثبت شود.

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین که توسط کنگره انتخاب خواهد شد در عمل قدرت را در این کشور یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفری در دست خواهد گرفت.

گمانه‌زنی‌هایی در مورد احتمال بقای شی جین پینگ در قدرت پس از سال ۲۰۲۲ مطرح شده است. هرگونه تغییر در این راستا از جمله نکاتی است که در روزهای آینده مورد توجه تحلیلگران قرار خواهد داشت. جایگاه متحدان شی جین پینگ نیز در پایان کنگره حزب کمونیست می‌تواند تا حدی مشخص کننده میزان نفوذ و قدرت وی در حزب باشد. در زمینه سیاست خارجی کنگره نوزدهم حزب کمونیست می‌تواند در تعیین جایگاه این کشور در سال‌ها و بلکه دهه‌های آینده تعیین کننده باشد. باتوجه به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در آمریکا و احتمال انزوای طلبی او در عرصه بین‌المللی، نوزدهمین کنگره حزب کمونیست چین می‌تواند مشخص کند چین تا چه حد جایگاه ایالات متحده را در سال‌های آینده به دست خواهد آورد.

یکی از پرسش‌های کلیدی در هر دوره از کنگره حزب کمونیست چین ارتقا یا تنزل مقام شخصیت‌های سیاسی این کشور است. جایگاه شی جین پینگ، دبیرکل حزب و رئیس جمهوری چین مستحکم به نظر می‌رسد اما یکی از متحدان نزدیک او به نام وانگ چی‌شان که بیش از ۶۹ سال دارد قاعدتاً باید بازنشسته شود.

با این حال باتوجه به نقش کلیدی او در کنار شی جین پینگ و در مبارزه با فساد مالی در چین، این احتمال مطرح شده است که سن بازنشستگی اعضای کلیدی حزب تغییر کند تا او بتواند برای یک دوره دیگر به فعالیت خود ادامه دهد.

لی که چیانگ، نخست‌وزیر چین از جمله افرادی است که جایگاهش منزلزل به نظر می‌رسد و سرنوشت او در این کنگره مشخص خواهد شد. این احتمال پیش از این مطرح شده بود که وانگ چی‌شان جانشین لی که چیانگ



ظهور مائو دوم

شی جین‌پینگ به چهره مهم حزب کمونیست چین تبدیل شده است

آزاده کشور دوست

روزنامه نگار

۲ تحولات چین همواره به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان بعد از آمریکا مورد توجه بوده است. کارشناسان از رابطه آمریکا و چین که تعاملی همراه با دشمن پنداشتن طرف مقابل و در عین حال استراتژیک‌ترین شراکت بالقوه شناخته می‌شود به عنوان مهم‌ترین رابطه دو جانبه جهان در قرن جاری یاد می‌کنند. اهمیت جایگاه چین باعث شده تحولات سیاسی و افرادی که در این کشور در راس قدرت قرار دارند نیز همواره مورد توجه باشند. اما نوزدهمین کنگره حزب کمونیست چین و تحولاتی که در آن رخ داد باعث شد توجه به «شی جین‌پینگ»، رئیس جمهوری فعلی چین بیش از پیش برجسته شود.

شی در خانواده‌ای انقلابی و سیاسی متولد شد. پدر او از از قهرمانان انقلاب و نسل اول رهبران چین کمونیست بود و به همین دلیل او را از جمله «شاهزاده‌های قرمزپوش» چین می‌دانند. شی در رشته‌های مهندسی شیمی و حقوق تحصیل کرده است ولی در نهایت فعالیت در حزب کمونیست چین را به هر مساله دیگری ترجیح داد. او در هجدهمین کنگره حزب کمونیست چین به ریاست این حزب و در نخستین جلسه دوازدهمین نشست سالانه مجمع خلق چین به عنوان رئیس جمهوری جدید این کشور انتخاب شد و تاکنون قدرت را در دست دارد.

هر چند شی به عنوان یکی از اولویت‌های خود بر لزوم حرکت در مسیر دموکراسی - البته نه در شکل غربی آن - تأکید داشته است، بسیاری از منتقدان بر این باورند که رئیس جمهوری فعلی چندان در تحقق این وعده موفق

اقتصادی چین تا حدی قابل قبول به نظر می‌رسد ولی همین مساله می‌تواند تیشه‌ای به ریشه خود او باشد. شهروندان چین به واسطه بهبود اوضاع اقتصادی به امکانات بیشتری دسترسی پیدا کرده‌اند، آنها اکنون می‌توانند به سفر بروند و تجربه اجرای دموکراسی در سایر کشورها را به چشم ببینند. شاید در چند سال اول برای شهروندانی که از زیر بار محدودیت اقتصادی تا حد زیادی شانه سبک کرده‌اند، تجربه ظواهر دلنشین باشد، اما در نهایت این مسائل جاذبه خود را از دست می‌دهد و شهروندان چینی نیز به واسطه فطرت انسانی خود، خواستار اجرای دموکراسی در کشورشان خواهند شد.»

اده در عین حال معتقد است که با توجه به مقیاس بالای جمعیتی در چین، اجرای الگوی دموکراسی که در سایر کشورها اجرا می‌شود، بازدهی لازم را در این کشور نخواهد داشت. او تأکید دارد که حتی اگر وعده‌هایی که در کنگره حزب حاکم داده شده است، اجرایی شود نیز می‌تواند چشم‌انداز مناسبی برای ایجاد یک دموکراسی نوپا ترسیم کند. مهم‌ترین خط‌مشی‌هایی که شی در کنگره نوزدهم برای کشور تعیین کرد، عبارتند از:

۱- لزوم ارتقای جایگاه چین در عرصه جهانی

شی در جریان سخنرانی خود در نوزدهمین کنگره حزب کمونیست چین که با یک سخنرانی ۳/۵ ساعته آغاز شد، بارها رئیس جمهوری آمریکا را هدف قرار داد و از خود به عنوان فردی «ضد دونالد ترامپ» یاد کرد. او همچنین هرگونه حرکت در مسیر انزوا را محکوم کرده و خواستار همکاری بین ملت‌ها شد. شی در این باره و با اشاره تلویحی به تصمیم آمریکا برای خروج از پیمان آب‌وهوایی پاریس گفت: «هیچ کشوری نمی‌تواند خود را یک جزیره مستقل بداند. همه ما در جهانی مشترک زندگی می‌کنیم و سرنوشت مشترکی داریم». او همچنین نقشه راهی برای چشم‌انداز بلندمدت ارتقای جایگاه چین در عرصه جهانی ارائه کرده و پیش‌بینی کرد که چین تا سال ۲۰۲۵ با افتخار در میان کشورهای جهان خواهد ایستاد و قدرت اقتصادی پیشرو

نبوده است. این مساله همچنان و به رغم پیشرفت‌های چین در عرصه اقتصادی همچنان پررنگ می‌نماید. منتقدان سیاسی در چین معتقدند که هر چند عدم تحقق دموکراسی در چین بیش از آنکه به علت تعلل شی باشد ناشی از غیبت نهادهای رقابتی در عرصه دموکراسی است، ولی شخص رئیس جمهور هم چندان بی‌تقصیر نیست. وجود نداشتن دستگاه قضایی مستقل در چین، یکی از مهم‌ترین عوامل فقدان دموکراسی در این کشور شناخته می‌شود و فعالان مخالف دولت معتقدند که این مساله به جای آنکه اهرم فشاری برای بازخواست از دولتمردان باشد، باعث برداشت سلیقه‌ای و جهت‌گیرانه از قانون شده و تنها به ابزاری تبدیل شده است که حاکمان بتوانند دستورهای خود را اجرایی کنند.

یکی دیگر از انتقادهای عمده دیگر به وضعیت جاری در چین، همین نشست‌های کنگره است که هر پنج سال یک بار و پشت درهای بسته برگزار می‌شود. در این چارچوب، تصمیم‌گیری برای کشور تنها توسط نخبگان صورت می‌گیرد و مردم، نقش چندان تعیین سرنوشت خود ندارند. بر همین اساس گمانه‌زنی‌ها درباره اینکه شی به دنبال آن است تا دوره فعالیت خود را تمدید کند و تا سال ۲۰۲۷ در قدرت بماند، بیشتر شده است. به رغم اینکه اساسنامه حزب کمونیست در این زمینه محدودیتی تعیین نکرده ولی تاکنون هیچ‌یک از رهبران حزب برای بیش از دو دوره در قدرت نبوده‌اند. شی این تصمیم را بسیار مرحله به مرحله و به آهستگی پیش می‌برد. در همین راستا، او در صدد کم کردن تعداد اعضای هیات سیاسی و حذف افرادی است که چندان به او نزدیک نیستند.

«کش اده»، تحلیلگر برجسته آسیایی در این باره نوشته است: «هر چند کارنامه شی در بهبود وضعیت

افزایش قدرت شی جین‌پینگ

گام‌های کوچک پکن به سمت دموکراسی

در حال حاضر نمی‌تواند اقتصاد آمریکا و حتی اروپا را خیلی تحت الشعاع قرار دهد، اما امکان دارد در دراز مدت چین تبدیل به یک ابر قدرت اقتصادی و حتی نظامی و سیاسی شود. اما پاشنه آشیل چین جمعیت زیاد و یک میلیارد و ۳۰۰ میلیونی اش است و می‌تواند بحران‌هایی را به همراه داشته باشد. چین اگر نتواند استراتژی مناسبی برای حرکت روبه جلویش داشته باشد، در آینده با معضلات فراوانی روبه‌رو خواهد شد. از دیگر مسائلی که اخیراً گمانه‌زنی‌هایی در خصوص آن وجود دارد، افزایش دوره ریاست جمهوری شی جین‌پینگ است. زیرا در زمانی که مانو، رهبر چین بود، محدودیتی برای دوره‌های ریاست جمهوری یک فرد در چین وجود نداشت. اما از زمان دنگ ژیان‌پینگ با اصلاحاتی که در قانون اساسی به وجود آمد، محدودیت‌هایی برای مدت ریاست جمهوری قرار دادند که تا به امروز رعایت شده است. به این صورت که شی جین‌پینگ پنج سال رئیس جمهور چین بوده، احتمالاً پنج سال دیگر هم در این جایگاه می‌ماند. اما مزه‌هایی وجود دارد که شی جین‌پینگ در تلاش است تا تغییراتی در قانون اساسی به وجود آورد و موانع ریاست جمهوری برای دوره‌های بعدی اش را بردارد. باید دید حزب کمونیست چین این موضوع را می‌پذیرد یا خیر. همچنین طبق برخی اخبار شی جین‌پینگ در نظر دارد برای خودش شخصیت کارزماتیک و جایگاهی مانند مانو به وجود آورد تا به عنوان رهبر مادام‌العمر چین در عرصه سیاسی حضور داشته باشد. بنابراین باید توجه داشت اگرچه تحولات در دنیا قابل پیش‌بینی و خطی به نظر می‌رسد اما حوادث غیرمترقبه معادله‌ها را به هم می‌زند و مسائل شکل دیگری به خود می‌گیرند. اما همان گونه که پیش از این نیز اشاره کردم، به مرور زمان در کنار همه این تحولات و رشد سریع اقتصادی در چین، جامعه نیز مطالبات مدنی و سیاسی بیشتری را طلب می‌کند. این مطالبات مدنی کشور را به سمت دموکراتیزه شدن بیشتر پیش می‌برد. اکنون چین از نظر اقتصادی به سمت دموکراسی گام برداشته و فعالیت اقتصادی را برای بخش‌های عمده‌ای آزاد گذاشته است. بنابراین در این شرایط باید زمینه را برای حضور بیشتر سیاسی و مدنی مردم در جامعه فراهم کرد و این مهم با تداوم سیستم تک‌حزبی مسلط و غیر منعطف به‌دست نمی‌آید؛ کم‌اینکه چین کمترین گام را در جهت دموکراسی برداشته و همه اختیارات دست حزب کمونیست است. لیکن در آینده گشایش‌هایی در مورد وضعیت حقوق مدنی ملت صورت خواهد گرفت و احتمالاً در ابتدا از هسته‌های کوچک‌تر به سمت دموکراسی پیش خواهند رفت. به عنوان مثال در همین سیستم تک‌حزبی و در درون حزب، وجود شاخه‌های مختلف و رقابت مابین آنها می‌تواند به دموکراتیزه شدن جامعه کمک کند. زیرا اگر به یکباره بخواهند به سمت انتخابات آزاد در سطح کشور و پذیرش سیستم‌های چندحزبی بروند جامعه دچار هرج و مرج می‌شود و تمام دستاوردهایش را از دست می‌دهد. بنابراین به احتمال زیاد در آینده در چین، نظام سوسیالیسم ضعیف‌تر خواهد شد و از وضعیت کمونیسم خارج می‌شود و به سمت نظام سوسیال دموکرات پیش خواهد رفت. اما هر گونه تغییری در کشور باید کنترل شده باشد که عواقب بدی به همراه نداشته باشد. زیرا دموکراسی در کشورهایی که تجربه اش را ندارند ممکن است تا مدتی موجب بی‌نظمی در جامعه شود. در مورد کشور بزرگی چون چین با جمعیت یک میلیاردی اش هر اتفاق خارج از کنترلی می‌تواند بازگشت به عقب دولت مرکزی را به همراه داشته باشد و دستاوردهای عظیمش را بر باد دهد. ▶

اسماعیل بشری

کارشناس مسائل چین



۳ نوزدهمین کنگره حزب چین هفته گذشته برگزار شد و شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین، به عنوان دبیرکل حزب برای پنج سال آینده انتخاب شد. در این کنگره شی جین‌پینگ، از تبدیل چین به «کشور سوسیالیستی مدرن» و آغاز «دورانی جدید» در همین راستا سخن گفت. در کنگره حزب چین که هر پنج سال یک بار تشکیل می‌شود، تمامی مسائل کلان جمهوری خلق چین مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. از بعد سیاسی اعضای پولیتورو (دفتر سیاسی) مشخص می‌شوند و تغییراتی در راس امور داده می‌شود. به عنوان مثال ۵ سال پیش، شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور شد و با توجه به عملکرد قدرتمندانه اش، علاوه بر اینکه برای ۵ سال آینده هم انتخاب خواهد شد، طبق پیش‌بینی کنگره، با انتخاب اعضای جدید پولیتورو قدرت وی افزایش پیدا خواهد کرد. از منظر اقتصادی مساله پاک‌سازی فساد گسترده اقتصادی در چین مطرح شد. در همین راستا شی جین‌پینگ یک سخنرانی مطول در افتتاحیه نوزدهمین کنگره حزب چین داشت. عمده‌ترین موضوعی که وی در این سخنرانی مطرح کرد و برنامه اصلی او در پنج سال گذشته در مسائل داخلی نیز بود، پاک‌سازی در دهه‌های بالای مدیریتی است. زیرا به دلیل جهش اقتصادی که در چین صورت گرفته بود فساد در این سطح فراگیر شده و این طبقه فاسد توانسته بودند امتیازات خاصی را به‌دست آورند. به همین خاطر شی حدود یک میلیون نفر از کارکنان دولت را جابه‌جا یا برکنار کرد و این ۵ سال صرف مبارزه با فساد شد. شی جین در سخنرانی افتتاحیه کماکان بر بحث مبارزه با فساد تاکید کرد. درواقع بیشترین حمایت‌ها از شی نیز به دلیل اقدامات وی در مبارزه با فساد است. زیرا چین کشوری تک‌حزبی است و سیستم سیاسی نسبتاً بسته‌ای دارد، جناح‌ها قدرت تصمیم‌گیری را در اختیار دارند و امتیازاتی را به هم ردوبدل می‌کنند. از آنجایی که چین از نظر اقتصادی ۱۱ تریلیارد دلار گردش مالی، در جایگاه دوم جهان قرار دارد، اگر بخواهد با همین رشد ادامه دهد یا جایگاه بالاتری به‌دست آورد؛ قاعده‌ها باید سیستم دولتی اش را اصلاح کند تا از فساد جلوگیری کند. زیرا رشد اقتصادی، تقاضا را بین جمعیت انبوه چین بالا می‌برد و خواسته این جمعیت انبوه رفاه بالاتر، زندگی بهتر و آزادی سیاسی بیشتر است. بنابراین می‌توان گفت برنامه بلندمدت کنگره، مبارزه با فساد است. به همراه این موضوع، حفظ جایگاه اقتصادی اش در دنیا نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. اما باید گفت اقتصاد چین با وجود تمام پیشرفت‌ها و گستردگی اش، وابسته به سرمایه‌گذاری خارجی و عمدتاً آمریکایی است. همچنین کالاهای چین وابسته به صادرات به بازارهای بزرگی چون اتحادیه اروپا و ایالات متحده است و در غیر این صورت با بحران بزرگی روبه‌رو می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اقتصاد چین و آمریکا در هم تنیده است. در این بین بزرگ‌ترین انتقادی که ایالات متحده به چین دارد این است که موازنه اقتصادی یا صادرات و واردات بین این دو کشور، بیشتر به سود چین تمام می‌شود. زیرا چین توانسته به ذخایر ارزی قابل توجهی دست پیدا کند و از این طریق بازاری‌هایی در سطح بین‌المللی انجام دهد. با همه این توضیحات چین

خواهد بود. از جمله این چشم‌انداز، ایجاد ارتشی در سطح جهانی است که می‌تواند در جنگ‌ها پیروز شود.

۲- چین علاقه‌ای به دموکراسی غربی ندارد

شی در سخنرانی خود هشدار داد که حزب کمونیست با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است که مهم‌ترین آن فساد است با این وجود، هرگز از نظام سیاسی در دیگر کشورها الگوبرداری نخواهد کرد. سخنان وی، پیام واضحی است مبنی بر اینکه رهبران چین به روایت غرب از دموکراسی علاقه‌ای ندارند.

شی در پنج سال گذشته به عنوان فردی قدرتمند شناخته شده است. او هرگز از شهرت و اعتبار خود ابایی نداشته و روی این مساله تاکید کرده است که حزب کمونیست روی تمامی جنبه‌های زندگی در چین از قانون گرفته تا فناوری‌های نوین، نفوذ خواهد داشت.

او همچنین طرح فکری خود با عنوان «سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی برای دوران جدید» را به مردم ارائه کرد. شی در ارتباط با فساد نیز وعده داد که قوانین جدیدی را برای مقابله با این مشکل تدوین کند. تحلیلگران معتقدند که هر چند اصلاحات سیاسی و اجتماعی در آینده نزدیک در چین دور از ذهن به نظر می‌رسد، اما «سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی برای دوران جدید» می‌تواند نویددهنده بهبود آزادی‌های فردی و اجتماعی در چین باشد.

۳- چین در ارتباط با مناطقی که به دنبال خودمختاری هستند، با قاطعیت برخورد می‌کند

روی صحبت شی در این زمینه بیشتر با تایوان و در درجه بعد هنگ کنگ بوده است. او در این باره گفت که هرگز اجازه نمی‌دهیم هیچ کس، هیچ زمان و با هیچ وسیله‌ای حتی یک اینچ از خاک چین را جدا کند. خون، قوی‌تر از آب است.

۴- تلاش برای آرام کردن نارضایتی‌ها از مشکلات اقتصادی

رئیس‌جمهوری چین در سخنرانی خود تلاش کرد نارضایتی برخی شهروندان به ویژه افراد طبقه متوسط از بالا رفتن قیمت مسکن را آرام کند. او در این باره گفت: «خانه‌ها برای زندگی کردن هستند نه برای احتکار کردن». او همچنین وعده داد که چین را به سرزمین «نوآوران» تبدیل کرده و دسترسی به بازار را برای شرکت‌های خارجی افزایش دهد.

۵- حزب کمونیست خواستار یک «چین زیبا» است

بخشی از سخنرانی رئیس‌جمهوری چین به مسائل محیط زیستی اختصاص داشت. او وعده داد که یک «چین زیبا» با محیط زیستی تمیز بسازد. شی در این باره گفت: «حزب کمونیست باید به درخواست‌های روبه گسترش مردم برای دسترسی به یک محیط زیست سالم پاسخ دهد. مردم چین از شادی و سلامت بیشتر، لذت خواهند برد.»

با همه این وعده‌ها و گمانه‌زنی‌ها نشست حزب کمونیست چین در تاریخ ۲۴ اکتبر به پایان رسید. در روز آخر این نشست تصویب شد که نام وایدنولوی‌های شی در برنامه حزب درج شود. از این ایدئولوژی‌ها به عنوان مشعلی پیش‌روی حزب کمونیست نام برده شده است. تا پیش از این تنها نام مانوئوسه تونگ، بنیانگذار حزب کمونیست و جمهوری خلق چین، در زمان حیات و تصدی سمت دبیرکل حزب وارد این برنامه شده بود. به این ترتیب با تبدیل شدن شی به مانوی دوم، گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال افزایش دوره تصدی قدرت توسط وی، چندان بیراه به نظر نمی‌رسد. ▶



سوسیالیسم چینی

پکن به چه سمتی می‌رود؟

محمد زارع

پژوهشگر مسائل چین

داشت که از منظر دنگ شیائوپنگ و دیگر روسای جمهور چین تا کنون، انجام اصلاحات به معنای غلتیدن چین در آغوش لیبرال دموکراسی غربی نیست بلکه اصلاحات در واقع استراتژی برای حرکت چین به سمت تحقق الگوی «سوسیالیسم چینی» است. آنچه که رصد رفتار الیت سیاسی چین از زمان دنگ تا کنون یعنی نوزدهمین کنگره حزب کمونیست نشان می‌دهد، دقیقاً تداوم همین نگاه و فرایند است و به همین دلیل است که رسانه‌های چینی از شی جین‌پینگ به عنوان «ورژن جدید اصلاحات دنگ شیائوپنگ» یاد می‌کنند. (لازم به ذکر است که پدر شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور فعلی چین و دنگ شیائوپینگ سال‌ها در ارتش با یکدیگر همکار بودند و حتی دنگ وی را در همان زمان برای انجام برخی اصلاحات در زیرشاخه‌های حزبی به کار گرفته بود). در هر حال باید گفت که این انتخاب استراتژیک چین و اجماع و وحدت حزب کمونیست برای تداوم آن تا کنون بسیار موفق عمل کرده است.

فرآیند نوسازی و مدرنیزاسیون چین به خصوص در حوزه اقتصادی، معجزه‌ای اساسی را تجربه کرده است. رتبه اقتصادی چین در جهان و در زمان آغاز فرآیند اصلاحات رتبه یازدهم بود. این کشور در سال ۲۰۰۵ فرانسه را پشت سر گذاشت و به رتبه پنجم رسید. در سال ۲۰۰۶ انگلستان را پشت سر گذاشت و به رتبه چهارم اقتصاد جهانی نائل شد. در سال ۲۰۰۷ آلمان و در سال ۲۰۰۹ هم ژاپن را پشت سر گذاشت و به رتبه دوم اقتصاد جهانی دست یافت و نهایتاً صنعت تولید این کشور نیز در سال ۲۰۱۰ آمریکا را پشت سر گذاشت و به مقام اول

همان ابتدا با خطر مواجه نکرده و شاید یکی از دلایل مهم تداوم این مسیر تا کنون، مسیری که در نوزدهمین کنگره حزب کمونیست چین در سال ۲۰۱۷ هم در حال جریان و تداوم است، همان برخورد صحیح و درست با گذشته و نگاه «همسازی» برای آینده چین بود. بر همین اساس می‌توان گفت که اساساً درک درست و عمیقی از شناخت فضای سیاسی چین و دوران مائو و دنگ در میان جامعه تحلیلی داخلی کشورمان صورت نگرفته است و تداوم همین درک نادرست می‌تواند در شناخت مسیر و تحولات آینده چین هم بسیار اثرگذار باشد. تحلیلگران داخلی همواره تلاش داشته‌اند تا این دو دوره را کاملاً از یکدیگر تفکیک و سپس مورد بررسی قرار دهند. این درحالی است که اساساً خود دنگ شیائوپنگ هم اعتقاد زیادی به این تفکیک و خط کشی این گونه نداشت. اگرچه اختلافاتی در رویکرد و استراتژی دنگ و مائو حتماً وجود دارد لیکن دنگ شیائوپنگ همواره تأکید می‌کرد که بدون مائو و بدون تفکر وی اساساً چیزی به نام حزب کمونیست وجود نداشت. از این رو انقلاب و اصلاحات در واقع دو گونه خاص از واکنش چین به شرایطی بود که چین در آن زمان در آن درگیر بود و شاید دقیقاً به همین دلیل باشد که امروزه شی جین‌پینگ نیز تأکید می‌نماید که «اصلاحات» در واقع «انقلاب دوم» چین است. البته باید این نکته را بیان

۴ پس از شکست انقلاب فرهنگی چین و روی کار آمدن دنگ شیائوپنگ، در فضای سیاسی و اجتماعی این کشور و مسیری که چین می‌بایست در آینده بپیماید، ابهامات زیادی وجود داشت و به طور کلی می‌توان این ابهامات موجود در میان الیت سیاسی چین را در قالب دو رهیافت مشاهده کرد؛ نخست کسانی که در تلاش برای تداوم همان خط فرهنگی و ایدئولوژیک مائو بودند و دیگر کسانی مانند دنگ شیائوپنگ که تلاش داشتند تا مسیر متفاوتی با آنچه مائو اتخاذ کرده بود را برای چین و آینده آن برگزینند که نهایتاً همین خط فکری هم نتوانست مدیریت فضای سیاسی و اجرایی چین را به دست گیرد. نکته بسیار مهمی که در این نقل و انتقال سیاسی از مائو به دنگ صورت گرفت آن بود که دنگ شیائوپنگ به رغم تمامی مشکلات و موانعی که مائو برای وی ایجاد کرده بود، هیچ‌گاه به صورت انتحاری و نگاهی کاملاً حذفی به مائو و گذشته برخورد نکرد بلکه تلاش کرد تا جایگاه بزرگ و تاریخی مائو و تفکر وی را مورد ستایش قرار دهد. وی تلاش کرد تا نهال نوپای اصلاحات در چین را از

نخبگان و اندیشمندان چینی معتقدند که مبنای پایه‌های اساسی این قدرت‌یابی و ساخت چین مدرن می‌بایست بر مبنای تمدن پایدار و خدشه‌ناپذیر چینی بنا شود و رفتار و انتخاب‌های استراتژیک این کشور هم می‌بایست بر مبنای همین سیستم دانش چینی که قادر است یک سبک خاص چینی نیز تعریف و ایجاد نماید، بنا شود. متفکرین چینی و همچنین مقامات ارشد حزب کمونیست چین بیان می‌دارند که «مکتب چینی» تنها یک تئوری خاص گرا و مخصوص چین نیست بلکه باید بتواند مشکلات و نگرانی‌های دیگران را نیز حل و فصل کرده و برنامه‌هایی با مشخصات چینی برای حل و فصل آنها نیز ارائه نماید. این متفکرین برای این منظور سه منبع و از آشخور اساسی یعنی الف) مارکسیسم و اصول اساسی آن، ب) فرهنگ سنتی چین و ج) فلسفه (جهان) و علوم اجتماعی و به خصوص استخراج نتایج مثبت این دو حوزه به نحوی که بتواند به بلوغ «مکتب و رهپافت چین» کمک نماید را معرفی و بیان کرده‌اند. طبیعتاً تحقق چنین فرآیند بزرگ و عظیمی ملزومات خاصی را طلب می‌کند که به نظر نمی‌رسد هنوز چین و حزب کمونیست این کشور توانسته باشند حرکتی اساسی در این مسیر انجام داده باشند لیکن همان گونه که بیان شد در حال حاضر میزان اعتماد به نفس ملی چین برای انجام چنین مهمی به نسبت گذشته بسیار بیشتر شده است. هر چند مائو قبل از چرخه «تمرین، فهم، تمرین مجدد، فهم مجدد» را برای این منظور معرفی کرده بود، لیکن از آنجا که منطق موجود در این چرخه، منطقی بسته و محصور بود، طبیعتاً نمی‌توانست نیروی لازم برای انجام چنین تحول بزرگی را فراهم آورد. از این رو یکی از ویژگی‌های مهمی که نخبگان چینی برای ساخت «مکتب چین» بیان می‌دارند آن است که ساخت چنین مکتبی در پشت درهای بسته امکان‌پذیر نیست، بلکه باید تلاش کرد تا از تجربیات مثبت جهانی به خصوص تجربیاتی که بتواند به این بلوغ کمک نماید، استفاده لازم را کرد. البته این نکته را باید بیان داشت که اساس ساخت این مکتب در این رویکرد بر «خوداتکایی یا خوداعتمادی» (self-confidence) است، لیکن این نگاه برون‌گرایانه برای ساخت چنین مکتبی بیشتر به عنوان یک کاتالیزور نگرین‌مسته می‌شود؛ کاتالیزوری که می‌تواند ساخت این مکتب را سرعت بخشد.

علاوه بر این مساله، همچنین اندیشمندان چینی گام دیگری هم برای تحقق این مهم بیان می‌دارند و آن هم بازنگری و تغییر سیستم ارزیابی آکادمیک چین است. از این منظر، سیستم ارزیابی کنونی آکادمیک چین یک سیستم غربی است و بسیار بر شاخص‌های کمی تأکید دارد، این در حالی است که ساخت مکتب چین می‌بایست از حوزه کمیت فراتر رفته و بتواند حوزه‌های کیفی را بیش از گذشته لمس کرده و پوشش دهد. در نامه‌ای که شی جین پینگ در اکتبر سال ۲۰۱۷ به مناسبت هشتادمین سالگرد تأسیس دانشگاه زنین چین می‌نویسد دو مساله اساسی را مورد تأکید قرار می‌دهد اول آنکه قدرت و قوی بودن چین را در حوزه اقتصاد و افزایش جایگاه چین به جایگاه کشورهای با درآمد بالا می‌داند و دوم اینکه قدرت را در بهبود وضعیت و بازسازی آموزش عالی و ایجاد دانشگاه‌هایی با کلاس جهانی تعریف می‌نماید. وی بیان می‌دارد که چین در مقطع حساس کنونی به دانشگاه‌هایی با کلاس جهانی نیاز دارد. دانشگاه‌هایی که بتواند نیات چین جدید را به خارج منتقل کرده و بتوانند آن را تبیین نمایند. این دانشگاه‌ها باید «قلب چین» باشند. این دانشگاه‌ها باید بتوانند روح خلافت و اعتماد به نفس را در میان چینی‌ها گسترش دهد. وی تأکید دارد که ساخت چنین دانشگاه‌هایی باید متناسب با خصوصیات و ویژگی‌های چینی باشد. ▶

علاوه بر آنچه که بیان شد چین و روسای جمهور این کشور به خصوص شی جین پینگ به دنبال یک معجزه دیگر و آن هم ساخت یک «مکتب چینی» مکتبی که بتواند برای مشکلات و معضلات جهانی برنامه و راه حل ارائه نماید، نیز هستند. شی جین پینگ در نوزدهمین کنگره حزب کمونیست چین در گزارش خود به این کنگره بیان می‌دارد که حزب کمونیست چین در آغاز فرآیند اصلاحات و سیاست درهای باز اعلام کرد که ما برای توسعه، برنامه و مدل خاص خودمان را داریم و آن مدل هم «سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی» است. وی در این کنگره تأکید می‌نماید که ماموریت تاریخی حزب کمونیست چین احیای مجدد بزرگ‌ترین رویای چین یعنی «بازگرداندن عظمت و بزرگی چین» بر بستر سوسیالیسم چینی است. تأکید می‌نماید که ما امروزه بیش از هر زمان دیگری در تاریخ چین به تحقق این ایده بزرگ نزدیک شده‌ایم. وی بیان می‌دارد که سوسیالیسم چین تم مسلط تمامی تئوری‌ها و اقدامات حزب کمونیست از زمان اتخاذ سیاست درهای باز و اصلاحات بوده است. این الگو دستاورد بزرگی بوده است که مردم و حزب کمونیست چین برای آن هزینه داده‌اند و از همین رو می‌بایست تلاش کرد تا آن را حفظ کرد. از منظر شی جین پینگ، راه سوسیالیسم چینی تنها راه تحقق نوسازی سوسیالیسم و ایجاد زندگی بهتر برای مردم است و به منظور تحقق این مهم باید تلاش کرد تا چهار لایه استراتژیک تعریف شده توسط وی یعنی خود اعتمادی، خود اعتمادی تئوریک، خود اعتمادی سیستمی و خود اعتمادی فرهنگی بیش از پیش تقویت و گسترش یابد.

اگرچه مباحث بسیاری از سوی اندیشمندان مختلف در ارتباط با ناتوانی این کشور در این مسیر وجود دارد و هر کدام هم دلایل خاص خود را بیان می‌نمایند لیکن چینی‌ها ساخت این «مکتب» را امکان‌پذیر دانسته و معتقدند که شرایط موجود نظم جهانی فرصت تاریخی بسیار خوبی را برای این امر در اختیار این کشور قرار داده است و زمانی که چنین «رنسانس بزرگی» در چین اتفاق افتد، انقلابی اساسی در «پارادایم ساخت دانش» هم اتفاق خواهد افتاد و پس از آن «مکتب یا رهپافت چینی» هم ایجاد و به منصف ظهور خواهد رسید. از منظر نخبگان سیاسی و همچنین دیگر اندیشمندان چینی، وظیفه این مکتب جدید، حل مشکلات چین و همچنین ارائه برنامه‌های لازم برای توسعه انسانی و رفع مشکلات و معضلات دیگر کشورها نیز است.

نخبگان و اندیشمندان چینی معتقدند که تمدن غربی فرزند جهان یونانی بود اما نتوانست دامنه و سیطره خود را با ایجاد یک شبکه و سیستم دانش خاص به دیگر مناطق و کشورها نیز بسط داده و باتوجه به قدرتی که در این مسیر کسب کرده بود، بقیه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را در قالب‌هایی مانند پیشامدرن و پیرامونی طبقه‌بندی کرده و مانع از شکوفایی آنان شود. این شبکه و سیستم دانش معتقد است که تنها راه و بلیت ورود به جهان مدرن، پذیرش ارزش‌های غربی است. پذیرش این ارزش‌ها است که تمدن‌های غیرغربی را از بربریت به مدرنیته و از عقب‌ماندگی به توسعه و رستگاری انتقال می‌دهد.

به نظر می‌رسد که رهبران امروز چین در حال تلاش و آماده‌سازی خود برای برخورد با این پارادایم مسلط و ایجاد بسترهای لازم برای ساخت مکتبی با ویژگی‌های چینی هستند. چینی‌ها معتقدند تمدن چین با قدمت چند هزار ساله، قادر است که مسیر و ظرفیتی دیگرگون تعریف نماید و این دایره بسته ارزشی تمدن غربی را بشکند. چینی‌ها معتقدند که احیای عظمت مجدد چین، داستان متفاوتی از خیزش و قدرت‌یابی جهان غرب خواهد داشت و نمی‌توان این خیزش و قدرت‌یابی را در شبکه و سیستم دانش غربی تبیین و توضیح داد.



جهانی تبدیل شد. همزمان با این معجزه اقتصادی، چین یک معجزه انسانی را هم در زمینه توسعه و بهبود امید به زندگی تجربه کرد و تقریباً ۷۰۰ میلیون نفر از مردم این کشور را از خط فقر خارج کرد. نرخ درآمد سرانه از ۱۹۰ دلار در سال ۱۹۷۸ به تقریباً هشت هزار دلار در سال ۲۰۱۶ افزایش یافت و چین را از یک کشور با درآمد کم به کشوری با درآمد سرانه متوسط تبدیل کرده است. همچنین میزان امید به زندگی از ۳۵ سال در زمان تأسیس چین جدید یعنی در سال ۱۹۴۹ به ۷۶ سال در سال ۲۰۱۶ افزایش یافته است. بنا به گفته‌های شی جین پینگ در نوزدهمین کنگره حزب کمونیست چین (۱۸ اکتبر ۲۰۱۷) که هر ۵ سال یک‌بار برگزار می‌شود، چین در دوره پنج ساله ریاست جمهوری وی بیش از ۶۰ میلیون نفر را از فقر خارج کرده است و نرخ فقر را از ۱۰٫۲ درصد به تقریباً چهار درصد کاهش داده است.

سالانه ۱۲ میلیون شغل در مناطق شهری چین ایجاد کرده است و نرخ شهری‌شدن این کشور در پنج سال گذشته نیز ۱/۲ درصد رشد داشته است. از این رو می‌توان گفت که چین در تاریخ توسعه جهان به جد یک معجزه را تجربه کرده است. در همین رابطه، سومین جلسه هجدهمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین نیز که طرح جامع اصلاحات اجتماعی و اقتصادی این کشور را تصویب کرد بیش از ۵۰۰ حوزه انجام اصلاحات اقتصادی و اجتماعی را مشخص کرده است که به زعم بسیاری از تحلیلگران اگر چین بتواند ۷۰ تا ۸۰ درصد از این لیست اصلاحات را محقق نماید، ما می‌توانیم شاهد یک چین کاملاً جدید و متفاوت باشیم.

چهارمین فصل حضور

برانکو که چهارمین فصل حضور خود روی نیمکت پرسپولیس را تجربه می کند تا از حیث ثبات و دستیابی به اهداف، تیم را در شرایط موفق قرار دهد؛ باید دید با توجه به شرایط موجود که باشگاه در خطر محرومیت از نقل و انتقالات قرار دارد و مشکلات مالی نیز همانند گذشته آنها را تهدید می کند چه تصمیمی خواهد گرفت و مدیران باشگاه نیز چه زمانی به طور رسمی مذاکرات خود را با مرد کروات موفق آغاز خواهند کرد.

تیتریک

هنوز زمان غروب نرسیده

آیا دوران برانکو در پرسپولیس به پایان رسیده است؟

بهرتر است با یک سوال شروع کنیم؛ آیا برانکو به پایان دوران خود در پرسپولیس رسیده است؟ پاسخ به این سوال اگر چه دشوار است اما با مرور روحیه برانکو شاید بتوان ابعادی از این معمار را روشن کرد.

ایران با برانکو به جام جهانی رفت. جام جهانی که خیلی ها هنوز حواشی آن را به خاطر دارند. اما همه ای آن چیزی که برانکو را به مربی قابل بحث تبدیل کرد نتایج تیم ملی در جام جهانی ۲۰۰۶ نبود بلکه اتفاقاتی بود که در آستانه حضور تیم ملی در جام جهانی رخ داد. حامیان برانکو و به خصوص مدیران وقت فدراسیون فوتبال جبهه سختی مقابل منتقدان تشکیل داده بودند و هر نقطه نظر فنی که درباره تیم ملی مطرح می شد را نوعی غرض ورزی می دانستند. در سوی مقابل منتقدان تاکید داشتند که برانکو مربی است که به رغم درس گرفتن از برخی

عقبی، خلعتبری و چند ستاره نامی دیگر را از تیم ملی کنار گذاشت برای هر کدام دو جانشین پیدا کرد؛ جانشینانی مقتدر که حرف سرمربی را مقابل منتقدان به کرسی نشاندند. اما آن سال ها برانکو چنین رویه ای نداشت. ابتدا این بازیکنان را رد کرد و بعد تحت فشار رسانه ها و مدیران ورزش کشور این بازیکنان را به تیم ملی دعوت کرد. با همه اینها انتقادها از این مربی ادامه داشت. او بعد از جام جهانی دیگر به ایران برنگشت تا سال های زیادی از ایران دور بماند.

بازگشت برانکو به فوتبال ایران اما در شرایطی رخ داد که دیگر ذهنیت های گذشته درباره اش وجود نداشت. خیلی ها او را مربی پخته تری می دانستند که اتفاقا می تواند گره گشای پرسپولیس باشد. همین اتفاق هم رخ داد. او به پرسپولیس آمد و این تیم را در نخستین فصل

موقعیت ها و بحران ها همچنان بر نظریه های خودش پافشاری می کند. منتقدانی که کمی تندتر این مربی را نقد می کردند اعتقاد داشتند که او تیم ملی ترسویی را به جام جهانی خواهد برد و شکست سرنوشت محتم تیمی است که برانکو روی نیمکت سرمربیگری اش نشسته است. هم نقدها تند شده بود و هم واکنش ها. به خصوص اینکه کمی قبل تر از صعود ایران به جام جهانی، برانکو از کنار نام بازیکنانی مثل وحید هاشمیان و خداداد عزیزی گذشته بود در حالی که خیلی ها اعتقاد داشتند نبود این بازیکنان در تیم ملی احساس می شود. در واقع تفاوت او با کی روش همین جاست. او بزرگ ترین بازیکن طراح فوتبال ایران و زهردارترین مهاجم آن روزها یعنی عزیزی و هاشمیان را کنار گذاشته بود در حالی که برای این دو بازیکن جایگزینی هم نداشت اما وقتی کی روش رحمتی، جباری، مجیدی،

پارس جنوبی و پرسپولیس
بهترین های لیگ هستند
سپاهان و استقلال و تراکتورسازی نیم فصل
دوم به جمع بهترین های می پیوندند



پارس جنوبی فعلا بهترین تیم
لیگ برتر است
تیم های مجید جلالی
نیم فصل دوم افت می کنند



حضور تیم برانکو در نیمه نهایی
باعث افتخار بود نه شرم
برانکو و پرسپولیس می توانند دوره
موفقیت آمیز دیگری را رقم بزنند

پرسپولیس بود. «این برتری در بازی برگشت البته به شکلی تخفیف یافته ادامه پیدا کرد تا پرسپولیس روی فینال آسیا را به چشم نبیند. رویا به همین سادگی بر باد رفت.

او حالا بهتر از هر کس دیگری می داند که هواداران پرسپولیس جز به قهرمانی در لیگ برتر رضایت نمی دهند. از این گذشته او این شانس را دارد که در جام حذفی هم پرسپولیس را قهرمان کند و از این حیث رکورد تازه ای را به نام خودش به ثبت برساند، آنجا که قرار است پرسپولیس در طول یک فصل به دو جام قهرمانی دست پیدا کند. این احتمالا خواسته مدیران باشگاه پرسپولیس هم هست. این روزها بحث تمدید قرارداد باشگاه پرسپولیس با برانکو به سوزهای تبدیل شده که خیلی از رسانه ها درباره اش گمانه زنی می کنند. سایت ورزش سه در این باره نوشته است: برانکو ایوانکوویچ که با سابقه ترین مربی خارجی حاضر در فوتبال ایران محسوب می شود، بعد از موفقیت های بزرگی که به همراه پرسپولیس کسب کرده، اکنون به پایان همکاری دوم خود با این تیم نزدیک می شود تا حرف و حدیث در خصوص ادامه همکاری او شکل گیرد. برانکو که دو فصل قبل قرارداد خود را با سرخپوشان تمدید کرده بود، اکنون با پیشنهادات مناسبی برای همکاری با دیگر تیم ها مواجه شده که این مساله به دغدغه بزرگ هواداران این تیم که بعد از مدت ها در مدار موفقیت قرار گرفته اند، تبدیل شده است. برانکو اما در آستانه دربی هشتاد و پنج با برشمردن شرایط مثبت همکاری خود در ایران گفته: این موضوعی نیست که اکنون بخواهیم درباره آن صحبت کنیم. اکنون آماده سازی تیم در اولویت من قرار دارد. با این حال من در ایران جزو با سابقه ترین مربیان خارجی محسوب می شوم. کدام مربی بیشتر از من سابقه فعالیت در بالاترین سطح مربیگری را دارد.

وی با اعلام رضایتمندی خود از حضور در فوتبال ایران نیز گفته: من اینجا احساس خوبی دارم و اینجا عالی است. مردم بسیار خوب هستند و یک ذره هم ایراد و انتقاد ندارم.

این در حالی است که طی روزهای اخیر مسئولان و مدیران باشگاه نسبت به ادامه همکاری با برانکو ایوانکوویچ موضع سکوت را در پیش گرفته اند و پاسخ قاطعی به زمان تمدید قرارداد با این مربی ندادند.

طاهری در آخرین واکنش خود نسبت به این موضوع با اشاره به شرایط قبلی تمدید قرارداد گفته بود: بار قبلی هم روند مذاکره برای تمدید قرارداد با برانکو هم در چند مرحله پیش رفت و در نهایت هم با او به توافق دست یافتیم. طی روزهای آینده این اتفاق بار دیگر خواهد افتاد.

برانکو که چهارمین فصل حضور خود روی نیمکت پرسپولیس را تجربه می کند تا از حیث ثبات و دستیابی به اهداف، تیم را در شرایط موقتی قرار دهد؛ باید دید تا توجه به شرایط موجود که باشگاه در خطر محرومیت از نقل و انتقالات قرار دارد و مشکلات مالی نیز همانند گذشته آنها را تهدید می کند چه تصمیمی خواهد گرفت و مدیران باشگاه نیز چه زمانی به طور رسمی مذاکرات خود را با مرد کروات موفق آغاز خواهند کرد.

هر چه هست دست کم بعد از پایان این فصل خیلی ها بهتر می توانند به این سوال پاسخ دهند که آیا برانکو به پایان دوران خود در پرسپولیس رسیده یا خیر؟

مربیگری اش را تجربه کرد. برانکو پس از دو سال و چند هفته کار مداوم در فوتبال ایران با تیمی در سطح مدعیان آسیا باختی غیرمنتظره را در ابوطی تجربه کرد. باختی با نتیجه ای سنگین که تقریبا هیچ منتقدی حتی بدبین ترین آنها تصورش را نمی کرد. برانکو که با تی شرت مشکی گرمای ابوطی را تحمل کرده بود، در شرایطی از پشت رختکن وارد سالن نشست مطبوعاتی شد که خودش هم می دانست هیچ توجیهی برای شکست سنگین تیمش ندارد. بنابراین برخلاف همیشه چشمان خود را از نگاه به خبرنگاران می دزدید. او با عصبانیت و شرم ناشی از شکست بار مسئولیتی بزرگ را به تنهایی به دوش می کشید؛ مسئولیتی که با صعود پرسپولیس به جمع ۴ تیم برتر آسیا ابعاد بزرگ تری یافته بود.

نکته اصلی اما اینجا بود که او بدون ۴ بازیکن (که در میان آنها بهترین بازیکن تیم نیز به چشم می خورد) در دیدار الهلال حاضر شده بود و برخلاف پیش بینی ها به جای انجام بازی دفاعی و خشن مثل مسابقات قبلی با دو مهاجم و ترکیبی تنهاجمی وارد زمین شده بود و بهای این ریسک را پرداخته بود. خیلی ها اعتقاد داشتند که برانکو باید در آن مسابقه با یک استراتژی دفاعی به میدان می رفت و تیم را برای بازی برگشت حفظ می کرد. جایی که با بازگشت ۳ نفر از ۴ محروم فعلی خود، می توانست در مجموع نتیجه بهتری بگیرد یا حداقل شکست سبک تری را برای تیم به ارمغان بیاورد. برانکو که حتی از دستیارانش با پیشنهاد بازی با یک مهاجم مواجه شده بود، به این مشورت توجهی نکرده بود و در پاسخ گفته بود: «با همان سبکی بازی می کنم که همیشه بازی می کردم.» همان سبک چه بود؟ سبکی که پرسپولیس را در دیدار برابر الاهلی در ابوطی برنده کرد. اما این بار تیمی قدرتمندتر، مخوف تر و حيله گرا تر پیش روی پرسپولیس بود و این دقیقا همان چیزی بود که برانکو به آن کم توجهی کرد.

برانکو در همان بازی رفت برابر الهلال بعد از گل اول و حتی پس از دومین گل خورده امیدوار به بازگشت بود و به همین دلیل در بین دو نیمه احمد نوراللهی را جانشین محسن مسلمان کرد؛ تعویضی که از نظر خیلی ها شاید عجیب ترین تصمیم او در آن مسابقه بود. نوراللهی که مدت ها دور از میدان به سر می برد، نمایش چندان خوبی نداشت و نتوانست با وجود ۱۰ نفره شدن حریف شرایط لازم را در میانه میدان برای تسلط هافبک های حریف ایجاد کند. قرمزها که در نیمه دوم رو به بازی انتحاری آورده بودند، با گذشت زمان فضای بیشتری به ضدحمله الهلال دادند تا این تیم با نفوذهای سالم الدوساری از جناح راست و ضربات تمام کننده عمر الخریبین کار پرسپولیس را یکسره کند. گلی که خریبین از پشت محوطه جریمه وارد دروازه بیرانوند کرد لحظه ای بود که برانکو برای اولین بار در دوران پس از حضورش در ایران تسلیم شد. لحظه ای که دست خود را به پشتش حلقه کرد سرش را پایین برد و به شادی الهلایی ها خیره شد.

او که در پایان مسابقه نای دست دادن با رامون دیاز را نداشت به تنهایی از زمین چمن وارد تونل ورزشگاه شد تا خود را برای نشست مطبوعاتی کم سروصدايش آماده کند. جایی که در آنجا از احتمال رخ دادن حوادث فوتبالی در بازی برگشت صحبت و سعی کرد کمی به خود تسکین دهد اما نکته مهم همان چیزی بود که برانکو بدان اعتراف کرد: «الهلال در تمام نقاط زمین برتر از



حضورش مدعی قهرمانی کرد و در فصل دوم حضورش پرسپولیس را به جام قهرمانی رساند. شمارش معکوس برای حضور در آسیا شروع شد. هوادارانی که سال ها در حسرت جام قهرمانی لیگ برتر مانده بودند با بالا رفتن جام قهرمانی انتظارات شان نیز بالا رفت. آنها قهرمانی آسیا را می خواستند.

پرسپولیس در لیگ قهرمانان آسیا نمایش های خیره کننده ای از خود نشان داد. آنها برابر الاهلی در بازی رفت بازی باخته را به تساوی کشاندند و در بازی برگشت با سه گل این تیم عربستانی را در هم شکستند. برانکو خوشحال ترین مربی روی زمین بود. تیم او نشان داد که بازگشت های تاریخی را می توانند رقم بزنند. اما الهلال خط قرمزی بود روی رویای پرسپولیس.

پنجم مهرماه او یکی از بدترین شکست های عمر



حضور تیم برانکو در نیمه‌نهایی باعث افتخار بود نه شرم

برانکو و پرسپولیس می‌توانند دوره موفقیت‌آمیز دیگری را رقم بزنند

هومن افاضلی

مری فوتبال



وقتی می‌خواهیم درباره موفقیت یک تیم صحبت کنیم به نظرم باید به دو موضوع توجه کنیم. اول اینکه آن تیم چقدر رشد کرده است و دوم و شاید مهم‌تر اینکه آن تیم چقدر برای رشد بیشتر ظرفیت دارد؟ بخش دیگری هم وجود دارد که باید به آن توجه کنیم؛ انگیزه مربی که بالای سر تیم قرار گرفته است. یعنی اینکه مربی از کار کردن با آن تیم دیگر اشیاع شده است یا برعکس فکر می‌کند که همچنان جا برای کار کردن وجود دارد و قصد دارد با آن تیم به موفقیت‌های بیشتر برسد. گاه مربیانی هستند که در پایان دوره‌ای دو ماهه به این نتیجه می‌رسند و تیم‌شان را ترک می‌کنند و گاهی هم این امکان وجود دارد که یک مربی بعد از ۲۰ سال فعالیت در یک باشگاه همچنان علاقه داشته باشد به نقطه‌ها و موفقیت‌های تازه‌تری دست پیدا کند. نمونه این مربیان در دنیای فوتبال زیاد است، چه آنهایی که ظرف دو ماه از یک تیم جدا شده‌اند و چه مربیانی مثل ونگر و فرگوسن که بیش از دو دهه در یک تیم فعالیت داشتند و البته مشاهده می‌کنیم که ونگر همچنان با آرسنال ادامه می‌دهد.

در واقع این یک احساس درونی است که هر مربی با خود دارد؛ اینکه می‌تواند حرف تازه‌ای بزند و تفکر نویی را ارائه کند یا خیر. در مورد پرسپولیس و برانکو فکر می‌کنم او با جذب یکی از بازیکن جدید می‌تواند طراحی و تفکر جدیدتری را هم در این تیم دنبال کند و در واقع به ادامه کارش در این باشگاه ابعاد وسیع‌تری بدهد. البته این نظر من است و معتقدم برانکو و پرسپولیس هنوز جا دارند که بهتر از این ظاهر شوند. اما اینکه برانکو چه فکری دارد و برای آینده‌اش چه برنامه‌ای دارد موضوعی است که ما از آن بی‌خبر هستیم.

نکته دیگری وجود دارد؛ پرسپولیس چند چیز است که

دلایل دیگری دارد که بخشی از آن را مطرح می‌کنم؛ ما یک اشکال بزرگ در ساختار فوتبال کشورمان داریم که هیچ کس به فکر حل آن نیست. ما اسم فوتبال‌مان را حرفه‌ای گذاشتیم. هیچ رشته ورزشی این طور دیده نشده است. بقیه رشته‌ها یا آماتور هستند یا قهرمانی. اما فوتبال عنوان حرفه‌ای را یدک می‌کشد. تنها ورزش حرفه‌ای در کشور ما فوتبال است. در برخی رشته‌ها خیلی بیشتر از فوتبال پول و سرمایه وجود دارد اما آنها هنوز خودشان را حرفه‌ای اعلام نکرده‌اند. کار دیگری که با فوتبال شد چه بود؟ گفتیم دولت حق ندارد به فوتبال کمک کند. این قانون را در مجلس تصویب کردیم. جایی که قرار بود این فوتبال محدود و محدودتر شود خیلی زود مصوبه‌ها ضمانت اجرایی پیدا کرد. این قانون در حالی فوتبال را به گوشه رینگ برد که ما می‌بینیم ۸۰ درصد اقتصاد این مملکت دولتی است نه خصوصی. اما ما صرفاً فوتبال را از این دایره بیرون کردیم. ما بودجه باشگاه‌ها را قطع کردیم اما از طرفی راه درآمدزایی را روی باشگاه‌ها بسته‌ایم. آنها عملاً نمی‌توانند از حق و حقوق خودشان بهره ببرند. نمی‌توانند از حق کپی‌رایت یا حق پخش تلویزیونی بهره ببرند. درست مثل کاری که با خیابان‌های تهران انجام داده‌ایم. شما به هر نقطه از شهر که می‌رسید با تابلوی توقف ممنوع روبه‌رو می‌شوید اما شما پارکینگ هم وجود ندارد که بتوانید ماشین‌تان را جایی پارک کنید و به کارتان برسید. این اتفاق بدی است که در فوتبال هم رخ داده است. راه پول درآوردن باشگاه‌ها را بسته‌ایم و آن وقت می‌گوییم چرا پرسپولیس قهرمان آسیا نمی‌شود؟ چرا برانکو نتوانست؟ چرا فوتبال ایران در یک سطح خاصی متوقف شده است؟ ریشه مشکلات در جای دیگری است.

چرا همه موانع برای فوتبال است؟ چرا برای درآمدزایی راهکاری ارائه نشده است؟ بنابراین با این شرایط وقتی من می‌بینم که تیم برانکو در رقابتی برابر با تیم‌های معمول عربی خودش را به نیمه‌نهایی آسیا رسانده است نه تنها از او انتقاد نمی‌کنم بلکه به او و تیمش تبریک می‌گویم. اگر ما فینالیست آسیا نمی‌شویم دلش را باید در میزان سرمایه‌گذاری حریفان مان و اختلافی که در این مورد با ما دارند جست‌وجو کنیم. باشگاه‌های ایرانی نمی‌توانند همپا با رقیبان عربی‌شان سرمایه‌گذاری کنند. وقتی در بازاری وارد می‌شویم که رقابت کنیم باید بتوانیم حرفی برای گفتن داشته باشیم. وقتی در یک نمایشگاه خودرو بنز و بی‌ام‌دبلیو وجود دارد شما نمی‌توانید با پراید با آنها رقابت کنید. این مثال ساده را مطرح کردم که آخر ماجرا دستگیرمان شود. تفاوت بازیکن‌های داخلی پرسپولیس با بازیکن‌های عربی الهال زیاد نیست. یعنی در واقع اصلاً فاصله‌ای نداریم. اما آن برتری محسوس را خارجی‌های الهال رقم زدند. تیم‌های ایرانی نمی‌توانند در آسیا موفق شوند چون اساساً نمی‌توانند بازیکن‌هایی جذب کنند که موفقیت‌های سطح آسیا را رقم می‌زنند. نهایتاً بازیکنانی جذب تیم‌های ما می‌شوند که در لیگ داخلی ما بتوانند پاس‌خگویی نیاز و انتظار هواداران مان باشند. پرسپولیس یا هر تیمی که می‌خواهد در آسیا موفق شود باید به سمت جذب بازیکنانی برود که کیفیت‌شان تضمین شده است. شما به گادوین منشا نگاه نکنید. او هم به زودی از پرسپولیس می‌رود چون در همین بازی‌های آسیایی نشان داد که کیفیتش خیلی بیشتر از پولی است که باشگاه پرسپولیس به او پرداخت کرده است. همان‌طور که شما دیدید باشگاه پاری سن ژرمن برای رسیدن به موفقیت‌های بیشتر دست روی نیمار می‌گذارد. بنابراین از طریق این بازیکن هم به فعالیت‌های اقتصادی بیشتری فکر می‌کند و هم به کسب موفقیت‌های بزرگ‌تر می‌اندیشد. من فکر می‌کنم برانکو با پرسپولیس نه تنها به نقطه پایان نرسیده است بلکه با سرمایه‌گذاری بهتر و جذب چند بازیکن مطرح حتی می‌تواند دوران تازه‌تر و توام با موفقیت بیشتری را برای این باشگاه رقم بزند. ▶

برانکو مربی رویای قهرمانی آسیا نیست

ما از سرمربی پرسپولیس چه انتظاری داریم؟

جلال چراغپور

کارشناس فوتبال



۳ ما از دوزاویه می توانیم به برانکو نگاه کنیم. یک زمانی هست که ما از مربی که به تیم مان آورده ایم در حد انتظارات داخلی فوتبال کشورمان مطالباتی داریم. برخی از مربیان گاهی باید یک سری هوشمندی هایی به خرج بدهند و با برخی موانع برخورد کنند. موانعی که اجازه نمی دهد شما در درون تیم تان فوتبال بسازید. موانعی که تیم شما را وارد حواشی می کند که در نهایت شما به عنوان مربی آسیب خواهید دید. این مربیان خارجی با فرهنگی متفاوت به تیم ما می آیند. آنها دوست دارند فوتبال تیم شان را با تفکر خودشان بسازند. بنابراین وقتی گروه های کوچکی در درون تیم ایجاد می شود که مقابل آن مربی ایستادگی کند یا راحت تر بگویم باند هایی تشکیل می شود که مقابل مربی و تفکرش بایستد به مرور به موانعی برای پیشرفت آن تیم تبدیل می شوند. ما گاهی می شنویم که فلان بازیکن از لیست اصلی خارج شد یا فلان بازیکن در اختیار باشگاه قرار داده شد یا فلان بازیکن مورد تنبیه قرار گرفت. بعد هم بلافاصله تحلیل های خودمان را مطرح می کنیم در صورتی که ما از درون تیم بی خبر هستیم. معمولا مربیان وطنی با این گروه های کوچک معمولاً برخوردی نمی کنند. در واقع راضی می شوند که آنها هم باشند اما تا جایی پیش نروند که جایگاه مربی را به طور آشکار از او بگیرند. در واقع این محافظه کاری برخی مربیان وطنی باعث می شود که قدرت و تصمیم گیری در درون یک تیم به چند نفر برسد. اینها در واقع اقتدارشان را تقسیم می کنند و حتی گاهی در آن گروه حل می شوند. در نتیجه ما می بینیم که برخی تیم ها در فوتبال ما هستند که دو مربی دارند. یک مربی روی کاغذ و یک مربی در درون زمین یا بهتر بگویم یک مربی روی نیمکت و یک مربی در درون مستطیل سبز. من شنیده ام و البته دیده ام که وقتی وسط زمین دور هم حلقه می زنند تا با یک شعار بازی را شروع کنند یکی از آن بازیکنان می گوید بچه ها! کار، کار خودمونه! معنای این حرف هم یعنی شما به حرف هایی که در اتاق آنالیز و جلسات فنی و درون رختکن شنیده اید کاری نداشته باشید و کاری را در درون زمین به شما می گویم را انجام بدهید. من صدای این بازیکن را شنیده ام. بنابراین همه تنوری های آن مربی بهتر است لب خط بماند. اما این ماجرا در مورد مربیان خارجی صدق نمی کند. آنها تشخیص می دهند که کاری که درون زمین انجام می شود چیزی نیست که آنها می خواهند. بنابراین خیلی زود

مرکز ما چرا پیدا، پیگیری و ریشه مشکل را پیدا می کنند. یا بازیکن را کنار می گذارند یا آن گروه را به هم می ریزند و دوباره اقتدارشان را بازپس می گیرند. همه اینها را گفتیم تا به شما بگویم برانکو اتفاقا یکی از مربیانی است که در این مورد خیلی باهوش است. خیلی قوی کار می کند. به خوبی این بازیکنان را می شناسد. اگر تصمیمات برانکو را طی دو سال اخیر تعقیب کنیم به خوبی متوجه می شویم که او بازیکنانی را کنار گذاشته است که اتفاقا هر جا بوده اند یا بهتر بگویم هر جا هستند سعی کرده اند گروهی را دور خودشان جمع کنند. من اصلا راجع به خوب بودن یا بد بودن این بازیکنان حرف نمی زنم. اصلا بحث من یک بحث ارزشی نیست. کاملا فنی به قضیه نگاه می کنم. با همه این حرف ها باید بپذیریم که برانکو مصرف داخلی قابل توجهی دارد. یعنی برای انتظاراتی که پرسپولیس در دایره فوتبال ایران علاقه مند است به آنها برسد برانکو بهترین گزینه است و این تیم بهتر از این مربی پیدا نمی کند. برانکو عمر خودش را در فوتبال ایران گذرانده است. چه بالا ژوویچ و چه زمانی که خودش سرمربی تیم ملی شد و چه حالا که چند سالی است در قامت مربی باشگاهی در فوتبال ایران کار می کند. او به خوبی فوتبال ایران را می شناسد. کارش و فعالیتش را هم برای مصرف داخلی به خوبی می تواند تنظیم کند. او به ما ثابت کرده که برای انتظارات داخلی ما بهترین نسخه را برای تیمش دارد. سال گذشته هم تیمش را قهرمان کرد تا ما از این بابت بیشتر اطمینان حاصل کنیم. امسال هم اگر تیمش درگیر مسابقات آسیایی نمی شود به هیچ وجه صدر را از دست نمی داد. چون اساسا نوع بزرگ شدن بازیکنان ایرانی، کیفیت بدنی و فنی بازیکنان ما به تیم های ما این اجازه را نمی دهد که در دو جبهه بازی کنند و اتفاقا موفق باشند. ما چنین کیفیتی نداریم. فکر می کنید استقلال چگونه به قعر رسید. استقلال در آسیا طوری باخت که در لیگ هم نتوانست خودش را جمع کند. بنابراین اتفاقی که افتاد این بود که مربی اش را از دست داد و جایگاهش در جدول لیگ بهتر هم هر روز بیشتر به طرف سقوط رفت. پرسپولیس هم

همین طور. صدر را از دست داد. وقتی هم در آسیا بازی می کرد در لیگ نمی توانست کیفیت بالایی از خود نشان دهد. حالا که از آسیا کنار رفته شاید بتواند در لیگ برتر دوباره آن کیفیت خوب گذشته را به دست بیاورد. این قسمت از بحث را مطرح کردم تا درباره مصرف داخلی برانکو بدانیم که منظورمان چیست. اما دومین نگاه این است که ما از برانکو کاربرد خارجی اش را بخواهیم. از او بخواهیم که فراتر از فوتبال ایران به پرسپولیس خدمت کند. منظور این است که پرسپولیس دیگر افتخارات داخلی نمی تواند سیرایش کند. باز اگر بخواهیم روشن تر بگویم منظورمان از پرسپولیس همان ۵۰ یا ۶۰ هزار هواداری است که همیشه پای این تیم ایستاده اند و خود را به عنوان مجموعه ای دست نخورده تثبیت کرده اند، همان هایی که اتفاقا یک قدم جلوتر از رسانه ها و همه طرفدارانی که از طریق فضای مجازی پرسپولیس را دنبال می کنند لحظه به لحظه تیم شان را تعقیب می کنند و مطالبات شان را فوراً به اطلاع مدیران این تیم می رسانند. اینها همان هایی هستند که وقتی پرسپولیس فصل گذشته در استانه قهرمانی قرار گرفت شعار قهرمانی در آسیا را سر دادند و پیام خودشان را به برانکو و تیمش رساندند. در واقع اینجا بحث کارکرد خارجی برانکو مطرح می شود. جایی که انتظار هواداران تنها قهرمانی لیگ برتر نیست. آنها قهرمانی آسیا را می خواهند. ماجرا وقتی برای مربی ای مثل برانکو سخت تر می شود که پرسپولیس به محض درخشش در آسیا به جز آن هوادارانی که الان برای تان تعریف کردم طرفداران دیگری را هم پیدا می کند. من به عنوان یک کارشناس و شما به عنوان یک خبرنگار هم انتظارات مان شروع می شود. در واقع ما هم دیگر باخت را دوست نداریم. فقط برنده شدن را مطالبه می کنیم. اصلا دوست نداریم که فلان بازیکن گستاخ عربی پشت دروازه مهدی رحمتی شروع به رقصیدن کند یا فلان بازیکن سطح چندمی الهلال راجع به علی دایی یا فوتبال ما حرف بزند. بنابراین در چنین شرایطی فشار روی مربی چند برابر می شود. حالا او با حجم وسیعی از انتظارات روبه رو است؛ انتظارات یک ملت. شاید به همین دلیل است که ناگهان می بینیم برانکو تمرکزش را از دست می دهد و تصمیماتی می گیرد که بعدها ما را متعجب می کند. شاید به همین دلیل است که او به هم می ریزد و دست به کارهایی می زند که اصلا گره گشا نیست. اینجا است که او کم می آورد. در واقع برانکو در مواجهه با مربیان خوش کلاس تر و باهوش تر کم می آورد. برانکو حدی دارد و ما این حد را دیده ایم. یک روزهایی ذهن این مربی قفل می کند و دست به تصمیمات اشتباه می زند. بنابراین تیمش سه گل عقب می افتد و او در دقیقه ۹۳ دست به تعویض می زند. تصمیمی که اصلا توجیه فنی ندارد. در نتیجه ما با برانکو روبه رو هستیم که کاربردش برای فوتبال داخلی ما فوق العاده است. چون فوتبال مان را می شناسد و به خوبی می داند که برای موفقیت در این فوتبال باید چه برنامه ای داشت اما وقتی پامان را از فوتبال ایران بیرون می گذاریم دیگر دانش فوتبال ایرانی به دردمان نمی خورد. آن وقت ما نیاز به دانش روز جهانی داریم و برانکو در این قواره نیست. پس برای رسیدن به موفقیت های بین المللی باید از مربیانی استفاده کنیم که حداقل یک کلاس از برانکو بالاتر هستند. اگر پرسپولیس از موفقیت های فوتبال همین قدر می خواهد که قهرمان لیگ برتر یا جام حذفی شود یا در دربی برنده بازی شود باید برانکو را سفت و سخت نگه دارد چون او بهترین گزینه است اما اگر پرسپولیس به دنبال رویاهای بزرگ است و قهرمانی آسیا را می خواهد برانکو مربی ای نیست که بتواند این رویا را محقق کند. بستگی دارد که ما از پرسپولیس چه انتظاری داشته باشیم. ▶



پارس جنوبی فعلا بهترین تیم لیگ برتر است

تیم‌های مجید جلالی نیم فصل دوم افت می‌کنند

فقط نباید تمرین دادن بلد باشد. باید مدیریت را بلد باشد. روانشناسی بازیکنانش را بلداند. بازی خوان خوبی باشد و فاکتورهای خاصی داشته باشد تا بتواند یک تیم را برای یک فصل حفظ کند. به نظرم برانکو در پرسپولیس از جنس همین مربیان بوده و تصمیمات درستی برای تیمش گرفته است. شاید بعضی‌ها باتوجه به جایگاه پیکان در جدول لیگ این تیم را هم جزو خوب‌های لیگ قرار بدهند که البته از نظر من همین طور هم هست. پیکان تیم خوبی است و کادر فنی خوبی هم دارد اما فراموش نکنیم تیم‌های آقای جلالی معمولاً در نیم فصل دوم به مشکل برمی‌خورند. من دلیلش را نمی‌دانم. اما من فکر نمی‌کنم پیکان بتواند تا پایان فصل این شرایط را حفظ کند. اما باید به سپاهان اشاره کنم. آنها مربی خوبی جذب کردند. کرانچار مربی بزرگی است و نشان داده که کارش را بلد است. سپاهان بازیکنان خیلی خوبی هم جذب کرده اما آنها هم درست مثل استقلال دو مشکل بزرگ دارند. اول اینکه گلزن و تمام کننده شش دانگ ندارند و مهم از این مساله هر دوی شان پر حاشیه هستند و هر روز جنجال تازه‌ای از درون تیم‌شان بروز می‌کند. آنها خوب بازی می‌کنند اما انسجام تیمی ندارند. آنها از تیم سابق خود فاصله گرفته‌اند. تیمی که یکدست بود و بازیکنانش خیلی با هم صمیمی بودند. باید برای این تیم یعنی سپاهان انگیزه‌های تازه‌ای ایجاد شود که دوباره بتواند شرایط خوب گذشته‌اش را پیدا کند. البته من معتقدم آنها خوب هستند و همیشه فوتبال و لیگ ما را غافلگیر کرده‌اند. تماشاگران خوبی دارند و در نیم فصل دوم همیشه بهتر کار کرده‌اند. در نتیجه نمی‌توان سپاهان را نادیده گرفت. در واقع تیم‌هایی هستند که پتانسیل بهتر شدن و بازگشت به لیگ برتر را دارند که من چهار تیم ذوب آهن، استقلال، سپاهان و تراکتورسازی را در این دسته قرار نمی‌دهم. این تیم‌ها خوبند و می‌توانند با تغییراتی که در ادامه راه ایجاد می‌کنند به شرایط خیلی خوبی برسند. من امیدوارم که آقای شفر بتواند تغییرات خوبی را در استقلال ایجاد کند و شرایط خوبی را در ادامه بازی‌های لیگ برتر برای این تیم رقم بزند اما اینکه استقلال بتواند طوری به لیگ برتر برگردد که نتیجه این بازگشت قهرمانی باشد امری است که به نظرم بعید است و باید واقع بینانه به فوتبال نگاه کنیم. استقلال برای قرار گرفتن در بین خوب‌های لیگ برتر نیاز به مهاجم تمام کننده دارد. کاش استقلال در شرایط فعلی یک عنایتی یا برهانی آماده داشت تا شرایط خیلی بهتری را تجربه می‌کرد اما نظیر چنین مهاجمانی را ندارد و کار برایش دشوار است. ▶

داشتند که هدف‌شان بقا در لیگ برتر است. اما به مرور با انگیزه و تلاش جمعی به برد رسیدند. بنابراین تصمیم گرفتند که شخصیت تازه‌ای داشته باشند. بعضی‌ها شاید بگویند فلان تیم شخصیت قهرمانی ندارد اما به نظرم فوتبال خیلی تغییر کرده و تیم‌های بی‌ادعا اما پر تلاش می‌توانند به تیم خودشان شخصیت بدهند. کاری که به نظرم پارس جنوبی انجامش داد و هفته به هفته این شخصیت را در درون خودش ساخت. حالا حداقلی‌ترین امتیازی که پارس جنوبی از شخصیت خود ساخته‌اش به دست آورده این است که بزرگان لیگ برتر مثل استقلال، پرسپولیس، سپاهان، تراکتورسازی و ذوب آهن می‌دانند که نباید پارس را دست کم گرفت. می‌دانند که باید با این تیم خیلی جدی برخورد کنند در غیر این صورت نمی‌توانند مقابلش بایستند. این خیلی امتیاز خوبی است. اما تیم بعدی که معتقد می‌تواند در لیست خوب‌های لیگ برتر قرار بگیرد پرسپولیس است. واقعیت این است که آنها طی دو فصل اخیر شرایط خوبی را تجربه کرده‌اند و حالا جزو تیم‌های خوب فوتبال ایران هستند. البته مشکلاتی هم داشته‌اند. باخت پر گل برابر الهلال در بازی رفت باعث شد آنها تا حدودی به هم بریزند. حذف از آسیا و برخی محرومیت‌ها باعث شد تا آنها از فرم اصلی و ایده‌آل خودشان کمی فاصله بگیرند اما به نظرم برانکو در بخش هدایت تیم و طاهری در بخش مدیریتی باشگاه پرسپولیس خیلی خوب توانسته‌اند شرایط را در حدی مطلوب نگه دارند. خیلی‌ها خواستند برای این تیم حاشیه ایجاد کنند اما برانکو اجازه نداد. معتقدم پرسپولیس یکی از خوب‌های لیگ برتر است و باتوجه به جایگاهی که در جدول لیگ دارد می‌تواند یکی از بخت‌های کسب عنوان قهرمانی باشد هر چند تا پایان لیگ اتفاقات زیادی رخ خواهد داد اما به هر حال نمی‌توان به روی موفقیت‌های تیم برانکو چشم بست. البته در مورد همین تیم خوب یک نگرانی وجود دارد. آنها خیلی به ۱۲ یا ۱۳ بازیکن اصلی‌شان متکی هستند. اگر بازیکنان اصلی مشکلی برایشان ایجاد شود پرسپولیس از شرایط خوبش دور می‌شود و حتی متزلزل نشان می‌دهد. این مساله را به عینه دیده‌ایم. به عنوان مثال وقتی سید جلال حسینی هست آنها در دفاع خوبند و وقتی این بازیکن نیست ناگهان همه چیز ساختار دفاعی در این تیم بدون استحکام می‌شود. من فکر می‌کنم برانکو سهم ویژه‌ای در خوب بودن و چشم‌نواز بودن فوتبال پرسپولیس دارد. نکته مهمی که وجود دارد بحث تصمیمات آقای سرمربی در هر تیمی است. یک مربی

جواد زرینچه

مربی فوتبال



۱ من فکر می‌کنم صحبت کردن درباره اینکه چه تیم‌هایی در حال حاضر در لیگ برتر فوتبال ایران خوب هستند صرفاً بازه زمانی خاصی را دربر می‌گیرد. چون در فوتبال شمانمی‌توانید بگویید که فلان تیم دیگر نمی‌تواند خودش را از بحران خارج کند یا اینکه فلان تیم چون تا اینجای کار در صدر جدول بوده لیگ برتر را با قهرمانی تمام خواهد کرد. همه چیز در فوتبال نسبی است. به خصوص وقتی درباره فوتبال خودمان صحبت می‌کنیم باید قبول کنیم که خیلی چیزها ممکن است تغییر کند و خیلی اتفاقات در طول فصل رخ خواهد داد. اگر بخواهیم تیمی را برای شروع انتخاب کنیم به نظرم باید سراغ پارس جنوبی هم برویم. به نظر من این تیم تا اینجای کار بسیار موفق بوده است. آنها در جریان بازی مسلط و متمرکز هستند و به نظرم آن چیزی که باعث شده پارس جنوبی به یک تیم قابل تحسین تبدیل شود انگیزه آنهاست. آنها به شدت انگیزه برنده شدن دارند. در همه بازی‌هایشان شما می‌توانید این انگیزه و شوق به برنده شدن را ببینید. به نظرم پارس جنوبی یک مجموعه کامل است. چون هواداران خیلی خوبی دارد. کادر فنی با تجربه‌ای دارد و همان طور که عرض کردم بازیکنان با انگیزه‌ای دارد که در زمین مسابقه خیلی خوب همدیگر را می‌بینند و همکاری خاصی دارند. این تیم اگر مورد حمایت مسئولان شهرشان قرار بگیرد به طور حتم در آینده حرف‌های زیادی برای گفتن خواهد داشت در غیر این صورت مثل همه تیم‌هایی که در فوتبال ایران ناگهان به صدر رفتند و ناگهان هم اوضاع‌شان به هم ریخت شرایط بدی را تجربه خواهد کرد. از نظر من پارس جنوبی هم تا اینجای کار نمره خیلی خوبی می‌گیرد. فراموش نکنیم که این تیم تازه به لیگ برتر آمده است. آنها در نخستین فصل حضور خود در لیگ برتر بزرگانی مثل پرسپولیس، استقلال، ذوب آهن، سپاهان و تراکتورسازی را کنار زده‌اند و توانسته‌اند در بالای جدول خودشان را نگه دارند. این امتیاز ویژه‌ای است که یک تیم در همان سال نخست حضورش در لیگ بالاتر چهره یک مدعی به خود بگیرد و تیم‌هایی که بارها تجربه قهرمانی داشته‌اند را تحت تأثیر قرار دهد. این تیم وقتی به لیگ برتر آمد ادعایی نداشت. حرفش را در درون زمین زد. آنها تاکید

پارس جنوبی و پرسپولیس بهترین های لیگ هستند

سپاهان و استقلال و تراکتورسازی نیم فصل دوم به جمع بهترین ها می پیوندند

میرشاد ماجدی

مربی فوتبال



روشن است که پارس جنوبی هم یکی از بهترین تیم های فوتبال ماست. اما این تیم چرا در نخستین فصل از حضورش در لیگ برتر تا این حد درخشان ظاهر شده است. به نظرم اولین نکته ای که می توان درباره پارس جنوبی جم گفت این است که آنها ثبات مدیریتی داشته اند. این موضوع خیلی مهم است و به این باشگاه کمک کرده که قدم در مسیر حرفه ای بگذارد و بقیه تصمیماتش هم حرفه ای انجام شود. نکته دوم این است که آنها به مربیان جوان اعتقاد دارند. به مهدی تارتار اعتماد کرده اند و نتیجه اش را هم دیده اند. نکته بعدی اینکه پارس جنوبی جم بازیکنانی دارد که در درون زمین ستاره هستند نه در رسانه ها. آنها جوان هستند و انگیزه های زیادی دارند. اگر شما تیم تان را پر از ستاره هایی کنید که هر روز در رسانه ها مطرح می شوند و مورد توجه هستند دیگر نمی توانید تیمی با کیفیت پارس جنوبی بسازید. چون آنها نمی توانند فشارهای جانبی را روی دوش خودشان تحمل کنند. مساله بعدی به بودجه برمی گردد. دخل و خرج این تیم با هم جور در می آید. آنها همان اندازه ای هزینه می کنند که دارند. همین مساله باعث می شود که آنها آن طور که دیگر باشگاه ها وارد بحران های مالی می شوند به مشکل برنخورند. همه این فاکتورها باعث شده که پارس جنوبی جم موفق شود و ما امروز از این تیم به عنوان بهترین تیم لیگ برتر یاد کنیم. آنها این فاکتورها را دارند و سعی کرده اند حرفه ای گری را یاد بگیرند. شاید خیلی ها این تیم را با استقلال خوزستان مقایسه کنند و بگویند تیم هایی مثل پارس تنها یک جرقه هستند و به مرور افت می کنند اما من اعتقاد دارم این تیم آنقدر ظرفیت دارد که در سال های آینده هم بتواند شرایط خوبی را برای خودش رقم بزند و در جمع مدعیان، خودش را حفظ کند. البته به شرطی که مدیریت این باشگاه به کادر فنی اعتماد کند و قبل از این موضوع خود مدیریت هم همچنان که طی سال های اخیر ثبات داشته است به راه خودش ادامه دهد. در نهایت آنچه که مربوط به پارس جنوبی جم است اینکه همه فاکتورهای موفق شدن را دارد و اگر نگوییم صد در صد باید بپذیریم که ۸۰ درصد از هر فاکتوری در این تیم وجود دارد. دومین تیمی که به نظرم فوتبال خوبی ارائه می کند تیم پرسپولیس است. شاید دوستان استقلالی از من ناراحت شوند و توقع داشته باشند که من به عنوان یک استقلالی از پرسپولیس تمجید نکنم اما واقعیت را باید بپذیریم. باید انصاف داشته باشیم و همواره به حریفان احترام بگذاریم. من معتقدم خود استقلالی ها هم به خوبی این واقعیت را می دانند که پرسپولیس تیم زهرداری است. تیمی که بازی را هجومی آغاز می کند و در دقایق وایانی هم گارد هجومی اش را حفظ می کند. پرسپولیس تیمی است که از فاکتورهای لازم سه فاکتور را دارد. در خصوص مسائل مالی باید بگویم که آنها قدری مشکل دارند و این موضوع تازه ای نیست اما در مورد ثبات مدیریتی، ثبات کادر فنی و به خدمت گرفتن تیمی جوان پرسپولیس هم مثل پارس جنوبی جم تیم منظم و منسجمی است. البته من به تیم فولاد هم علاقه دارم. معتقدم آنها هم تیم خوبی هستند و جزو بهترین های لیگ قرار می گیرند. آنها تیم جوانی هستند. معتقدم پورموسوی خیلی خوب توانسته تیمش را آماده کند. او دستیار ویسی

بود و در کنار این مربی جوان و خوش فکر کسب تجربه کرد. سال بعد خودش سرمربی استقلال خوزستان شد و عملکرد خوبی هم داشت. کار کردن با جوان ها را بلد است و با همین تجربه گرانبها به فولاد رفته و به نظرم در این تیم هم تا کنون عملکرد خوبی داشته است. تیم دست و پا بسته ای نیستند. با اینکه مشکلات متعددی دارند و به طور طبیعی باید این تیم را در پایین جدول می دیدیم اما با این حال شرایط خوبی را برای خودشان ایجاد کرده اند و نوسالن زیادی ندارند. من تیم پدیده مشهد را هم جزو تیم های خیلی خوب لیگ برتر می دانم. همیشه حریف سرسختی هستند. خیلی سخت می شود آنها را شکست داد و البته به

فوتبال ایران را بشناسد. بنابراین نباید توقع داشته باشیم که استقلال را در کوتاه مدت به گروه بهترین های لیگ برتر بیاورد. اما یک تیم هم در بین تیم های بالای جدول هست که من راجع به آن صحبت نکردم. اگر صرفاً بخواهیم باتوجه به جایگاه تیم ها در جدول در مورد بهترین تیم های لیگ صحبت کنیم باید نام پیکان را هم به لیست مان اضافه کنیم اما من این طور فکر نمی کنم. معتقدم آنها تیمی هستند که همیشه نوسان زیادی دارند. بارها پیش آمده که تا صدر هم آمده اند اما به مرور دور شده اند و حتی به لیگ پایین تر سقوط کرده اند. خودم دو سال قائم مقام این باشگاه بودم. همیشه در نیم فصل ها خوب بوده است.



دور از جنجال کار می کنند و زحمت می کنند. البته تاکید می کنم که این تیم هایی که نام بردم تا اینجا کار خیلی خوب کار کرده اند. برای روشن شدن اصل ماجرا باید صبر کنیم. به طور طبیعی تیم ها در طول فصل دچار فرازونشیب خواهند شد و بهتر است که ما در شش هفته پایانی لیگ برتر تیم ها را مورد نقد قرار بدهیم در این صورت با خیالی راحت می توانیم بگویم این تیم بهترین است. چون در آن مقطع تیمی که خودش را بالا نگه داشته است نه برای ۱۰ هفته که در طول یک فصل آمادگی اش را حفظ کرده است. اگر بخوایم درباره استقلال هم که یکی از پرطرفدارترین تیم های لیگ برتر است نقدی داشته باشیم هم باید عرض کنم که کمتر تیمی در لیگ برتر به اندازه آنها مهره دارد. این تیم پر از ستاره است اما قطعا در جزو بهترین ها قرار نمی گیرند چون در کار گروهی خیلی ضعیف ظاهر شده اند. این تیم مثل سازی است که هنوز کوک نشده است. همه سیم هایی که باید روی یک ساز نصب شود را دارد اما چه کسی است که این نت ها را به خوبی بنوازد؟ من نمی دانم که شفر از عهده این کار برمی آید یا نه. امیدوارم که بتواند من فکر می کنم شفر فقط شش ماه زمان نیاز دارد که بتواند

اما در نیم فصل دوم به یک تیم بی ثبات تبدیل می شود. بنابراین من به طور کلی این ثبات را در پیکان نمی بینم که بتواند خودش را در صدر نگه دارد. مدیریت بسیار خوبی دارد. آقای شیعی را سال هاست که می شناسم و می دانم که کارش را بلد است. شاید امسال پیکان این تابو را بشکنند و اتفاقاً در بالای جدول بماند اما باتوجه به سوابقی که از این تیم سراغ دارم بعید می دانم که این اتفاق رخ بدهد. اما یک نکته را هم بگویم. باتوجه به اینکه تا پایان لیگ مدت زمان زیادی باقی مانده است اطمینان داشته باشید که بهترین های لیگ برتر در پایان فصل تغییر خواهند کرد. شاید پارس و پرسپولیس خودشان را در بالای جدول نگه دارند اما شک نکنید که تیم هایی مثل استقلال و سپاهان و تراکتورسازی هم به این جمع اضافه می شوند. این تیم ها را هیچ وقت نباید دست کم گرفت. ظرفیت های بالایی برای بالاترینی در جدول لیگ دارند و مطمئن باشید که لیگ ما در آینده بیش از پیش جذاب خواهد شد. تیمی که می خواهد در این لیگ سخت عنوان بهترین را از آن خودش کند نباید به روز باشد بلکه به نظر من باید دو روز هم از سایر تیم ها جلوتر باشد. لیگ سختی است. ▶

در اوج

پایتخت همه را شوکه می کند؟



فصل پنجم

سیروس مقدم از مدت ها قبل اعلام کرده بود که فصل پنجم پایتخت یک فصل ویژه خواهد بود: «اگر قرار بود در پایتخت ۵ هم دوباره همان حرف های سابق را بزنیم و روی موج موفقیت سری های پیشین کار را ادامه بدهیم، مطمئن باشید اصلا به ساخت مجموعه فکر نمی کردیم. حسن پایتخت را باید در رو به جلو بودن همیشگی اش دانست و اینکه هر بار با اتفاقاتی جدیدتر روبه رو می شود و قصه های تازه می گوید. به شما این اطمینان را می دهم که پایتخت ۵ شبیه هیچ یک از سری های قبلی اش نیست و در فضاهایی نو روایت می شود.» او اخیرا در این باره توضیح داده است که: «اتفاقی که در دنیا افتاده و کارهای نمایشی را جذاب می کند این است که خالقان آثار هرآنچه را که تخیل می کنند در آثارشان به تصویر می کشند. آنها خود را به بضاعت های موجود محدود نمی کنند و به همین دلیل ممکن است آثارشان در جایی به فانتزی یا ماورا نزدیک شود. ما هم در سریال «پایتخت ۵» هرآنچه را که فکر می کردیم ممکن است به شکل ناخواسته برای یک خانواده از یک فضای ساده به فضای غیرقابل باور تبدیل شود، انجام دادیم. ما تلاش کردیم این خانواده را به یک فضای مریخی پرت کنیم، خانواده ای که شاید در تمام عمرش پایش را از علی آباد بیرون نگذاشته و دورترین جایی که رفته تهران بوده، ناگهان از بالی در آسمان سرد می آورد و اتفاقاتی برایش رخ می دهد که به عنوان مخاطب ممکن است بگوئید مگر می شود! اما همه اینها رئال است و منطق روایی خود را دارد. بخشی از این فضای تخیلی و غیرقابل باور که گفته شد از طریق ویژوال افکت و دیگر تکنیک های فنی در حال ساخت است، اتفاقا بخش سخت و نفس گیری است که باید از جنس خود سریال «پایتخت» رئال باشد و از قصه بیرون نرزد. ما اتفاقاتی را در این سریال داشتیم که جز از طریق تکنیک ویژوال افکت امکان پذیر نبود. به طور مثال وقتی می خواهید یک بال را با ۱۳ نفر در یک اقیانوس ببندازید، مجبورید برای حوادث پس از آن سراغ این تکنیک بروید. در این مجموعه تراژدی در کنار کمدی قرار گرفته است و اتفاقاتی دارد که با خود فکر می کنیم برای فصل بعدی دیگر چه کاری می توان انجام داد. این فصل از سریال پر از ماجراست و در عین حال پر از حوادث و فضاهای خیلی عجیب و جدید است که خود من هم تا به حال تجربه نکرده بودم.»

او در پاسخ به اینکه با فصل بعدی این سریال هم فکر می کنند یا خیر؟ گفته است: «تا وقتی مردم دوست

«مساله این است که خانواده «پایتخت» برای کار دیگری وارد یک کشور می شوند و بنا بر حادثه ای در نقطه ای سقوط می کنند که حتی نمی دانند کجاست؟ سوره است؟ عراق است؟ مکان برایشان مشخص نیست و زمانی که چشمشان را باز می کنند در موقعیتی قرار می گیرند که شوکه می شوند...» سیروس مقدم، کارگردان سریال سریالی پایتخت در مورد نحوه ورود داعش به قصه خانواده آقای معمولی این جملات را گفته است. در همه این سال ها و از زمانی که اولین قسمت سریال پایتخت ساخته شد تا به امروز، مراحل ساخت این سریال که بی اغراق در میان محبوب ترین ساخته های تاریخ سیما در ایران قرار می گیرد، مورد توجه بوده، به ویژه اینکه از همان ابتدای ساخته شدن، پنجمین فصل از سریال گفته شد که این سریال با مسائل روز منطقه خاورمیانه و به ویژه داعش پیوند خورده است، کلید ورود داعش همین مساله ای است که سیروس مقدم بیان کرده است. مجموعه «پایتخت ۵» با نگاهی به مسائل منطقه ای، نوروز ۹۷ روی آنتن شبکه یک سیما می رود. آخرین سکانس های این مجموعه در دهه اول محرم جلوی دوربین رفت. به گفته الهام غفوری تهیه کننده مجموعه همزمان مراحل فنی بخش هایی از مجموعه انجام شده است. این فصل پایتخت در لوکیشن های مختلفی از جمله شیرگاه، ساری، قائم شهر، جاده، جنگل، شمال شرق تهران، فرودگاه، شهرک سینمایی دفاع مقدس و حتی کشور ترکیه مقابل دوربین رفت.

«پایتخت ۵» همچنان بازیگران اصلی و ثابت خود یعنی علیرضا خمسه، محسن تاننده، احمد مهرانفر، ریما رامین فر و نسرین نصرتی را همراه خواهد داشت. پنجمین سری سریال «پایتخت» در شرایطی منحصر به فرد تولید شده و عوامل آن اعتقاد دارند بیننده نوروز ۹۷ از مشاهده آن شگفت زده خواهد شد. به گونه ای که الهام غفوری تهیه کننده این سریال گفته است: «فصل پنجم سریال در فضایی جدید و با سبک و سیاقی دیگر نسبت به آنچه تا به حال دیده اید ساخته می شود و به طور قطع این مساله کار تولید را سخت و طاقت فرسا خواهد کرد. «پایتخت ۵» چه به لحاظ داستان و چه به لحاظ ابعاد مختلف شخصیت ها و نوع قصه گویی نیازمند ساخت دکور، انتخاب مکان های ویژه و... بود و این مساله کار ما را در اجرا سخت تر از قبل کرده است. من و تیم فعال در این پروژه سنگین امیدوار هستیم توقع چند ساله مردم از سریال پایتخت که هر ساله کار ما را سخت تر کرده است امسال نیز برآورده شود.»

داشته باشند و پیگیر باشند ما هم وظیفه داریم «پایتخت» را بسازیم.»

حمایت اوج

یکی از نقاط ویژه فصل پنجم سریال پایتخت مشارکت سازمان هنری اوج است. مشارکتی که سیروس مقدم در ابتدای همکاری آن را این گونه توصیف کرده بود: «اگر موسسه اوج با پیش نمی گذاشت و ما را در چتر حمایتی مادی و معنوی خود قرار نمی داد، شاید باز هم مردم شناس دیدن پایتختی دیگر را پیدا نمی کردند و این خود، اهمیت حضور آنها و تلاش شان را برای تولید «پایتخت ۵»، روشن تر می کند. از آنجایی که موسسه اوج دارای اسانامه و هدفمندی روشن در تولید آثار فرهنگی است و همانا سرمایه گذاری و نظارت در تولید آثار ارزشمند و پر محتوا و مردمی، هدف غایی آنها است، این بار قصه و سوژه سریال «پایتخت ۵»، در راستای همین اهداف فرهنگی و منطقی بر آرمان های این موسسه و سازمان صدا و سیما خواهد بود. از آنجایی که در قصه «پایتخت» مساله سبک زندگی ایرانی-اسلامی، عشق و تحکیم خانواده، احترام به والدین، حس وطن دوستی و خداپرستی و دشمن ستیزی و ده ها موضوع انسانی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی و اقتصادی در میان است و تلاش دارد تا به فضای وحدت در جامعه، ایجاد امید در مردم، ساده زیستی، خداترسی، اتحاد اقوام به شکلی سالم و سازنده کمک کند، طبیعی است که موسسه اوج با تفکر و بررسی های همه جانبه، از چنین آثاری حمایت کرده و با نظارت و درایت شرایط مساعدی را برای پیشرفت این گونه آثار مهیا سازد.» حبیب والی نژاد، مدیر مرکز فیلم و سریال سازمان هنری رسانه ای اوج هم پیش از این در زمان بازدید پشت صحنه سریال «پایتخت» درباره همکاری و مشارکت سازمان اوج در ساخت این سریال گفته بود: «همکاری و همکاری نهادهای فرهنگی لازمه جدی تولیدات موثر است. سریال «پایتخت» یکی از بهترین تولیدات هنری سال های اخیر است که به همت سازمان صدا و سیما و گروه هنرمند خالق آن در دل مردم جای ویژه ای را باز کرده است. سازمان اوج هم در راستای خط مشی های فکری خود همکاری در فصل جدید این سریال را با سازمان صدا و سیما در پیش گرفته است. مشارکت سازمان اوج در این پروژه پیش از آنکه مالی باشد مشارکت فکری و محتوایی است، چرا که عناصر خانواده همبستگی و آزادی و در نهایت مقاومت و پایداری در بستری شاد و مفرح از هدف گذاری های جدی فرهنگی این سازمان است.»

بازهم کریس

رونالدو بازهم بهترین بازیکن جهان شد

همه داستان بهترین بازیکن فوتبال جهان در سال ۲۰۱۷ را می‌توان در یک عکس خلاصه کرد، همان عکسی که کریستیانو رونالدو یا پسر، جایزه پدرش را در دست دارد و دارد لیونل مسی را نگاه می‌کند. این عکس این معنار دارد که هنوز فوتبال در رقابت این دو ستاره خلاصه می‌شود، این دو فوق ستاره مجموعاً رقم غیرقابل باور ۲۸۷ عنوان را کسب کرده‌اند که در این میان رونالدو با ۱۵۷ جایزه شرایط بهتری نسبت به لیونل مسی دارد. در بررسی تعداد حضور آنها در تیم منتخب سالانه فیفا که همه ساله در روز دریافت جایزه انتخاب می‌شود، متوجه خواهیم شد که هر دو بازیکن ۱۱ بار در تیم منتخب سال قرار گرفته‌اند. این بار نوبت کریس رونالدو بود که جایزه بهترین بازیکن سال را ببرد، آن هم به دلیلی که آمار آن را تایید می‌کند و رونالدو فصل گذشته توانسته بود همراه با رئال مادرید فاتح لالیگا، لیگ قهرمانان، جام باشگاه‌های جهان و سوپرکاپ اروپا شود. او همچنین موفق شد ۴۲ گل برای رئال مادرید به ثمر برساند و عنوان آقای گلی لیگ قهرمانان را تصاحب کند همین کافی بود که رای‌ها او را صاحب جایزه کند. اما شاید فصل آینده نوبت مسی باشد، چیزی که واضح است هنوز بین رونالدو و مسی یک رقابت جذاب وجود دارد و این نکته همان چیزی است که خود رونالدو هم روی آن تکیه دارد: «هیچ چیز تمام نشده، تازه شروع شده است!» هر چند که باز هم تاکید می‌کند که مسی رقیب او نیست: «نمی‌خواهم با لئو رقابت کنم. او بازیکنی است که هم دوره من است. او ۵ بار بهترین بازیکن جهان شده و من هم همین‌طور. مشخصاً همان‌طور که قبلاً گفتم، خوشحالم. در بهترین باشگاه جهان بازی می‌کنم. این فرصت را داشتم که خودم را در بالاترین سطح نشان دهم و از لحاظ بدنی بسیار آماده‌ام. بنابراین آرامش خوبی دارم. در حال حاضر سعی می‌کنم از این لحظات لذت ببرم.»

واقعیت این است که مسی و رونالدو هم در باشگاه‌ها و هم در کشورهای خود، هم در لالیگا و هم در

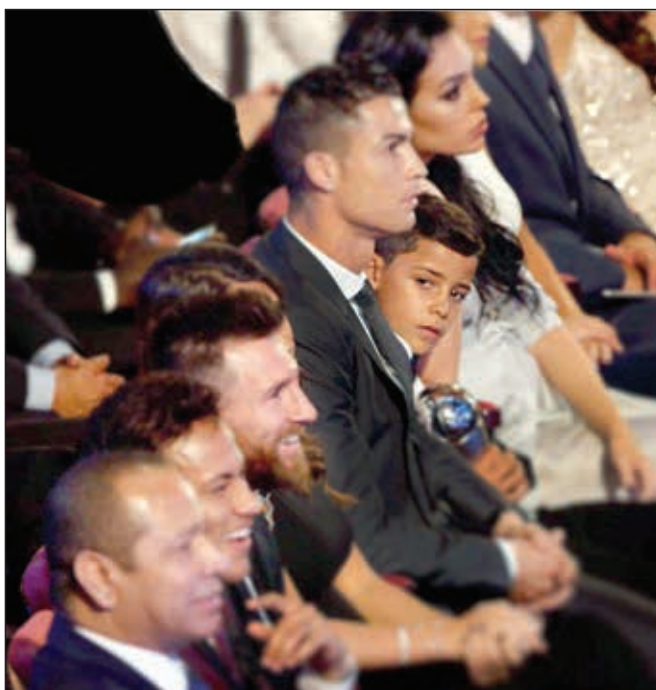
لیگ قهرمانان اروپا همیشه بازیکنانی طراز اول بودند و هنوز هم در میان طرفداران فوتبال این بحث وجود داشته است که کدامیک از این دو بهتر هستند. رونالدو و مسی هر دو از سال ۲۰۰۸ میلادی تاکنون توانسته‌اند در رقابتی تنگاتنگ با یکدیگر تمام توپ‌های طلا را از آن خود کنند. کریستیانو رونالدو طی پنج سال گذشته چهار بار جایزه بهترین بازیکن را از آن خود کرده و هر بار نیز لیونل مسی در جایگاه دوم قرار گرفته است.

شاید بار آخر

نگاه دیگری هم وجود دارد، نگاهی که می‌گوید شاید آخرین جایزه فیفا باشد که به یکی از این دو یعنی مسی و رونالدو می‌رسد، استدلال این است که سال بعد، سال جام جهانی است و تیم قهرمان جام جهانی تأثیر بسیار زیادی روی انتخاب بهترین بازیکن سال از نگاه فیفا دارد، از آنجایی که تیم‌های ملی آرژانتین و پرتغال نسبت به

تیم‌های ملی دیگر نظیر فرانسه یا برزیل شانس کمتری برای بالابردن جام طلایی دارند، شاید نوبت به دیگران باشد که لذت بهترین جهان بودن را تجربه کند، شاید یکی مثل نیمار یا پوگبا این شانس را داشته باشد، شاید هم نه رقابت مسی و رونالدو ادامه داشته باشد، کسی چه می‌داند، رونالدو در مورد حضور رقبای جوان‌تر مثل نیمار می‌گوید: «نیمار برای کسب عنوان بهترین بازیکن جهان کاندید شد و می‌تواند در آینده این عنوان را از آن خود کند. در خیلی از مصاحبه‌هایم گفته‌ام که بازیکنان جوان زیادی هستند که در سطح بالایی هستند و آنها هم می‌توانند به این عنوان برسند. در حال حاضر عنوان بهترین بازیکن جهان به من تعلق گرفته است.»

نیمار هم که در این مراسم حضور داشت درباره جایزه



شب لندن

گفت: «به کریستیانو تبریک می‌گویم. او لایق این جایزه بود. او کارهای زیادی در فوتبال انجام داده است. دنیای فوتبال احترام زیادی برای رونالدو قائل است و او در کنار مسی، دو ستاره این رشته محسوب می‌شوند. به همین دلیل هم از حضور در بین سه نامزد نهایی بسیار بسیار خوشحالم.»

رونالدو توانست ۴۳/۱۶ درصد از آرا را که متشکل از رای بازیکنان، مربیان، خبرنگاران و هواداران از سرتاسر جهان است به خود اختصاص دهد و مسی، ۱۹/۲۵ درصد و نیمار ۶/۹۷ درصد آرا را به خود اختصاص دادند. سال گذشته، اختلاف این دو بسیار کمتر از امسال بود. در حقیقت، رونالدو ۳۴/۵۴ درصد آرا را به خود اختصاص داده بود و مسی توانسته بود ۲۶/۴۲ درصد آرا را اخذ کند.... رونالدو ۳۲ ساله که سال گذشته هم توانست این جایزه را

تصاحب کند پس از دریافت این جایزه از دستان رونالدوی برزیلی و مارادونا گفت: «از اینکه به من رای دادید تشکر می‌کنم. دوست دارم به لئو و نیمار که اینجا هستند اشاره کنم. می‌خواهم از رئال مادرید به خاطر حمایتش از من تشکر کنم. همبازیانم و رئیس باشگاه اینجا هستند و باید به آنها اشاره کنم. برای دومین سال پیاپی فاتح این جایزه شدم و این لحظه بزرگی برای من است. از همه طرفدارانم در سراسر دنیا تشکر می‌کنم. خیلی خوشحالم و بار دیگر از همه تشکر می‌کنم.»

در این مراسم که در لندن برگزار شد، زین الدین زیدان، مربی رئال مادرید هم جایزه بهترین مربی سال را دریافت کرد. او توانست بر ماسیمیلیانو آلگری از یوونتوس و آنتونیو کوته از چلسی غلبه کند. هر سه مربی فاتح لیگ شده بودند. زیدان فروتنانه درباره این جایزه گفت: «نمی‌گویم که شایسته این عنوان نبودم؛ ولی خودم را بهترین مربی دنیا نمی‌دانم. هستند مربیانی که بهتر از من هستند. اگر ۱۰ سال دیگر هم در چنین سطحی بودم، می‌توانم خودم را هم ردیف بهترین‌ها بدانم. در هر صورت ما سال گذشته عناوین زیادی کسب کردیم و جایزه‌ای که نصیبم شد، حاصل تلاش و کار زیادی بود که سال گذشته انجام دادیم.»

از امسال همچنین جایزه بهترین دروازه‌بان هم داده می‌شود که این جایزه را جیان لوییچی بوفون به دست آورد. او همچنین برای نخستین بار در یک دهه گذشته، توانست در فهرست بهترین بازیکنان فیفا حضور پیدا کند.

بوفون یوونتوس را به ششمین قهرمانی در سری آ رساند و توانست در لیگ قهرمانان ۶۰۰ دقیقه متوالی را بدون گل خورده سپری کند. این بازیکن ۳۹ ساله در رقابت با کیلور ناباس دروازه‌بان رئال مادرید و مانوئل نویر دروازه‌بان بایرن مونیخ این عنوان را کسب کرد. بوفون ۴۲/۴۲ درصد آرا را به دست آورد، یعنی به میزان مجموع آرای مانوئل نویر و کیلور ناباس. نویر ۳۲/۳۲ درصد رای را کسب کرد و ناباس ۱۰/۲ درصد. تیبو کورتوا هم ۹/۰۹ درصد به دست آورد. جیان لوییچی دوناروما از میلان هم حتی یک رای کسب نکرد.

بوفون گفت: «خیلی خوشحالم. برایم افتخار بزرگی است که این جایزه را در این سن به دست بیاورم. فکر می‌کنم

سال گذشته فصلی رویایی برای یوونتوس و من بود. امیدوارم امسال عملکرد بهتری برای یوونتوس و تیم ملی داشته باشم.» شاید جذاب باشد بدانیم که کارلوس کی‌روش، سرمربی و سیدجلال حسینی، کاپیتان تیم ملی کشورمان کریس رونالدو را به عنوان بهترین بازیکن و زین الدین زیدان فرانسوی را به عنوان سرمربی سال برگزیدند. کی‌روش در انتخاب مرد سال به ترتیب رونالدو، مسی و نیمار را برگزید و مربیان برتر را زین الدین زیدان، آنتونیو کوته و یواخیم لو انتخاب کرد. حسینی هم پس از رونالدو، مسی و نیمار را بهترین بازیکن جهان نامید و در انتخاب مربیان، زیدان، کوته و ژاردیم را برگزید. در مورد رای‌های خود دو فوق ستاره هم باید گفت که مسی به لوئیز سوارز، اینیستا و نیمار رای داده است. کریستیانو رونالدو هم به هم تیمی‌هایش یعنی مودریچ، راموس و مارسلو رای داده است. مسی در رای گیری بهترین مربی به انریکه، گواردیولا و سیمونه رای داده است. ▶



راهبرد

یک نمایش با مضمون عاشورایی



غواص عملیات کربلای چهار بود و در تالار محراب به روی صحنه رفت اشاره کرد. نمایش «سحرگاه سوم» در سال ۱۳۹۳ با مضمونی دینی و موضوع امام زمان (عج) که در تماشاخانه سنگلج به روی صحنه رفت، نیز از دیگر کارهای این کارگردان است. این کارگردان در خصوص پیرنگ اصلی نمایش راهبرد گفته است: «در پیرنگ این درام اجتماعی فرازهایی از زندگی امام خمینی (ره) توسط هادی روایت می شود و بافت آیینی داستان که از هنر تعزیه و نقالی سودمی بردار تکمیل می کند.

با توجه به اینکه در بخشی از نمایش، اثر شکل تناثر مستند به خود می گیرد و بر محور شخصیت امام خمینی (ره) پیش می رود، من بالغ بر شش ماه و نیم روی پژوهش این کار وقت صرف کردم. از آنجایی که در نمایش «راهبرد» برادر هادی در قیام ۱۵ خرداد شهید شده است، پرداختن به امام خمینی یک الزام بود زیرا ابعدی از شخصیت برادر هادی که در راه امام شهید شده را به تصویر می کشد. از آنجا که داستان به شکل روایتی اجرا می شود، در بخش هایی شخصیت اصلی نمایش یعنی هادی با شخصیت های مهم تعزیه نظیر مسلم بن عقیل (ع) و حرین یزید ریاحی همذات پنداری می کند.» ▶

و معنوی و نیز منطقی آن را به خوانندگان نمایشنامه به طور غیر مستقیم بیان کند و روایت این ارتباط مهم با زبان تعزیه به نظر می رسد کاری نو و ابتکاری است که می تواند، شیوه و مسیری نو را برای بیان مفاهیم ارزشی و دینی و انقلابی باز کند. در این اثر نمایشی که با مدت زمان ۵۰ دقیقه به صحنه می رود؛ علاءالدین قاسمی و بابک والی به عنوان بازیگر حضور دارند. علاءالدین قاسمی، یکی از اعضای انجمن تعزیه خوانی ایران است که در نقاط مختلف داخلی و خارجی اجرای مراسم تعزیه خوانی داشته است. وی که دارای نشان درجه یک هنری است، همچنین در سریال «شب دهم» حسن فتحی به ایفای نقش پرداخته است.

نظر کارگردان

حامد هوشیاری، طراح، نویسنده و کارگردان عرصه نمایش، عضو انجمن نویسندگان و منتقدان خانه تناثر است که سال ۱۳۹۵ با نمایش «آخه اینجا نزدیک تره به خدا» در خانه نمایش اداره تناثر روی صحنه رفت که از سوی موسسه هنرمندان پیشکسوت به عنوان کارگردان نسل نو تناثر دینی مورد تقدیر قرار گرفت. از دیگر نمایش های این هنرمند می توان به «یک از ۱۷۵» در سال ۱۳۹۴ که اولین نمایش صحنه ای با موضوع شهدای

نمایش «راهبرد» به طراحی، نویسندگی و کارگردانی حامد هوشیاری اجرای خود را از روز سه شنبه ۲۵ مهرماه در سالن پلاتو اجرا تناثر شهر آغاز کرده و با مضمون آیینی-مذهبی و عاشورایی تا ۱۲ آبان ماه در این سالن روی صحنه است.

«راهبرد» روایت داستان هادی، شخصیت محوری داستان نمایش است. وی فرزند یک خانواده تعزیه خوان قدیمی است که برادرش در قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ به شهادت رسیده است. در این نمایش هادی با بیماری لاعلاج دخترش روبه روست به همین خاطر با خود عهد می بندد که تا زمان بهبودی فرزندش خادم خاندان اهل بیت باشد. در این نمایش شخصیت اصلی یعنی هادی الگوی ذهنی خود را تحت تاثیر شخصیت دیگر نمایش یعنی معین البکاء دنبال می کند؛ زیرا کشمکش های درونی و فکری هادی برای بهبودی از دست رفتن دخترش در تمام نمایش با او همراه است بنابراین مخاطب نیز همواره در حال گره گشایی از معمای رفتن یا بازگشتن این دختر بچه به زندگی است. نمایشنامه «راهبرد» کوشیده است که الگوپذیر، انقلاب بزرگ ملت ایران از ۱۵ خرداد ۴۲ و انقلاب بهمن ۵۷ و نیز دفاع مقدس از قیام حسینی را با زبان هنر نمایشنامه نویسی ترسیم کند و همچنین رابطه عاطفی

یک خواب و سه قصه

نمایشی با مضمون دفاع مقدس



با کسی شوخی ندارم! در واقع داستان، انگیزه، هدف و محتوایش را از موقعیتی رئالیستی و داستانی وارد محدوده وسیع تر فکر و اندیشه نمایشی می کند. همچنین در جایی مرد دیگر نمایش که در زندگی خانوادگی همیشه فرار کرده و از مشکلات گریخته می گوید: حالا اومدم که وایستم، اونوقت تو اومدی می گی برگرد؟! او ایستادن و دفاع کردن و مبارزه کردن را آموخته است. اما هیچ گاه خارج از دنیای نمایش و اثر شعار نمی دهد. آنچه شخصیت های گویند متعلق به زندگی واقعی شان و تجربه حضور در جنگ تحمیلی است. اما اندیشه ای که وسعت پیدا می کند به طور غیر مستقیم همان تفکری است که اندیشه و معرفت دفاع مقدس به دنبال آن است.» ▶

حفظ زندگی، تولد و عشق را ماندن شوهرانشان تضمین می کند. اما نمایش برای ارائه این ضمانت هیچ گاه شعار نمی دهد. این نقطه قوت نمایش است. پس مخاطب بی واسطه و غیر مستقیم و به وسیله ابزارهای دراماتیک با آن ارتباط برقرار می کند و مساله و موضوع نمایش را پشت این ارتباط به خوبی می فهمد. مهدی نصیری، کارگردان این اثر نمایشی درباره آن گفته است: «نذار این خواب تعبیر بشه» درباره زندگی است. زندگی و ایستادن و دفاع کردن! اما هیچ گاه شعار نمی دهد و به جای شعار دادن مساله اش را در میان اتفاقات و موقعیت های نمایشی اش به مخاطب می گوید. آنجا که یکی از مردها در ساراه خانه خودش در مشهد صحبت می کند و می گوید که در سردخانه زندگی

نمایش «نذار این خواب تعبیر بشه» نوشته و کارگردانی مهدی نصیری نیز که موضوع آن در حوزه تناثر دفاع مقدس است از ۲۵ مهرماه اجرای خود را در تالار سایه مجموعه تناثر شهر آغاز کرده است. این نمایش تا ۱۹ آبان ماه روی صحنه خواهد بود. این نمایش به تهیه کنندگی گروه هنرهای نمایشی روایت فتح و با نگاهی متفاوت وقایع جنگ تحمیلی و تاثیرات اجتماعی آن را بر سه زوج جوان و با بازی بهرام تشکر، ترانه کوهستانی، فریا امینیان، رضا جوشنی و بهروز پناهنده تا ۲۵ آبان هر شب ساعت ۱۸ در تالار سایه میزبان علاقه مندان به تناثر است. داستان این نمایش، داستان سه زن است. سه زن که با یک خواب مشترک به سراغ همسران شان در سوار می روند و می خواهند آنها را به خانه بازگردانند. زن ها سه داستان، سه موقعیت، سه جغرافیا و بوم متفاوت را با خودشان به کارخانه ای متروک در مرزهای غرب آورده اند. آنها خواب دیده اند برای همسرانشان اتفاقی افتاده و به سراغ آنها رفته و هر یک با یک داستان از زندگی شان به سراغ همسرانشان می روند و می خواهند همسرانشان را برگردانند اما اتفاقی برعکس می افتد.

نمایش درباره زن ها است؛ زن هایی که نمادهایی از زندگی، تولد و عشق را به جبهه می برند و می فهمند که

ادواردو

زندگی مردی که به ثروت پشت کرد

رمان «ادواردو»، زندگی متفاوت و حسینی یکی از ثروتمندترین مردان جهان، به نام ادواردو آنیلی است که به قلم بهزاد دانشگر، نوشته شده است. داستان این رمان در قلب اروپا رخ می‌دهد، در کاخ سناتور آنیلی، صاحب کارخانه فیات، داستان از آخر زندگی ادواردو شروع می‌شود و سه خط داستانی به هم بافته، در هم می‌تنند و هر چین و شکن این بافته، فصلی از رمان است و داستان را پیش می‌برد. خط اول داستان خود ادواردو است؛ خانواده‌اش، دوستانش، مسلمان شدنش، اتفاقاتی که برایش می‌افتد و ظلم‌هایی که مافیای صهیونیستی بر او روا می‌کنند. نمی‌توان از مسلمان شدن ادواردو حرف زد و از دانشجویان پیرو خط امام و امام حرف نزد. انگار ریشه استعمار عده‌ای چون آنیلی به امام برمی‌گردد. تادهه هفتاد کسی دقت نکرده بود آن که با موهای بور در نماز جمعه، پشت سر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ایستاده است و در صف اول نماز می‌خواند، پسر سناتور ایتالیایی، امپراتور ثروت و قدرت ایتالیا است. تا همین سال‌های اخیر کسی نمی‌دانست ادواردو دقیقی توفیق زیارت و مصاحبت حضرت امام (ره) را داشته است. خط دوم داستان جریان مستندسازان ایرانی است که برای کندوکاو جریان ادواردو به ایتالیا سفر می‌کنند و اتفاقاتی برای شان می‌افتد. جریان سوم داستان هم جریان خبرنگار ایتالیایی است که در فرهنگ خود بستر زندگی خود به دنبال حقیقت جریان می‌گردد. این سه خط در هم می‌تنند و تا پایان داستان به هم می‌رسند. رمان ادواردو رمان جالبی است؛ به لحاظ ساختار و به لحاظ معنا انگار که پرورنده کاملی از ماجرای قتل یک نفس است. رمان از نظر شکلی، اثری ساختارگرایانه و فرم‌پردازانه از کار در آمده است. واقعیات و مستندات آن چنان در لابه‌لای داستان پیچیده که رمان به ژانر مستند داستانی نزدیک شده است؛ با این وجود شکل و شمایل رمانی خود را از دست نداده است.

تکفیری

چاپ پنجم یک رمان با موضوع داعش

رمان «تکفیری» اثر مهدی دریاب که انتشارات کتابستان معرفت آن را منتشر کرده، به چاپ پنجم رسید. داعش یکی از نیروهای زنده خود را برای انجام سلسله مأموریت‌هایی تروریستی در پوشش یک بیمار به ایران اعزام کرده تا پس از شناسایی و گردآوری اطلاعات بتواند به جمهوری اسلامی ایران که محور مقاومت در خاورمیانه است ضربه بزند. «منصور» آن نیروی زنده اطلاعاتی است که با پیشنهاد عبدالقادر اردنی به بهانه درمان نارسایی کبد راهی ایران می‌شود و با ظاهر یک شیخ عرب به عنوان تورپیست درمانی وارد خاک ایران می‌شود که پس از پا گذاشتن به کشور عناصر موجود در ایران با او مرتبط می‌شوند و عملیات شناسایی طرح ریزی می‌شود. مهدی دریاب در رمان «تکفیری» فضایی را رقم زده که در آن خواننده بین خیال و واقعیت معلق است و به خوبی این بخش‌ها را با هم تلفیق کرده است. شهید علی اکبر پیرویان شخصیتی است که مرز بین واقعیت و تخیل را در این رمان به وجود آورده و همین سبب می‌شود در بخش‌هایی شخصیت «منصور» که در دوره حمله ارتش شوروی به افغانستان با این شهید آشنا شده واقعی و مستند جلوه کند. نویسنده رمان با اطلاع کافی از خاستگاه اندیشه‌ای جریان انحرافی «داعش» پرده از واقعیت این جریان تروریستی که این روزها در خاورمیانه در حال میکیدن خون مردم بیگناه عراق و سوریه است برداشته است. او به خوبی توانسته خاستگاه فکری دو جریان تروریستی در سال‌های اخیر در خاورمیانه را به هم ربط دهد که پُر بیراه نیز نگفته است. طالبان و داعش به عنوان دو گروه محارب که دست به اسلحه کشیدند تا زیر پرچم اسلام ساختگی اربابان خود، این دین را در منطقه حاکم کنند، دو جریان و اندیشه‌ای هستند که در این رمان تا حدودی معرفی می‌شود و نگاه آنها به مسلمین به خوبی تبیین می‌شود.

آدم باش

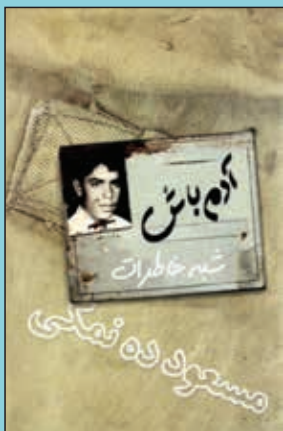
خاطرات شخصی مسعود ده نمکی

کتاب «آدم باش»، خاطرات شخصی مسعود ده نمکی از نگاه او به عنوان یک رزمنده نوجوان به دفاع مقدس است. این کتاب را مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر کرده و خاطرات مسعود ده نمکی از دوران کودکی تا پایان جنگ است. قرار است خاطرات وی از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و دوران روزنامه‌نگاری‌اش از شلمچه، صبح دوکوهه و دوران فیلمسازی وی در جلد‌های بعدی این کتاب عرضه شود.

«من و جنگ و آقا جون!»، «فرش قرمز از زمین تا بهشت»، «نیل و عصای موسی، ارونرود و عصای خمینی»، «شهید که بشم همه چی کوفت می‌شه!»، «یه ذره آدم باش!»، «تو تا حالا شهید شدی؟»، «در بستر بهشت!»، «رزمنده شعیده باز!»، «اخراجی‌ها و معراجی‌ها» و «مرد هم گاهی گریه می‌کنه!» عناوین ۱۰ فصل

«آدم باش» به قلم مسعود ده نمکی است که کارگردان اخراجی‌ها در این ۱۰ فصل خاطرات و زندگی خود از جنگ را به رشته تحریر درآورده و چای تلخ واقعیات جنگ را با کمی قند طنز به خورد مخاطب می‌دهد.

در پشت جلد این کتاب می‌خوانیم: «رزمه‌های شروع آتش‌بس در تاریخ ۲۶ مرداد به گوش رسید. اخبار رادیو مدام روی این تاریخ تاکید می‌کرد. بالاخره ۲۶ مرداد روز آتش‌بس فرارسید. چند وقت بعد از آن به مرور لشکرهای نیروهای خود را مرخص کردند و فقط گردان



مالک اشتر و یکی دو گردان دیگر مأمور شدند تا برای احتیاط به خطوط پدافندی جنوب اعزام شوند... گردان ما هم به همه نیروهایش تسویه حساب داد و آنها را مرخص کرد. چادرها را از اردوگاه کوزران جمع کردیم و از غرب کشور عازم بادگان دوکوهه شدیم. دوکوهه را هیچ وقت تا این حد غریب و تنها ندیده بودم. در ساختمان‌های خالی گردان‌ها قدم می‌زدم و به در و دیوار نگاه می‌کردم. بغض داشت خفه‌ام می‌کرد. چاره‌ای نبود. برای اینکه خفه نشوم، بلند زار زدم و شروع کردم به کوبیدن سرم به در و دیوار...»

در بخشی از خاطرات مسعود ده نمکی درباره اعزام به جبهه می‌خوانیم: «برای قطار تهران- اندیشک ساعت چهار و نیم بلیت داشتم. مسیر خانه تا میدان راه آهن را با هزار دلهره طی کردم. قبل از رسیدن به ایستگاه راه آهن برای اطمینان دوباره خوب نگاهی به داخل ساک انداختم. کتاب‌های درسی، دو سه تا زیر پیراهن و ضبط صوت کوچک واکمن با بلندگوهای زاپاسی، که با کش شلوار به ضبط صوت وصل کرده بودم، چند تا نوار کاست مداحی از حاج منصور و محسن طاهری و آهنگران. درست بود. چیزی جانمانده بود. یک بار دیگر با وسواس به داخل کیف پولم هم نگاهی کردم. بلیت، کارت جنگی و برگه اعزام انفرادی، همه بودند. بین همه این کارت‌ها و برگه‌ها نگاهم که به برگه اعزام انفرادی و مهر «اعزام مجدد» نقش بسته روی آن افتاد، خنده‌ام گرفت. در حالی که «خدایا! خودت خوب میدونی که من از نیروهای اعزام مجددی به جبهه نیستم و این اولین باریه که دارم اعزام می‌شم. قبول دارم که به مسئولان اعزام دروغ گفتم...»

پیشخوان جهانی



اکنون میست
به مقوله
جهانی سازی
پرداخته است



اکسپرس با
صفت شورشی
نیویورک را
توصیف کرده



ترامپ؛
دلک
هالووین؛
جلد جنجالی
نیویورکر

با حضور دکتر ابراهیمی، مدیرعامل بانک انصار

هشتمین مرحله قرعه کشی سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز بانک انصار برگزار شد



می‌گیرد و ثواب آن برای قرض دهنده غیرقابل برآورد و تخمین است.

وی گفت: «پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرمایند که هر کس قرض الحسنه به برادر مومن خود بدهد، با خدای خویش معامله کرده و انگار در جنگ احد و در کنار یاران رسول خدا به شهادت رسیده است.»

شایان ذکر است که اعلام اسامی برندگان این دوره از قرعه کشی که شامل ۱۰۰ جایزه هزار میلیون ریالی، ۱۰۸ کمک هزینه خرید خودروی داخلی هریک به ارزش ۲۵۰ میلیون ریال، ۱۱۸ کمک هزینه خرید صنایع دستی هریک به ارزش ۲۰ میلیون ریال، ۱۲۸ کمک هزینه سفر به عتبات عالیات هریک به ارزش ۱۰ میلیون ریال و ۳۳۷۱۳۸ جایزه نقدی هریک به ارزش ۲۰۰ میلیون ریال است، پس از انجام تشریفات لازم از نظر عدم مغایرت قانونی و تطبیق شرایط صاحبان سپرده‌ها با مقررات اعلام شده حداکثر تا تاریخ ۱۵ آبان ماه سال جاری از طریق سایت بانک انصار، رسانه‌های همگانی و کانال‌های ارتباطی بانک در شبکه‌های اجتماعی اطلاع‌رسانی می‌شود. ▶

و اصلاح رویه‌های اقتصادی به سود عدالت اجتماعی می‌شود، بلکه یک مولفه اطمینان‌بخش در حوزه ریسک مالی است که می‌توان آن را برکت فعالیت‌های خداپسندانه برشمرد.

مدیرعامل بانک انصار در پایان ضمن قدردانی از مدیران، کارکنان اینبارگر، خدوم و شهادی مدافع حرم این بانک، به ویژه شهید مختاریند، به طرح رضوان اشاره کرد و آن را یک مبنای عمل در حوزه قرض الحسنه و مدیریت مالی کشور دانست که بانک انصار آن را نه به عنوان ابزاری برای سودآوری، بلکه در راستای توسعه کسب و کار قرض الحسنه، برکت‌زایی اقتصاد، محرومیت‌زدایی و نهادینه‌سازی کسب سود غیرربوی و سرانجام عادت دادن مردم به کسب سود مشروع، مبتنی بر کارآفرینی می‌داند.

براساس این گزارش، پیش از سخنان دکتر ابراهیمی، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی شاهرودی رئیس دفتر امور فقهی این بانک طی سخنانی کوتاه با اشاره به روایات و احادیث، مساعدت به مومنان و دستگیری از مستمندان را یک فضیلت اخلاقی والا برشمرد که از طریق قرض الحسنه به بهترین وجه ممکن صورت

مراسم هشتمین مرحله قرعه کشی سپرده‌های قرض الحسنه پس انداز بانک انصار در روز سه‌شنبه ۲۵ مهرماه با حضور دکتر ابراهیمی مدیرعامل، آقای فروتن قائم مقام، معاونان، مدیران کل و جمع کثیری از مدیران و کارکنان بانک انصار و با نظارت نمایندگان دادستانی کل کشور و بانک مرکزی در سالن اجتماعات این بانک واقع در ساختمان مرکزی، برگزار و برندگان خوش شانس این مرحله مشخص شدند.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و تبلیغات، در این مراسم، دکتر ابراهیمی، مدیرعامل بانک انصار طی سخنانی با اشاره به جایگاه نظام بانکی در اقتصاد کشور، بار دیگر نرخ بالای بهره سپرده‌های بانکی و تسهیلات را یک معضل اساسی این نظام دانست که هم با ارزش‌های دینی و الهی مغایرت دارد و هم انگیزه لایه‌های مختلف جامعه، موسسات و شرکت‌ها را به تولید و کار از میان می‌برد.

دکتر ابراهیمی گفت: «سیستم بانکی بالاترین ارزش افزوده را در راستای توسعه بخش غیراقتصادی اقتصاد و تکثیر پول داراست و همین مولفه برای جلوگیری از توسعه راسپین اقتصاد کشور کافی است، در حالی که این سیستم باید با سیاست‌های بانک مرکزی در کاهش نرخ سود سپرده‌ها و رفع این معضل بزرگ همکاری تنگاتنگ داشته باشد.»

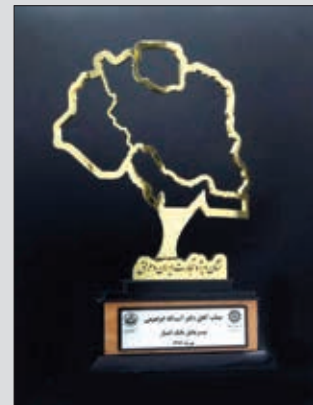
مدیرعامل بانک انصار در ادامه، سنت نیکوی قرض الحسنه را یک راه حل اساسی در اصلاح نظام بانکی دانست که در صورت حرکت همه‌جانبه و هماهنگ همه بانک‌ها و موسسات اعتباری به سمت آن، برکات بیشماری را برای شبکه بانکی و اقتصاد کشور به ارمغان خواهد آورد. وی افزود: «دستاوردهای معامله با خدا و اتکال به سنت‌های الهی جز موفقیت چیز دیگری نیست.

مسئولیت اجتماعی، حوزه ارزشی دیگری بود که دکتر ابراهیمی با پرداختن به آن باردیگر بانک انصار را متعهد به انجام آن دانست و با تأکید بر اینکه قرض الحسنه یکی از حوزه‌های برتر در این راستاست، تصریح کرد: «قرض الحسنه نه تنها موجب دستگیری از نیازمندان



پیرامون امکانات، انتظارات، قابلیت‌ها، مشکلات و راهبردهای توسعه مناسبات آغاز شد.

براساس این گزارش، در این همایش مهندس اوحدی در خصوص شرایط منطقه‌ای، اشتراکات دو کشور و ظرفیت‌های عمده همکاری در بخش‌های مختلف، برنامه‌های پیش‌بینی شده برای گسترش همکاری‌ها و برپایی نمایشگاه در بغداد به ارائه مطلب پرداخت و سپس دکتر نهاوندیان طی سخنانی با اشاره به ناکامی دولت‌های استکباری در شکست انقلاب اسلامی، هوشمندی مقامات ایرانی و عراقی را در شکست داعش، عاملی برای زمینه‌سازی جهت توسعه مناسبات بازرگانی و اقتصادی دو کشور دانست و ضمن قوی‌تر خواندن ایران و عراق نسبت به گذشته به بازشماری مولفه‌ها، زمینه‌ها و حوزه‌های توسعه همکاری‌های دو کشور پرداخت. در این همایش، همچنین معاون وزیر بازرگانی، معاون وزیر صنعت، مشاور ارشد نخست‌وزیر، مشاور عالی رئیس بانک مرکزی و سفیر عراق در ایران به ارائه دیدگاه خود پرداخته و برخی از ابعاد و زمینه‌های همکاری مشترک دو کشور ایران و عراق را تشریح کردند. این گزارش می‌افزاید که در این همایش، پل‌های توسعه تجارت، نفت و گاز، بازرگانی با عراق، روابط بانکی دو کشور و کارگاه‌های ثبت حقوقی کسب و کار و نقل و انتقالات و انواع خدمات پولی و اعتباری در سیستم بانکی و صرافی عراق برگزار شد و اعضای آنها به ارائه دیدگاه‌های تخصصی خود در حوزه‌های مربوط پرداختند. لازم به ذکر است که در پایان این همایش، نشان ویژه تجارت ایران و عراق به دکتر ابراهیمی مدیر عامل بانک انصار اهدا شد. ▶



با حمایت بانک انصار همایش بزرگ تجارت ایران و عراق برگزار شد

دکتر ابراهیمی مدیرعامل بانک انصار، سفرا و جمعی از معاونان و مشاوران امور صنعت، بانک و بازرگانی دو کشور در روزهای ۲۳ و ۲۴ مهرماه در سالن اجلاس سران برگزار شد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و تبلیغات، این همایش با هدف ایجاد نگاهی نو به مناسبات بازرگانی، صنعتی و بانکی و جست‌وجوی راهکارهای توسعه تعامل و داد و ستدهای دو کشور و با سخنان یحیی آل اسحاق

با حمایت بانک انصار، مشارکت اتاق مشترک بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و عراق، ستاد توسعه اقتصادی ایران و عراق و به همت دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، همایش بزرگ تجارت ایران و عراق با حضور دکتر نهاوندیان معاون اقتصادی رئیس‌جمهور، دکتر یحیی آل اسحاق رئیس اتاق مشترک بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و عراق، مهندس سعید اوحدی دبیر ستاد توسعه اقتصادی ایران و عراق،

با حمایت بانک انصار

نخستین همایش پایان هفته استارت‌آپ با محوریت تلفن همراه، برنامه‌ریزی و توسعه شهری برگزار شد



ارتباطی و اطلاعاتی، به ویژه، تلفن‌های همراه نقش برجسته‌ای در مدیریت اقتصاد شهری ایفا می‌کنند و در حوزه بانکداری نیز تلفن‌های همراه به شدت اثرگذار بوده‌اند. از این منظر، بانک انصار می‌کوشد تا همراه با توسعه کسب و کار بانکی خود به اتکای فناوری‌های اطلاعات به رشد فعالیت‌های مبتنی بر کاربرد این فناوری‌ها در حوزه اقتصاد و مدیریت شهری نیز یاری رساند. شایان ذکر است که پایان هفته استارت‌آپ (StartupWeekend) یک رویداد آموزشی-تجربی (Experiential Education) در سراسر دنیا است که در ۳ روز متوالی (در پایان هفته) برگزار می‌شود. در این برنامه، شرکت‌کنندگانی شامل برنامه‌نویسان، مدیران تجاری، علاقه‌مندان استارت‌آپ، بازاربانان و طراحان گرافیک گرد هم می‌آیند تا طی ۵۴ ساعت ایده‌هایشان را مطرح کنند، گروه تشکیل بدهند و هر گروه، ایده‌ای را اجرا کند. همچنین این رویداد از چهارشنبه ۲۶ مهرماه آغاز و در روز جمعه ۲۸ مهر (به مدت ۳ روز) پایان یافت. ▶

شرکت‌کنندگان در یک فضای مشترک با کمک مربیان خبره که از میان کارآفرینان موفق و متخصصین حوزه مدیریت شهری انتخاب شده بودند، در جهت تبدیل ایده‌های خود به کسب و کار موفق تلاش کردند. در بخش نمایشگاهی این رویداد نیز شرکت‌ها و کسب و کارهای جدید به منظور ایده‌دادن به فارغ‌التحصیلان برای یافتن جایگاه شایسته، تعامل و ارتباط با صنعت معرفی شدند.

براساس این گزارش، شهر هوشمند، خدمات مرتبط با مراکز و مجتمع‌های تجاری، گردشگری شهری و کارآفرینی، کارآفرینی در بافت فرسوده، اقتصاد شهری و خانواده‌ها، ترافیک و فرهنگ رانندگی، دستفروشی و سد معبر، مدیریت پسماند و تفکیک زباله (خشک و تر)، کارآفرینی اقشار آسیب‌دیده اجتماعی، زنان بدسرپرست و سرپرست خانوار از جمله موضوعات این هم‌اندیشی بودند. در نشست خبری این رویداد، آقای رضازاده معاون فناوری اطلاعات و ارتباطات بانک انصار نیز حضور داشت و طی گفت‌وگویی خاطرنشان کرد: «امروزه فناوری‌های

با حمایت بانک انصار، نخستین همایش پایان هفته استارت‌آپ با محوریت تلفن همراه، برنامه‌ریزی و توسعه شهری با همکاری ستاد توسعه فناوری‌های نرم و هویت‌ساز معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در مجتمع تجاری-فرهنگی کوروش برگزار شد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و تبلیغات، از آنجا که در سال‌های اخیر استفاده از فناوری‌های ICT برای راه‌اندازی کسب و کارهای مبتنی بر فناوری اطلاعات (استارت‌آپ) از دو منظر کاهش هزینه‌ها و تسهیل امور اجرایی و ایجاد اشتغال مورد استقبال دستگاه‌های دولتی و بخش خصوصی کشور قرار گرفته است، شهرداری منطقه ۵ این همایش را به منظور جست‌وجوی راه‌های تسهیل زندگی شهری و رشد اقتصادی و مدیریت همه‌جانبه شهرداری این منطقه و ایجاد فضای تعامل و گفت‌وگو میان ایده‌پردازان و سرمایه‌گذاران و تسریع روند تجاری‌سازی ایده‌ها برگزار کرد. این همایش در دو بخش پایان هفته استارت‌آپ و نمایشگاه برگزار شد. در بخش نخست



همایش بررسی عملکرد ۶ ماهه نخست شعب استان تهران برگزار شد

هواداری هستی‌م و به همین دلیل دارندگان این کارت‌ها با بالا بردن امتیاز خود می‌توانند از شانس بیشتری در جشنواره هواداری برخوردار باشند.

وی با بیان اینکه در این جشنواره دارندگان کارت‌های هواداری تا پایان دوره هفدهم لیگ برتر فوتبال فرصت دارند تا امتیاز خود را بالا ببرند، گفت: «دومین قرعه کشی ماهانه جشنواره هواداری اوایل آبان‌ماه برگزار می‌شود.»

شیرکوند با بیان اینکه حدود یک سوم از شعب موسسه اعتباری کوثر در استان تهران مستقر است، بیان داشت: «از ابتدای سال ۱۳۹۴ تا کنون، شعب استان تهران در راستای سیاست‌های دولت تدبیر و امید، نزدیک به ۳ هزار فقره وام ازدواج پرداخت کرده است.»

وی همچنین از درخشش کارکنان مدیریت شعب استان تهران در اولین المپیاد علمی بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی خبر داد و گفت: «موفقیت‌های به دست آمده در مدیریت شعب استان تهران ماحصل مدیریت جهادی، تکیه بر نیروهای متخصص جوان، با انگیزه و همت بالایی کارکنان متخصص است و یقین داریم که آینده از آن ماست.»

متخصص و با انگیزه داریم که برای ارائه خدمات به مشتریان به بهترین وجه آموزش دیده‌اند.»

شیرکوند با اشاره به برگزاری همایش یک روزه بررسی عملکرد ۶ ماهه شعب استان تهران افزود: «در این همایش یک روزه، فعالیت شعب استان تهران مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. هدف ما از برگزاری این همایش‌ها رسیدن به درک مشترک و قرار گرفتن در مسیر توسعه و پیشرفت است.» وی با بیان رشد ۱۰۸ درصدی صدور کارت‌های هواداری طی نیمه نخست سال جاری گفت: «در طرح کوثر کارت هواداری با افزایش نشاط اجتماعی می‌خواهیم خدمات بانکی متفاوتی از سایر بانک‌ها و موسسات ارائه دهیم.» مدیر شعب استان تهران موسسه اعتباری کوثر ادامه داد: «کارت هواداری طرح منحصر به فردی است که هیچ هزینه‌ای برای هواداران در بر ندارد و تا کنون در سراسر کشور ۱۶۰ هزار کارت هواداری صادر شده است.» شیرکوند خرید اینترنتی بلیت مسابقات فوتبال و دریافت خدمات از ۳۵۲ شعبه موسسه اعتباری کوثر در سراسر کشور را از جمله مزایای کوثر کارت هواداری عنوان کرد و افزود: «به دنبال ایجاد جذابیت برای کارت‌های

نشست خبری مدیر شعب استان تهران در حاشیه همایش عملکرد ۶ ماهه نخست شعب استان تهران برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی موسسه اعتباری کوثر، قاسم شیرکوند مدیر شعب استان تهران در این نشست خبری گفت: «از ابتدای سال ۹۵ تا کنون رشد چشمگیری در ارائه و توسعه خدمات الکترونیکی داشته‌ایم به نحوی که خدمات اینترنت بانک ۱۱۲ درصد و همراه بانک ۱۸۰ درصد رشد داشته است.»

توسعه چشمگیر خدمات الکترونیکی موسسه اعتباری کوثر در استان تهران

مدیر شعب استان تهران از گسترش خدمات الکترونیکی و ضریب نفوذ خدمات کوثر در بین آحاد مردم خبر داد و بیان داشت: «در سطح استان تهران ۲۰۰ دستگاه خودپرداز و هفت هزار دستگاه پایانه فروشگاهی (pos) فعال است.»

وی با اشاره به ۹۰ شعبه فعال موسسه کوثر در استان تهران گفت: «در استان تهران ۷۰۰ نفر نیروی جوان،

قطار پرشتاب تکنولوژی کسب و کارها را به پیش می‌راند

و همچنین استقبال روز افزون کاربران از آنها، توجه بسیاری از مشاغل را به خود جلب کرده و به همین دلیل ماهیت بسیاری از خدمات و محصولات مشتریان تغییر شکل خواهد داد، بنابراین از همین امروز باید به فکر بود، برنامه‌ریزی نمود.

قائم مقام مدیرعامل موسسه اعتباری کوثر اظهار داشت: جوانان پرشور، ناشاط، خلاق، نوآور، پژوهشگر و محقق موسسه اعتباری کوثر به این رسالت بیش از هر زمان دیگری واقف و آگاه هستند و آن را درک نموده و حاضر هستند با تلاش مضاعف و خستگی ناپذیر به دنبال خلاقیات و رشد و نوآوری باشند. امجدیان مدیر مرکز تحول استراتژیک موسسه اعتباری کوثر نیز گفت: شتاب‌دهی به رشد و نوآوری در موسسه، تعیین مسیر برای انعکاس ایده‌های نوآورانه و محصولات متنوع از اهداف برگزاری نخستین جلسه مجازی رشد و نوآوری کارکنان کوثر می‌باشد.

وی افزود: در حال حاضر بیش از ۲۴۵۰۰ شعبه از ۴۲ بانک ایرانی و خارجی در کشور فعال است که با ظهور تکنولوژی، ابزار و خدمات نوین بانکی، بانکداری فیزیکی جای خود را به بانکداری دیجیتال خواهد داد.

مدیر مرکز تحول استراتژیک موسسه اعتباری کوثر با بیان ویژگی‌ها و نقش بانکداری دیجیتال در کسب و کارهای نوین بیان داشت: شعب بانک‌ها فقط تنها نقطه تماس فیزیکی مشتری با بانک است و باید مطابق با نیاز مشتری، خود را به روز نماید لذا تعداد شعب و پرسنل در مسیر تحولات نظام بانکی دستخوش تغییراتی خواهد شد که باید برای چنین موقعیتی برنامه‌ریزی و استراتژی داشت. ▶



نخستین جلسه مجازی رشد و نوآوری کارکنان موسسه اعتباری کوثر با حضور جواد فهیمی پور قائم مقام مدیرعامل و مصطفی امجدیان مدیر مرکز تحول استراتژیک به صورت آنلاین برگزار شد. به گزارش روابط عمومی موسسه اعتباری کوثر؛ در نخستین جلسه مجازی رشد و نوآوری، ۱۱۰ نفر از کارکنان مباحث مطرح شده قائم مقام مدیرعامل و مدیر مرکز تحول استراتژیک را از طریق نرم افزار لحظه نگار به صورت آنلاین دنبال نمودند.

عضو هیئت مدیره موسسه اعتباری کوثر افزود: با توجه به تغییرات شگرفی که در سیستم دریافت و پرداخت، انسداد حساب، دریافت خدمات و بسیاری از موارد دیگر به وجود آمده است، دیگر مشتریان نیازی به حضور در شعبه و انجام فعالیت‌های بانکی ندارند و تنها با استفاده از خدمات اینترنتی و آنلاین می‌توانند بسیاری از خدمات بانکی را دریافت نمایند که این نوع ارائه خدمات نوین بانکی افق روشنی را در مقابل دیدگان صاحب مشاغل پیش روی آنها قرار داده است.

فهیمی پور با تأکید بر اهمیت تکنولوژی و استفاده از ابزارهای نوین بیان داشت: کسب و کارهایی که نتوانند خود را با ابزارهای روز و شیوه‌های جانی بازار هماهنگ کنند، به شدت از غافله کسب و کار عقب می‌مانند و از این قطار پرشتاب به بیرون پرتاب می‌شوند و شاید دیگر هیچ وقت نتوانند فاصله خود را با سیستم‌های پیشرو و نوآور کم کنند و خود را دوباره به این قطار برسانند.

وی بیان داشت: با ظهور پدیده‌هایی نظیر بانکداری مجازی، تجارت و کسب و کار الکترونیکی که روش‌های کارآمد در زمینه افزایش معاملات و برقراری ارتباط با مشتریان هستند

کلیدهای گفتن و شنیدن با کودکان و نوجوانان

نام مؤلف: آدل فابر، الین مازلیش / مترجم: زهرا جعفری

ناشر: مؤسسه انتشارات صابرین

تعداد صفحات: ۲۷۳



پیش از تألیف این کتاب، خانم فابر و خانم مازلیش در حوزه ارتباط میان بزرگسالان و کودکان، فعالیت‌های بسیاری داشته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به کارگاه‌هایی اشاره کرد که ویدئوهای آن‌ها هزاران مخاطب داشته است. طبیعتاً مخاطب برنامه‌های او، در درجه‌ی نخست، والدین و معلمان هستند که برقرار ساختن یک ارتباط سالم با کودکان و نوجوانان، بیش از هر چیز دیگر، برایشان از اهمیت برخوردار است. این کتاب، حاصل سال‌ها کار و تجربه حرفه‌ای این دو نویسنده است و می‌تواند در خصوص درگیری‌های والدین با فرزندانشان، برای آن‌ها بسیار راهگشا باشد. پدر و مادرهایی که در میان حجم انبوه اطلاعات در دنیای امروز، گاهی سردرگم می‌شوند؛ این کتاب از مجموعه کتاب‌های «کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان» است که مخاطب اصلی آن‌ها والدین هستند و سعی دارند تا یک سلسله راهبردهای عملیاتی را در اختیار پدر و مادرهای امروزی قرار دهد.

مؤسسه انتشارات صابرین کتاب حاضر را با عنوان «کلیدهای گفتن و شنیدن با کودکان و نوجوانان» به چاپ رسانیده؛ اما این کتاب، پیش از این هم با عنوان‌هایی مانند «به بچه‌ها گفتن، از بچه‌ها شنیدن» و «چگونه به کودکمان گوش کنیم و چگونه با او صحبت کنیم؟» توسط ناشران دیگری به چاپ رسیده بود.

این کتاب شامل هفت فصل است که در فصل اول، بحث کنار آمدن کودک با احساساتش مطرح می‌شود. در این فصل احساسات مختلف کودک، اعم از خشم، ترس و ... و نحوه‌ی مقابله‌ی با آن، بررسی می‌شود. از فصل دوم تا ششم، به ترتیب، مباحث مربوط به جلب همکاری، جایگزین‌های تنبیه، تشویق به استقلال، تحسین و تمجید، و آزاد کردن کودکان از نقش بازی کردن، طرح‌شده و به‌صورت بسیار کاربردی، با مثال‌ها و تمرین‌های متنوع، راهکارهایی در این زمینه‌ها ارائه می‌شود. در نهایت، در فصل هفتم، مؤلفان به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و بیان اهداف خود از این کتاب، می‌پردازند.





عصر طلایی دایناسورها

نام مؤلف: عرفان خسروی

ناشر: نشر طلایی

تعداد صفحات: ۶۴



کتاب «عصر طلایی دایناسورها»، یک دانشنامه تصویری و مختصر در مورد موجودات درشت هیكلی است که سال‌ها پیش در زمین زندگی می‌کردند: دایناسورها! بعد از آنکه نویسنده کتاب، عرفان خسروی، کتاب «فرهنگ‌نامه دایناسورها» را نوشت و با استقبال گسترده مخاطبان روبه‌رو شد، این استقبال او را تشویق کرد تا کتاب حاضر را بنویسد.

این کتاب، روی حس کنجکاوی کودکان و نوجوانان حساب ویژه‌ای باز کرده است و مخاطبان اصلی کتاب را نوجوانان تشکیل می‌دهند؛ گواه این مطلب، مقدمه‌ای است که خود نویسنده در ابتدای کتاب نگاشته است. به‌علاوه، فضای تصویری و نقاشی‌مانند کتاب، تابلوهای رنگارنگی از زندگی دایناسورها را در برابر چشمان تصویرخواه مخاطب قرار می‌دهد و مهر تأییدی است بر اینکه این کتاب برای نوجوانان پرسشگر و کنجکاو نوشته شده است. نکته جالب برای دایناسورها که ذهن مخاطب را قلقلک می‌دهد، دیدن تصاویر این موجودات است و این کتاب با آگاهی صحیح از این نیاز، به صرف نوشته اکتفا نکرده و بیشتر تصویرمحور بوده است.

روزآمدی، واژه‌نامه، حمایت از محیط‌زیست و آشناسازی مخاطب با روش علمی از ویژگی‌های کتاب است. در انتهای کتاب نیز نقشه جامع زندگی دایناسورها و خلاصه آنچه در کتاب است، به‌صورت مختصر برای مخاطب بازعرضه می‌شود.

